

# پیشگفتار

# انجیل یوحنا

## ترکیب و ساختار انجیل

در اینکه مؤلف در نوشتن انجیل چه طرحی داشته و جزئیات آن چه بوده نمی‌توان به طور دقیق مطمئن بود. البته وی بیشتر وقایع را کاملاً متمایز و جدا از یکدیگر روایت می‌کند ولی معلوم نیست این وقایع را به چه ترتیب و توالی ذکر کرده و بر مبنای چه معیارهایی است. این مسئله بدان سبب دقیق و حساس است که برطبق یک نظریه، بخش هائی از آن به هنگام انتشار انجیل جایجا شده‌اند. مثلاً می‌توان باب پنجم را بین آیات ۱۵:۷ و ۱۶:۷ جای داد و با این تغییر، ترتیب قرار گرفتن مطالب از نظر جغرافیایی منظم و یکنواخت خواهد شد، بدین معنی که پس از اقامات در جلیل فعالیت طولانی در اورشلیم قرار خواهد گرفت (۴۳:۴ و ۵۴:۶ و ۱۳:۷-۱:۶).

بعضی از منتقدان در مورد این فرضیه فراتر رفته و تصور می‌کنند تعداد زیادی از مطالب جایجا شده و ترکیب و ساختار دیگری برای انجیل پیشنهاد می‌نمایند.

با این همه باید قبول کرد که این نظریه‌ها در روایات متون نقطه اتفاقی ندارند. به علاوه در این نظریه‌ها قوانین قابل انعطاف روایات شفاهی منظور نشده و به موضوع انشای زبان عبری که با روش منطق ما تطبیق نمی‌کند توجه نشده است.

## یک انجیل

انجیل یوحنا بر طبق یکی از سنتهای بزرگ مسیحیان اولیه، روایتگر و قایعی است از ایام یحیی تعمید دهنده تا روزی که خداوند یسوع به شکوه پدر گذر نمود (اع ۲۱:۲۲-۱:۲۲). این اثر به عنوان یک شهادت معرفی شده و مسلمًا یوحنا می‌خواسته انجیلی واقعی بنویسد. مؤلف پس از مقدمه‌ای رسمی و مجلل در باب الهیات (۱:۱-۱:۱۸)، در قسمت اول به بیان وقایع و آموزه‌های مربوط به آن وقایع می‌پردازد (۱:۱۹-۱۲:۵۰) و در قسمت دوم وقایع مربوط به مصائب و مصلوب شدن و ظاهر شدن‌های مسیح برخاسته از مرگ را مفصلًاً روایت می‌نماید (۱:۱۳-۱:۲۱-۲:۲۵). یوحنا به طوری که در نتیجه گیری کوتاهی توضیح می‌دهد (۲۰:۳۰-۳۱)، بعضی از نشانه‌ها را انتخاب کرده و اهمیت و معنی آنها را یادآوری کرده است تا مسیحیانی که انجیل به آنان خطاب شده ایمان خود به یسوع مسیح پسر خدا را عمیق تر کرده و بدین گونه مشارکت با خدا را در زندگی خود توسعه دهند. یوحنا برای انجام این کار ضروری دیده که در مقابل انحرافات مختلفی که مسیحیت دوران او را تهدید می‌کرد موضع گرفته و از آن دفاع نماید.

تمام این نظریات جالب به نظر می‌رسند و گاهی ماهرانه و ظریف هستند ولی به ندرت می‌توان نظریه‌ای یافت که کاملاً و از هر حیث رضایت بخش باشد. اصولاً مسلم نیست که یوحنا در انشاء اثر خود از قواعد معینی پیروی کرده باشد یا حتی به طور قطعی انشاء اثر خود را به پایان رسانده باشد. به نظر ما انجیل چهارم حاوی قسمتهایی است که وقایع و آموزش‌هایی را یکی پس از دیگری ذکر می‌کند و گرچه بر مبنای طرحی دقیق نیست با این همه موضوع برخورد تدریجی یسوع و «دنیا» را توضیح داده و تشریح می‌نماید و از سوی دیگر پیشرفت آگاهی و معرفت ایمانداران را که امری دشوار است بدواند در جلیل و سپس در اورشلیم روایت می‌کند.

### ارتباط با انجیل نظیر

گرچه یوحنا در نظر دارد به طور کلی یک انجیل بنویسد با این همه اثر وی از بسیاری جهات متمایز از انجیل نظیر است؛ در ابتدا تفاوت‌هایی که از نظر جغرافیایی و ترتیب و توالی وقوع حوادث وجود دارد موجب حیرت می‌شود. در انجیل نظیر در ابتدا از دورانی طولانی در جلیل یاد شده، سپس یک راهپیمایی کم و بیش طولانی به سوی یهودیه و بالآخره اقامتی کوتاه در اورشلیم آمده است؛ در صورتی که در انجیل یوحنا تغییر مکانهای متعددی از یک منطقه به منطقه دیگر روایت شده و سپس حضوری دراز مدت در منطقه یهودیه و مخصوصاً در اورشلیم آمده است (۱۹:۱-۵؛ ۲۰:۲۰-۲۱؛ ۴۷:۱-۵؛ ۳۶:۳-۱۳:۲). یوحنا از چندین بار برگزاری عید گذر یاد می‌کند (۱۳:۲؛ ۱۱:۶؛ ۵:۱؛ ۵:۱۱) و بدین سان نشان می‌دهد که رسالت یسوع بیش از دو سال بوده است.

برای کسانی که ترتیب و توالی کنونی مطالب کتاب را می‌پذیرند ترکیب و ساختار انجیل را به طرق مختلفی می‌توان توضیح داد ولی در هر صورت تقریباً پذیرفته شده است که انجیل به دو بخش تقسیم می‌شود و قبل از این دو بخش پیشگفتاری آمده است. ضمناً با توجه به مشخصات جغرافیایی یا ترتیب و توالی وقایع یا تکرار بعضی طرحهای ادبی (روایت - گفتار) به آسانی می‌توان تشخیص داد که متون مجازی متعددی وجود دارد. ولی این متون به چه ترتیبی نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ به نظر بعضی از نویسندهای این انجیل بر مبنای طرحی معین و منطقی تنظیم شده و نظریات مهم الهیاتی به شیوه منظمی تشریح گشته است (روشنایی، زندگی، شکوه). کسان دیگری در این کتاب مراحل برخورد و رویاروئی تدریجی مسیح با «دنیا» را می‌بینند و آن را همچون نمایشنامه‌ای غم انگیز یا محاکمه‌ای می‌دانند که در جریان وقایع عید گذر به پایان می‌رسد. طرحهای دیگری پیشنهاد شده که بر مبنای موضوعات مربوطه است. طرفداران این طرحها نمی‌پذیرند که در انجیل یوحنا مجموعه‌ای با ترکیب منطقی و دقیق وجود داشته باشد بلکه به نظر آنان این کتاب نوعی نوشته ادبی است که یادآور تغییرات آهنگ موسیقی است. به طوری که نشان داده شده برخی فنون ادبی زبان سامی نظیر «ادحال» در این اثر بکار رفته است. بسیاری از داشمندان اهمیت بعضی اعداد و جنبه‌های نمادین آنها را یادآوری کرده و طرحهایی بر مبنای اعداد سه و هفت ارائه داده‌اند. بالآخره برخی ادعای کرده‌اند که جریان وقایع با آنچه در سفر خروج آمده تطبیق می‌کند و بعضی از محققان فرضیه‌ای پیشنهاد کرده‌اند که بر طبق آن انجیل یوحنا تقلید و اقتباس از نوشته‌هایی است که در کیسه‌های قدیم قرائت می‌شد.

این انجیل با اناجیل نظری تفاوت بسیار دارد: اصطلاح «ملکوت خدا» فقط یک بار بکار برده رفته است (۳:۵-۳:۵): یوحنا ترجیح می‌دهد در زندگی و از زندگی جاودان سخن بگوید و موضوعاتی از قبیل دنیا، نور و ظلمت، حقیقت و دروغ، شکوه خدا و شکوه ناشی از انسانها را دوست دارد.

گرچه مطالبی در روایات اناجیل نظری هست که در انجیل چهارم وجود ندارد اما در عوض حاوی اطلاعات جدیدی است: نشانهٔ قانا (۲:۱۱-۱:۱۱)، گفتگو با نیقودیموس (۳:۱-۱:۱۱)، گفتگو با زن سامری (۴:۵-۵:۴)، رستاخیز ایلعازر و نتایج آن (۱۳:۱-۱۱:۵۷)، شستشوی پاها (۱۹:۱-۱۹:۱۱) و نکات مختلفی در روایت مصائب و مصلوب شدن رستاخیز یسوع. همچنین ملاحظه می‌شود که برای رستاخیز یسوع. همچنین ملاحظه می‌شود که برای روش شدن وقایع ذکر شده خطابه‌ها و گفتگوهای طولانی آمده است از جمله گفتگو و خطابه مهم نهایی پس از شام آخر (۱۳:۳۱-۱۷:۲۶) که به استقبال دوران کلیسا می‌رود.

اکنون این سوال پیش می‌آید که یوحنا تا چه اندازه با اناجیل نظری آشنا بی‌داشته است؟ تعداد زیادی از مفسران تصور کرده‌اند که از آنها آگاهی نداشته و فقط روایات مربوط به خداوند را می‌شناخته است چنان‌که اناجیل نظری‌هم به نوبه خود به آنها اشاره و مراجعه کرده‌اند، با این‌همه بین اناجیل چنان ارتباط واضح و روشنی وجود دارد که کاملاً محتمل است یوحنا با انجیل مرقس و مخصوصاً انجیل لوقا آشنا بی‌داشته ولی در مورد انجیل متی موضوع کاملاً روشن نیست.<sup>۱</sup> به

همچنین تفاوت‌هایی از نظر شیوهٔ نگارش و طرز انشاء مشاهده می‌شود: در انجیل نظری اکثرًا متنی مختصر، نکات و گزیده‌هایی از حکمت و اندرز یا روایاتی از معجزه‌ها وجود دارد که حاوی اظهارات کوتاهی می‌باشد در صورتی که یوحنا تعداد محدودی از وقایع یا نشانه‌ها را ذکر کرده و اکثرًا آنها را با گفتگوها و خطابه‌هایی روش نموده است و در انجام این امر گاهی به لحظاتی دقیق و هیجان‌آور می‌رسد.

همچنین از ویژگی‌های یوحنا آن است که مطالب بدیع و شگفت‌انگیز بکار می‌برد. البته بسیاری از وقایعی را که اناجیل نظری روایت کرده‌اند ذکر می‌کند، نظری فعالیت یوحنا تعمید دهنده، تعمید یسوع در رودخانه اردن و فراخواندن نخستین شاگردان (۱:۱۹-۱:۵۱): متن مربوط به بیرون کردن سوداگران از معبد (۲:۲-۲:۱۳)؛ شفای پسر یکی از افسران (۴:۳-۴:۵)؛ شفای یک مفلوج (۵:۱-۵:۱۵)؛ شفای یک نایبنا (۹:۱-۹:۱۵)؛ تکثیر نانها در کنار دریاچه و راه رفتن بر روی آب (۶:۱-۶:۲۱)؛ مباحثه و مجادله در اورشلیم (۷:۸-۷:۱۰)؛ تدهین در بیت عنیا و جریان وقایع عید گذر (۱۲:۱-۱۲:۲۱). ولی چنین به نظر می‌رسد که مطالب دیگری از روایات اناجیل نظری در اینجا وجود ندارد مثل وسوسه در صحراء، تجلی مسیح، روایت مربوط به بنیان‌گذاری راز قربانی مقدس، اندوه یسوع در جتسيمانی، روایات متعددی دربارهٔ معجزات و بسیاری از تعالیم (از خطابه‌روی کوه و اکثر مثل‌ها گرفته تا خطابه دربارهٔ پایان روزگار).<sup>۲</sup> همچنین لحن و زبان در

۱- یافتن نکات و مواردی که در مجموعهٔ انجیل یوحنا با این مطالب تطبیق کند کار دشواری نیست مثلاً وسوسه از «دنیا» می‌آید، تجلی در تمام لحظات و مخصوصاً در رستاخیز مسیح وجود دارد. در مورد اندوه ر. ک ۱۲:۷-۱۲:۷؛ در مورد راز قربانی مقدس ر. ک ۶:۶-۶:۱۰. ر. ک ۱۲:۷-۱۲:۷.

۲- یو ۱:۲-۱:۸ و مر ۶:۷-۶:۱۱؛ یو ۳:۱۴-۳:۳۷ و مر ۳:۱۴-۳:۳۷؛ یو ۴:۳-۴:۴ و لو ۷:۳۶-۷:۴۴؛ یو ۲:۱۳-۲:۲۷ و لو ۳:۲۲-۳:۲۳؛ یو ۱۱:۱۱-۱۱:۱۸ و مت ۲۶:۲۶-۲۶:۵۲؛ یو ۲۰:۲۰-۲۰:۱۵ و مت ۲۴-۲۴:۲۵؛ یو ۱۰:۱۰-۱۰:۲۲ و لو ۳:۳۸-۳:۳۸؛ یو ۱۸:۱۸-۱۸:۱۳ و مت ۲۶:۲۶-۲۶:۳۴.

آرامی وجود ندارد و در ضمن از شیوهٔ نگارش و نکات ادبی که در آن بکار رفته می‌توان نتیجه گرفت که انشای آن یکدست می‌باشد. نکات بسیاری نشان می‌دهد این نویسنده که به زبان یونانی می‌نویسد اصلاً سامی نژاد است یا اینکه ترجمه یونانی عهد عتیق (هفتاد تنان) بر او اثر گذاشته است. البته ممکن است از منابع مخصوصی به ویژه از مجموعهٔ روایات معجزات استفاده کرده باشد ولی آنها را نیز به مانند روایات انجیل نظیر آزادانه و بدون تکلف بسط و توضیح داده است. لازم به یادآوری است که یوحنا وابسته به محافل مسیحی بوده و در بعضی موارد از عبارات و اصطلاحات آیین نیایش و متون موعظه‌های مذهبی استفاده می‌کند، مثلاً چنین می‌نماید که کهن ترین قسمت مقدمه این انجیل از سروید گرفته شده که یادآور نامه‌های دوران اسارت یا نامه‌های رسولی است و گفتار مربوط به نان زندگی طبق گفთارهای مذهبی کاهنان یهود تنظیم گشته است.

### محیط اندیشه

هر اندیشه‌ای از طریق زبان بیان می‌شود و به محیط‌های فرهنگی بستگی دارد. در بیان هر اندیشه‌ای کلمات و مقولاتی بکار می‌رود که انکاسی از نظریات و اشتغال خاطر مردمان آن محیط است. هرگاه اندیشه‌ای تازه و بدیع باشد بیان آن مستلزم ایجاد روابطی جدید بین کلمات و مطالب است و باید به وسیلهٔ مصالحی که از جاهای دیگر به عاریت گرفته می‌شود مطالب تازه‌ای اظهار گردد. کتاب مقدس از این قوانین مستثنی نیست. بنابراین ریشه سخنان و طرز بیان یوحنا را باید در تمدن و فرهنگهای مختلفی جستجو کرد که در نواحی شرقی امپراتوری روم در کنار یکدیگر

هر صورت می‌توان گفت که یوحنا به خوبی می‌دانست مخاطبانش از روایات مهم انجیل نظیر اطلاع دارند.

یوحنا سعی می‌کند مجددًا این روایات را ذکر کرده آنها را با اطمینان و آزادی بیشتر از نویسنده‌گان قبلی توضیح دهد و تشریح نماید. به نظر او امانت در آن است که اهمیت و ارزش وقایع نجات را که در یسوع انجام می‌شود عمیقاً درک نمود و بیان کرد و شاید بتوان گفت چنین امانتی آفریننده است.

### مسائل مربوط به نگارش

آیا عدم وابستگی انجیل یوحنا به روایات انجیل نظیر به معنی استفاده از منابع دیگری است؟ آیا این کتاب از نظر ادبی اثری یکپارچه و یکدست است یا اینکه در نگارش آن از مدارک مختلفی استفاده شده است؟

و قبل از هرچیز این سوال پیش می‌آید که اولین بار به چه زبانی نوشته شده است؟ در این انجیل اصطلاحات متعددی وجود دارد که مختص زبان آرامی است لذا بسیاری از دانشمندان از این فرضیه طرفداری می‌کنند که نسخه اصلی به زبان آرامی بوده و سپس به یونانی ترجمه شده است؛ دانشمندان دیگری چنین پنداشته‌اند که نویسنده یونانی از برخی متون که به زبان آرامی بوده استفاده کرده است ولی با بررسی‌های دقیق تر این فرضیه‌ها کنار گذاشته شدند. انجیل یوحنا از نظر ادبی اثری یکدست و یکپارچه است و مستقیماً به زبان یونانی کم‌مایه ولی صحیح و به قاعده نوشته شده است، با این همه خواننده را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد و این از مختصات انجیل چهارم است. در این کتاب مخصوصاً کلمات و جناس‌هایی بکار برده شده که معادل آنها در زبان

«پسر تن گرفته» در ایمان است. حتی موقعی که همان کلمات بکار می‌رود معانی آنها تغییر می‌کند: مثلاً کلمه لوگوس که یوحنا ذکر می‌کند مخلوق واسطه‌ای بین خدا و جهان نیست بلکه پسر ازلی است که در عمل خدا شراکت کامل دارد.

در آغاز قرن اخیر که اشکال رایج زندگی فلسفی و مذهبی شناخته شد و دریافتند که در آن دوران تا حدی تمایل به ایجاد وحدت بین عقاید و ادیان وجود داشته شبهات‌های دیگری در عبارات و بیان انجیل ملاحظه نمودند. بعضی چنین نتیجه می‌گرفتند که انجیل یوحنا اقدامی گسترده برای انطباق دادن مسیحیت با سایر ادیان است بدین معنی که نظریات مکافشه‌ای و یهودی از آن حذف شده و به صورت عقیده‌ای عرفانی و شخصی تغییر یافته است.

ب) تأثیر و نفوذ یهودیت: ولی دیری نپایید که متوجه شدن انجیل چهارم در عهد عتیق و یهودیت ریشه دارد زیرا شیوه نگارش و تعداد زیاد ترکیب عبارات سامی موجب شده بود تصور کنند که این انجیل در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده است. از سوی دیگر یادآوری و تأکید شده که در این انجیل اشاره به عهد عتیق اهمیت فراوانی دارد. گرچه یوحنا به ندرت صریحاً از عهد عتیق نقل قول می‌کند و گرچه در پی آن است که نظام کهن را از نظام نوین کاملاً جدا و متمایز سازد با این همه عبارات و اصطلاحات متعددی را از عهد عتیق بکار می‌برد مخصوصاً موضوعات ادبی که در نوشته‌های حکمت عهد عتیق آمده است نظری آب، مائدۀ آسمانی، من، شبان، درخت مو و معبد، چنانکه گویی یوحنا به موضوعات مذکور کاملاً آشنا بوده و مفاهیم مختلف آنها را می‌دانسته است

قرار داشته‌اند و انجیل در میان آنها به رشته تحریر درآمده است.

به نظر دانشمندان موارد تماس و ارتباط این انجیل با فرهنگ‌های مختلف خیلی زیاد و متنوع هستند. در ابتدا تأثیر تمدن و فرهنگ یونانی و سپس روابط فراوانی که با عهد عتیق و محافل مختلف دارد مشخص شده و حتی دریافتۀ اند که ارتباط‌هایی با جریان‌های فکری گنوosi<sup>۳</sup> وجود دارد.

(الف) نفوذ تمدن یونانی: مسلم است که انجیل یوحنا بیشتر از انجیل نظری با فرهنگ یونانی که در خاورمیانه نفوذ کرده بود در ارتباط است. ابراز علاقه به موضوعات مربوط به شناخت حقیقت، بکار بردن عنوان یونانی Logos (سخن) و مخصوصاً کاربرد فراوان تمثیل، تحقیقات دانشمندان را در این طریق هدایت می‌کند. در این مورد مخصوصاً باید از فیلون اهل اسکندریه باد کرد که در قرن اول میلادی به وسیله اقدامات وسیع و گسترده‌ای سعی کرده بود میراث مذهبی یهود را با تمدن و فرهنگ یونانی هماهنگ سازد. وی هر چند در آثار خود موضوع لوگوس را به طور مبهم ذکر نموده ولی جایگاه مهمی برای آن قائل شده است و این نکته نفوذ تمدن و فرهنگ یونانی را تأیید می‌کند. ظاهرآ چنین به نظر می‌رسد که افکار فیلون در محافل یهودیان خارج از فلسطین (مهاجران یهودی) رواج داشته و موجب ایجاد سبکی در تحقیق و زندگی شده بود ولی دیدگاه کلی کاملاً متفاوت است، بدین معنی که در نوشته‌های یوحنا مدارج شناخت علوم و اندیشه‌های فلسفی منتهی به معرفت «هستی» وجود ندارد: به نظر او موضوع اصلی شناختن

<sup>۳</sup>- نهضت‌های مذهبی که بین قرن اول پیش از میلاد و قرن چهارم میلادی شیوع داشت و نجات را از شناخت و معرفت اسرار الهی می‌دانستند و منکر ارزش‌های دنیوی بودند.

روحیه مکاشفه‌ای بعضی مدارک قمران بدور است مقررات شدید شرعی را که در آن جماعت رعایت می‌کردند نمی‌پذیرد. نقش یسوع به کلی غیر از نقش «استاد عدالت» یا دو مسیح موعود فرقه قمران است. البته می‌توان مطابقت هایی در عبارات و هدفهای آنان پیدا کرد ولی مجموعه گرایشهای این جماعت‌ها اصولاً متفاوت است.

(ج) افکار گنوosi: از دو قرن پیش به این طرف سعی شده که موقعیت انجیل را نسبت به جریان افکار گنوosi تعیین کنند. می‌دانیم که نظریات گنوosi‌ها به طور کلی به صورت آموزشی پنهانی ارائه می‌شد که پیروان خود را پس از چند دوره تصفیه، از طریق معرفت به حقایق مذهبی یا به وسیله خلصه به سوی نجات و رستگاری رهبری می‌کردند و در این عقاید نسبت به حقایق مادی و نفسانی نوعی نفرت واقعی تلقین شده و آنها را شرّ مطلق بشمار می‌آوردن. از طریق متونی که پس از قرن اول میلادی نوشته شده با گرایشهای گنوosi‌ها آشنایی داریم. این متون در اوضاع و احوالی نوشته شده که تحت نفوذ تمدن یونانی و کماپیش تحت تأثیر شرقیان بوده یا در محیطی مسیحی نگارش یافته است. ضمناً می‌توان تصویر کرد که بعضی از روایات گنوosi که مربوط به دوران قدیم تری است با انجیل چهارم تلاقی داشته‌اند.

بررسی این مسئله بدان سبب حساس و دقیق است که منابع مربوطه خیلی نادر بوده و در تاریخهای بعدتری نوشته شده‌اند. چنانچه تسلیم تصور و خیال نشویم و بر مبنای مدارکی که بعدها نوشته شده قواعد و اصول گنوosi را در نظر بگیریم که بیشتر مخالف مذهبی قرن اول میلادی را در بر می‌گرفته بایستی فقط بر رسالات شاخص «مجموعه قوانین رهبانی» تکیه نماییم. دو تا از

ولی آنها را به طریق شخصی و به نحو بدیعی بکار برده است.

وانگهی متوجه شده‌اند که موارد ارتباط متعددی با یهودیت دوران انجیل نگار وجود دارد (نوع استدلال، روش انشا، اطلاعات و کلماتی که در آن زمان در محافای کاهنان یهود رایج بود). حتی بعضی‌ها تصور کرده‌اند که در این انجیل

اشاراتی از آیین نیایش یهود وجود دارد یا از آن به عاریت گرفته شده است. آنچه مسلم است یوحنا کاملاً در جریان رسوم و عادات و افکار یهودیان فلسطین قرن اول میلادی بوده ولی به اختلافات عمیقی که آن را از مسیحیت جدا می‌کند کاملاً آگاه است. این جدائی عملاً انجام شده بود (ر.ک ۴۲:۹؛ ۲۲:۱۲) و یوحنا که از دنیا می‌متشرعاً یهود و آداب نیایش مربوطه کاملاً فاصله گرفته بود نواوری و تعالی دنیای تن‌گیری پسر خدا را روشن می‌کند.

مدارک قمران که پنجاه سال پیش کشف شده ما را با محیط یهودیان دیگری آشنا می‌کند که با انجیل چهارم قرابت‌هایی دارد. مثلاً مشاهده می‌شود که در زمینه‌های مذهبی و اخلاقی در هر دو طرف نوعی دوگانگی عوامل وجود دارد که در تقابل نور با ظلمت و حقیقت با دروغ بیان می‌شود. هر دو طرف معتقدند که جماعت آنها آغازگر ایام آخر هستند و کوشش دارند معنی مکتوم قرائتی را که در عهد عتیق آمده در ک و کشف نمایند. چه در انجیل یوحنا و چه در اسناد قمران اهمیت زیادی برای «استاد آموزه» قائل شده و در مورد نقش روح حقیقت یا تسلی دهنده تأکید می‌کنند.

ولی در کنار این نکات مشترک، اختلافات متعددی نیز بین دو جماعت وجود دارد و جوّ محیط کاملاً متفاوت است. یوحنا به همان گونه که از

خود می‌زیسته، احتمالاً در یکی از شهرهای بزرگی که در آنجا افکار یونانی با تصوف و عرفان شرقی برخورد و تلاقی داشته و حتی یهودیت هم تغییر یافته و نفوذ خارجی را پذیرفته بود. با این همه نباید اصالت و نوآوری عمیق افکار اورا نادیده گرفت. زیرا اندیشه او به زندگی و گفتارهای جماعتی که بدانها تعلق داشت وابسته است. وی قبل از هرجیز به واقعیت اساسی و بنیادی مسیحیت اشاره می‌کند و از اصطلاحات و مطالبی که در ابتداء برای بیان الهیات مسیحی بکار می‌رفته استفاده می‌نماید. ضمناً ملاحظه شده که بعضی از نکاتی که وی ذکر کرده شبیه نوشته‌های پولس است مخصوصاً نامه‌هایی که وی در زندان نوشته و مدارکی که طبق روایات مربوط به افسس می‌باشد؛ همچنین یوحنا با متون مختلف آیین نیایشی آشنا است.

با این همه و با اینکه انجیل نگار در محیط مسیحیت آن دوران ریشه دارد مانع از آن نبوده که اثری شگفت‌انگیز و بدیع بوجود آورد که پخته و سنجیده و کاملاً مستقل از جریانهای فکری مختلفی باشد که بدانها برخورد کرده و برای آنها ارزش قائل بوده است. یوحنا همه چیز را با توجه به نظریه‌ای پیچیده که در عین حال خیلی ساده است یعنی واقعیت نقش یسوع، مسیح، پسر خدا (۳۰:۲۰) گرفته و تحلیل می‌کند.

## انجیل چهارم و تاریخ

از آغاز قرن نوزدهم میلادی موضوع ارزش تاریخی انجیل چهارم مطرح گردید. همان‌طور که قبل‌اً ملاحظه شد انجیل یوحنا از بسیاری جهات متمایز از انجیل نظیر است چنانکه بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح کردند که آیا جنبهٔ

این رسالات (شماره ۱ و ۱۳) اصول و ترتیباتی نسبتاً روش را ارائه می‌کنند. بدین شرح که انسانی الهی یا انسان اولیه سقوط کرده و در ماده آلوه و غوطه ور شده است؛ سپس اوضاع و احوال مراحل بالارفتن او به آسمانها توصیف شده که از میان جوّهای اهریمنی و تحت نظرارت سیارات می‌گذرد. در این مدارک خدا به صورت «موجودی» اسرارآمیز، منبع نور و زندگی معرفی می‌شود و زندگی واقعی برای آدمیان آن است که در معرفت فوری و سعادت بخش به او ملحق شوند.

تعیین ارتباط بین نوشته‌های یوحنا و این رسالات دشوار است (و در صورتی که ارتباطی وجود داشته باشد کدام یک بر دیگر اثر گذاشته است؟)، ولی باید پذیرفت که در هر دو نظریات و بعضی عبارات مشترک هستند. یوحنا در محیطی مختلط و در هم پیچیده تربیت شده بود که در آن گرایشهای مختلفی با یکدیگر تلاقی و برخورد می‌کردند و اوضاع و شرایط این محیط او را برانگیخت تا ارتباط بین معرفت و زندگی الهی را که ممکن است به آدمیان ارزانی شود کاملاً روش و نمایان سازد. ولی او به طرز شگفت‌انگیزی عمل کرده زیرا ایمان او به اینکه همه چیز را خدا آفریده منافی با بدینی فلسفه ماوراء‌الطبیعه است و به نظر او تن‌گیری پسر جاودانی به جسم و وضعیت بشری معنی و مفهومی می‌دهد که به کلی با نظریات و افکار گنوی‌ها تفاوت دارد.

د) نوآوری و اصالت یوحنا: با وجود کلیه مقایسه‌های دقیق و حساس نمی‌توان محیطی فکری تعیین کرد که یوحنا نظریات اساسی آن را پذیرفته باشد. چنین به نظر می‌رسد که وی در نقطه تلاقی جریانهای مهم فلسفی و مذهبی دوران

<sup>۴</sup> - تأثیر انجیل یوحنا بر قسمتهایی از رسالت ۱۳ بسیار محتمل است.

در صورتی که پس از جنگ سالهای ۶۶-۷۲ میلادی این اوضاع سپری شده بود. بنابراین یوحنا دقت نموده که به اوضاع و شرایط واقعی تاریخ یسوع وابسته بماند: اکنون در برابر ما افسانه‌ای الهیاتی قرار ندارد بلکه انجیل از کسی سخن می‌گوید که زندگی کرده، مرده و در لحظهٔ دقیق و معینی رستاخیز کرده است (ر. ک ۲: ۲۰) و یوحنا به خوبی به روایات آن آشناست. این مؤلف خود را شاهد می‌نماید یا لااقل او را با این عنوان می‌شناختند (۱۹: ۳۵؛ ۲۱: ۲۴) و این متنضم صحت وقایع است یا اینکه حقایقی را شخصاً شناخته و گواهی کرده باشند. اگر پیام انجیل اساساً این است که «سخن تن گرفت و در میان ما ساکن شد» به طوری که «ما شکوه او را دیده‌ایم» می‌توان اهمیت منحصر به فرد حقیقت تاریخی وقایعی را که ذکر شده درک نمود. یوحنا معنی آنچه را در یسوع مسیح روی داده روشن می‌کند و بدین سبب کتاب او در ابتداء همچون رابطه بین مجموعه‌ای از نشانه‌ها ارائه می‌شود که از میان نشانه‌های بسیار انتخاب شده است (۲۰: ۲۰-۳۱؛ ۲۱: ۲۵). انجیل نگار با انجام این عمل همان روش سنتی کتاب مقدس را بکار می‌برد که سعی می‌کند رابطهٔ خدا و قوم او را مرحله به عنوان روایت اعمال خدا در تاریخ آدمیان بنویسد. اسرائیل همواره برتری وقایع را بر «سخن»<sup>۵</sup> پذیرفته است. (اندیشهٔ عبری که به وسیله کلمات، سنت و روایات تاریخی بیان می‌شود اساساً در جهت تلفیق عملی تفسیر مذهبی مطالبی که دریافت نموده حرکت می‌کند به طوری که ارتباط تاریخی همواره مقدم بر اندیشهٔ مذهبی است.)

الهیاتی این کتاب برای پاسخ دادن به مطالب دیگری غیر از مسائل تاریخی است؟ آیا بکار بردن رموز و اشارات برای آن نیست که خواننده را به ماورای وقایع و گفتارها بدان گونه که در نخستین مرحله در ک می‌شود هدایت نماید؟ لذا بسیاری از منتقدان ارزش انجیل چهارم را به عنوان مدرکی تاریخی صریحاً رد کرده‌اند و آن را رساله‌ای در بررسی و تحقیق یا حتی «فرضیه الهیاتی» بشمار آورده‌اند. ولی بررسی دقیق تر روش نگارش انجیل نظیر و هدف و منظور آنها، تفکر مجدد درباره روش تاریخی و مطالعه و تأمل در مورد اطلاعاتی که یوحنا داده است خواننده امروزی را وادر می‌کند که نظریه سابق را کنار بگذارد زیرا مسئله بغرنج تراز نظریات مذکور است.

یوحنا وقایع زیادی را ذکر می‌کند که انجیل نظیر به نوعی خود گزارش می‌نمایند و این موضوع مخصوصاً در مورد فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید در رودخانه اردن و چندین معجزه به ویژه تکثیر نانها صدق می‌کند (۱۹: ۱-۶؛ ۵: ۱-۲؛ ۲: ۲۱-۲۱)؛ همچنین در مورد مجموعه روایات مربوط به مصائب و مصلوب شدن و رستاخیز یسوع (۱۲-۲۱). از مقایسه این قسمتها می‌توان نتیجه گرفت که منظور یوحنا آن است که وقایعی را ذکر نماید که در روایات آمده و شناخته شده است و این عمل را با امامت انجام می‌دهد. حتی در موارد بسیاری نکات تازه‌ای ذکر می‌کند که ارزش تاریخی آنها قابل توجه است مثلًا اطلاعات جغرافیایی و تاریخی و همچنین مطالبی دربارهٔ تشكیلات و تهاده‌های یهودیان و رومیان که نشان می‌دهد شرایط زندگی مردم را در آغاز قرن اول میلادی در فلسطین به خوبی می‌شناخته است.

۵- البته در آینین یهود، در دورانی که مؤخر بر کتاب مقدس است تاریخ را اجرای طرحی می‌دانستند که به وسیله یک سخن بیان شده است.

بنابراین ما در برابر اقدامی قرار داریم که کاملاً تاریخی است ولی با اقدامات و مقتضیات تاریخ نویسان معمولی تفاوت دارد. زیرا تاریخ نویسان وقایع را عیناً گزارش می‌کند ولی به هیچ وجه مفهوم آنها را روشن نکرده و نمی‌گویند که در مجموعه نظام نجات این وقایع در چه محلی قرار دارند. مفسران جدید ممکن است آن را تاریخ «اعلام منویات خدا» یا «تاریخ کیفی» بنامند. قبلًا مفسران کهن مسیحیت از «انجیل معنوی» نام می‌بردند (کلمان اهل اسکندریه). این ادراک عمیق مسیح و عمل او اکثراً به کمک ارائه تاریخ با رموز و اشارات انجام می‌شود. توجه شاگردان رفته رفته جلب شده و کشف می‌کنند که اعمال و سخنان درجات مختلفی دارد و مفهوم آنها همواره ماورای خود اعمال و سخنان است و بدین گونه اهمیت «نشانه» معلوم می‌شود که معانی مختلف و متعدد یک عمل یا یک گفتار را یادآوری می‌کند (۱۴:۳؛ ۱۵:۱؛ ۲۸:۸؛ ۳۲:۱۲). همچنانکه در برابر سخنان رقیبان نوعی تمسخر زیرکانه وجود دارد که ممکن است مفهومی غیر از آنچه می‌خواهد بگویند در برداشته باشد (۵:۷؛ ۱۶:۹؛ ۲۴:۲؛ ۲۷:۱۱؛ ۴۹:۱۱؛ ۱۹:۱۲؛ ۳۰:۱۶؛ ۱۸:۱۹). فقط با تحریه روح القدس می‌توان هدف و منظور متن را دریافت.

#### نویسنده

از تمام این ملاحظات نتیجه می‌گیریم که انجیل یوحنا تنها شهادت یک شاهد عینی نیست که فردای وقوع رویدادها به یک باره نوشته شده باشد بلکه بر عکس همه شواهد حاکی است که پس از تعمق طولانی تهیه شده است. با این همه چنین به نظر می‌رسد که کتاب ناتمام مانده زیرا شیوه ارتباط دادن بعضی از

زیرا کافی نیست که انجیل نگار وقایع را فقط به همان گونه که روی داده گزارش نماید بلکه بایستی در معنی و مفهوم آنها تعمق کرده (ر.ک ۴۱-۱:۹) اهمیت و ژرفای آنها را درک نماید تا شاگردان در راه معرفت پیشرفت کنند و برای زندگی جاودان آماده شوند. این نشانه‌ها روایت شده «تا شما ایمان بیاورید که یسوع، مسیح، پسر خدا است و برای اینکه با ایمان آوردن به نام او زندگی داشته باشید» (۳۱:۲۰). یوحنا به خوبی می‌داند که این شناخت تدریجی را جز با توجه به رمز وقایع عید گذر نمی‌توان بدست آورد. برای آنکه معنی عمیق زندگی یسوع و کوچکترین کارهای او روش شود لازم بود که مسیح به وسیله صلیب به شکوه تمام بگذرد. در عین حال موهبت روح حقیقت که ثمره عید گذر است ضرورت داشت (۳۹:۷؛ ۷:۱۶؛ ۲۲:۲۰): زیرا روح القدس ایمانداران را به شناختن حقیقت و تمام حقیقت می‌رساند یعنی به درک آنچه حقیقت عمل یسوع پسر تن گرفته خدا است (۱۶:۵-۱۵). آنچه یوحنا تذکر داده و یادآوری می‌کند درک و شناسایی کامل تاریخ زندگی یسوع است (۲:۲۱؛ ۱۲:۲۲؛ ۱۴:۱۶؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۵:۱۵؛ ۱۴:۲۶). (۲۷)

برطبق روش و سنت مهمی که در مسیحیت وجود دارد این ادراک به وسیله انتساب و مقایسه وقایع زندگی یسوع با وقایع و گفتارهای پیامبرانه عهد عتیق به دست می‌آید و بدین گونه مفهوم آنها روشن می‌شود (۲:۱۷؛ ۵:۳۷-۴۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۲:۱۶؛ ۳۶-۴۱؛ ۱۲:۱۹؛ ۲۸، ۲۴:۱۹؛ ۳۶-۳۷). یوحنا بیش از هر کس دیگر تازگی حقایقی را که در یسوع تجلی می‌نماید دریافته و این حقایق را برابر طرحهایی که مختص مسیحیت است بیان می‌کند.

هویت او را یکی از پسران زبدی تعیین کرده‌اند که یکی از دوازده رسول بود، ولی متینی از پاپیاس که اسقف هیراپولیس در فریجیه بوده و مربوط به حدود سالهای ۱۴۰ میلادی است در این مورد تردید ایجاد کرده و چنین می‌نویسد: «تردیدی به خود راه نخواهم داد که در تفسیرهای خود چیزی بگنجانم که روزی از قدمما آموخته و به خوبی در خاطر خود حفظ کرده و از واقعیت آنها اطمینان دارم... حتی اگر کسی می‌آمد که پیرو قدمما بوده است از گفته‌های قدمما اطلاع بدست می‌آوردم: مثلاً آنچه آندریاس، یا پطرس، یا فیلیپس، یا توما، یا یعقوب، یا یوحنا، یا متی، یا یکی دیگر از شاگردان خداوند گفته بودند یا آنچه آریستیون و یوحنا پیر شاگردان خداوند می‌گویند» (اوژبیوس، جلد سوم تاریخ کلیسا ۴۳:۳۹-۴۴). بنابراین در نوشته پاپیاس یک نفر به نام یوحنا ذکر شده که رسول و یکی از دوازده تن است و یوحنای دیگری که پیر و شاگرد خداوند است. ولی موضوع نوشته‌ها در کار نیست بلکه پاپیاس مخصوصاً به «سخن زنده و پایدار» علاقمند است. در پایان قرن دوم میلادی ایرنانئوس به صراحت می‌نویسد: «سپس یوحنا، شاگرد خداوند، همان کسی که بر سینه او تکیه کرد در مدتی که در افسس می‌زیست انجیلی نوشت». ایرنانئوس خود را شاگرد پولیکارپ معرفی می‌کند که «از روابط خود با یوحنا و سایر شاگردان خداوند سخن می‌گفت...» (اوژبیوس، جلد پنجم تاریخ کلیسا ۲۰:۶-۸). به نظر ایرنانئوس منظور یوحنا پسر زبدی و یکی از دوازده تن است. لازم به یادآوری است در این دوران کاملاً گرایش برآن بود که علی‌رغم تردیدهایی که

مطلوب ناشیانه است و حتی بعضی از قطعات ارتباطی با ترکیب و مطالب سایر عبارات ندارد (۳۱-۲۱، ۳۶-۳۶:۱). وضعیت طوری است که گویی نویسنده احساس نمی‌کرده هرگز آن را به پایان خواهد رساند و بدین گونه بی ترتیبی نسبی قسمتهای کتاب را می‌توان توضیح داد. محتمل است انجیل را به صورتی که امروزه در دست داریم شاگردان نویسنده منتشر کرده و باب ۲۱ و چندین تذکر به آن افزوده باشند (مثلاً ۲:۴ و شاید ۱:۴؛ ۴:۴؛ ۷:۳۹؛ ۱۱:۲؛ ۱۹:۳۵). و امّا درباره روایت زن زنگار (۷:۳-۸:۱۱)، همه بر این عقیده‌اند که این فطعه از منبع ناشناخته است که بعداً در انجیل گنجانیده شده است (با این همه جزو نوشته‌های رسمی و مورد قبول کلیسا است).

در مورد نویسنده و تاریخ نگارش چهارمین انجیل به هیچ وجه قرینهٔ صریحی در متن این اثر وجود ندارد و شاید تعمداً چنین است زیرا نباید توجه به شخصیت شاهد معطوف گردد بلکه به کسی توجه نمایند که زندگی و اعمال او را اعلام کرده و دربارهٔ او تعمق و نظره نموده است (۳:۱؛ ۱:۸؛ ۴:۲۹). با این همه آیه ۲۱:۲۴ که به انجیل افزوده شده جای شکی باقی نمی‌گذارد که نویسنده انجیل «شاگردی است که یسوع او را دوست می‌داشت» و همان کسی است که چندین بار در جریان وقایع عید گذر از او یاد می‌شود (۱۳:۱۹؛ ۲۳:۲۶؛ ۱۹:۲۰) و یقیناً منظور همان «شاگرد دیگری» است که در چندین متن ذکر شده بدون اینکه نام او آورده شود (۱:۱۸؛ ۳۵-۳۹:۱). این شاگرد از قرن دوم میلادی به بعد در روایات کلیسا به نام یوحنا خوانده شده و

چهارم (۱۸: ۳۱، ۳۳، ۳۷) در مصر کشف شده که بهترین متخصصان تاریخ آن را مربوط به سالهای ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلادی می‌دانند و بنا بر این منتقدان مجبور شده‌اند به نظریات سنتی بازگشته تاریخ انجیل را حدود اواخر قرن اول میلادی پذیرند. بسیار محتمل است که انجیل در یکی از کلیساهای آسیای صغیر که تحت نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی بوده (افسیس) نوشته شده باشد. البته نمی‌توان فرضیه نگارش انجیل را به وسیله خود یوحنا کنار گذاشت ولی اکثر منتقدان این احتمال را نمی‌پذیرند. بعضی از آنان نام مؤلف را ذکر نکرده و او را فردی مسیحی توصیف می‌کنند که به زبان یونانی می‌نوشت و انجیل را در یکی از کلیساهای آسیا به رشته تحریر درآورده، یعنی در محلی که جریانهای مختلف فکری دنیای یهود و دنیای مشرق که تمدن یونانی را پذیرفته بود برخورد و رویارویی داشتند. منتقدان دیگری این نکته را می‌افزایند که نویسنده انجیل وابسته به روایاتی است که مربوط به یوحنا رسول است و بدین سبب در این انجیل برای «شاگردی که یسوع دوست داشت» مقام ممتازی قائل شده‌اند و ضمناً چنین به نظر می‌رسد که این شاگرد را یوحنا پسر زبدی تشخیص داده‌اند؛ شگفت‌آنکه این شاگرد تنها رسول از بین رسولان مهمی است که هرگز نام او ذکر نشده.

### الهیات

اندیشه و افکار یوحنا درباره الهیات را نمی‌توان به شکل یک نظریه کلی و ترکیبی ارائه نمود. وی که به سنت‌های بزرگ کتاب مقدس وفادار است در نظر ندارد مجموعه‌ای

وجود داشت نوشه‌های رسمی و مورد قبول کلیسا را به یکی ازدوازده رسول نسبت دهند. در مورد نویسنده انجیل چهارم به طوری که ملاحظه می‌شود تقریباً اتفاق آراء وجود دارد بدین معنی که تمام نویسنده‌گان کتابهای رسمی کلیسا (فهرست موراتوری، کلمان اهل اسکندریه، اوریجن، ترتویلان) نقش یوحنا را که یکی ازدوازده تن بود ذکر کرده و این موضوع را قطعی می‌دانستند، فقط عده محدودی از مسیحیان روم که در اطراف کشیش کایوس گرد آمده بودند بدون آنکه به روایات استناد کنند اظهار تردید می‌کردند. در آغاز قرن ۱۹ میلادی، منتقدان این نظریه سنتی را مورد بحث قرار داده، تفاوت‌های این انجیل با انجیل نظیر و همچنین نظریات مشروح الهیاتی در این انجیل را یادآوری کردند. البته وقتی مؤلف را به عنوان شاهد عینی نمی‌پذیرفتند اکثر ارزش تاریخی کتاب او را انکار می‌کردند و او را الهیدانی بشمار می‌آوردند که در حدود اواسط قرن دوم میلادی جریانهای فکری پطرس و پولس را با یکدیگر ترکیب و تلفیق نمود. در آغاز عکس العمل محافل کلیسا خیلی شدید بود زیرا در آن اوقات مسئله منابع انجیل یوحنا و ارزش شهادت او را کاملاً به یکدیگر وابسته می‌دانستند، چیزی نمانده بود که اتساب این متن به شخص یوحنای رسول به صورت مسئله‌ای ایمانی درآید. امروزه ما یادگرفته‌ایم که مسائل را بهتر تشخیص دهیم و با پیشرفت‌هایی که در امر بررسی تاریخ و روشهای آن حاصل شده می‌توانیم از نظریات مختلف گذشته صرف نظر نماییم.

لازم به یادآوری است قطعه‌ای از انجیل

خلال وقایع زندگی یسوع که در عید گذر به اوچ خود می‌رسد خدا در جهان تجلی می‌نماید (شکوه)، ولی این تظاهر امری مربوط به دنیا و دنیوی نیست بلکه دنیا را مورد بحث قرار داده و آن را استیضاح می‌کند. آنان که ایمان می‌آورند زندگی جدیدی آغاز خواهند کرد ولی دنیا به صورتی که هست آنچه را که متناسب و هماهنگ با او نباشد نخواهد پذیرفت و انجیل نتیجه این برخورده را که مصائب، صلیب و رستاخیز خواهد بود ذکر می‌کند. دنیا در «ساعته» که تصور می‌کرد ب رکسی که اساساً نمی‌شناخت پیروز خواهد شد داوری و محکوم گردید.

یوحنا از لی بودن مسیح را توصیف نمی‌کند و مثلاً گفتگوی آسمانی را که طی آن رسالت خود را دریافت می‌کند ذکر نماید زیرا در اینجا سخن از افسانه و اسطوره نیست. برای کسانی که به وسیله ایمان و موهبت روح القدس در راه شناخت و معرفت پیش می‌روند پدر در وجود یسوع تجلی می‌نماید.

از قواعد و اصول پیشنهاد نماید بلکه می‌خواهد وقایع مربوط به نجات را روشن کند. در این فکر نیست که یک اصل اساسی مقرر سازد که بر مبنای آن اطلاعات موجود را طبقه بندی نمود بلکه تمام توجه او بر مسیح متمرکز است: بدین معنی که ایمانداران به شرط شناختن او و در همبستگی با او به زندگی جاودان دست یافته پدر را کشف خواهند نمود و در اینجا فقط به ذکر تعدادی از راههای وصول به آن اکتفا می‌شود.

البته طرح از لی بودن - تنگی‌پسر خدا مختص به انجیل چهارم نیست. همین موضوع در جاهای دیگر مخصوصاً در سرود فی ۶:۲ - ۱۱ و در کول ۱۵:۱ نیز آمده است ولی در آنجا برای رو در روی هم قرار دادن مصائب و مصلوب شدن مسیح در برابر رستاخیز است. یوحنا نظری وسیع تر دارد که مآل نظری سنتی تر است بدین معنی که مجموعه زندگی یسوع (نشانه‌ها و گفتارها) را ملاحظه کرده و اهمیت و افری برای جریان این زندگانی در طی زمان قائل می‌شود (موضوع «ساعت»). از

# انجیل یوحنا

و بدون او هیچ چیز از آنچه پدید آمده

است، پدید نیامد.  
۴ زندگی در او بود،  
و زندگی نور آدمیان بود<sup>g</sup>:  
۵ و نور در تاریکی می درخشید  
و تاریکی بر آن دست نیافت.<sup>h</sup>

۲۶:۵؛ ۱۱:۳  
۱۲:۸  
۱۹:۳  
۸:۲؛ ۱-  
۱-تیمو:۵

<sup>a</sup> مقدمه  
۱ در آغاز سخن<sup>c</sup> بود  
۱ و سخن نزد خدا بود<sup>d</sup>  
وسخن خدا بود.  
۲ در آغاز او نزد خدا بود.<sup>e</sup>  
۳ همه چیز به وسیله او پدیدار شد<sup>f</sup>  
کول:۱؛ ۱۶:۱-۷؛ ۲:۱؛ ۳-۲؛ ۱-  
عیر:۱؛ ۳:۲-۳؛ ۱۴:۳-۲

:۱۷-۱:۱؛ ۲-۱:۱-  
مگا:۱۹:۱-۱؛ ۲:۱-۱

حک:۹:۱؛  
امث:۲:۸؛ ۲-۲:۸  
قرن:۶:۱-۱؛ ۱-۱  
عیر:۱؛ ۱:۱-۷؛ ۱:۱-۶؛ ۱:۱-۷

a- چنین به نظر می رسد که پیشگفتار انجیل در دو مرحله تنظیم شده است: قسمت اول سرومدی به افتخار مسیح است که به عنوان سخن الهی ستایش می شود و این قسمت شیوه انجام پرستش مسیحیان افسوس را به یاد می آورد (ر. ک کول:۱؛ ۱-۱؛ ۱۵:۱).  
تیمو:۳:۱؛ عیر:۱:۳-۴)؛ سپس انجیل نگار این قسمت را بسط و توسعه داده تا چند موضوع اساسی اثر خود را ارائه نماید.  
b- در این عبارت که نخسین کلمات کتاب پیدایش به کار برده شده منظور از «آغاز» شروع دوران جهان نیست بلکه به «ازل» اشاره می کند. سخن به طرز والا و جاودانی وجود دارد و فعل بودن که به صورت ماضی استمرازی بکار رفته این نکته را نشان می دهد.

c- در زبان یونانی، مسیح logos نامیده شده که «سخن» ترجمه شده است؛ این واژه را می توان «کلام» یا «گفتار» ترجمه نمود و لی در این طرز بیان باقیستی تأثیر نوشته های عهده تعیق را که جنبه تهذیب اخلاقی دارند در نظر داشت (امث:۸:۲-۳؛ ۳۶:۷-۲۲:۷؛ ۱:۲-۲:۲؛ ۲۲:۸-۸؛ ۱:۲-۲:۴)؛ همچنین تأثیر نوشته های یهودیانی که نظریات یونانی گرایی داشتند: برابر این عقاید مسیح به عنوان پسر جاودانی بیانگر کامل پدر می باشد (ر. ک کول:۱؛ ۱۵:۱؛ تصویر خدای نادیده؛ فی:۲؛ ۶ درباره وضعیت خدا؛ عیر:۱:۳؛ درخشش شکوه پدر). پسر خدا از راه تن گیری، ظهور والای خدا در میان بشیرت خواهد بود (ر. ک ۱-یو:۱؛ ۲:۱).

d- گاهی ترجمه می کنند: «به سوی خدامعطوف بود» زیرا حرف اضافه یونانی که در این جمله به کار رفته به مفهوم «توجه به سوی کسی» را نیز می رساند. سخن کاملاً از پدر که در اینجا خدا نامیده شده متمایز است ولی در شراکت کامل با او است چنان که انجیل نگار نشان خواهد داد (۳۰-۱۷:۵).

e- قبلاً در نوشته های عهده تعیق، آفرینش جهان به کلام خدا مربوط و واپسی بود (مز:۳۳:۹؛ ۱۴:۱-۱۵:۹؛ ۱۸:۱-۱۵:۹؛ اش:۴:۴۰؛ ۲۶:۳؛ ۴:۳؛ حک:۱؛ ۹؛ ر. ک پید:۱:۳) یا اینکه به حکمت الهی مربوط می شد (امث:۸:۲-۷؛ ۳۰:۴؛ ۸:۱؛ ۱۲:۷؛ ۹:۹). تمام فعالیت های خلقت، عمل پدر و پسر است (ر. ک ۱-قرن:۸:۶).

f- فعل یونانی که در این مورد به کار رفته و «نسایان شد» ترجمه شده، همان فعلی است که در پید:۱:۳-۱:۴ آمده و به خوبی مفهوم به وجود آمدن هر چیزی را از «نیستی مطلق» می رساند (ر. ک ۱۷:۲-۲۴:۱). خود ماده هم آفریده شده است، بنابراین اثری از فلسفه ثنویت وجود دو اصل و مبدأ نیست و افکار گنوosi منتفی می باشد.

g- سخن، منبع و منشأ هر چیزی است که آدمیان را قادر می سازد کاملاً و به تمام معنی زندگی کنند، زندگی مادی و جسمانی و همچنین زندگی که در ملاقات با خدا انجام می شود. ضمناً سخن نوری است که به آدمیان راه راستی را که باید ادامه دهند نشان می دهد (۱۲:۸).

h- کلمه یونانی که در اینجا «دست یافتن» ترجمه شده گاهی «دربافتمن» ترجمه می شود: ر. ک ۱۰:۱؛ ۱۳-۱۰:۱؛ افس:۳:۱؛ فی:۱۲:۳؛ اع:۱۳-۱۲:۴؛ ۴:۳؛ ۱۰:۱؛ ۱۳:۴. آدمیان نخستین ظهور سخن را که در آفرینش پدیدار شده است در نیافته اند (ر. ک ۱-قرن:۱؛ ۲۱:۱؛ روم:۱:۲-۲:۲؛ حک:۱۳-۱:۹). یا این که برابر یک روایت یونانی که به دوران اوریجن (Origenius) (عیر:۱:۸؛ ۳۴:۷؛ ۷:۲؛ ۱:۸؛ ۳:۲-۳:۱) داده شده می توان چنین درک که آدمیان موفق نشده اند نور را تسخیر کرده بر آن دست یابند (ر. ک ۷:۲-۳:۱).

- <sup>۶</sup> مردی پدیدار شد<sup>i</sup>، فرستاده از سوی خدا  
که نامش یوحنا بود.  
<sup>۷</sup> او برای شهادت آمد تا درباره آن نور  
شهادت دهد،  
تا همگان به وسیله او<sup>j</sup> ایمان آورند.  
<sup>۸</sup> او خود، آن نور نبود.  
اما درباره نور باید شهادت می‌داد.  
<sup>۹</sup> سخن آن نور راستی بود  
که هر آدمی را روشنی می‌بخشد<sup>k</sup>  
چون به جهان درمی‌آید.  
<sup>۱۰</sup> او در جهان<sup>l</sup> بود.
- <sup>۱۱</sup> به خانه خود آمد<sup>n</sup>
- <sup>۱۲</sup> اما به همه کسانی که او را پذیرا شده‌اند  
و به نامش ایمان دارند<sup>o</sup>، اقتدار داده تا<sup>p</sup>  
فرزندان خدا شوند<sup>r</sup>، آنانی که نه  
زاده از خون، نه از اراده تن و نه از اراده  
آدمی، بلکه از خدا هستند<sup>s</sup>.
- <sup>۱۳</sup> و سخن تن شد<sup>t</sup>  
و در بین ما<sup>u</sup> ساکن گردید<sup>v</sup>
- <sup>۱۴</sup> - تحتاللفظی: مردی بود.  
- منظور یوحنا تعیید دهنده است (مر:۴:۳ و متون موازی) [«یوحنا» یا به عبارت صحیح تر «یوحنا» یعنی «یهوه رحمت کرده است»] که پیامبر بشمار می‌رود و اکنون آموزش او به عنوان شهادت کاملاً ارزش دارد (۱:۱۵؛ ۳:۳-۲:۳؛ ۳:۵-۱:۹؛ ۳:۶-۲:۳؛ ۳:۶-۳:۵). در اینجا تقاویت بین یوحنا و سیوک که نور و آشکار کننده حقیقی است نشان داده می‌شود. [به احتمال قوی کلمه «سیوک» از اسم «عیسو» برادر یعقوب اقبیاس شده که حق نخست زادگی خود را در ازای کاسه‌ای از آش عدس به او فروخت (پید:۲:۵-۳:۰). در زمان مسیح، اسم «سیوک» یعنی «یهوه نجات می‌دهد» (ر.ک مت:۱؛ ۲:۱) بسیار رایج بود اما یهودیان به سبب دشمنی با سیوک و کلیسا نام او را به تفسیر «عیسو» یا «سیوک» نهادند].
- <sup>۱۵</sup> - در اینجا سخن به معنی نور و به دقیق ترین مفهوم این کلمه است. هر کس از هر تبار و از هر موقعیتی که باشد می‌تواند و باستی دستورات او را دریافت کند تا به سوی تحقق و تمامیت زندگی خود هدایت شود. در این متن افزوده شده که از این پس این روشنایی در مسیح است، آن که به جهان می‌آید (ر.ک ۱:۶-۱:۱۴). این عبارت را می‌توان به طریق دیگری که کمتر احتمال دارد ترجمه نمود: هر آدمی را که به جهان می‌آید روشنی می‌بخشد.
- <sup>۱۶</sup> - کلمه یونانی که جهان ترجمه شده برای یونانیان همین مفهوم گیتی و جهان را دارد ولی از نظر یوحنا اکثر<sup>w</sup> به مفهوم آدمیان آمده است. این کلمه ممکن است آنچه را که مورد محبت خدا است برساند (۳:۱۶) یا اینکه به طریقی تشکیل شود که خدا و الامه‌ای او را پذیرد (ر.ک ۱:۲-۱:۱۶).
- <sup>۱۷</sup> - قبلًا در عهد عتیق نپدیدیرفت «حکمت خدایی» ذکر شده (بار:۱۰-۱:۱۴؛ ۳:۳۱-۳:۲۳؛ ۴:۱-۴:۲؛ ۶:۳۰-۶:۱۰؛ ۹:۱-۹:۴؛ ۱۰:۶-۱۰:۹؛ ۱۱:۲-۱۱:۷)؛ ولی در اینجا موضوع نپدیدیرفت سخن جنم یافته است.
- <sup>۱۸</sup> - تحتاللفظی: به ملک شخصی خود آمد. ظاهراً منظور اسرائیل است که از نظر تاریخی مظهر بشریت می‌باشد و به تمامی متعلق به آفریدگار است.
- <sup>۱۹</sup> - ایمان به «نام پسر» عبارت از آن است که با اعتماد، قدرت شخص پسر را شناخته و به آن توسل جویند. نام، مظهر شخص می‌باشد (ر.ک ۲:۱۳-۲:۱۸؛ ۳:۱-۳:۲؛ ۵:۱-۵:۲؛ ۵:۲-۷:۱؛ ۱۰:۴-۱۰:۵)؛ ایمان عبارت از واستگی و رواوردن به مسیح و شناختن او به عنوان پسر خدا و به عنوان مظهر الهامات اوست.
- <sup>۲۰</sup> - (فرزند خداشدن) (۳:۳-۳:۷؛ ۱۱:۵-۱۱:۷؛ ۱:۱۰-۱:۱۸؛ ۲:۵-۲:۵؛ ۲:۱۰-۲:۱۱؛ ۳:۵-۳:۵؛ ۱:۱۰-۱:۱۸؛ ۴:۲-۴:۲؛ ۵:۱-۵:۲) متنضم لیاقت و شایستگی است که از جانب خدا می‌آید.
- <sup>۲۱</sup> - در بعضی از ترجمه‌های لاتین و سریانی و نقل قول‌هایی که پدران کلیسا کرده اند این فعل به صورت مفرد است. در این صورت منظور نولد جاؤدانی سخن یا بارداری عذرایی خواهد بود ولی تطبیق و مقایسه مجموعه نسخه‌های خطی یونانی کاملاً این فعل را به صورت جمع تایید می‌کند.
- <sup>۲۲</sup> - سخن در موقعیت بشری آغاز به هستی نموده است. این واقعه، لحظه مهم و حساس در تاریخ نجات است و مسیحیان به آن گواهی می‌دهند. درنظر یوحنا کلمه تن به معنی تمام وجود آدمی است که دچار ضعف است و به مرگ منجر می‌شود. احتمالاً این متن عکس العمل بر ضد ظاهرگرایانی است که طبق نظریه آنها تن گیری پسر خدا فقط به صورت ظاهر است (۱:۲-۱:۴).
- <sup>۲۳</sup> - تحتاللفظی: «خیمه خود را برآفرشت». احتمالاً اشاره به معبد است (۱:۲-۱:۵؛ ۲:۱۰-۲:۱۱؛ ۳:۲-۳:۴؛ ۴:۲-۴:۴؛ ۸:۲-۸:۳؛ ۳:۵-۳:۵) که محل حضور خدا و ظهر شکوه اوست (خروج:۴:۴۰-۴:۳۵؛ ۱:۱۰-۱:۱۳؛ ۱:۱۶-۱:۱۶).
- <sup>۲۴</sup> - منظور مردمان به طور کلی است (۱:۹-۱:۱۳) و مخصوصاً شاگردان یا مسیحیان که این تجربه را در کرده‌اند.

## شهادت یوحنا

(متی ۱۲:۱؛ مارکوس ۸:۲؛ لوقا ۱۷:۱۵)

۱۹ او چنین است شهادت یوحنا به هنگامی مت ۶:۱-۲؛ مارکوس ۶:۲-۶؛ لوقا ۱۵:۱-۱۶ را فرستادند تا از او بپرسند: «تو یوهانس کیستی؟»<sup>d</sup> ۲۰ و او اقرار کرد، انکار نکرد، اقرار کرد: «من مسیح نیستم.»<sup>w</sup> ۲۱ از او پرسیدند: «پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟»<sup>y</sup> گفت: «خیر، من نیستم». «آیا تو آن پیامبری؟»<sup>z</sup> پاسخ داد: «خیر.»<sup>e</sup> ۲۲ پس ملا مل ۲۳:۸-۲۴:۷؛ یوهانس ۱۴:۶-۷؛ ۲۲:۷ به او گفتند: «تو کیستی؟ تا به کسانی که ما را فرستاده‌اند، پاسخ دهیم؟ از خود چه می‌گوئی؟»<sup>۲۳</sup> اظهار کرد: «من صدای آن مaton موازی

و ما شکوه<sup>u</sup> او را تماشا کردیم، شکوهی که پسری یکتا سرشار از فیض و راستی<sup>v</sup> از پدر دارد.

خروج ۸:۲۵؛  
نث ۷:۴؛  
اش ۶:۱-۲؛  
حرق ۲۷:۳۷

۱۵ یوحنا در باره او شهادت می‌داد و فریاد می‌زد: «این همان است که گفته ام: آن

که پس از من می‌آید، پیش از من شده زیرا پیش از من بوده است.<sup>w</sup>

۱۶ زیرا از سرشاری<sup>x</sup> او همه‌ما بهره بردهیم و

فیض بیش از فیض<sup>y</sup>

۱۷ زیرا تورات به وسیله موسی داده شده، اما فیض و راستی به وسیله میسوع مسیح است.

۱۸ خدا<sup>z</sup> را هرگز کسی ندیده است. یک

خدا، [همان] پسر یکتا<sup>a</sup> که در آغوش پدر است وی او را شناسانید.<sup>b</sup>

کول ۳:۳-۴:۳؛  
۱۰-۹:۲

خروج ۱۸:۳۱؛  
۶:۳-۴

روم ۱:۴-۶؛  
۱۹:۷-۱۰

تیعمو ۱:۱-۲؛  
۶:۱-۲

بیت ۱:۱-۲؛  
۲۷:۱-۲

لو ۱:۱۰-۲

۱۹- در نوشته‌های عهد عتیق کلمه شکوه به جیزی اطلاق می‌شود که خدا به آدمیان پدیدار می‌کند؛ گاهی به معنی نوعی درخشندگی

نورانی است که به آنچه مقدس است وابسته است و گاهی وقایعی است که از ورای آنها قدرت خدا ظاهر می‌گردد، یوحنا فعالیت‌های مختلف یسوع را که شکوه او را نشان می‌دهد توصیف خواهد کرد (۱۱:۶) و مخصوصاً واقعه عید گذر (۳۱:۱۳)؛

۲۰ عنوان پسر یکتا، فرزندی مسیح را توصیف می‌کند که کاملاً جنبه‌ی همتا و بگانه دارد. این عنوان تأیید می‌کند که پسر در فیض و راستی کاملاً سهیم است. اصطلاح فیض و راستی از خروج ۶:۳۴ آمده و در آنجا در توصیف احسان خدا می‌باشد، خدایی که عطا‌یای خود را با کرم زوال ناپذیر خود می‌بخشد.

۲۱- شهادت یوحنا تعمیددهده ارزش همیشگی خود را حفظ می‌کند. یوحنا یادآوری می‌کند که یسوع با آن که از نظر تاریخی پس از آمده اما به دلیل مأموریت و منشأ الهی خود از بنیان بتر از اوست.

۲۲- شناختن سخن تن گرفته، جماعت ایمانداران را هدایت می‌کند که همواره پیش از پیش در تحقیق بافت نعمت‌های روحانی که در او و فقط در او وجود دارد شرکت داشته باشد.

۲۳- به طوری که از ترکیب عبارت برمی‌آید منظور آن نیست که فیض پس از فیض دیگر دریافت شده (مثلًاً عهد عتیق و سپس عهد جدید دریافت شده یا این که مسیح و سپس روح القدس) بلکه امکان دریافت فیض خدا که مرتبًاً بیشتر و بیشتر می‌شود.

۲۴- اصولاً آدمی قادر نیست به تنهایی موفق به شناختن خدا شود (تث ۱۲:۴؛ مز ۹:۷؛ ۲:۱۰) فقط می‌تواند اشتیاق و تمایل به شناخت خدا داشته باشد.

۲۵- رک ۱۳:۲۳. در بعضی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: آن خدا پسر یکتا.

۲۶- فقط پسر یکتا که کاملاً و بدون حد و حصر در زندگی پدر سهیم است می‌تواند آدمیان را به دانش و زندگی هدایت کند.

۲۷- یسوع به وسیله هستی و اعمال و گفتار خود مظہر بیان خدا خواهد بود.

۲۸- در نوشته‌های یوحنا کلمه یهودیان گاهی در مورد افراد قوم بنی اسرائیل به طور کلی به کار می‌رود (۲:۲۵، ۹:۴؛ ۲:۲۵، ۹:۴ و غیره):

۲۹- ولی در بیشتر موارد منظور او نمایندگان دنیاگی هستند که بر اثر سوءتفاهم و نهایتاً دشمنی، علیه فرستاده خدا باشند: در این

معنی منظور از کلمه یهودیان مخصوصاً مقامات رسمی می‌باشد (۱۸:۲؛ ۱۰:۵؛ ۱۸:۱-۱۰؛ ۱:۷، ۱:۱۳، ۱:۹ و غیره).

۳۰- در اینجا بدون مقدمه به شهادت اصلی برداخته می‌شود و در برابر نمایندگان مقامات عالیه شهادت داده شده و نقش شخص

یسوع در برابر یوحنا تعمید دهنده تعیین می‌گردد.

۳۱- برابر ملا ۳:۲۳ و بنسی ۱۰:۴۸ و نوشته‌های دیگر کتاب مقدس الیاس نبی می‌بایست مجدد و پیش از داوری نهایی بیاید

۳۲- و برای آخرین بار مردم را به توبه و بازگشت دعوت نماید (ر.ک مت ۱۱:۱۷؛ ۱۴:۱۰). انتظار آمدن پیامبر ایام آخر در

۳۳- مخالف مختلف شیوع داشته و شاید مستند به تث ۱۸:۱۵ بوده است (ر.ک ۱۴:۶؛ اع ۲۲:۳).



در باره اش نوشتند ما او را یافته ایم! او یسوع، پسر یوسف از [شهر] ناصره است.»<sup>۴۶</sup> و نتنائیل به او گفت: «آیا ممکن است از ناصره هم چیز خوبی در بیاید؟» فیلیپس به او گفت: «بیا و ببین.<sup>۴۷</sup>» یسوع نتنائیل را دید که به سویش می آمد و در باره اش گفت: «اینک به راستی یک اسرائیلی که بی ریا است.»<sup>۴۸</sup> نتنائیل به او گفت: «از کجا مرا می شناسی؟» یسوع در پاسخ به او گفت: «بیش از آنکه فیلیپس تورا بخواند، وقتی زیر درخت انجیر بودی<sup>۴۹</sup> تورا دیدم.»<sup>۵۰</sup> نتنائیل به او پاسخ داد: «ربی، پسر خدا توئی! پادشاه اسرائیل توئی!»<sup>۵۱</sup> یسوع به سخن درآمده به او گفت: «چون به تو گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم ایمان آوردم! باز برتر از این را خواهی دید.»<sup>۵۲</sup> و به او گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم: خواهید دید که آسمان گشوده شده و فرشتگان خدا بر پسر انسان بالا رفته و فرود می آیند.<sup>۵۳</sup>»

برگشته به آنان گفت: «در جستجوی چه هستید؟» به او گفتند: «ربی - یعنی استاد - کجا می مانی؟»<sup>۵۴</sup> به آنان گفت: «بیانید و خواهید دید.» پس آنان آمدند و دیدند در کجا می ماند و آن روز نزد او مانندند؛ این در حدود ساعت دهم بود.

<sup>۴۰</sup> آندریاس، برادر شمعون پطرس، یکی از آن دو بود که [گفتار] یوحنا را شنیده به دنبال [یسوع] رفته بود.<sup>۴۱</sup> او اول، برادر شمعون را یافته به او گفت: «ما مسیح را یافته ایم!» - که به معنای کریستوس می باشد.<sup>۴۲</sup> او را نزد یسوع برد. یسوع در او نگریسته گفت: «تو شمعون پسر یوحنا هستی. تو کیفا نامیده خواهی شد» که به معنای صخره است.<sup>۴۳</sup>

<sup>۴۳</sup> روز بعد یسوع خواست به جلیل برود و فیلیپس را یافته به او گفت: «به دنبال من بیا!»<sup>۴۴</sup> فیلیپس اهل بیت صیدا<sup>۴۵</sup> شهر آندریاس و پطرس بود. فیلیپس، نتنائیل<sup>۴۶</sup> را یافته به او گفت: «آن کسی را که موسی در تورات و همچنین پیامبران

<sup>۴۷</sup> شکی نیست که یوحنا انجیل خود را خطاب به کسانی نوشت که زبان یونانی را به خوبی صحبت می کردند، با این همه چندین بار (ر. ک ۱۷:۱۹؛ ۱۶:۲۰؛ ۱۷:۲۰) کلمات عبری با آرامی آورد که لازم دیده ترجمه کند (ر. ک ۳۸:۱؛ ۴۱). شاید با این روش می خواهد تأکید کند که در لحظه معینی از تاریخ، در فلسطین، واقعاً سخن خدا به صورت بشر درآمده است (۱:۱۴). در اینجا یوحنا ابتدا کلمه عبری مسیح را آورده و ترجمه یونانی آن (کریستوس) را برای خوانندگان ذکر کرده که به معنی کسی است که تدهین شده است؛ برطبق روایات یهود این کلمه عنوان داده جدیدی است (ر. ک ۲۵:۴) که در پایان روزگار انتظار آمدن او را دارند.

<sup>۴۸</sup> یسوع به صورتی اسرارآمیز تمام کسانی را که به او نزدیک می شوند می شناسد (۴:۸؛ ۲۵:۲؛ ۲۵:۴؛ ۱۶:۴). وقتی به شمعون نام جدیدی می دهد (در زبان آرامی کیها، در زبان یونانی پطرس) که هر دو به معنی صخره است) برای او وظیفه جدیدی تعیین می نماید (ر. ک در مورد ابراهیم پیدا ۵:۵).

<sup>۴۹</sup> بیت صیدای جولیا در شمال دریاچه طبریه قرار دارد (ر. ک مر ۸:۲۶-۲۲؛ مت ۲۱:۱۱).

<sup>۵۰</sup> بعضی از روایات او را با برتویانی رسول یکی دانسته اند وی این موضوع مأخذ و مبنای ندارد (ر. ک ۲:۲).

<sup>۵۱</sup> نتنائیل که ظاهرآ در بررسی نوشتۀ های مقدس کوشش می کرده در مورد اطلاعاتی که می دهنند بعداً نوعی تردید دارد ولی ملاقات با یسوع و شیلان سخنان او موجب شناختن او و رسالت وی می شود.

<sup>۵۲</sup> - [زیر درخت انجیر بودن] اختصاراً شنیده به زندگی است که به مطالعه نوشتۀ های مقدس مصروف می شود. این اصطلاح در نوشتۀ های کاهنان یهود کاملاً شناخته شده است که در آنها درخت شناخت نیک و بد تشییه و مقایسه می شود.

<sup>۵۳</sup> مسیح در انجیل یوحنا به مانند انجیل نظری عنوان پسر انسان دارد. ولی منظره زمان آخر که در دان ۱۵:۹ یاد شده و یسوع در جریان محاکمه در برابر ساندربین و عده می دهد (مر ۱۴:۶۲؛ مت ۲۶:۶۴) از دیدگاه انجیل یوحنا از هم اکنون آغاز شده است. با توجه به حضور یسوع بر روی زمین آسمانها گشوده شده اند (اش ۱:۱۹؛ مر ۱:۱۰؛ لو ۲:۱۰؛ ۹:۲۹) و ارتیاب با خدا که رؤیای یعقوب اعلام می کرد (پیدا ۲۸:۱۷) برای ایسناداران به صورت حقیقی مدام و پایدار درمی آید.

## نخستین نشانه

- <sup>۹</sup> پیش خوان سالار ببرید.» ایشان بردند.  
 و وقتی خوان سالار آبی را که شراب شده بود چشید - و نمی دانست از کجاست اما خادمین که آب برداشته بودند می دانستند - خوان سالار داماد را خوانده <sup>۱۰</sup> به او گفت: «همه اول شراب خوب را پیش می آورند و چون سرمهست شدند، شراب کم ارزش تر را. تو شراب خوب را تاکنون نگاه داشته ای!» <sup>۱۱</sup> این چنین بود نخستین از نشانه های <sup>۷</sup> یسوع که آن را در قانای جلیل <sup>۱۲</sup> انجام داد و شکوه خود را نمایان ساخته <sup>۱۳</sup> شاگردانش به او ایمان آوردن. <sup>۱۴</sup> پس از مت آن، وی به کفرناحوم فرود آمد همراه با مادر، برادران <sup>۵</sup> و شاگردانش و چند روز بیشتر در آنجا نماندند.
- <sup>۱</sup> و روز سوم <sup>۷</sup>، عروسی ای در قانای <sup>۲۱:۲</sup> جلیل بود و مادر یسوع آنجا بود.  
<sup>۲</sup> یسوع و همچنین شاگردانش به عروسی <sup>۲۱:۲</sup> دعوت شده بودند. <sup>۳</sup> و چون شراب رو به اتمام بود مادر یسوع به او گفت: «شراب ندارند.» <sup>۴</sup> یسوع به او گفت: «این برای من و تو چیست <sup>۷</sup> ای زن؟ ساعت من هنوز <sup>۳۰:۷</sup> پاد <sup>۱۱</sup> فرا نرسیده است.» <sup>۵</sup> مادرش به خادمین گفت: «هرچه به شما بگوید بکنید.» <sup>۶</sup> در مر <sup>۱۲</sup>:۳-۷:۴، آنja برای تطهیر یهودیان شش سنگاب بود <sup>۲۵:۳</sup> که هر یک دو یا سه کیل <sup>۷</sup> گنجایش داشت.  
<sup>۷</sup> یسوع به آنان گفت: «این سنگابها را پر از آب کنید» و ایشان لیالی پر کردند. <sup>۸</sup> و به ایشان گفت: «اکنون از آن بردارید و به

V- روز سوم: سه روز پس از وعده ای که به نتائیل داده شده و لذا هفت روز پس از صحنه بیت عنیا (شهادت یوحنا تعیید دهنده، ۲۸:۱) بنا بر این انجیل به مانند کتاب پیدایش (باب اول) با یک هفته آغاز می شود، هفته ای (۱۹:۱، ۳۵، ۲۹، ۴۱، ۴۳:۱-۲:۳۱-۳۰:۲۰:۵۴:۴:۳۷:۱۲:۵۴:۴:۳۷:۱۲:۵۴:۴:۳۱-۳۰:۲۰:۲۳:۸:۱۴:۲۰:۵۰:۴۰:۱۱:۱۲:۴۱:۲:۱۳:۱۲:۲۰:۱۰:۱۱:۲).

W- این جمله که عیناً و تحت اللفظی ترجمه شده گاهی [در زبانهای غربی برای تفہیم خوانندگان] این گونه ترجمه می کنند: از من چه می خواهی؟ همین جمله در موارد دیگری ممکن است به معنی «چه چیزی دخالت می کنی؟ باشد جانانکه در مر <sup>۲۴</sup>:۱ چنین

است. این عبارت در بین یهودیان و همچنین در زبان یونانی متداول بوده و نشان می دهد که بین گفتگو کنندگان تقاضی وجود دارد. در حقیقت عمل یسوع در سطحی انجام می شود که از انتظار معمول مردم بسیار فراتر است. بکار بردن عبارت «ای زن!» به هیچ وجه نشانه ای از عدم رعایت احترام ندارد (۲۶:۱۹) بلکه مخصوصاً با روش و رسوم یونانیان تطبیق می نماید (همچنین

R. ک <sup>۴</sup>:۲۱:۸:۱۰:۳:۲۰:۱۵).

X- کلمه ساعت به طور کلی به مفهوم ظهور شکوه یسوع است و در بیشتر موارد منظور از ساعت، زمان گذر از راه صلیب است که زمان گذشتن به سوی شکوه پدر می باشد (۲۰:۸:۷:۱:۱۷:۱:۱۳:۲۷، ۲۳:۱۲:۱:۱۷). همچنین ممکن است موقعیتی باشد که بدر معین کرده تا شکوه [رستاخیز] از قبل به وسیله نشانه ها ظاهر گردد. یسوع از مادر خود فاصله می گیرد (R. ک <sup>۲</sup>:۲:۴۹:۲) و بدین وسیله نشان می دهد مجذبه ای که شکوه او را ظاهر خواهد ساخت (۱۱:۲) طبق اراده پدر انجام می شود. همین جمله را از نظر دستور زبان یونانی می توان این گونه ترجمه کرد: آی ساعت من فرا نرسیده است؟

Y- هر کیل در حدود چهل لیتر است و بنابر مقدار خیلی زیادی می باشد. [سنگاب به معنی خمره سنگی بزرگ می باشد].

Z- در انجیل نظری کلمه نشانه در مورد کارهای فوق العاده ای بکار می رود که افتتاح دوران مسیحیاتی را نشان می دهد (مت <sup>۴:۱۶-۱:۱۶</sup>:۴-۱:۱۶:۱۲-۱:۱۱:۸:۴:۲۹)؛ بالعکس برای معجزه کلمه یونانی دیگری بکار برده اند که ترجمه تحت اللفظی آن عمل قدرت می باشد. یوحنا که روش عهد عتیق را اختیار کرده (اش <sup>۱۹:۶</sup>:۶ نشانه ها را به عنوان اشارات و رموزی می نگرد که نشان می دهد در یسوع واقعه پایان روزگار روی داده و از همه مردمان دعوت می شود یسوع را به مقام فرزندی خدا درک نماید. تغییر آب به شراب که در قانا روی داده است احتمالاً اشاره به گذشت از عهد عتیق به عهد جدید می باشد (R. ک <sup>۶:۶</sup>:۲ توضیح <sup>a</sup>).

R. ک مت <sup>۱۲</sup>:۴۶ توضیح <sup>a</sup>.

نشانه‌ای به ما می‌دهی؟»<sup>d</sup> یسوع در

پاسخ به آنان گفت: «این قدس را ویران مت:<sup>۶۱:۲۶</sup>

کنید، سه روزه آن را قائم خواهم کرد.<sup>e</sup>» مرقس:

۵۸:۱۴ مرت:<sup>۲۹:۱۵</sup>

۰ آنگاه یهودیان به او گفتند: «اینک اع:

چهل و شش سال<sup>f</sup> کار شده که این قدس

بنا شود و تو سه روزه آن را قائم خواهی

کرد؟»<sup>۲۱</sup> اما او از قدس تن خود<sup>g</sup> سخن - قرن:<sup>۱۹:۶</sup>

می‌گفت. <sup>۲۲</sup> وقتی که از میان مردگان قیام

کرد شاگردانش به خاطر آوردن که این را

۱۶:۱۲ مرت:<sup>۳۹:۵</sup> ۲۶:۱۴

می‌گفت و به نوشتة مقدس و به سخن یسوع

که گفته بود ایمان آوردن.<sup>h</sup>

### ایمانی که کافی نیست

۲۳ چون در جشن گذر در اورشلیم بود،

بسیاری با دیدن نشانه‌هایی که انجام می‌داد

۳۱:۷:۴۵:۴ مرت:<sup>۴۸-۴۷:۱۱</sup>

به نام او ایمان آوردن.<sup>i</sup> اما یسوع به

آنان اعتماد نداشت لزیرا همه آنان را

۱۵:۶

b- منظور حیواناتی است که مردم برای قربانی کردن می‌خریدند و سکه‌هایی که مجاز بودند به معبد تقديم کنند و همه اینها نشانه و مظہر ترکیب و نظامی است که از این پس کهنه شده و اعتباری ندارد. [بعضی از مفسرین به این نکته اشاره می‌کنند که کلمه ta در زبان یونانی دو معنی دارد: «رو» و «یعنی» که در این ترجمه از معنی دوم استفاده شده که نشان می‌دهد یسوع از تازیانه فقط برای بیرون راندن گاوان و گوسفندان استفاده کرده و نه آدمیان].

c- شاگردان یا یادآوری مرت:<sup>۱۰:۶۹</sup> (ترجمه هفتاد تنان به زبان یونانی) معنی این واقعه را روشن می‌کنند. کلیساي اولیه جنبه مسيحياني آن را تشخيص داده و در اين واقعه اعلام رنجها و صليب یسوع را دیده است (بكار بدن فعل به صورت آينده و محتواي کلي مطالب انجيل، اين نکته را القا مي نماید).

d- درنظر یهوديان، اقتداری که یسوع در مورد امور معبد ادعای کند با ياستي به وسیله عملی خارق العاده تأیيد و ثابت شود (ر. ک مر:<sup>۱۱:۱۲</sup> مرت:<sup>۱۲:۳۴</sup>:۱:۲۰-۲۹:۱-۲۲:۱-۲۰).

e- یسوع نشانه‌ای اعلام می‌کند که به کلی در سطح دیگری غیر از سطح مخاطبان او است. عبارتی که انجيل نظير بكار بده اند (مر:<sup>۱۲:۱۵</sup> مرت:<sup>۲۹:۱۵</sup>:۵۸:۱۵:۲۶:۲۶) تغيير داده شده تا جنبه نمایدي که بعداً آمده تطبیق نماید: یهوديانند که معبد را ویران می‌کنند و یسوع قادر است آن را در مدت کوتاهی بريکند.

f- ساختمنان معبد هيروديس در سال ۱۹-۲۰ پيش از ميلاد مسيح آغاز شده بود ( فلاويوس ژوفف، آثار باستانی یهود ۳۸۰:۱۵).

انجيل نگار تاریخ فعالیت یسوع را در سالهای ۲۸-۲۷ میلادی تعیین کرده است. در این تاریخ ساختمنان معبد به اتمام نرسیده بود اما قسمت اساسی آن ساخته شده بود.

g- شريфт یسوع جاگاه حضور و تجلی خدا در بين آدميان است، بنابراین یسوع معبد واقعی است و از این پس عبادت و ستایش به او وابسته خواهد بود (۱:۱۴:۱:۵:۱:۲۰:۴:۲۴-۲۰:۴).

h- شاگردان فقط پس از رستاخيز یسوع و اعطای روح القدس، وقایع، سخنان و زندگی زمینی یسوع را در کم می نمایند (۱۶:۱۲:۴:۲۶:۱۵:۲۶).

i- انجيل یوحنا همانند انجيل نظير شامل مطالب مختصر و جكیده آنها است و اشاره به نشانه‌هایی کرده که روایت نمی‌نماید (ر. ک ۳۷:۱۲:۳۰:۲۰).

متی، مرقس و لوقا قسمت اعظم فعالیت‌های یسوع به استثنای رنجها و صليب را در جليل ذکر کرده‌اند در صورتی که یوحنا قسمت بیشتر اعمال او را در اورشلیم روایت می‌نماید.

j- فعل یونانی که معمولاً بیان آوردن ترجمه می‌شود و در آیه ۲۳ به همین معنی آمده گاهی با توجه به ترکیب عبارت و محتواي

مطلب به مفهوم اعتماد داشتن است.

### پاکسازی معبد

(متی:۲۱:۱۷-۱۲:۱۷؛ مرقس:۱۱:۱۵-۱۷:۱۷)

لوقا:۱۹:۴۵-۴۶)

<sup>۱۳</sup> جشن گذر یهوديان نزديک بود و یسوع به اورشلیم فراز آمد.<sup>۱۴</sup> و در معبد، فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و همچنین صرافان را یافت که نشسته اند.<sup>b</sup>

<sup>۱۵</sup> از طناب تازیانه ای ساخته همه آنان را از معبد براند یعنی گوسفندان و گاوان را و نقدینه صرافان را بپراکند و پيشخوان رزک ۲۱:۱۴ ایشان را واژگون کرد.<sup>۱۶</sup> و به فروشندگان کبوتران گفت: «این را از اينجا برداريد و

لو:۴۹:۲۹ دیگر خانه پدرم را خانه سوداگری نکنيد.»

<sup>۱۷</sup> شاگردانش به خاطر آوردن که مكتوب

مر:<sup>۱۰:۶۹</sup> است: «غیرت خانه تو مرا خواهد خورد.<sup>c</sup>

<sup>۱۸</sup> یهوديان به سخن درآمده به او گفتند: «برای چنین کارهایي که می‌کنی چه مرت:<sup>۴:۲۳:۳۰:۶</sup>

ممکن است انسان زاده شود وقتی که سالخورده باشد؟ آیا می تواند بار دیگر در رحم مادرش وارد شده دوباره زاده شود؟

<sup>۵</sup> یسوع پاسخ داد: «آمین، آمین، به تو

می گویم: هیچکس نمی تواند وارد مملکوت

مت: ۲۷:۲۵-۳۶:۲۷؛ روم: ۴:۶؛ افس: ۲۶:۵؛ تيط: ۵:۳؛ ۱-بطر: ۱۱:۱-۲

خدا گردد مگر آنکه از آب<sup>۶</sup> و روح زاده

شود.<sup>۷</sup> آنچه از تن زاده شده، تن است،

آنچه از روح زاده شده، روح.<sup>۸</sup> تعجب

مکن اگر به تو گفتم: شما بایستی از بالا

غلا: ۸:۶؛ مز: ۷:۸؛ ۱-قرن: ۱۵:۵-۴۴

زاده شوید.<sup>۹</sup> باد به هر جا که می خواهد

می وزد و تو صدای آن را می شنونی، اما

نمی دانی از کجا می آید و به کجا

می رود.<sup>۱۰</sup> این چنین است هر که از روح

یوسفی: ۱۶:۱؛ یوح: ۱۷:۱

زاده شده باشد.<sup>۹</sup> نیقدیموس در پاسخ به

او گفت: «چگونه چنین امری می تواند

روی دهد؟»<sup>۱۱</sup> یسوع در پاسخ او گفت:

می شناخت.<sup>۱۲</sup> او نیازی نداشت که کسی درباره آدمی شهادت دهد: زیرا او خود می دانست در [باطن] آدمی چیست.

## گفتگو با نیقدیموس

<sup>۱</sup> در میان فریسیان مردی به نام نیقدیموس بود از بزرگان یهود.<sup>۱۳</sup>

<sup>۲</sup> وی شبانه نزد یسوع آمده به او گفت:

«ربی ما می دانیم که تو از سوی خدا چون

استاد آمده ای زیرا هیچکس نمی تواند این

نشانه ها را که تو انجام می دهی انجام دهد

مگر آنکه خدا با او باشد.<sup>۱۴</sup> یسوع در

پاسخ به او گفت: «آمین، آمین، به تو

می گویم: هیچکس نمی تواند مملکوت

خدا<sup>۱۵</sup> را ببیند مگر آنکه از بالا<sup>۱۶</sup> زاده

شود.<sup>۱۷</sup> نیقدیموس به او گفت: «چگونه

-k- ر.ک: ۱:۴۲ توضیح p. این آیه را می توان به طرق مختلفی درک کرد: ۱- یسوع به ایمان این مردان اعتماد ندارد زیرا شفتنگی در برابر کسی که اعمال خارق العاده انجام می دهد هنوز ایمان به سخنی که به صورت بشر مجسم شده نمی باشد. ۲- او اعتماد ندارد زیرا می داند که کسب ایمان، پیمودن راه درازی است و نه هدفی زودگذر و فوری.

-l- این شخص عضو سانه درین بود و به طوری که خواهد آمد تا حدودی از یسوع پیروی می کرد (۴:۲۶-۴۸:۷)؛ و در تدفین وی نیز شرکت نمود (۳۴:۱۹). [در مورد سانه درین ر.ک مر: ۱:۸؛ ۲۱ توضیح l]

-m- کلمه یونانی another که در اینجا بکار رفته و «از بالا» ترجیمه شده می تواند معانی مختلف داشته باشد: مثلاً از آغاز، مجدداً، از بالا... ضمن گفتوگوی یسوع با نیقدیموس، یوحنا با استفاده از دو مفهوم اخیر عبارتی بکار برده که معنی دو پهلو دارد و هم به معنی «از بالا» و هم به معنی «مجدداً» می باشد.

-n- مفهوم اصطلاح «ملکوت خدا» که بهودیان به کار می بند و به کرات در انجیل نظری آمده، معمولاً در نظر یوحنا متضمن اتخاذ روشی در زندگی است که اصولاً تازگی دارد و این موهبت را نمی توان بذلت آورد مگر آنکه از عالم بالا یعنی از سوی خدا عطا شود. یوحنا آن را زندگی جاودان یا زندگی به طور مطلق می نامد. موضوع دیگری که مطرح کرده یعنی تولد دوباره در تيط: ۳:۵؛ ۱-بطر: ۲:۲۳؛ ۱-یو: ۵: ۲۹؛ ۳: ۹؛ ۴: ۷؛ ۵: ۱: ۵ نیز آمده است.

-o- ذکر کلمه آب که اشاره به تعمید می باشد ممکن است یادآور رود ایمانداران جدید به جمعیت شاگردان باشد. [لازم به یادآوری است کلمه یونانی pneuma که روح ترجمه شده و در آیه ۶ نیز آمده (آنچه از روح زاده شده) می توان روح یا روح القدس تعبیر کرد چنانکه در زبانهای غربی که حروف کوچک و بزرگ وجود دارد آن را با حروف بزرگ می نویسند.]

-p- کلمه یونانی sark که در اینجا تن ترجمه شده به مفهوم طبیعت بشری با امکانات و محدودیت های مربوطه می باشد و به طور کلی بیانگر زندگی زمینی است بدون اینکه هیچ گونه تحقیری برای آن قائل شود (ر.ک ۱:۴)؛ کلمه روح (pneuma) قدرت الهی را نشان می دهد، منبع وجود و زندگی مسیحی و روش و رفتاری که متضمن آن است.

-q- در نوشته های قدما اکثرا جنبه اسرآمیز باد را با عمل خدابی مقایسه و تشبيه کرده اند (جا ۱:۵؛ امث: ۴:۳۰؛ بنسی: ۱۶:۲۱). صنعاً کلمه یونانی که در این مورد بکار می رود هم به معنی باد و هم به معنی روح است و این مقایسه را تسهیل می کند.

محبت نموده که پسر خود، آن یگانه را پیدا کرد: ۱۶:۲۲  
داده تا هر که به او ایمان آورد هلاک روم: ۸:۸  
منشود بلکه زندگانی جاودانی یابد. ۱۷ زیرا-۱:۹-۱۰  
خدا، پسر را به جهان نفرستاده تا جهان را داوری کند بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد. ۱۸ آن که به او ایمان آورد، داوری نمی شود، آن که ایمان نیاورد هم اکنون داوری شده است<sup>x</sup> زیرا به نام<sup>y</sup> پسر یگانه خدا، ایمان نیاورده است.  
۱۹ داوری چنین است: نور به جهان آمده و مردم تاریکی ها را بیشتر از نور محبت ۲۰:۱-۴:۱۲-۱۱:۹  
کرده اند زیرا عمل ایشان شرورانه بوده است<sup>z</sup>. ۲۰ زیرا هر کس بدی می کند از افس: ۱۳:۵-۱۷:۱۳-۱۳:۲۴ ایوب: ۱:۷-۱:۱۲-۱:۸-۱:۹-۱:۱۰-۱:۱۱-۱:۱۲-۱:۱۳:۵-۱:۱۴-۱:۱۵:۸  
نور متغیر است و به سوی نور نمی آید مبادا اعمالش سرزنش شود<sup>a</sup>. ۲۱ اما آن

«تو استاد اسرائیل هستی و این را نمی دانی! ۱۱ آمین، آمین، به تو می گوییم: ما از آنچه می دانیم<sup>b</sup> سخن می گوییم و به آنچه دیده ایم شهادت می دهیم و شهادت مرا را شما نمی پذیرید. ۱۲ اگر از امور زمینی به شما می گوییم و ایمان نمی آورید، وقتی از امور آسمانی به شما بگوییم چگونه حکم<sup>c</sup> ایمان خواهید آورد؟ ۱۳ و هیچکس به آسمان بالا نرفته مگر آن که از آسمان فرود آمده [یعنی] پسر انسان که در آسمان است<sup>d</sup>. ۱۴ و همان گونه که موسی مار را در صحراء بالا برد<sup>e</sup>، همچنین پسر انسان نیز باید بالا برده شود<sup>f</sup>. ۱۵ تا هر که به او ایمان آورد، زندگانی جاودانی یابد. ۱۶ زیرا خدا جهان را به قدری

- انسان اگر به خود و آگذار شده باشد نمی تواند امور مربوط به روح القدس را بشناسد. دانش اسرائیل هم از شناخت کامل این امر باز می ماند بلکه سخن یسوع لازم است زیرا که فقط او تجربه مستقیم و نزدیک از حقایق الهی دارد (۶:۶-۶:۱۸) و این سخن بایستی در ایمان پذیرفته شود.

- در اینجا که فعل به صورت جمع آمده آیا به سبب عظمت و جلال گوینده است یا انعکاس گفتاری است که به وسیله آن شاگردان به اهمیت تجربه خود شهادت می دهند؟ همچنین می توان این گونه تفسیر کرد که شاگردان به نوبه خود ندای یسوع را منعکس می نمایند (ر.ک: ۴:۲-۲:۲).

- این آیه را به طرق مختلفی می توان درک و تعبیر نمود: ۱- در درک مکاشفه الهی درجاتی وجود دارد، تا بدين جا یسوع از امور زمینی سخن گفته است یعنی مسائلی که در این دنیا می گذرد (تولد نوین آدمیان در زندگی برطبق روح القدس) ولی لازم است نیقدیموس فکر و اندیشه خود را بگشاید تا راز یسوع، پسر خدا را شناخته (۱۳:۳) تعالی و شکوه او را برروی صلیب درک نماید (۱۴:۳-۲). ۲- امور زمینی عبارت از شهادت یسوع است که جسم بشری باقته با شهادت شاگردان او است در صورتی که امور آسمانی مربوط به یسوع صعود کرده و روح القدس می باشد (۱۳:۳).

- در تعدادی از نسخ خطی که مربوط به اسکندریه است عبارت «که در آسمان است» وجود ندارد ولی در نسخه های دیگر و در ترجمه های پدران کلیسا این عبارت آمده است.

- اشاره به مار غفرنگی است که موسی در صحراء بريا کرده بود و مار زدگانی که با ایمان به آن نگاه می کردد شفا می یافتد (ر.ک اعد ۲۱:۹-۱۶:۶-۱۰:۶-۱۰:۴).

- یسوع بر روی صلیب بالا برده خواهد شد، صلیبی که محل و نشانه تعالی او در شکوه خواهد بود: ر.ک: ۳۰-۲۸:۸-۱۲:۱۲-۳۲:۱۸-۳۴:۳۲. چنین می نماید که یوحنان علاقمند است اصطلاحات و عباراتی بکار برد که از آنها چندین مفهوم می توان درک کرد.

- «هم اکنون داوری شده است». به عقیده یهودیان و برطبق تعداد زیادی از متون عهد جدید داوری نهایی در پایان تاریخ خواهد بود در صورتی که به نظر یوحنان داوری هنگامی انجام می شود که آدمی در حضور یسوع (و مخصوصاً در برابر صلیب او ۱۱:۱۶) قرار گرفته بیام او را پذیرد (ر.ک: ۲۱-۱۹:۳).

- ر.ک ۱۲:۱، توضیح<sup>۵</sup>.

- آدمیان برطبق این که می پذیرند یا رد می کنند به دو قسم تقسیم می شوند (ر.ک: ۴۱-۳۹:۹-۳۷:۱۲-۴۱-۳۹:۹-۵۰).

- کلام خدا، کسی را که بدی می کند افساء می نماید و همین امر، داوری یا محکومیت کسی است که خدا را نمی پذیرد.

به سوی او می آیند!»<sup>۲۷</sup> یوحنا پاسخ داده

گفت: «انسان نمی تواند چیزی بگیرد، مگر آنکه از آسمان به او داده شده باشد.»<sup>۱</sup>

<sup>۲۸</sup> شما خود شهادت می دهید که گفته ام:

«من مسیح نیستم. اما پیش از او فرستاده شده ام.»<sup>۲۹</sup>

است. اما دوست داماد<sup>h</sup> که در آنجا ایستاده مت ۱۰:۱۱ ملا ۱:۳ می باشد. اما دوست داماد<sup>g</sup> که در آنجا ایستاده مت ۱۵:۹ مرا و به او گوش می دهد<sup>i</sup> از صدای داماد بسیار شاد است.<sup>ii</sup> چنین است شادی من که به کمال است.<sup>۳۰</sup> باید که او افزون شود و من کاهش یابم.

### آن که از بالا می آید

«آن که از بالا می آید، برتر از همه است.»<sup>۳۱</sup>

است. آن که از زمین است زمینی است و

زمینی اسخن می گوید. آن که از آسمان

می آید<sup>k</sup> برتر از همه است. <sup>۳۲</sup> به آنچه دیده

کس که راستی را برقا می دارد<sup>b</sup>، به سوی نور می آید، برای آنکه نمایان شود که کارهایش در خدا انجام می گردد.<sup>c</sup>

### یرحنا و یسوع

بعد از آن، یسوع با شاگردانش به سرزمین یهودیه آمد و در آنجا با آنان اقامت کرده تعمید می داد. <sup>۲۳</sup> یوحنا نیز در عینون نزدیک «سالیم» تعمید می داد زیرا در آنجا آب بسیار بود<sup>d</sup> و مردم آنجا حاضر شده تعمید می بافتند.<sup>۲۴</sup> زیرا <sup>۲۳</sup> یوحنا هنوز به زندان نیافتاده بود.<sup>۲۵</sup> پس در آنجا بخشی بین شاگردان یوحنا و فردی یهودی <sup>e</sup> درباره طهارت درگرفت.<sup>۲۶</sup> و آنان به سوی یوحنا آمده به او گفتند: «ربی آن کس که با تو در آن سوی اردن بود، آن که درباره او شهادت داده ای، اینک او تعمید می دهد و همه

(ر. ک ۱۷:۷) به نظر یوحنا راستی را برقا ساختن بدان معنی است که اراده خدا را به همان نحوی که در کم می شود انجام

دهند (ر. ک ۱۸:۳۷)، بدین گونه به الهام کلام خدا که در یسوع داده شده ایمان آورده و به این ایمان عمل می کنند.

کسی که عمل خوب انجام می دهد هم اکنون به نحوی در شرکت با خدا است و این شرکت به ملاقات کامل که در پسر او انجام می شود منجر می گردد (ر. ک ۹:۶).

یوحنا در اینجا اطلاعاتی را ذکر می کند که در انجیل نظری وجود ندارد: موقعیت [دقیق] این محل معلوم نیست. [کلمه آرامی «عینون» به معنی چشمیه ها است. برخی از مفسرین، این محل را شهر سالم در ۵ کیلومتری شرق شکیم در سامره می دانند]

(پید ۱۸:۳۳-۱۹:۱؛ یو ۵:۴). ۹ کیلومتر دورتر از شهر سالم، چشمیه های (عینون) روذخانه «فارعه» به سوی رود اردن جریان دارد.

طبق این تفسیر به نظر می آید که یحیی گاهی اوقات در سامره که چند کیلومتر دورتر از چاه یعقوب بوده فعالیت داشته است، نزدیک به جایی که یسوع با زن سامری ملاقات نمود. این تفسیر بعضی از کلمات یسوع در آن محل را توضیح می دهد (یو ۳:۲۷-۳۸).

- در تعدادی از نسخ خطی نوشته شده است: بهوهیان.

f- یوحنا به کرات به یوحنا تعمید دهنده اشاره می کند (ر. ک ۱:۶-۱۵، ۱۵:۳۴-۳۵، ۳۵:۳۵، ۳۵:۳۵، ۳۵:۳۵) و اورا به عنوان شاهدی معرفی می نماید که گواهی می دهد یسوع پسر خدا است. شکی نیست که این متون انعکاس مشاجره و اختلافی است

که با شاگردان یوحنا وجود داشته زیرا برخی اورا مسیح می دانستند (ر. ک ۱:۱۹-۷). بنا بر این یوحنا در نوشته های خود به طور غیرمستقیم بحث و استدلال نموده و اظهار می کند که یسوع فرستاده خدا است و یحیی فقط شاهد او است.

g- در عهد عتیق گاهی اسرائیل به عنوان زوجه خداوند بشمار آمده است (هو ۲:۲۱؛ ۸:۲؛ اش ۵:۴-۶؛ ۲:۱؛ ۵). در عهد جدید کلیسا زوجه مسیح است (۲-قرن ۱:۲؛ افس ۲:۲۵-۳:۳؛ مکا ۲:۲۱؛ اع ۱:۱۹). یوحنا یسوع را به عنوان رئیس قوم زمان آخر می شناسد.

h- برطبق رسوم و عادات بهودیان، در جشهای عروسی، دوستان داماد وظایفی در ترتیب دادن جشن برهمه داشتند.

i- یحیی در وضعیت خدمتگزاری است: گوش دادن منضم توجه داشتن و اطاعت کردن است.

ii- [بحث اللفظی طبق دستور زبان آرامی: از شادی شادمان است].

j- در ماورای گواهی یوحنا تعمید دهنده، این قسمت شرح و توضیحاتی را که در ۱:۲۱-۲۱ داده شده به بیان می رساند. نمین مظهر

جیوه مخلوقات و محدودیت های مربوط به آن است و در برابر آسمان یعنی خدا است، خدایی که فرستاده او یسوع در موقعیت

او سهیم است.

k- در تعدادی از نسخ خطی جمله «برتر از همه است» وجود ندارد.

بلکه شاگردانش،<sup>۳</sup> یهودیه را ترک کرد و -قرن ۱:۱۷ مجدداً به سوی جلیل رفت.<sup>۴</sup> می بایست از میان سامرها عبور می کرد.<sup>۵</sup> پس به شهری<sup>۶</sup> از سامرها به نام «سوخار» در نزدیک ملکی پیدا کرد.<sup>۷</sup> چنین که یعقوب به پسرش یوسف داده بود آمد. یوشع<sup>۸</sup> چشمی یعقوب<sup>۹</sup> در آنجا بود، پس یسوع،<sup>۱۰</sup> خسته از راه روی، کنار چشمی نشسته بود و مر<sup>۱۱</sup> این در حدود ساعت ششم بود.<sup>۱۲</sup> زنی<sup>۱۳</sup> سامری برای کشیدن آب آمد. یسوع به او<sup>۱۴</sup> گفت: «به من آب بده». <sup>۱۵</sup> زیرا شاگردانش برای خرید خوراکی به شهر رفته بودند. مر<sup>۱۶</sup> پس زن سامری به او گفت: «چطور! تو<sup>۱۷</sup> که یهودی هستی از من که زنی سامری ام<sup>۱۸</sup> آب می خواهی!» زیرا یهودیان با سامریان<sup>۱۹</sup> مراوده ندارند.<sup>۲۰</sup> یسوع در پاسخ او گفت:

«اگر موهبت خدا را می دانستی و کیستی<sup>۲۱</sup> آن که به تو می گوید آب به من بده، خودت<sup>۲۲</sup> از او می خواستی و او به تو آب زندگی<sup>۲۳</sup> می کند.<sup>۲۴</sup>

و شنیده است شهادت می دهد و شهادتش را هیچکس نمی پذیرد. آن کس که شهادتش را می پذیرد تأیید می نماید<sup>۲۵</sup> که خدا راست است.<sup>۲۶</sup> درواقع آن کس را که خدا فرستاده است سخنان خدا را می گوید<sup>۲۷</sup> زیرا خدا روح را به اندازه نمی دهد.<sup>۲۸</sup> پدر پسر را محبت می کند و همه چیز را به دست او سپرده است.<sup>۲۹</sup> آن که به پسر ایمان دارد، زندگی جاودانی دارد. آن که ایمان به پسر را نمی پذیرد زندگی را نخواهد دید بلکه خشم خدا بر او مت<sup>۳۰</sup> روم<sup>۳۱</sup> می ماند.<sup>۳۲</sup>

## گفتگو با زن سامری

<sup>۱</sup> چون خداوند دانست که فریسان<sup>۲</sup> شنیده اند که یسوع بیش از یوحنا<sup>۳</sup> مت<sup>۴</sup> شاگرد تعلیم و تعمید می دهد،<sup>۵</sup> هر چند خود یسوع نبود که تعمید می داد

- ترجمه تحتاللفظی: با مهر تأیید می کند.

-m به طوری که در سرتاسر انجیل چهارم آمده یسوع فرستاده به اعلی درجه و پسر یکتا است. یوحنا اکثراً این کلمه را در مورد

یسوع بکار می برد (ر. ک ۱۹:۵-۲۰:۷).

-n می توان این عبارت را چنین درک کرد: فرستاده خدا، روح القدس را به فراوانی به ایمانداران می دهد.

-o گاهی ترجمه می کنند: او همه چیز را به دست وی داده است.

-p آیمان که عبارت از گراش با توکل به شخص پسر است تنها شرط دریافت زندگانی جاودان می باشد. بالعکس امتناع از ایمان

آوردن، آدمی را بلا محافظت در برابر خشم خدا فرار می دهد که اداری او بشمار می رود.

-q الیت یسوع می توانست بدون اینکه از سرزمین سامرها عبور کند به جلیل برود (بدین معنی که در امتداد دره رود اردن بالا

ایمانداران او با مخالف سامریان ارتباط و نزدیکی داشته یا اینکه ملاقات با زن سامری پیش نمودی از مأموریت کلیسا در مورد

ملت های غیریهودی می باشد (ر. ک ۲۷:۴-۳۸:۶).

-r منظور آبی است که در ته چاهی نسبتاً عمیق غلیان می کند.

-s ساعت ششم یعنی ظهر و وسط روز که روشنایی به حد آکثر می رسد.

-t انشعاب سامریان در دوران پس از تبعید یهودیان بوجود آمد. این انشعاب عکس العملی بر ضد اصلاحات و سخت گیریهای

مربوط به آن بود و منجر به اختلافات شدید بین یهودیان و سامریان شده بود. یک فرد یهودی بایستی از هرگونه تماس با

نایاکان خودداری کند و الیت به دلیل بالاتر، از آنان خوراکی درخواست ننماید (ر. ک بنسی ۵:۲۶-۲۷؛ لوله ۹:۵؛ ۱۰:۵؛

مت ۱:۵). [علاوه بر این یک مرد تنها اجازه صحبت کردن با زنی تنها را نداشت].

-u [تحتاللفظی: آب زنده (یعنی آبی که از سرچشمه جاری می شود]. در نوشته های کهن تقاویت آبهای راکد (با آبهای مرده) در

برابر آبهای روان (یا آبهای زنده) موضوعی معمولی و شناخته شده است (ار ۱۳:۲). یسوع نظری موقعی که با نیقدیموس گفتگو

می کرد از طریق سلسله مطالبی که در مخاطب خود سوءتفاهم ایجاد می کند خود را به صورت موجودی مرمز و عجیب می شناساند.

او گفت: «خداوندا می بینم که تو پیامبر مت ۱۴:۱۶؛ ۴۶:۲۱  
هستی... لار. ۲۰ پدران ما در بالای این کوه<sup>Z</sup> ۴۰:۷؛ ۱۷:۹  
پرستش کرده‌اند و شما می‌گویید در او رشلیم جائی است که باید در آنجا  
پرستش کرد.»<sup>۲۱</sup> یسوع به او گفت: «ای یوش ۸: ۳۳؛ ۱۲: ۵-۱۱  
زن به [سخن] من ایمان بیاور، ساعتی  
فرمی‌رسد که نه بر بالای این کوه و نه در  
اورشلیم پدر را پرستش خواهد کرد. اع ۱۴: ۶  
شما آنچه را که نمی‌شناسید پرستش ۲: ۱۷؛ ۲: ۳-۲۷  
می‌کنید، ما آن را که می‌شناسیم پرستش اش ۳: ۲؛ ۴: ۳-۹  
می‌کنیم زیرا نجات از یهودیان می‌آید. روم ۱۸: ۱۱  
اما ساعتی فرامی‌رسد - و هم اکنون<sup>a</sup>  
است - که پرستش کنندگان راستین، پدر افس ۲: ۲۵؛ ۵: ۲۱؛ ۲: ۱۸؛ ۲: ۶  
را در روح و راستی<sup>b</sup> پرستش خواهند کرد. ۱- یو ۵: ۶  
زیرا پرستندگانی که پدر می‌جوید چنین  
هستند.<sup>c</sup> خدا روح است<sup>b</sup> و آنانی که او<sup>d</sup> قرن ۲: ۱۷؛ ۳: ۱؛ ۱: ۱۲؛ ۳: ۳  
را می‌پرستند باید در روح و راستی<sup>e</sup> روم ۱: ۱۷-۳۸: ۷  
بپرستند.<sup>f</sup> ۲۵ زن به او گفت: «می‌دانم که<sup>g</sup> تث ۱۸: ۱۸؛ ۲: ۴؛ ۱: ۲۶  
مسیح (که کریستوس می‌نامند) باید بیاید.<sup>h</sup>  
وقتی او باید همه چیز را به ما نوید خواهد  
داد.<sup>i</sup> ۲۶ یسوع به او گفت: «من که با تو

می‌داد.»<sup>j</sup> ۱۱ زن به او گفت: «خداوندا<sup>k</sup>،  
چیزی برای کشیدن آب نداری و چاه عمیق  
است، پس این آب زندگی را از کجا<sup>l</sup> ۳۲-۳۱: ۶؛ ۵: ۳۸  
داری؟<sup>m</sup> ۱۲ آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتر  
هستی که این چاه را به ما داد و خودش و  
پسرانش و دامهایش از آن نوشیدند؟<sup>n</sup>  
ار ۱۳: ۲ یسوع در پاسخ او گفت: «هر که از این  
آب بنوشد، باز تشنۀ خواهد شد.<sup>o</sup> ۱۴ اما  
آنکه از آبی بنوشد که من به او خواهم داد،<sup>p</sup>  
دیگر هرگز تا به ابد تشنۀ خواهد شد: آبی<sup>q</sup> ۳: ۴۴؛ ۱: ۴۹؛ ۱: ۱۱: ۵۸  
که من به او خواهم داد در او چشمه آبی<sup>r</sup>  
جوشان به سوی زندگی جاودان خواهد  
گردید.<sup>s</sup> ۱۵ زن به او گفت: «خداوندا از  
این آب به من بده تا دیگر تشنۀ نشوم و  
برای کشیدن آب به اینجا نیایم.»<sup>t</sup> ۱۶ به او  
گفت: «برو شوهرت را صدا کن و به اینجا  
بیا». ۱۷ زن در پاسخ او گفت: «من شوهر  
ندارم.»<sup>u</sup> ۱۸ یسوع به او گفت: «درست  
گفته که «شوهر ندارم» زیرا پنج شوهر<sup>x</sup>  
داشته‌ای و آن که اکنون داری شوهرت  
نیست. در این باره راست گفته.»<sup>y</sup> ۱۹ زن به

۷- عنوان «خداوند» در اینجا فقط جنبه احترام دارد (ر. ک ۱۱: ۴، ۱۹، ۴۹؛ ۱۵: ۲۰) و می‌توان آن را «ای آفا» ترجمه کرد.  
۸- در این سرزمهین که در جوار صحراء قرار دارد آب مظہر تمام ارزش‌های زندگی است (اش ۳: ۳؛ ار ۱۳: ۱؛ ۱۳: ۱۷) و مخصوصاً  
مظہر فزانگی (باروخ ۳: ۲۴؛ بنسی ۱: ۵؛ ۳: ۳) و مظہر شریعت یا روح القدس است (اش ۳: ۴؛ ۴: ۳؛ یول ۱: ۳). یوحنا  
در اینجا به موهیت روح القدس می‌اندیشد که زندگی جاودان می‌بخشد (ر. ک ۳: ۳-۸: ۷).

۹- بعضی از مفسران در این نکته اشاره‌ای به پنج رب‌النوع سامریان می‌بینند که در ۲-۴۱-۲۹ ذکر شده است.  
۱۰- زن سامری متوجه می‌شود که یسوع اسرار زندگی او را می‌داند، پس به عنوان یک مرد خدا سلام کرده و درخواست  
می‌کند مسئله مهم و تعیین کننده مربوط به پرستش واقعی را روشن نماید (ر. ک ۴: ۲؛ ۱: ۴۲ توضیح p).

۱۱- عبادتگاه کوه چریم را که مشرف بر شکیم کهن بود هیرکان در ۱۲۹ قبل از میلاد مسیح ویران کرده بود. این محل عالی ترین  
مکان پرستش برای سامریان بوده است. [پرستش کرده‌اند در ترجمه تحت الفظی: سجده کرده‌اند.]

۱۲- موهیت روح القدس انسان را قادر می‌سازد که خدا را به عنوان پدر شناخته پرستش کند: و پرستش در راستی به همین معنی  
است. این روش پرستش از مشخصات زمان آخر است. از آن پس دوران هر نوع پرستش دیگری و مخصوصاً آنچه در معبد  
اورشلیم برگزار می‌شود کهنه شده و سرآمدده است (ر. ک اع ۴: ۷-۴۷؛ ۴: ۴۸-۴۹).

۱۳- در اینجا منظور آن نیست که جنبه غیرمادی خدا یادآوری و تأکید شود بلکه گفته می‌شود که او منبع موهیت‌های روحانی است  
که وجود هر آفریده‌ای را متعالی می‌سازند.

کشترارها را تماشا کنید که برای درو کردن سفید شده اند.<sup>۳۶</sup> از این پس دروگر مز ۱۲:۵-۶:۲<sup>۳۹</sup> اش مزدش را دریافت می کند و میوه ای برای زندگانی جاودانی برداشت می کند تا بدرا فشان و دروگر با هم شاد شوند.<sup>۳۷</sup> زیرا در این مورد راست گفته اند که: یکی بذر می افساند و دیگری درو می کند.<sup>۳۸</sup> من میک ۱۵:۶:۱۵-۳:۶<sup>۴۰</sup> شما را فرستاده ام تا آنچه را که برای آن رحمت نکشیده اید درو کنید. دیگران زحمت کشیده اند و شما از زحمت ایشان اع ۱۷-۱۴:۸<sup>۴۱</sup> بهره می برید.<sup>f</sup> بسیاری از سامریان این شهر به خاطر حرف این زن که شهادت می داد «هر آنچه کرده ام به من گفته است» به او ایمان آوردن.<sup>۴۰</sup> پس وقتی سامریان لو ۵:۲-۶:۲<sup>۴۲</sup> نزد او آمدند از او خواهش کردند با ایشان اع ۴:۱۰-۲:۲۰<sup>۴۳</sup> بمناند و او دو روز در آنجا ماند.<sup>۴۱</sup> و کسان بیشتری به خاطر سخن وی ایمان آوردن.<sup>۴۲</sup> اع ۸:۸<sup>۴۲</sup> و به آن زن می گفتند: «دیگر به خاطر گفته های تو نیست که ایمان می آوریم. خودمان شنیده ایم<sup>g</sup> و می دانیم که به راستی او منجی جهان است.<sup>h</sup> ۱- یو ۱۷:۳<sup>۴۳</sup>

<sup>c</sup>- یسوع در ماورای اظهاراتی که درباره مسیح بودن خود می نماید پاسخی می دهد که از نظر علم الهی ارزش و دامنه وسیع تری دارد زیرا عبارتی را که خدا به موسی اظهار کرده است: «من هستم»، یسوع در مورد خود بکار می برد (خروج ۳: ۱۵-۱۴: ۳)؛ هو ۹: ۹؛ ر. ک ۸: ۲۴، ۲۸، ۲: ۱۰-۲: ۱۳؛ ۵: ۸، ۱۹: ۱۳).

<sup>d</sup>- تعجب شاگردان فقط بدین سبب نیست که گفتگوی مردی با زنی برخلاف عادات و رسوم آن دوران بوده بلکه تعجب می کنند که یسوع کلام خدا را به زنی اظهار می نماید، به علاوه این زن سامری است. شاگردان در نیافته اند که یسوع در جستجوی چیزی است که پدر جستجو می کند (ر. ک ۴: ۲۳-۲۴).

<sup>e</sup>- با نگاه به کشترارها به دقت می توان برآورد کرد که چه مدتی تا برداشت محصول مانده است ولی هنگام برداشت محصول زمان آخر آغاز شده و بایستی به تمام مناطق دنیا گسترش یابد (۴: ۲۲-۲: ۴). سامریان که نزدیک می شوند نخسین محصول و نوبر آن بشمار می آیند (ر. ک مت ۳: ۳۷-۳: ۳۸؛ لو ۲: ۱۰-۲: ۱۱).

<sup>f</sup>- شاگردان یسوع دروگران زمان آخر خواهند بود. ایشان آنچه را که به قیمت رنج و زحمت دیگران کاشته شده است برمی چینند. این نکته اشاره به بیامیران کهن و مخصوصاً اشاره به [یوحنا، ر. ک ۲: ۳] و یسوع است.

<sup>g</sup>- شهادت زن سامری و نیز شهادت رسولان در اینده، حتیاً مجرم به ایمان نمی شود مگر اینکه موقعیتی برای ملاقات و برخورد با گفتار و شخص یسوع باشد.

<sup>h</sup>- عنوان منجی گاهی در عهد عتیق به خدا نیست داده شده است (اش ۱: ۲۰؛ ۳: ۴۳) ولی در دنیای یونانی گاهی این عنوان به امپراتور داده می شد. نویسنده کان عهد جدید این عنوان را عموماً در مورد یسوع بکار برده اند (مت ۱: ۲۱؛ لو ۱: ۴۷؛ ۱: ۲؛ ۱: ۱؛ ۲: ۲۱؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۲۱؛ ۲: ۲۰) یوحنای تنها کسی است که عنوان منجی جهان بکار می برد (۱- یو ۴: ۱۴) و بدن وسیله جنبه عالمگیری نجات را یادآوری و تأیید می نماید؛ این عنوان که در پایان روایت زن سامری ذکر شده نشان می دهد که روایت ارزش نمادین دارد.

## نشانه دوم قانا

مت: ۳۸:۱۲؛ ۴-۱:۶  
مر: ۱۲-۱۱:۸؛ ۳۲-۲۹:۱۱  
حک: ۸:۸  
قرن: ۲۲:۱

نشانه ها و کرامات نبینید، ایمان نخواهد آورد.<sup>m</sup> »<sup>۴۹</sup> افسر شاهی به او گفت: «خداوندا پیش از آنکه کودکم بمیرد فرود آی.» <sup>۵۰</sup> یسوع به او گفت: «برو، پسرت مت: ۱۳-۱۰:۸؛ ۲۹:۷  
زند است.» مرد به سخنی که یسوع به او گفته بود ایمان آورده به راه افتاد. <sup>۵۱</sup> چون به پایین می رفت بردگانش به استقبال آمد  
به او گفتند که کودکش زند است. <sup>۵۲</sup> پس از آنان سوال کرد در چه ساعتی حالش بهتر شد؟ به او گفتند: «دیروز، ساعت هفتم بود که تبش قطع شد.» <sup>۵۳</sup> آنگاه پدر دانست اع: ۱۴:۱۱؛ ۱۵-۱۴:۱۶  
که در همان ساعت یسوع به او گفته بود: <sup>۳۱</sup> «... پسرت زند است» و او و تمام اهل خانه<sup>n</sup> ایمان آوردند. <sup>۵۴</sup> این بود نشانه دوم که یسوع در بازگشت از یهودیه به جلیل انجام داد.

۴۳ پس از این دوروز از آنجا به جلیل رفت.<sup>۴۴</sup> زیرا خود یسوع تأیید کرده بود hh  
که هیچ پیامبری در موطن خود مورد تکریم نیست.<sup>۴۵</sup> پس هنگامی که به جلیل آمد، جلیلیان از او به خوبی پذیرایی کردند به خاطر همه کارهایی که به هنگام جشن در اورشلیم از او دیده بودند زیرا آنان نیز برای جشن آمده بودند.<sup>۴۶</sup> پس بار دیگر به قانا جلیل که در آنجا آب را شراب کرده بود باز آمد. در آنجا یک افسر شاهی بود که پرسش در کفرناحوم بیمار بود.<sup>k</sup> <sup>۴۷</sup> وقتی شنید که یسوع از یهودیه به جلیل آمد است، به سویش آمد و از او خواهش می کرد که فرود آمده<sup>۱</sup> پرسش را شفا دهد زیرا پرسش دم مرگ بود. <sup>۴۸</sup> پس یسوع به او گفت: «اگر

## - [تحت الفظی: شهادت داده بود.]

<sup>i</sup>- مفهوم این عبارت میهم است زیرا یوحنا در هیچ مورد اشاره ای نکرده که در ناصره، یسوع را از روی بی ایمانی و با تردید پذیرفته باشدند (ر.ک مت: ۱۳-۵:۴؛ ۵:۸-۵:۴؛ ۶:۱؛ ۶:۴؛ ۶:۱۶-۳۰). بنا بر این آبای می توان تصور نمود که اورشلیم را به عنوان موطن واقعی یسوع بشمار می آورد؟ اگر این افسر [ر. ک آیه ۴۶] فرد بت پرستی است می توان او را مظہر و نماینده دسترسی مشرکان به زندگی شناخت (منظور از خارجیان و مشرکان افراد غیریهودی هستند) و در مقابل بی ایمانی یهودیان (ر.ک ۱۹:۱). توضیح: ۳-۱:۴).

<sup>j</sup>- ترجمه دیگر: با این همه وقتی به جلیل رسید جلیلیان از او خوب پذیرایی کردند همه آنچه را که یسوع کرده بود ببینند چون او هم برای جشن به اورشلیم رفته بود.

<sup>k</sup>- این افسر وابسته به شخص پادشاه هیرودیوس آنتیپاس است و در روایتی که در اینجا آورده شده چندین نکته وجود دارد که واقعه ستنتوریون را به یاد می آورند (مت: ۸:۵-۱۳؛ لو: ۱-۱۰).

<sup>l</sup>- شهر کفرناحوم در کنار دریاچه قرار دارد و در میان دامنه های ارتفاعات کاملاً محصور می باشد بنا بر این برای رفتن به آنجا بایستی مدت زیادی در سرازیری پایین رفت.

<sup>m</sup>- ر. ک ۲۴:۲ توضیح k. ایمانی که محدود به آن باشد که مرتباً تقاضای معجزه کنند کافی نیست بلکه فقط ایمان بدون تردید به یسوع و گفتار او به زندگی منجر می شود. در سرتاسر این روایت، ارتباط بین ایمان و زندگی و همچنین تقابل مرگ و زندگی ملاحظه می شود: یسوع سرچشمه آب زندگی (۲۶-۴:۴) کسانی را که به او ایمان می آورند از مرگ به سوی زندگی منتقل می سازد (ر.ک ۳۰:۵-۱۹).

<sup>n</sup>- تحت الفظی: خانه/ش.

به حرکت درمی آید مرا به استخر بیندازد و تا خود به آنجا می روم، دیگری پیش از من فرو رفته است.<sup>۸</sup> یسوع به او گفت: «قیام مت:۶:۲؛ کن! بستر خود را بردار و راه برو!» در لوح:۲۲:۵ همان دم مرد بهبود یافته بستر خود را برداشته راه می رفت. آن روز یک روز:۱۴:۹ سبت بود،<sup>۹</sup> پس یهودیان به آن کس که شفا یافتہ بود می گفتند: «روز سبت تو از:۲۷:۲۱؛ مجاز نیستی بستر خود را حمل کنی!»<sup>۱۰</sup> مت:۸:۲۰؛ خروج:۸:۱؛ اما او به ایشان پاسخ داد: «آن کس که مرا بهبودی داده است او به من گفت: بستر خود را بردار و راه برو»<sup>۱۱</sup> از پرسیدند: «کیست مردی که به تو گفت بستر خود را بردار و راه برو.»<sup>۱۲</sup> اما آن که شفا یافتہ بود نمی دانست او کیست زیرا یسوع نایدید مت:۱۸:۸؛ شده بود چون در آنجا ازدحام جمعیت بود. مر:۴:۳؛ ۱۳ پس از آن یسوع اورا در معبد یافت و به یو:۱۷:۷؛ او گفت: «اکنون بهبود یافته ای، دیگر گناه مت:۲:۹؛ مکن مبادا به تو چیز بدتری برسد!»<sup>۱۴</sup> مرد اع:۸:۳؛

۱۵-۱:۵ بهبود یافته بود می گفتند: «روز سبت تو از:۲۷:۲۱؛ در زیر آنها انبوهی از بیماران، کوران، لنگان و عاجزان بسر می برند [که درانتظار غلیان آب می بودند]<sup>۱۵</sup> زیرا فرشته خداوند گاهگاهی در استخر فرود آمده آب به حرکت درمی آمد، پس اولین کسی که بعد از حرکت آب داخل آن می شد، بیماریش هرچه بود بهبود می یافت!»<sup>۱۶</sup> در آنجا مردی بود که سی و هشت سال از بیماریش رنج می برد.<sup>۱۷</sup>

## شفای یک مفلوج در اورشلیم

<sup>۱۸</sup> پس از آن جشن یهودیان<sup>۱۹</sup> بود و یسوع به اورشلیم فراز آمد.<sup>۲۰</sup> باری نج:۳۲:۷؛ در اورشلیم نزدیک دروازه برهه استخیری است که به عبری بیت حسد<sup>۲۱</sup> نامیده می شود که پنج رواق دارد<sup>۲۲</sup> و در زیر آنها بسر می برندند [که درانتظار غلیان آب می بودند]<sup>۲۳</sup> زیرا فرشته خداوند گاهگاهی در استخر فرود آمده آب به حرکت درمی آمد، پس اولین کسی که بعد از حرکت آب داخل آن می شد، بیماریش هرچه بود بهبود می یافت!<sup>۲۴</sup> در آنجا مردی بود که سی و هشت سال از بیماریش رنج می برد.<sup>۲۵</sup>

<sup>۲۶</sup> یسوع چون او را دید که دراز کشیده و می دانست مدت درازی است که به این حال است به او گفت: «آیا می خواهی بهبود یابی؟»<sup>۲۷</sup> [مرد] بیمار به او پاسخ داد: «خداآنده<sup>۲۸</sup> من کسی را ندارم که وقتی آب

۰- منظر یکی از جشن های مهم یهودیان است و لی به دشواری می توان تعیین کرد که کدام جشن می باشد. در بعضی از نسخ خطی آن جشن بطور کلی ذکر شده که باقیستی به مفهوم جشن گذر یهودیان تعبیر شود. در فاصله بین ۵:۴ و ۱:۵ و همچنین ۵:۵ و ۴:۷ و

۱:۶ موضوع طالب سریعاً تغیر می کند، بدین سبب بعضی از مفسران تصور می کنند که باب پنجم در اصل بین باهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ قرار داشته است (در این صورت قسمت ۱۵:۷ و ۱۴:۷ و ۱۵:۷ تنبیجه گیری مناسبی از مطالب ۱۹:۵-۱۷:۴-۱۸:۳-۱۵:۳-۱۷:۷-۱۷:۶-۱۷:۵-۱۷:۴-۱۷:۳-۱۷:۲-۱۷:۱-۱۷:۰-۱۷:۹-۱۷:۸-۱۷:۷-۱۷:۶-۱۷:۵-۱۷:۴-۱۷:۳-۱۷:۲-۱۷:۱-۱۷:۰) و از این رو چشیدن که در ۱:۵ ذکر شده همان جشن گذر خواهد بود که در ۴:۶ آمده است.

p- نام این محل بیت حسد/ یا بیت زاتا، نام یکی از محله های اورشلیم است که در شمال معبد قرار دارد. در حفاریهای جدید، خواجه های استخیر کشف شده ولی از پنج رواق اثری به دست نیامده است. در این محل معبدی مختص سرایپس، رب النوع شفایخش یونانیان قرار داشته است.

۹- پایان آیه ۳ و تسامی آیه ۴ که در داخل قلاط گذاشته شده در تعدادی از نسخ خطی معتبر که خیلی قلیقی هستند وجود ندارد. این مطالب تذکر و توضیحی برای بقیه روایت است.

۱۰- این روایت از بسیاری جهات موضوع شفای مفلوج در مر:۱-۲ و متون متوازی را به یاد می آورد. [عدد سی و هشت به تث:۲:۱۴؛ اشاره دارد که زمان سرگردانی قوم برگزیده در صحراست. آیا انجیل یوحنا می خواهد اشاره نماید که این مرد مفلوج، نماینده و سهل قوم برگزیده است که مسیح او را شفا داد؟]

۱۱- ر. ک ۱۱:۴ توضیح.

t- در میشنا [که مجموعه دستورات و مقررات شرعی یهودیان دکلمه و تشريح شده است] در مورد استراحت روز سبت تصريح گردیده که حمل بار ممنوع می باشد (شبّات ۲:۷).

۱۲- در این متن اظهار نشده که بین گناه و بیماری ارتباط وجود دارد (ر. ک ۳:۹؛ ۴:۱۱)، [ر. ک ۲۳:۷] ولی چنین برمی آید که عمل یسوع منحصر به شفای جسمانی نیست بلکه کسی که به معجزه شفا یافته از این پس باید بر طبق موهبتی که دریافت کرده است زندگی کند. [کلمه بهبودی ۷ بار در این مورد و در مورد کور مادرزاد آمده است].

به همان گونه که مردگان را قیام می بخشد و به آنها زندگانی می دهد، به همان گونه پسر نیز به آنانی که بخواهد زندگانی می دهد.<sup>z</sup>

<sup>۲۲</sup> زیرا پدر هیچکس را داوری نمی کند بلکه همه داوری را به پسر سپرده است

<sup>۲۳</sup> تا همه پسر را تکریم کنند، چنان که پدر را تکریم می کنند، آن کس که پسر را تکریم نکند، پدری که او را فرستاده است تکریم نمی کند.<sup>۲۴</sup> آمین، آمین، به شما می گوییم: آن که سخن مرا می شنود و به آن که مرا فرستاده است ایمان دارد زندگانی جاودانی دارد و به داوری نمی رود بلکه از مرگ به زندگانی گذر کرده است.<sup>a</sup> آمین، آمین،

به شما می گوییم: ساعتی فرامی رسد - و هم اکنون است! - که مردگان<sup>b</sup> صدای پسر خدا را خواهند شنید و آنان که شنیده باشند، زندگانی خواهند کرد.<sup>۲۶</sup> زیرا به همان گونه که پدر زندگانی را در خود دارد، همچنان آن را به پسر داده است که زندگانی را در خود داشته باشد<sup>c</sup> و به او اقتدار داده تا داوری کند زیرا او پسر انسان

برفت و به یهودیان اعلام کرد که یسوع بود که او را بهبودی بخشیده است.<sup>۱۶</sup> به این مت ۱۴:۱۲ سبب یهودیان یسوع را آزار می دادند زیرا این را در روز سبت انجام می داد.<sup>۱۷</sup> اما به ایشان پاسخ داد: «پدرم تاکنون کار می کند، من نیز کار می کنم».<sup>۱۸</sup> به همین سبب یهودیان، بیشتر در جستجوی آن بودند تا او را بکشند زیرا نه فقط [قانون] سبت را می شکست بلکه خدا را هم پدر خود می نامید و خود را با خدا برابر می کرد.<sup>w</sup>

### اقتدار پسر

<sup>۱۹</sup> یسوع به سخن درآمده به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می گوییم: پسر از پیش خود هیچ نمی تواند بکند مگر آنچه را که می بیند پدر می کند، زیرا آنچه او می کند، پسر نیز به همان گونه می کند.<sup>x</sup> <sup>۲۰</sup> زیرا پدر پسر را محبت می کند و همه آنچه را به جای می آورد به او نشان می دهد و برایش کارهای بس بزرگتر از اینها نشان خواهد شده و منجر به توضیحاتی می شود که در آیات ۱۹-۳۰ آمده است ولی دورنمای مرگ یسوع نیز پدیدار می شود.

<sup>۲۱</sup> زیرا پدر از کارهای رسالت سوچ بر روحی زمین، برتر و بالاتر کارهایی است که مربوط به صعود و شکوه باشند او می باشد یعنی داوری و زندگی جاودانی (ر. ک ۲۱:۵-۲۱:۳۰-۳۰:۱۴-۱۲:۱۴).

<sup>۲۲</sup> پسر در هیچ لحظه ای مستقلانه عمل نمی کند<sup>y</sup> (۲۸:۸) و همچنین پدر هیچ عملی را به خود منحصر نماید: عمل هر یک کاملاً در داخل عمل دیگری است. بنابراین فعالیت یسوع ظهور و تجلی کامل فعالیت پدر است.

<sup>۲۳</sup> از کارهای رسالت سوچ بر روحی زمین، برتر و بالاتر کارهایی است که مربوط به صعود و شکوه باشند او می باشد یعنی داوری و زندگی جاودانی (ر. ک ۲۱:۵-۲۱:۳۰-۳۰:۱۴-۱۲:۱۴).

<sup>۲۴</sup> برابر روایات یهود، خدای زنده قادر است زندگی بدهد. کلمات «به آنانی که بخواهد» تأکید می نماید که این گزینش رایگان است.

<sup>۲۵</sup> کسانی را که پدر به وسیله یسوع فراخوانده و به پدر ایمان می آورند، زندگی خدایی دریافت می کنند و داوری زمان آخر درباره آنان نیست (ر. ک ۱۸:۳).

<sup>۲۶</sup> در تمام این قسمت انجیل، نظری<sup>۱۱</sup> ۲۵:۱۱ یوحنا به روشهای مختلف کلمه «مرگ» را به عنوان نماد بکار می برد و همچنین کلمه «مردگان» درباره کسانی است که دور از خدا زندگی می کنند و در برابر کلام خدا که می تواند به آنان مجدد حیات بخشید مرده اند (ر. ک ۱۱:۲۶ توضیح ۷).

راستی شهادت داده است.<sup>f</sup> اما من شهادت انسان را نمی پذیرم بلکه این را می گویم تا شما تجات یابید.<sup>۳۵</sup> او چراغی بود که می سوزد و می درخشد<sup>g</sup> و شما را ۱- یو ۹:۵ خوش آمد که دمی به درخشش او شادی<sup>۱</sup> دان ۱۰:۷ از این تعجب نکنید زیرا ساعتی فرا می رسد که تمام کسانی که در قبرند،<sup>۱۱</sup> لوا ۱۴:۱۴؛ مکا ۱۳:۲۰ و بیرون ۱۶:۴ خواهند آمد. آنان که نیکی کرده اند برای دان ۱۲:۲؛ رستاخیز زندگانی و آنان که بدی کرده اند مت ۲۷:۱۶؛ ۴۶:۲۵؛ ۱۵:۲۴ اع برای رستاخیز داوری<sup>d</sup>.<sup>۳۰</sup> من چیزی از پیش خود نمی توانم بگنم، برابر آنچه می شنوم داوری می کنم و داوری من عدالت است زیرا اراده خود را نمی جویم، بلکه اراده آن کس که مرا فرستاده است.

تآ آنها را انجام دهم، همین کارها درباره من شهادت می دهنده که پدر مرا فرستاده است. ۱- یو ۹:۵؛ مت ۶:۹؛ ۲:۳؛ ۱:۲؛ بود ۳:۳، ۱۶:۹؛ ۲۸، ۲۵:۱۰ شهادت داده است. شما هرگز نه صدای او را شنیده اید و نه صورت او را دیده اید.<sup>i</sup> ۴:۵-۴۴:۶؛ ۱:۸:۸؛ ۱۷:۳؛ ۱۲:۴؛ ۳۷:۸؛ ۲۹:۶؛ ۱۴:۲

۳۸ و سخن او را ندارید تا در شما بماند زیرا شما به کسی که او فرستاده است ایمان ندارید.<sup>j</sup> نوشه های مقدس را کاوش می کنید زیرا می پنداشید که زندگانی جاودانی را در آنها خواهید داشت<sup>k</sup> و همین مکا ۱۹:۱؛ ۲۷:۲۴؛ ۲۷:۱۳؛ ۱۰:۱؛ ۱۱-۱۰:۱؛ ۱۰:۱۹

دان ۱۴-۱۰:۷ است.<sup>c</sup> از این تعجب نکنید زیرا ساعتی فرا می رسد که تمام کسانی که در قبرند،<sup>۱۱</sup> صدای او را خواهند شنید<sup>۲۹</sup> و بیرون ۱۶:۴ خواهند آمد. آنان که نیکی کرده اند برای دان ۱۲:۲؛ رستاخیز زندگانی و آنان که بدی کرده اند مت ۲۷:۱۶؛ ۴۶:۲۵؛ ۱۵:۲۴ اع برای رستاخیز داوری<sup>d</sup>.<sup>۳۰</sup> من چیزی از پیش خود نمی توانم بگنم، برابر آنچه می شنوم داوری می کنم و داوری من عدالت است زیرا اراده خود را نمی جویم، بلکه اراده آن کس که مرا فرستاده است.

## شهادت‌ها

۱۴-۱۳:۸ آگر من درباره خودم شهادت بدهم،<sup>e</sup> شهادتم راست نیست.<sup>۳۲</sup> دیگری درباره من شهادت می دهد و می دانم شهادتی که درباره من می دهد راست است.<sup>e</sup> ۳۳ شما کسانی به نزد یوحنا فرستاده اید و او به مت ۱۱-۷:۱۱

<sup>c</sup>- در نبوت‌های مربوط به ایام آخر در مکافته‌های یهودیان، «پسر انسان» وظایف داور اعلی را دارد (دان ۱۳:۷؛ خنخ ۲۷:۴۹). رک ۱:۵۱).

<sup>d</sup>- در آیات ۲۹-۲۸ سخن از رستاخیز در روز آخر است (رک دان ۱۲:۱-۳). یوحنا با آن که قسمت اساسی رستاخیز را که زندگی در شرایط با خدای زنده است در زمان حاضر تعیین می کند با این همه منظره رستاخیز را که کاملاً در ایام آخر تحقق خواهد یافت حفظ می نماید.

<sup>e</sup>- برابر اصول و قواعد قضایی معمول، مخاطبان حق دارند شهادت های درخواست کنند که اظهارات عجیب و بی مانند بسیع را تأیید نمایند ولی در این وضعیت فقط شهادت خدا می تواند این اظهارات را تأیید کند (ر.ک مت ۸:۸).<sup>f</sup> به نظر بسیع شهادت یوحنا تعمید دهنده فقط ارزش نسبی دارد با این همه بسیع از آن یاد می کند زیرا یهودیان تا حدی آن را پذیرفته بودند (۳۰-۲۲:۳؛ ۳۴-۱۹:۱). ر.ک ۲۶:۳ توضیح<sup>f</sup>.

<sup>g</sup>- این عبارت بنیسی ۴:۸ را به یاد می آورد.

<sup>h</sup>- شهادت یوحنا، آن طور که باید مورد قبول عامه واقع نشده بود زیرا قاعده‌ای این شهادت بایستی مردم را به سوی بسیع هدایت می کرد در صورتی که عملاً فقط لحظه‌ای شور و هیجان ایجاد کرده بود.

<sup>i</sup>- نشانه‌ها و کارهایی که بسیع انجام می دهد متفقًا عمل پدر می باشند: بنا بر این کسانی که اظهارات و ادعای بسیع را می سیع بودن او نمی پذیرندقطع رابطه خود را با خدا نشان می دهند زیرا هیچکس نمی تواند نشانه‌های بسیع را انجام دهد مگر اینکه از سوی خدا آمده باشد (۳۱، ۲:۹؛ ۱۶:۹). یهودیان می باشند او را به عنوان پسر خدا پذیرند (رک ۵:۳۰-۱۹:۵).<sup>j</sup> ۱۰:۲۵-۳۸:۱۰.

<sup>j</sup>- ظهورهای قبلی الهی نظری تجلی خدا در سینا (آیه ۳۷: ب؛ خروج ۱۹: ۱۷-۱۶: ۱۷) و دائمی بودن کلام خدا (آیه ۱۳۸ الف؛ خروج ۱۹: ۵) به طوری که باید پذیرفته نشده بود و نشانه این امر آن است که یهودیان در بسیع عمل خدا را نشناخته اند.

<sup>k</sup>- نوشه های مقدس، منع زندگی حقیقی هستند (ر.ک تث ۱:۴-۳؛ ۱:۸؛ ۳:۳۰؛ ۱۵:۳۰؛ ۲۰-۱۵: ۳۰؛ ۱:۸؛ ۳:۱۱-۱۰: ۱۵). در محافل ربه های یهود که دائماً در نوشه های مقدس کاوش می کنند این موضوع به فراوانی ذکر شده است.

اما اگر به نوشه‌های او ایمان ندارید، لو ۳۱-۲۷:۱۶ می‌گونه به سخنان من ایمان خواهد آورد.

**یسوع جمعیت زیادی را غذا می‌دهد<sup>۹</sup>**  
 (متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛  
 لوقا ۱۷-۱۰:۹)

<sup>۱</sup> پس از آن یسوع به آن سوی دریای مت ۲۱-۱۳:۱۴ رسید. <sup>۲</sup> جمیعت ۴۴-۲۲:۶ می‌گذشت. <sup>۳</sup> جلیل یا طبریه رفت. <sup>۴</sup> جمیعت ۴۴-۲۲:۴ می‌داند زیرا نشانه‌هایی را که برای بیماران انجام می‌داد مت ۴۵:۴ مشاهده می‌کردند. <sup>۵</sup> یسوع از کوه بالا رفت ۲۹:۲۰؛ ۲۱:۱۹ و در آنجا با شاگردانش نشست. <sup>۶</sup> جشن لوقا ۱۱:۹ گذر یهودیان<sup>۷</sup> تزدیک بود. <sup>۷</sup> چون چشمها را بلند کرده دید که انبویی از مردم به سویش ۳۹:۲۲ می‌آیند یسوع به فیلیپس گفت: «از کجا ۱۳:۲۴ نان بخیریم تا این مردم بخورند؟» <sup>۸</sup> این را

نوشته‌ها است که درباره من شهادت می‌دهند.<sup>۹</sup> <sup>۱۰</sup> و نمی‌خواهید بسوی من آئید تازندگی داشته باشد.<sup>۱۱</sup> من شکوهی را که از مردم بباید نمی‌پذیرم، <sup>۱۲</sup> اما شما را شناختم که محبت خدا در درون شما نیست.<sup>۱۳</sup> من به نام پدرم آمده‌ام و شما

مت ۲۴:۵-۲۶:۵ مرا نمی‌پذیرید، اگر دیگری به نام خودش بباید او را خواهید پذیرفت.<sup>۱۴</sup> چگونه

می‌توانید ایمان بباورید، شما که شکوه را روم ۵:۴ از یکدیگر می‌جوئید و شکوهی را که از

خدای یکتا می‌آید جستجو نمی‌کنید!<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۶</sup> میندارید که من در مقابل پدر شما را

تث ۲۷-۲۶:۳۱ متهم خواهم کرد، متهم کننده شما موسی

است که شما به او امید دارید.<sup>۱۷</sup> اگر به

موسی ایمان می‌داشتبید، به من هم ایمان لوقا ۲۷:۲۴؛ ۲۲:۳ می‌آورید، زیرا او درباره من نوشه است.

۱- هرگاه نوشه‌های مقدس را در پرتو انسان شدن پسر خدا و صعود وی به آسمان بخوانیم در آنها سخنان و وقایعی ذکر شده که خدا به وسیله آنها آمدن پرسش را اعلام می‌کند تا تمامیت زندگی را بباورد (رک ۱:۴۵؛ ۲۲:۴؛ ۲۴:۴؛ ۴۷:۵؛ ۲۰:۴؛ ۲۲:۱؛ ۴۱:۱۲).

۲- یسوع یهودیان را سرزنش نمی‌کند که چرا در نوشه‌های مقدس کاوش می‌کنند بلکه بدین سبب که تشخیص نمی‌دهند این نوشه‌ها بر او شهادت می‌دهند.

۳- به همان گونه که یهودیان کلام خدا را در خود ندارند فاقد محبت واقعی نسبت به او هستند (ر. ک ۲۱:۱۴؛ ۲۳:۱۴). یسوع از قلب‌ها آگاه است (۲۵:۲-۳؛ ۲۱-۱۹:۳). این آیه را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: اما من دریافته‌ام که شما در خود محبت خدا را ندارید.

۴- آنان که به نام خودشان سخن می‌گویند به این دنیا تعلق دارند و به زبان دنیا سخن می‌گویند (۷:۶-۱۷)؛ دنیا آنچه را که با او هم آهنگ است دوست دارد و در آنها انعکاسی از تصویر خود می‌بیند (۱۵:۱۹). شکی نیست که منظور پیامبران دروغین است (۱۰:۸) ولی امکان دارد که منظور یوحنا شیطان باشد (ر. ک ۸:۴-۴۱؛ ۴۳:۱۲-۱۳؛ ۲۳:۱؛ ۲۱:۳؛ ۳۱:۲؛ ۲۹:۱؛ ۲۱-۲۹:۲). این آیه را می‌توان این‌گونه ترجمه کرد: اما من دریافته‌ام که شما در خود محبت دستوری کلی بیان می‌کند.

۵- ریشه عمیق بی ایمانی در آن است که در جستجوی افتخار شخصی باشند و دنیا را به خاطر افتخار و شکوهی که در آن بدست آمده و سهمی بر می‌گیرند پذیرند در صورتی که ایمان ایجاد بدون قید و شرط در صفحه خدا گرفته فقط از او انتظار شکوه و جلال داشته باشد چنانکه خود یسوع چنین کرده است (۷:۸؛ ۱۸:۷؛ ۵:۴-۵۰؛ ۲۳:۱۲؛ ۲۸:۱؛ ۳۲-۳۱:۱۳؛ ۲۱:۱۷).

۶- موسی واسطه و حامی اسرائیلیان در حضور خدا بیشمار می‌آمد. یسوع او را همچون متهم کننده یهودیان معرفی می‌کند زیرا معنی واقعی تورات را در نیافته‌اند که بایستی ایشان را به شناختن و مکاشفه نهایی در یسوع هدایت نماید (۱:۶؛ ۶:۱۷؛ ۲:۲۲-۲۳؛ ۷:۴-۲۹:۱).

۷- موضوع تکثیر نانها و ماهی‌ها چایگاه مهمی در این انجیل نظری دارد (مر ۶:۴-۳۵؛ ۶:۹-۱:۸؛ ۱۴:۱-۲؛ ۲:۲۱-۳:۳؛ ۱۵:۱۵-۳۲:۳؛ لوقا ۱۰:۹؛ ۱۷-۱۰:۹؛ ۴:۲-۴:۲-۱:۲؛ ۲:۴-۴:۲-۱:۱؛ ۲:۷؛ ۳:۹؛ ۲:۸؛ ۱:۱۸؛ ۱:۱۳؛ ۱:۱۲؛ ۵:۵-۱:۱۱). این نشانه، اوج فعالیت‌های یسوع در جلیل و نقطه پایانی آنها است، موقعی که بایستی بین ایمان آوردن یا نپذیرفتن آن یکی را انتخاب قطعی نمود.

۸- یوحنا با اصرار یادآوری می‌کند که اعمال مهم یسوع در ایام جشن‌های یهودیان رخ داده است (جشن گذر ۱۳:۲-۲:۲۳؛ ۴:۶؛ ۲:۲۳-۲:۲۲؛ ۲:۲۱-۲:۲۰). جشن گذر واقعی، به جلال رسیدن پسر، برخدا است؛ جشن‌های یهودیان لحظاتی هستند که در آنها بی ایمانی بیشتر جلوه می‌کند (۱۹:۱ توضیح ۵).

مردمان با دیدن نشانه هایی که انجام داده بود می گفتند: «حقیقتاً این همان پیامبری است که باید به جهان بیاید!»<sup>۷</sup> ۱۵ پس تث:۱۸-۱۵:۱۸ مت:۱:۱۱؛ ۳۷:۷ اع:۳:۲۵؛ ۳۶:۱ مر:۱:۳۵؛ ۳۶:۳؛ ۳۶:۱۲؛ ۱۸:۱۳ کرفته پادشاه سازند بار دیگر به تنهاei به کوهستان رفت.<sup>۸</sup>

راه رفتن یسوع بر روی دریا (متی ۱۴:۲۷-۲۲؛ مرقس ۶:۴۵-۵۲) اهنگامی که شامگاه فرا رسید، شاگردانش به سوی دریا پایین رفتند.<sup>۹</sup> و سوار قایق شده به آن سوی دیگر دریا به کفرناحوم می رفتند و تاریکی فرا رسیده بود و هنوز یسوع به آنان نپیوسته بود.<sup>۱۰</sup> و دریا بر اثر وزش بادی شدید منقلب بود.<sup>۱۱</sup> پس از آنکه بیست و پنج تا سی استاد<sup>۱۲</sup> پارو زدند، یسوع را می بینند که بر روی دریا راه می رود و به قایق نزدیک می شود، پس ترسیدند.<sup>۱۳</sup> اما او به آنان گفت: «من مت ۲۷:۱۴ هستم لا نترسید!»<sup>۱۴</sup> پس می خواستند او را

برای آن می گفت تا او را امتحان کند، زیرا خودش می دانست چه خواهد کرد.<sup>۱۵</sup> <sup>۷</sup> فیلیپس به او پاسخ داد: «دویست دینار<sup>۱۶</sup> نان هم کفایت نمی کند تا هر یک کمی دریافت کنند.»<sup>۱۷</sup> یکی از شاگردانش، آندریاس برادر شمعون پطرس به او گفت: «در اینجا کوکد کی هست که پنج قرص نان جو و دو ماهی کوچک دارد، اما برای این همه مردم چیست؟»<sup>۱۸</sup> یسوع گفت: «مردم را بنشانید.» در آن محل علف زیادی بود. پس نشستند، در حدود پنج هزار مرد بودند.<sup>۱۹</sup> پس یسوع نانها را گرفت و شکرگزاری کرده بین هم سفره ها تقسیم کرد. همچنین ماهی های کوچک را هر قدر که می خواستند.<sup>۲۰</sup> وقتی سیر شدند به شاگردانش گفت: «تکه هائی را که زیادی مانده جمع کنید تا چیزی از بین نزود.<sup>۲۱</sup> »<sup>۱۳</sup> پس، آنها را جمع کردند و دوازده سبد را با تکه های پنج قرص نان جو که پس از خوردن باقی مانده بود پر کردند.<sup>۲۲</sup> پس

<sup>۸</sup>- مسیح به طوری که یوحنا توصیف می کند همه چیز را می داند (۱۱:۱۳؛ ۴:۴؛ ۲۵:۲) ولی سوالی که یسوع می کند برای آن است که طرز نقگر شاگرد آزمایش شود؛ پاسخی که داده می شود عظمت نشانه را یادآوری و تأیید می کند.

<sup>۹</sup>- مقدار پولی که ذکر شده مبلغ مهی شمار می رود زیرا یک دینار اجرت روزانه یک کارگر بوده است (مت ۲:۲۰).

<sup>۱۰</sup>- یوحنا در ذکر این روایت، صورت دعای سپاسگزاری را حفظ می کند. بنظر او تکثیر نانها قبل از هرچیز عملی است که جنبه نماد دارد و مقدمه گفتاری است که در آیات ۵۸-۲۶ می آید: بدین معنی که یسوع نان حقیقی است که از آسمان فرود آمده و ایمانداران را سیر می کند (۶:۳۳). در آیه ۱۰ ذکر شده که «در آن محل علف زیادی بود». بنابراین واقعه مذکور به احتمال قوی در فصل بهار و نزدیک به عید گذر بهودیان بوده و گفتگوی یسوع با یهودیان در ارتباط با موسی (آیات ۳۳-۳۰) بحاست.

<sup>۱۱</sup>- نشانه ای را که یسوع انجام می دهد درباره شخصیت او و رسالتش سوه تفاهی ایجاد می نماید بدین معنی که اورا به عنوان پیامبر ایام آخر (ر.ک تث:۱۸:۱۵) یا مسیح سیاسی می شناسند که بایستی به جهان آمدۀ آزادی ملت اسرائیل را تأمین کند. بدین سبب در نظر دارند او را پادشاه اعلام نمایند ولی یسوع فقط بر روی صلیب خود را به عنوان پادشاه اعلام خواهد کرد (ر.ک ۱۹:۱۹).

<sup>۱۲</sup>- یسوع در طی محاکمه خود در برابر بیلاطس از ملکوتی سخن خواهد گفت که به این جهان تعلق ندارد (۳۶:۱۸)، مقام پادشاهی را که جمعیت در نظر دارد نمی پذیرد و از همین موقع با نظریه عمومی درباره پایان جهان و مسیحیابی دنیوی و سیاسی قطع رابطه شده است.

<sup>۱۳</sup>- این مسافت در حدود پنج کیلومتر است و بنابراین می توان گفت در وسط دریاچه بودند.

<sup>۱۴</sup>- ترجمه دیگر: منم. به طوری که در مر:۵۰ ذکر شده یسوع خود را می شناساند. نام الوهیت را که در سفر خروج (۱۴:۳) آمده: «من هستم» یوحنا بیشتر بکار برد و تشریح نموده است و الوهیت یسوع را بیان می نماید (ر.ک ۲۶:۴؛ ۲۴:۸ توضیح:۱)،

«آمین، آمین، به شما می‌گوییم مرا جستجو  
می‌کنید نه به سبب نشانه هائی که دیده اید،  
بلکه به سبب نانها که خوردید و سیر  
شدید.<sup>b</sup> کار کنید نه برای آن خوارا کی<sup>c</sup>  
که از بین می‌رود، بلکه برای خوراکی که اش<sup>d</sup>  
جهت زندگانی جاودانی می‌ماند.<sup>e</sup> همان مت ۲۰:۸  
که پسر انسان به شما خواهد داد، زیرا<sup>f</sup> ۶:۴-۵  
خدای پدر او را مهر کرده است.<sup>g</sup>»<sup>۲۷</sup> پس<sup>۲۸</sup>  
به او گفتند: «برای بجا آوردن کارهای خدا  
چه باید بکنیم؟»<sup>۲۹</sup> یسوع در پاسخ به  
ایشان گفت: «کار خدا آن است که به کسی<sup>۳۰</sup>  
که او فرستاده ایمان بیاورید.<sup>۳۱</sup> پس به<sup>۳۰</sup>  
او گفتند: «تو چه نشانه‌ای می‌دهی تا<sup>۳۱</sup>  
ببینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه کاری<sup>۳۲</sup>  
انجام می‌دهی؟»<sup>۳۲</sup> پدران ما در صحراء<sup>۳۳</sup>  
خروج<sup>۳۴</sup> «من» خوردن همان طور که نوشته شده<sup>۳۵</sup>  
است: به ایشان برای خوردن، نانی رسیده<sup>۳۶</sup>  
نخ<sup>۳۷</sup>

به قایق سوار کنند، اما همان دم قایق به  
جائی که می‌رفتند رسید.<sup>۳۷</sup>

### یسوع ، نان زندگانی

۲۲ روز بعد جمعیتی که در آن سوی دریا  
ایستاده بودند، دیدند که در آنجا جز یک  
قایق کوچک وجود نداشت و یسوع با  
شاگردانش سوار قایق نشده بود و تنها  
شاگردانش رفته بودند.<sup>۳۸</sup> ولی قایق هائی  
از طبریه به نزدیک جائی آمدند که پس از  
شکرگزاری خداوند<sup>۳۹</sup> نان خورده بودند.<sup>۴۰</sup>  
۴۱ وقتی جمعیت دیدند که نه یسوع و نه  
شاگردانش در آنجا نیستند سوار قایق های  
کوچک شده به کفرناحوم در جستجوی  
مر ۳۷:۱ یسوع برآمدند.<sup>۴۱</sup> و او در آن سوی دریا  
یافت به او گفتند: «ربی کی به اینجا  
رسیده ای؟»<sup>۴۲</sup> یسوع در پاسخ ایشان گفت:

z- پرخی از مفسرین این را پنجمین نشانه انجیل یوحنا می‌دانند (ر. ک مز ۱۰۷-۲۳:۱).  
a- کلمات «شکرگزاری خداوند» در بسیاری از نسخ خطی حذف شده است. این کلمات منظرة سپاسگزاری [یعنی راز شام آخر] را که در تمام این بخش وجود دارد تشید و تأکید می‌کنند.

b- در جریان واقعه تکشیر نان قدرت یسوع را شاختند و پذیرفتند و بلا فاصله به معنی واقعی آن پی ببرند و لی بهره برداری فوری که می‌توانستند از آن بکنند علاوه آنان را جلب کرد. در صورتی که بالعکس ایمان بر اثر شاختن اعمال یسوع به عنوان نشانه بوجود می‌آید (رک ۱۱:۲).

c- نیایستی تنها به خوردن نان اکتفا کرده شفته کسی ناشد که نانها را تکثیر نموده است بلکه بایستی در باید این عمل نماد و نشانه چیست. بایستی در می‌یافت یسوع آن کسی است که غذا می‌دهد و زندگی می‌بخشد. در نظر یوحنا زندگی ابدی متعلق به کسانی است که با پدر آشنازی کرده اند و در صمیمیت با ارزندگی می‌کنند و در این معنی ایمان و زندگی چیز واحدی هستند.

d- پسر خدا از آسمان می‌آید و نشانه‌هایی که انجام می‌دهد اعمالی هستند که به وسیله آنها خدا اصالت رسالت او را تضمین می‌نماید (۳۳:۳)، همچنین امکان می‌دهد که آدمیان به وسیله ارزندگی جاودان یابند. بعضی از مفسران در این عبارت «مهر کرده است» اشاره ای به تعمید یافتن یسوع تشخصی داده اند و چنین استدلال می‌کنند که همین کلمات در معنی تعمید بر طبق الهیات بکار برد (رک افس ۱۳:۱-۴:۳۰؛ مکا ۷:۲-۳).

e- مخاطبان در بی آنند که کارهای خدامی انجام دهند در صورتی که یسوع می‌خواهد ایمان بیاورند و آنچه به ایشان عطا شده است بپذیرند. همین نکته تفاوت مهم بین دو فعل انجام کار و ایمان آوردن را نشان می‌دهد.

f- تنها روش کار کردن برای خدا این است که با او همکاری کنیم با ایمان آوردن به کسی که او را فرستاده است.

g- بینظر یوحنا تنها کسی واقعاً می‌بیند حقیقت کامل آن شخص را که نشانه های انجام می‌دهد و کشف کند و شخص توسط ایمان می‌بیند. تمثیلی بزرگترین کارهای شگفت انگیز چشیدهای را باز نمی‌کند و تقاضایی که از یسوع می‌کند همواره موجب همین سوء تفاهم می‌شود: بدین معنی که از او انتظار دارند ادعاهای مسیح بودن خود را با مجذبه هایی توجیه و ثابت کند و معجزه های او از آنچه قوم اسرائیل در گذشته شناخته بود فراتر رود در صورتی که در برابر نشانه ها بی بصیرت می‌مانند.

نزد من می آید او را بیرون نخواهم افکند.<sup>۱</sup>  
 ۳۸ زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای اع  
 ۳۰:۵ آنکه اراده خود را انجام دهم بلکه اراده آن  
 ۳۹:۲۶ می کنم که مرا فرستاده است.<sup>m</sup> <sup>۳۹</sup> باری  
 ۳۶:۱۴ لور ۲۲:۲۲ چنین است اراده آن کس که مرا فرستاده که عیبر  
 ۹:۱۰ از آنچه به من داده است، هیچ چیز را از  
 ۳۵:۳ ۲۹-۲۸:۱۰ دست ندهم<sup>n</sup> بلکه در واپسین روز  
 ۹:۱۸:۱۲:۱۷ ۵۴:۴۴:۶ برخیزانم.<sup>۴۰</sup> <sup>۴۰</sup> زیرا اراده پدر من چنین است  
 ۲۴:۵:۲۴:۱۱ که هر کس پسر را می بیند و به او ایمان  
 می آورد زندگانی جاودان داشته باشد و من  
 او را در واپسین روز برخیزانم.<sup>۴۱</sup>  
 ۴۱ پس یهودیان درباره او زمزمه  
 می کردند<sup>p</sup>، زیرا گفته بود: «من نانی هستم  
 ۳۵، ۳۳:۶ که از آسمان نازل شده ام»<sup>۴۲</sup> و می گفتند:  
 ۵۸، ۵۱ «آیا او یسوع پسریوسف نیست که ما پدر و مت  
 ۵۵:۱۳ مادرش را می شناسیم؟ چگونه اکنون لور<sup>۴۲:۴</sup>

از آسمان داده است.<sup>h</sup> <sup>۳۲</sup> پس یسوع به  
 ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما  
 می گویم، موسی نیست که به شما آن نانی  
 داد که از آسمان می آید بلکه پدر من به  
 شما آن نان راستین را که از آسمان می آید  
 می دهد.<sup>۳۳</sup> <sup>۳۳</sup> زیرا نان خدا، آن است که از  
 آسمان نازل می شود و به جهان زندگانی  
 می دهد.»

<sup>۳۴</sup> پس به او گفتند: «خداآندا از این  
 ۱۱:۴:۱ نان همیشه به ما بده.» <sup>۳۵</sup> یسوع به ایشان  
 ۱:۱۵:۴ گفت: «من آن نان زندگی هستم، آنکه به  
 ۳:۱۱:۶ سوی من می آید گرسنه نخواهد شد و آنکه  
 ۶:۲۲-۱۹:۲۴ به من ایمان آورد هرگز تشننه نخواهد شد.<sup>۳۶</sup>  
 ۱:۱۱:۶ اما به شما گفته ام: شما مرا دیده اید و  
 ۴:۴، ۲۶:۶ ایمان نمی آورید.<sup>k</sup> <sup>۳۷</sup> هر آنچه پدر به من  
 ۶:۲۴-۱۵:۶:۶۴ می دهد به سوی من خواهد آمد و آنکه به  
 ۱۳:۱۳

- بنظر بسیاری از حکماء یهود، عطیه روزانه مائدۀ آسمانی «من» که در صحرای سینا می رسید بزرگترین واقعه شگفت انگیز دوران خروج بشمار می آمد (خروج ۱:۱۵؛ ۲:۲۱؛ ۳:۵؛ ۷:۷؛ ۸:۵؛ ۱۰:۲۰). یوحنا جمله‌ای از مز ۲۴:۷۸ یا نح ۱۵:۹ را نقل می کند. [کلمه من هو به معنی این چیست به استناد خروج ۱۵:۱۰ که در ترجمه قدیم من ترجمه شده. ر.ک. یو ۴:۶، عبر ۳:۹، مکا ۱۷:۲]

- وعده‌های پیمان و عهد عتیق در یسوع تحقق می یابد. به این ترتیب موسی (۱:۱۷؛ ۵:۵؛ ۴:۷؛ ۲۴، ۱۹:۷؛ ۴:۴) یعقوب (۴:۴)-۱ و ابراهیم (۸:۳۱-۳۱:۸) به نظام کهنه تعلق دارند که دوران آن سپری شده است با توجه این که شهادت داده اند که نجات در یسوع می آید. به نظر نخستین مسیحیان عهد عتیق قبل از هر جز بیشگوی تن گیری پسر خدا می باشد.

- ترجمه تحت الفظی من هستم آن نان زندگی. یوحنا بازها این ترکیب کلام را بکار می برد که در آن یسوع خود را به عنوان کسی معرفی می کند که در خود کمال عطیه را برای ایمانداران می آورد (ر.ک ۸:۷، ۱۰:۱؛ ۱۲:۸؛ ۱۱:۹؛ ۲۵:۱۱؛ ۱۴:۶؛ ۱۵:۱). یسوع نان زندگی است (ر.ک ۶:۵؛ ۶:۶) زیرا ایمان آوردن به او شرکت در زندگی حقیقی است.

- ر.ک ۳۰:۶ توضیح<sup>g</sup>، یسوع شهادت می دهد کسی که حقیقتاً به او ایمان دارد می تواند مفهوم واقعی آنچه را همه دیده بودند دریابد زیرا ایمان قدرت نفوذ دید را تشدید می کند (ر.ک ۹:۴).

- کسانی که رو به سوی یسوع می آورند در حقیقت کسانی هستند که پدر به پسر عطا کرده است و بدین سبب پسر آنان را پذیرفتند و حفظ می نماید (۱۷:۶-۱۵). یوحنا مجددًا اقتدار کامل و رایگان بودن فیض خدای پدر را تأیید می کند (ر.ک ۶:۲۸؛ ۶:۲۸).

- ر.ک یو ۴:۳۴-۱۹:۵. در هر مورد که یوحنا ذکر می کند پسر را پدر فرستاده است (ر.ک ۳۴:۳ توضیح m) یا از محبت پدر نسبت به پسر سخن می گوید مجددًا وحدت یسوع و خدا را بیان کرده و یسوع را به فرزندی خدا تأیید می نماید.

- همین نکته در یو ۱۰:۲۸-۲۹؛ ۱۷:۱۲؛ ۱۸:۱۹؛ ۱۷:۱۲؛ ۱۸:۱۹؛ ۱۸:۱۹:۱۸؛ ۱۹:۱۸؛ ۱۷:۱۲؛ ۲۹:۱۰ نکته در عین حال که درباره کنونی بودن رستاخیز و زندگی جاویدان اصرار دارد منظرة انتظار برای رستاخیز نهائی را حفظ می کند.

- نظری آنچه در خروج ۱۶:۲-۸ آمده است جمعیت با زمزمه و بحث کردن‌ها بی ایمانی خود را ابراز می کند.

<sup>۴۸</sup> من نان زندگانی هستم. <sup>۴۹</sup> پدران شما در صحراء «مَنَا» خوردن و مردند. <sup>۵۰</sup> چنین است نانی که از آسمان نازل می‌شود، کسی که از آن می‌خورد نمی‌میرد.  
<sup>۵۱</sup> من آن نان زنده هستم، نازل شده از آسمان. اگر کسی از این نان بخورد جاودانه <sup>۵۲</sup> زندگی خواهد کرد و <sup>۵۳</sup> نانی که من خواهم داد، تن <sup>x</sup> من است برای زندگانی جهان <sup>y</sup>.» <sup>۵۴</sup> پس یهودیان با هم مجادله کرده می‌گفتند: «چگونه این مرد می‌تواند تن خود را برای خوردن به ما بدهد؟» <sup>۵۵</sup> پس یسوع به ایشان گفت: «آمين، آمين، به شما می‌گویم اگر تن پسر انسان <sup>z</sup> را نخورید و خون او را ننوشید در خود زندگانی <sup>۵۶</sup> مت ۲۶:۲۶

می‌گوید: از آسمان نازل شده ام <sup>۵۷</sup>؟» <sup>۴۳</sup> یسوع در پاسخ به ایشان گفت: «بین هم زمزمه نکنید. <sup>۴۴</sup> هیچکس نمی‌تواند به سوی من آید اگر پدر که مرا فرستاده است او را به سوی خود نکشد <sup>۴۵</sup> و من او را در واپسین روز برخواهم خیزانید. <sup>۴۶</sup> در اش <sup>۵۴</sup>: [کتابهای] پیامبران نوشته شده است: و از <sup>۳۴-۳۳:۳۱</sup> تسا <sup>۹:۴</sup>: ۱- همه بوسیله خدا آموزش خواهند یافت. <sup>۵</sup> هر کس پدر را شنیده و آموزش او را خریده است به سوی من می‌آید. <sup>۴۷</sup> هیچکس پدر را ندیده است مگر آن کس که از نزد خدا می‌آید: او پدر را دیده است <sup>۴۸</sup>. آمين، آمين، به شما می‌گویم آن که ایمان دارد <sup>۴۹</sup> زندگانی جاودانی <sup>۵۰</sup> دارد.

۹- یهودیان نمی‌توانند موقعیت بشری یسوع را با اصل و منبع خدایی او که اظهار می‌کند با یکدیگر سازش دهند: فقط ایمان که موهبتی خدایی است (۱۷:۷) درک آن را مقدور می‌سازد. در اینجا اشاره ای به آبستنی عذرایی نشده ولی اگر یوحنا این روایت را که متنی و لوقا ذکر کرده اند می‌شناسد (و بعضی از مسیحیان یهودی اصل با آن مخالفت داشته اند) در اینجا کنایه ای استهزا آمیز وجود دارد که نظیر نکته ای است که در ۴۱:۷ آمده است.  
۱۰- زمزمه و بحث ها بجایی نمی‌رسد بلکه عمل پدر، طرفداران خود را به جانب کسی می‌کشاند که در او تمامیت الهام خدا عرضه می‌شود (۲۱:۳)، ر. ک ۲۷:۶ توضیح <sup>۱</sup>.

۸- این عبارت توضیحی از اش <sup>۵۴</sup> گرفته شده است (رک ار ۳۱:۳۱-۳۳:۳۱؛ ۱-تسا <sup>۹:۶</sup>).  
۹- رک <sup>۱۸:۱</sup>، یوحنا مفهوم غلطی را که ممکن است در تفسیر این عبارت درک شود را می‌نماید: زیرا به وسیله یسوع که بدون واسطه و کاملاً پدر را می‌شناسد و عده ای که داده شده تحقیق می‌پذیرد.  
۱۰- در تعدادی از نسخ خطی معتبر نوشته شده است: آن کس که به من ایمان دارد.

۱۱- ر. ک ۲۵:۵ توضیح <sup>b</sup>: ۲۶:۱۱ توضیح <sup>c</sup>.  
۱۲- آخرین قسمت گفارنار (قسمت آخر آیه <sup>۵۱-۵۸</sup> و احتمالاً <sup>۴۸-۵۸</sup>) صریحاً به راز نماز و شام آخر تخصیص داده شده است. با اینکه عموم مفسران بطور کلی در ترکیب عبارات این قسمت انشای یوحنا را تشخیص می‌دهند ولی ممکن است که آیات مذکور بعداً به بقیه باب افزوده شده باشد یا بالعکس یوحنا آنها را از روایت کهن تری گرفته باشد.  
۱۳- کلمه یونانی sarx تن به مفهوم آن چیزی است که واقعیت پسر را با امکانات و ناتوانیهای او می‌رساند (رک <sup>۱۴:۱</sup>: ۶:۳؛ <sup>۱۵:۱</sup>-<sup>۲:۴</sup>). ممکن است یوحنا روایت مستقلی را که مربوط به سنت نیایشی بوده حفظ کرده و کلمه تن ترجمه تحتاللفظی کلمه آرامی besra باشد که یسوع در طی شام واپسین به کار برده است. یوحنا در مورد ارزش نجات بخش راز تن گیری اصرار می‌نماید.  
۱۴- یوحنا به روش خود عبارت سنتی را حفظ کرده که بیان می‌کنند مرگ یسوع برای بازخرید گناهان جهان است. ضمناً بین این نکته که یسوع منع زندگی جاودان است و واقعه مرگ او رابطه ای وجود دارد. بدین سبب موضوع نانی که خواهد داد مطرح است (رک <sup>۱۶:۱۰</sup>-<sup>۱۱:۱۵</sup>؛ <sup>۱۱:۱۰-۵۰:۱۱</sup>؛ <sup>۱۳:۱۵-۱۷:۱۵</sup>؛ <sup>۱۴:۱۸-۱۹:۱۷</sup>؛ <sup>۱۳:۱۵-۱۶:۳</sup>).

۱۵- در اینجا موضوعاتی که در قسمت قبلی ارائه شده مجدداً ذکر می‌شود و در مقابل مجموعه نکاتی که قبلاً تشریح گردیده به صورت آداب دعای سپاسگزاری درمی‌آید.

### تصمیم درباره ایمان

۶۰ پس بسیاری از شاگردانش پس از شنیدن، گفتند: «این گفتار سخت است! چه کسی می‌تواند آن را گوش کند.»<sup>۶۱</sup> اما یسوع که در درون خود می‌دانست که شاگردانش در این باره زمزمه می‌کنند به آنان گفت: «آیا این برایتان موجب لغزش است؟<sup>۶۲</sup> پس اگر ببینید پسر انسان را به اع ۱۱-۹:۱ روح زندگانی بخش است، تن را فایده ای ۱۱:۳-۳۳:۱ قرن ۲:۶-۳:۱ نیست. سخنانی که من به شما گفته ام ۴۵:۱۵ غلا ۸:۶-۸:۶<sup>۶۳</sup> اما در بین شما روح اند و زندگانی اند<sup>f</sup>،<sup>۶۴</sup> اما در بین شما هستند کسانی که ایمان نمی‌آورند.»<sup>۶۵</sup> زیرا عیسی از همان آغاز می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند و چه کسی او را تسلیم خواهد کرد.<sup>g</sup><sup>۶۶</sup> پس گفت: «بدین سبب

نخواهید داشت. هر که تن مرا می‌خورد<sup>a</sup> و خون مرا می‌نوشد زندگانی جاودانی دارد و من او را در واپسین روز برخواهم خیزانید.<sup>b</sup><sup>۶۷</sup> زیرا تن من خوارک راستین و خون من نوشیدنی راستین است.<sup>c</sup><sup>۶۸</sup> هر که تن مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد در من می‌ماند و من در او.<sup>d</sup><sup>۶۹</sup> همان گونه که پدر، آن زنده، مرا فرستاده و من به واسطه پدر زندگی می‌کنم، به همان گونه آن کس که مرا می‌خورد او هم به واسطه من زندگی خواهد کرد.<sup>d</sup><sup>۷۰</sup> چنین است نانی که از آسمان نازل شده، نه همچون نانی که پدر انان خوردن و مردن. هر که این نان را بخورد جاودانه زندگی خواهد کرد.»<sup>۷۱</sup> این سخنان را هنگامی که در کنیسه کفرناحوم آموزش می‌داد گفت.

a- ترجمه تحتاللفظی این کلمه جویدن است. یوحنا مخصوصاً در آداب دعای سپاسگزاری کلماتی به کار می‌برد که جنبه مادی و حقیقی دارند. بدین وسیله به خوانندگان بر ضد کسانی که برای رسالت یسوع فقط جنبه تصوری و غیر واقعی قائل بودند هشدار می‌دهد. ضمناً برابر رسوم متداول، یهودیان می‌بایست غذای جشن فصح خود را به خوبی جویده و می‌خورند.

b- پسر انسان از آسمان می‌آید و باز به آسمان بالای رود و بنابراین آنانی که به او ایمان دارند و در این راز شرکت می‌کنند در زندگی آسمانی که در اوست با او سهیم خواهد بود. راز سپاسگزاری مایه رستاخیز کسانی است که ایمان دارند (ر.ک ۳۹:۶-۴۰:۲۹).

c- در طی شام واپسین نان و شراب یعنی جسم و خون مسیح به طرز والایی هدف و منظور این غذا و آشامیدنی را که زندگانی می‌باشد تحقیق می‌بخشد.

d- زندگی کردن یعنی مشارکت کامل با پسر و بنابراین با پدر. این مبادله که با علم و شناسایی و محبت مقابل انجام می‌شود به طرز مطمئن و قاطعی وعده داده شده است و در حال حاضر شرکت در شام آخر در زمان حال نشانه ممتاز این مشارکت می‌باشد.

e- این عبارت ناتیام مانده است. مصلوب شدن یسوع در عین اینکه منتهای رسوایی است در نظر ایمانداران به عنوان بازگشت یسوع در شکوه و حلال پدیدار می‌شود، شکوهی که پیش از آفرینش از آن او بوده است (۱۵:۱-۵:۱۷). بدین سان کلماتی که قبل این شده با توجه به شکوه یافتن یسوع و موهبت روح القدس که از آن ناشی می‌شود (۳۹:۷) تمام معنی و مفهوم خود را خواهد یافت. بایستی از ورای موقعت زمینی یسوع و مصلوب شدن او (ر.ک ۷:۱۳) شکوه او را تشخیص داد و حقیقت و قدرت سخنان و رفتار او را باز شناخت. اگر آیات ۵۸-۵۷ جزء اصلی این گفتار باشد (ر.ک ۵:۱۵ توضیح<sup>w</sup>) می‌توان چنین در ک کرد که برای شناختن قدرت زندگی بخش آیین سپاسگزاری بایستی قبلاً شکوه و جلال یسوع را در ک رکنند.

f- یوحنا که تن را در برابر روح آورده، در وجود آدمی دو قسمت تشخیص نمی‌دهد بلکه دو نوع زندگی کردن را توصیف می‌نماید. تن، انسانی است که با محدودیت امکان خود به خودش و اگذار شده است. این انسان نمی‌تواند به خودی خود مفهوم عمیق سخنان و نشانه های یسوع را در ک نماید و نمی‌تواند ایمان بیاورد (ر.ک ۳۷:۶ توضیح<sup>۱</sup>) در صورتی که روح قدرت زندگانی است که آدمی را هدایت نموده چشمانش را باز می‌کند و او را قادر می‌سازد کلام خدا را که در یسوع بیان شده است تشخیص دهد. [می‌توان روح القدس را در نظر گرفت].

g- ر.ک ۴۲:۱ توضیح<sup>p</sup>. اگر ایمان در برابر بیانات یسوع که موجب لغزش می‌شود مقاومت نکند بیهوذه است. او می‌دانست چه

## بی ایمانی برادران یسوع

۱ پس از آن یسوع در جلیل می‌گشت :۷؛۱۸:۵  
۲ زیرا نمی‌خواست در یهودیه بگردد، مر :۴۰؛۳۷:۸  
چون که یهودیان می‌خواستند او را بکشند ل. :۳۰:۹  
۳ چشم خیمه‌های <sup>k</sup> یهودیان نزدیک بود. زک :۱۶:۱۶-۱۷؛  
۴ پس برادرانش <sup>l</sup> به او گفتند: «از این جا مت :۴۸-۴۶؛  
حرکت کن و به یهودیه برو تا شاگردانت اع :۱۴:۱  
نیز کارهائی را که می‌کنی مشاهده کنند :۴  
۵ زیرا اگر کسی در جستجوی آن است که شناخته شود در خفا رفتار نمی‌کند. چون تو این کارهای را می‌کنی خود را به جهان نمایان کن!» <sup>m</sup> زیرا برادرانش هم به او ایمان نمی‌آورندن. <sup>n</sup> پس یسوع به ایشان گفت: «وقت من هنوز نرسیده اما وقت شما همیشه وقت مناسب است». <sup>o</sup> ۷ جهان نمی‌تواند از شما متنفر باشد، اما مرا منفور می‌دارد، زیرا درباره اش شهادت می‌دهم که

به شما گفته ام هیچکس نمی‌تواند به سوی ۴۴ من آید اگر این از پدر به او داده نشده باشد. <sup>p</sup>

لو :۶۲:۹ از آن به بعد بسیاری از شاگردانش از او روگردان شدند و دیگر با او نرفتند. <sup>q</sup> ۴۷ پس یسوع به آن دوازده تن گفت: «آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟» <sup>r</sup> شمعون پطرس به او پاسخ داد: «خداآندا نزد چه می‌برویم؟ سخنان زندگی جاودانی نزد توست. <sup>s</sup> ۴۹ ما ایمان آورده ایم و دانسته ایم که تو قدوس خدا هستی. <sup>t</sup> ۷ یسوع به ایشان پاسخ داد: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیده‌ام؟ و یکی از شما ابلیس است.» <sup>u</sup> ۷۱ او از یهودا [پسر] شمعون اسخربوطی سخن می‌گفت زیرا هم او بود که باید اورا تسلیم می‌کرد، او که یکی از آن دوازده تن بود!

کسی اورا تسلیم خواهد کرد: در اینجا یوحنا خیانت یهودا را اعلام می‌کند (۱۱:۱۳، ۱۸، ۱۱، ۲۱، ۳۰-۲۱). در انجیل یوحنا یسوع جریان مصائب و مصلوب شدن خود را هدایت می‌کند و ساعت آن را می‌داند (۴:۱۸؛ ۱:۱۳؛ ۴:۱۱) و به پیشواز آن می‌رود (ر.ک ۴:۲ توضیح X: ۲۷:۱۲ توضیح k).

h- در برابر رفتار کسانی که یسوع را ترک کردند، ایمان واقعی عبارت از گرویدن بدون قید و شرط به کسی است که سخنانش زندگی جاودان را وعده داده و می‌بخشد: او حقیقتاً فرستاده‌ای است که خدا او را تقدیس کرده (ر.ک ۳۶:۱۰؛ ۱۷:۱۷). این صحنه اعتراض و ایمان پطرس را به یاد می‌آورد (مت ۱۶:۱۶-۱۷؛ مر ۸:۲۷-۳۳؛ و مخصوصاً لو ۲-۱۸:۱۸-۱۹). i- انتخاب دوازده تن توسط یسوع (۱۶:۱۵) آزادی آنان را سلب نمی‌کرد و مانع از آن نبود که یکی از آنان به یسوع خیانت کند. کسی که خیانت می‌کرد آلت دست شیطان شده است (۱۳: ۲۷، ۲: ۸؛ ر.ک ۴:۲۴). j- ر.ک ۱۸:۵؛ ۷: ۲۰، ۱۹: ۲۵؛ ۳۷: ۸؛ ۴: ۴۰؛ ۵: ۱۱؛ ۳۷: ۸؛ ۱۶: ۲۳؛ خروج ۲: ۲۳؛ ۱۶: ۲۳-۲۴؛ تث ۱۳: ۱۶-۱۷؛ خروج ۱۶: ۲۳). k- چشم خیمه‌ها در اوخر تابستان در موسم انگور چینی برگزار می‌شد (ر.ک لا ۲۳: ۲-۳؛ ۳۲: ۲-۳؛ ۱۶: ۲۳؛ خروج ۲: ۲۳-۲۴؛ مدت هشت روز ادامه داشت (اعد ۶: ۱۰-۱۲؛ ۳۹: ۲-۲؛ مک ۶: ۱-۱۰). در این چشم عمل نجات بخش خدا را در جریان خروج از مصر یادآوری و در ضمن برای برداشت محصول سالیانه شکرگزاری می‌کردند. این چشم جنبه نبوی داشت و نعمت‌های پربرکت دوران مسیحیانی را اعلام می‌کرد (زک ۱۴: ۱۶-۱۷). l- ر.ک مت ۱۲: ۱۶؛ ۴: ۶ توضیح n.

m- طبق برداشت اشتباه آمیز دنیوی، فقط ابراز قدرتی فوق العاده کافی خواهد بود تا اعتماد و احترام مردم به فرستاده مسیحیانی جلب شود (ر.ک ۱۸: ۲؛ ۴: ۴؛ ۳۰: ۶؛ مت ۱۲: ۱۶-۳۰).

n- ترجمه تحت اللقطی: اما وقت شما همیشه آماده است. مراحل مختلف عمل یسوع به وسیله پدر که اورا فرستاده تعیین شده و مخصوصاً لحظه مناسب در اورشلیم برای عمل قطعی که یسوع آن را ساعت خود می‌ماند (۴:۲؛ ۲۰: ۷؛ ۲۵: ۵؛ ۲۸؛ ۳۰: ۷؛ ۲۰: ۸؛ ۲۰: ۷؛ ۲۳: ۱۲؛ ۲۷، ۲۳: ۱۳؛ ۱: ۱۷؛ ۱: ۱۳؛ مر ۱۴: ۳۵-۴۱). بالعکس مردمانی که از این دنیا هستند وقت را در اختیار خود دارند.

«چطور این مرد بدون آنکه درسی خوانده باشد باسود است؟»<sup>۱۶</sup> پس یسوع در پاسخ به آنان گفت: «آموزش من از من نیست بلکه از آن کسی است که مرا فرستاده است.<sup>۱۷</sup> اگر کسی بخواهد اراده او را بجا آورد خواهد شناخت که آیا این آموزش از خداست یا اینکه من از خود حرف می‌زنم.<sup>۱۸</sup> کسی که از خود حرف می‌زند، شکوه خود را می‌جوید، اما کسی که شکوه فرستنده خود را می‌جوید او راستین است و در او بی عدالتی<sup>۱۹</sup> نیست.<sup>۲۰</sup> مگر تورات را موسی به شما نداده است؟ حال هیچکدام از شما به تورات رعایت نمی‌کنید! چرا در جستجوی آن هستید عمل نمی‌کنید! تو است?<sup>۲۱</sup> یسوع در پاسخ به آنان گفت: «من فقط یک کار انجام داده ام<sup>۲۲</sup> و شما همگی از آن شگفت‌زده هستید.<sup>۲۳</sup> موسی لاید<sup>۲۴</sup>: روم<sup>۲۵</sup>: ۱۱:۴-۱۳:۳؛ روم<sup>۲۶</sup>: ۱۷:۲-۲۳:۷؛ روم<sup>۲۷</sup>: ۲۴-۲۱:۵؛ ۵۰:۸-۴۴-۴۱:۵؛ ۵۷-۵۴:۱۳؛ ۴۷:۲؛ ۱۳:۴؛ ۱۰:۱۴؛ ۴۹:۱۲؛ ۲۸:۷-۵۷:۱۳

کارهایش شرورانه است.<sup>۲۵</sup> شما به جشن فراز آئید، من به این جشن فراز نمی‌آیم زیرا وقت من هنوز نرسیده است.<sup>۲۶</sup> این را گفت و خودش در جلیل ماند.<sup>۲۷</sup> وقتی برادرانش به جشن فراز آمدند، او هم نه نمایان بلکه در خفا فراز آمد.<sup>۲۸</sup>

### آموزش‌هایی در طی جشن خیمه‌ها

<sup>۱۱</sup> پس به هنگام جشن، یهودیان او را جستجو می‌کردند و می‌گفتند: «او کجاست؟»<sup>۱۲</sup> و در بین مردم درباره او بسیار زمزمه می‌شد. برخی می‌گفتند: «مرد خوبی است»، دیگران می‌گفتند: «خیر،<sup>۱۳</sup> با بلکه جمعیت را گمراه می‌کند». <sup>۱۴</sup> با این همه، هیچکس، از ترس یهودیان درباره او آشکارا اظهاری نمی‌کرد.<sup>۱۵</sup> هنگامی که هنوز در میانه جشن بودند یسوع به معبد فراز آمده آموزش می‌داد.<sup>۱۶</sup> پس یهودیان شگفت‌زده می‌گفتند:

۰- فعالیت یسوع کینه دنیا را بر می‌انگیزد (۲۵:۱۵-۱۸:۲۵) زیرا این فعالیت خباثت واقعی اعمال دنیوی را بر ملا می‌کند (۳:۲۰-۲۱).

p- ر. ک ۴:۲ توضیح X. یسوع نه از درخواستهای میهم مردمان بلکه از اراده پدرش پیروی می‌کند.

۹- ر. ک ۲:۹-۲:۱۲؛ ۴:۲-۴:۲۶؛ ۲:۶. بعد از این بایستی ایمان برترس از مجازات‌های یهودیان غالب شود. شکی نیست که در اینجا یوحنا اشاره به اقداماتی می‌کند که پس از سال ۷۰ میلادی، کنیسه بر ضد کسانی که به انجیل می‌پیوستند به عمل می‌آورد (ر. ک ۲:۹ توضیح ۱۱ و ۴:۷ توضیح d).

r- ترجمه تحت الفظی: حروف الکبیرا می‌شناسد: این اصطلاح [نظیر اصطلاح فارسی باساد] بدوان در تحصیلات مقدماتی (یعنی خواندن و نوشتن) به کار می‌رفت و بعداً بتدریج مجموعه آموزش‌های مدرسه‌ای را دربرمی‌گرفت. از سوی دیگر چون در آموزش‌های مدرسه‌ای در مورد شناختن قوانین تورات و روایات کمالاً تأکید می‌شد این اصطلاح به مفهوم آموزش متداول عالمان و کاتیان درآمد.

s- یسوع نه وابسته به سیک آموزش‌های مدرسه‌ای است و نه وابسته به تحصیلاتی که پیش خود کرده باشد. آموزشی که او می‌دهد از شناسایی کامل و بلاواسطه پدر ناشی می‌شود. (ر. ک ۳:۱۱-۱۳؛ ۳۶-۳۱؛ ۳۶-۳۶:۵-۱۹:۵؛ ۲۳-۲۳:۱۲-۴۹:۵). t- فقط کسانی که می‌پذیرند اراده پدر را انجام دهنند آمادگی دارند مکافته راز الهی را پذیرفته و منشأ خدایی مشخص یسوع و آموزش او را قبول کنند.

u- گاهی این کلمه را احادعه یا شیادی ترجمه می‌کنند. [بی عدالتی]  
۷- کسانی که قصد دارند عیسی، فرستاده پدر را نپذیرفته و او را بکشند، نشان می‌دهند که اصولاً به قوانین تورات که به آن می‌بالد ایمان ندارند (ر. ک ۴:۷-۴:۵؛ ۴۹:۷؛ ۴۷:۵؛ ۴۱-۳۷:۸).

w- ظاهراً اشاره به شفای مفلوجی است که در ۱۵:۱ روایت شده است.

می دانید از کجا هستم! ولی از طرف خودم نیامده‌ام<sup>a</sup>، اما آن کسی که مرا فرستاده راست است و شما او را نمی‌شناسید.<sup>b</sup>

<sup>۲۹</sup> من او را می‌شناسم زیرا از او می‌آیم و اوست که مرا فرستاده است.<sup>c</sup> <sup>۳۰</sup> پس <sup>۴۶:۶</sup> <sup>۵۵:۸</sup> <sup>۴۴:۶</sup> <sup>۶:۷</sup> <sup>۴:۲</sup> <sup>۳۰-۲۹</sup> لوم من او را می‌شناسم زیرا از او می‌آیم و اوست که مرا فرستاده است.

ایشان در جستجوی آن بودند تا او را بگیرند اما هیچکس بر او دست دراز نکرد زیرا ساعت او هنوز نرسیده بود. <sup>۳۱</sup> از میان جمعیت بسیاری به او ایمان آورده

می‌گفتند: «آیا وقتی مسیح بباید نشانه‌های <sup>۴۲:۱۰</sup> <sup>۳۰:۸</sup> <sup>۴۵:۱۱</sup> <sup>۲۲:۱۱</sup> <sup>۱۱:۱۲</sup> بیشتری انجام خواهد داد از آنچه این یکی انجام داده است؟»

<sup>۳۲</sup> پس فریسان شنیدند که مردم درباره مت <sup>۲:۱۱</sup> <sup>۲۳:۱۲</sup> او چه زمزمه می‌کنند، کاهنان اعظم و فریسان نگهبانانی فرستادند تا او را بگیرند.<sup>c</sup> <sup>۳۳</sup> پس یسوع گفت: «اندک <sup>۵:۱۶</sup> زمانی هنوز با شما هستم<sup>d</sup> و به سوی آن کس می‌روم که مرا فرستاده است.<sup>e</sup> <sup>۳۴</sup> شما مراعات خواهید کرد و نخواهید یافت و

ختنه را به شما داده است - نه آنکه ختنه مت <sup>۱۲:۱</sup> <sup>۱:۱</sup> ازموسی باشد، بلکه از نیاکان<sup>X</sup> است - و شما در روز سبت آدمی را ختنه می‌کنید.<sup>f</sup> <sup>۲۳</sup> چون انسان در روز سبت هم ختنه می‌شود تا تورات موسی بی حرمت نگردد، شما بر من آشفته اید چونکه انسانی را به تمامی در اش <sup>۱۱:۳</sup> <sup>۹:۷</sup> روز سبت بهبودی بخشیده‌ام!<sup>۲۴</sup> دیگر به ظاهر داوری نکنید بلکه به عدالت داوری یو <sup>۱۵:۸</sup> کنید.»

<sup>۲۵</sup> پس برخی از اهالی اورشلیم می‌گفتند: «آیا او همان کسی نیست که در جستجوی کشنن وی هستند؟<sup>۲۶</sup> اینک آشکارا سخن می‌گوید و چیزی به او نمی‌گویند! آیا به راستی رؤسا<sup>۲۷</sup> دانسته‌اند که او مسیح است?<sup>۲۷</sup> ولی ما می‌دانیم که او از کجاست در صورتی که وقتی مسیح بباید هیچکس نخواهد دانست از کجاست.<sup>۲۸</sup> <sup>۲۸</sup> پس در حالی که یسوع در معبد آموزش می‌داد ندا کرده گفت: «شما مرا می‌شناسید و

X- ترجمه تحت اللفظی: پدران. ر. ک پید ۱۷:۱۰؛ روم ۴:۱۱. در خط ۲۳ عیسی طبق عادت ریبون بیان می‌دارد: یهودیان ختنه را به عنوان شفا، برای یک عضو خاص در نظر می‌گرفتند پس اگر شفا دادن (ختنه کردن) یک عضو روز سبت مجاز بود صورت

گبرد چقدر و بیشتر شفا دادن به یک انسان «به تمامی» می‌باشد مجاز باشد.

y- روایت مکتوب در این مورد قطعی و مشخص نیست: در بعضی نسخه خطی به جای کلمه رؤسا، کاهنان/اعظم و در نسخ دیگر

مشایخ نوشته شده است. در دو نسخه خطی دیگر این کلمه حذف شده است.

Z- در این متن مجدداً انعکاس بحث و مجادله‌ای که در قرن اول میلادی بین یهودیان و مسیحیان ادامه داشته به نظر می‌رسد ضمیماً این عبارات نوعی لحن استهزا آمیز دارند: از یک دیدگاه اصل و تبار او مشهور است (ر. ک ۴۲:۶) چون انسان است از طرف دیگر اصل و تبار آسمانی او را هیچ کس نمی‌تواند در کند.

a- گاهی این سخنان را چنین ترجمه می‌کنند: شما مرا می‌شناسید، می‌دانید از کجا هستم! با این همه از طرف خودم نیامده‌ام.

b- چون نمی‌توانند اورا به عنوان فرستاده خدا بشناسند و این نشان می‌دهد که واقعاً خدا را نمی‌شناسند.

c- فقط کاهن اعظم نگهبانانی در اختیار داشته است. بنابراین مقامات رسمی در جریان وقایعی وارد شده‌اند که به کشنن عیسی منتہی خواهد شد. ضمناً چنین به نظر می‌رسد که طرز رفقار و نظر نسبتاً مساعد جمعیت درباره او موجب شد مقامات رسمی در اتخاذ تصمیم خود تسریع نمایند (ر. ک ۱۱:۴۵-۴۶-۱۲:۵۷-۱۱:۱۶-۱۸:۱۲).

d- رجهای عیسی در جریان هصائب و صلیب او به طوری که در انجیل یوحنا نظری اعلام شده (ر. ک مر ۸:۳۱-۳۰:۹ // ۳۳:۱۰-۳۴:۱۰) در انجیل یوحنا وجود ندارد. یسوع عزیمت و بازگشت خود را به سوی پدر (۳۳:۱۳-۲۱:۸-۳۳:۷) و برافرازی خود را به آسمان اعلام می‌نماید (۳:۱۴-۲۲:۸-۲۲:۱۲).

e- ر. ک ۸:۱۴، ۲۱-۲۲:۳۳، ۳۳:۱۳-۲۲:۳۶، ۳۶:۴-۳:۱۴، ۱۰:۵-۴:۲۸، ۲۸:۱۶-۱۷:۱۱، ۱۱:۱۳.

بنوشد.<sup>۳۸</sup> آن که به من ایمان دارد برابر آنچه در نوشته مقدس گفته شده از بطن او نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد.<sup>k</sup><sup>۳۹</sup> این را درباره روح گفت که آنانی که به او ایمان می‌آورند بایستی دریافت کنند اع<sup>۴۰</sup> چون هنوز روح نبود زیرا یسوع هنوز شکوه نیافته بود.<sup>۱</sup>

<sup>۴۰</sup> پس در میان جمعیتی که این سخنان را شنیده بودند گروهی می‌گفتند: «به راستی او آن پیامبر است!»<sup>m</sup><sup>۴۱</sup> دیگران می‌گفتند: «این مسیح است!» برخی دیگر <sup>۱۸:۱۵-۱۵:۱۸</sup> می‌گفتند: «آیا مسیح باید از جلیل بیاید؟»<sup>۱۸:۶-۲:۲۲</sup> آیا نوشته مقدس نگفته که مسیح از تبار داود و از بیت لحم، روستائی که داود از <sup>۲۶:۷-۲۹:۴</sup> داد<sup>۲:۲۷-۹</sup> روم<sup>۳:۱</sup> این سخن که عمدتاً به طور دو یهلو بیان شده موجب تعبیرهای نیشدار و کنایه‌آمیز خواهد شد، با این همه نبوت واقعی که بعداً

تث<sup>۲۹:۴</sup> به آنجائی که من هستم شما نمی‌توانید ببیائید.<sup>f</sup><sup>۳۵</sup> پس یهودیان با خود گفتند: «به کجا خواهد رفت که ما او را نخواهیم یافت؟ آیا به میان کسانی که در بین یونانیان<sup>g</sup> پراکنده‌اند خواهد رفت و به یونانیان<sup>h</sup> آموزش خواهد داد؟»<sup>۳۶</sup> معنی این گفتار چیست که گفت: مرا جستجو نکرد و نخواهید یافت و به آنجائی که من هستم شما نمی‌توانید ببیائید؟

### آخرین روز جشن

یو<sup>۳۶:۲۳</sup> مکا<sup>۳۱:۱۹</sup>  
در آخرین روز که روز بزرگ جشن اش<sup>۲:۲۱</sup>  
بود<sup>۱</sup> یسوع در آنجا ایستاده ندا برآورد: حرق<sup>۱:۲۲</sup>  
«اگر کسی تشنه است به سوی من بباید و بول<sup>۱:۲۰</sup>  
زک<sup>۱:۲۱</sup>  
امث<sup>۱:۱۸</sup>

f-

این سخن که عمدتاً به طور دو یهلو بیان شده موجب تعبیرهای نیشدار و کنایه‌آمیز خواهد شد، با این همه نبوت واقعی که بعداً به وقوع خواهد پیوست.

g- با در جامعه مهاجرنشین یونانیان.

h-

کمله یونانی در اینجا دو معنی دارد. خواه یهودیانی که در میان بت پرستان زندگی می‌کرده اند و یونانیان یهودی تبار بوده اند از جمله بت پرستانی بودند که به ایمان یهود گرویده اند. خواه به خود یونانیان: ر. ک<sup>۱:۱۲</sup> اع<sup>۲۰:۲۰</sup> اع<sup>۱۱:۱۱</sup> اع<sup>۲۰:۲۰</sup> اع<sup>۱:۱۶</sup> اع<sup>۲۹:۹</sup>). بیشتر محتمل است که مظور بخوا معنی اخیر باشد. رسالت در بین خارجیان از مختصات دورانی است که پس از گذر یسوع به سوی آغاز می‌شود (ر. ک<sup>۳۸:۳-۳۵:۴</sup> ر. ک<sup>۱:۱۲</sup> ر. ک<sup>۲۰:۲۰</sup> ر. ک<sup>۲۴-۲۰</sup>).

i- منظور روز هفتم و احتمالاً روز هشتم ایام جشن است که مدت هشت روز ادامه داشته و روز آخر را سوگاه می‌نامیدند. در این روزها مراسم پاشیدن آب انجام می‌شد و شکی نیست که بدین سبب در سخنان یسوع آب به عنوان نماد و نشانه به کار برده شده است.

j- ترجیمه دیگری امکان پذیر هست، «اگر کسی تشنه باشد نزد من بباید و بنوشد. از کسی که به من ایمان دارد طبق گفته نوشته مقدس، نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد»<sup>۱</sup> ما در اینجا طبق قدیمی ترین سنت کلیسا که بیشتر با طرز نوشتن بخوا تطبیق دارد این گونه می‌فهمیم: یسوع چشمۀ آب زنده می‌باشد برای کسانی که تشنه اند و به او ایمان می‌آورند. قسمت مهم سنت غربی نقطه آخر جمله چنین در ک می‌شود که: «به سوی من بباید و بنوشد» و سخن مقدس چنین به ایمان دار اطلاق می‌شود که خود چشمۀ آب زندگانی می‌گردد (ر. ک<sup>۱۴:۴</sup>).

k- چنین به نظر می‌رسد که در اینجا نقل قول معینی نیست بلکه چکیده‌ای از متون مختلف می‌باشد که در آنها عطایای آسمانی را آب زندگانی بشمار آورده اند (ر. ک<sup>۴:۱۰-۱۵</sup> توضیح u). می‌توان به زک<sup>۱:۱۴</sup> اع<sup>۸:۱۵</sup> توضیح u) که در برگزاری آداب مذهبی جشن یهود به کار می‌رفته است.

l- ر. ک<sup>۱:۴</sup> توضیح u. به نظر بخوا شکوه یسوع عبارت از چیزی است که او را به عنوان پسر خدا (۱۴:۱) و فرستاده پدر ظاهر می‌کند. یسوع شکوهمندی خود را از آدمیان دریافت نمی‌کند (۴:۱۵) بلکه از پدر (۴:۱۵) پیش از آفرینش جهان دریافت می‌نماید (۱:۱۷). این شکوه در طی رسالت زمینی یسوع تعجبی می‌نماید (۱:۱۴-۱:۱۱). پرترین لحظه شکوهمندی یسوع مرگ و رستاخیز اوست (۱:۱۲-۱:۱۲، ۱:۱۳-۱:۱۳، ۱:۲۳-۱:۲۳) که بخوا آن را به طور کلی بارها با کلمات بلند شدن و سرافرازی ذکر کرده است (ر. ک<sup>۱:۱۷</sup> توضیح l). در هر لحظه شکوه پدر بر روی پسر و شکوه پسر بر روی پدر انتقال یابد می‌کند (۱:۱۱-۱:۱۲، ۲:۲۳-۲:۲۳، ۳:۲۱-۳:۲۱، ۴:۱۳-۴:۱۳). ر. ک<sup>۱:۱۴-۱:۱۵</sup>.

m-

«آیا تو هم از جلیل هستی؟ تفحص کن و خواهی دید که از جلیل پیامبری برنمی خیزد؟»<sup>۹</sup> هر یک به خانه خود رفتند.

**زن زناکار**  
 ۱ اما یسوع به کوه زیتون رفت.<sup>۱۰</sup>  
 ۲ ولی صبح‌دم باز در معبد حاضر مت ۵۵:۲۶  
 شد و همه مردم به سوی او می‌آمدند و نشسته به ایشان آموختش می‌داد.<sup>۱۱</sup> کتابان و فریسیان زنی را که در حین زنا گرفتار شده بود، نزد وی آوردند و او را در میان قرار داده<sup>۱۲</sup> به او گفتند: «ای استاد، این زن در حین ارتکاب زنا گرفتار شده است؛<sup>۱۳</sup> باری موسی در تورات به ما حکم کرده<sup>۱۴</sup> که این لاؤ<sup>۱۵</sup> ۲۰:۲۰-۲۲:۲۲ تث ۲۴:۲۲-۲۴:۲۰  
 چنین زنان را باید سنگسار کرد. پس توجه می‌گوئی؟»<sup>۱۶</sup> این را می‌گفتند تا او را تجربه کنند تا بتوانند برای اتهام او چیزی داشته باشند. اما یسوع خم شده با انگشت

آنجا بود باید بباید!<sup>۱۷</sup> به این ترتیب به خاطر او در بین جمعیت تفرقه افتاد.<sup>۱۸</sup> برخی از آنان می‌خواستند او را بگیرند اما کسی بر او دست دراز نکرد.<sup>۱۹</sup> پس نگهبانان به سوی کاهنان اعظم و فریسیان آمدند و آنان به ایشان گفتند: «چرا او را نیاوردید؟»<sup>۲۰</sup> نگهبانان پاسخ می‌دادند: «هرگز انسانی چنین سخن نگفته که این انسان می‌گوید!»<sup>۲۱</sup> پس فریسیان در پاسخ پاسخ گفتند: «آیا شما نیز گمراه شده‌اید؟»<sup>۲۲</sup> آیا در بین روئا یکی هست که مت ۳۲:۲۱-۳۲:۲۱ به او ایمان آورده باشد؟ یا از بین فریسیان؟<sup>۲۳</sup> اما این انبوه که تورات را نمی‌شناسند، ملعون اند.<sup>۲۴</sup> نیقدیموس یکی از آنان، آن کس که قبل نزد یسوع آمده بود به ایشان گفت:<sup>۲۵</sup> «تورات ما بدون آنکه [اظهار] کسی را شنیده و دانسته باشد چه می‌کند؟ آیا از قبل او را محکوم می‌کند؟»<sup>۲۶</sup> در پاسخ به او گفتند:

- ر. ک - سمو ۷-۱۲:۷؛ مز ۴-۵:۵؛ ار ۳:۴-۵:۵؛ در مورد بیت لحم میک ۵:۱. به نظر می‌رسد که رقبیان یسوع موضوع تولد او را در بیت لحم نمی‌دانند. آیا می‌توان تصور کرد که یوحنا به کنایه و مسخره این مطالب را نوشته است؟ به هر صورت باید توجه داشت که یوحنا در هیچ مورد از تولد یسوع در بیت لحم سخن نگفته است.

- مکافشه ای که در یسوع به ظهور می‌رسد موجب ایجاد تفرقه بین آدمیان می‌شود بسته به اینکه ایمان می‌آورند یا نه (ر. ک ۱۶:۹-۱۰؛ ۱۹:۳-۹؛ ۳۱:۹؛ ۲۱-۱۹:۳).

- پ - بیشتر کسانی که ایمان می‌آورند افراد توده عوام هستند (کسانی را که علمای دین یهود مردم زمین یا دهاتی می‌نامیدند) در صورتی که بی ایمانی طبیعه برگزیده رهبران یهود تشدید می‌شود. در مورد تحقیر مردمان جاهل طبقه پایین (ر. ک ۴-۱:۵).

- ۹ - در تمام این قسمت از انجیل یوحنا، مقامات رسمی اورشلیم، جلیل و اهالی جلیل را پست می‌شمارند تا جایی که برای آنان هیچ نقشی در تاریخ اسرائیل قائل نیستند (ر. ک ار ۴۶). نیایستی فراموش کرد که اهالی یهودیه مسیحیان را اکثرأ به نام جلیلیان می‌نامیدند. ضمناً گاهی با افراد فرقه غوران به همین گونه رفتار می‌کردند.

- ۱۰ - در تعدادی از نسخه های بسیار کهن خطی، قطعه ۱۱:۸-۱۲:۷ وجود ندارد؛ در نسخه های دیگری این قطعه پس از آیه ۳۶ یا ۴۴ یا در آخر انجیل آمده است. در نسخه های دیگری پس از لو ۳۸:۲۱ قرار گرفته است. چنین به نظر می‌رسد که پدران یونانی کلیسا از وجود این قسمت اطلاع نداشته اند. ضمناً در متن این قسمت نیز تفاوت‌هایی مختلف دیده می‌شود و فاقد مشخصات شیوه نگارش یوحنا است. بدین سبب می‌توان گفت که این قسمت در ابتدا جزو انجیل یوحنا نبوده و روایت مستقلی است که بعداً به انجیل یوحنا افروده شده است؛ به هر صورت در مورد اصالت آن و مورد قبول کلیسا بودن تردیدی وجود ندارد.

- ر. ک لاؤ ۱۰:۲۰؛ تث ۲۲:۲۲؛ ۲۴-۲۲:۲۲

می آید در تاریکی راه نخواهد رفت بلکه نور زندگانی را خواهد داشت<sup>w</sup>. » ۱۳ پس فریسیان به او گفتند: « تو درباره خودت ۲۱:۵ شهادت می دهی! شهادت تو راست<sup>x</sup> نیست! » ۱۴ یسوع در پاسخ به آنان گفت: « حتی اگر درباره خودم نیز شهادت بدهم، ۲۸:۱۶ شهادت من راست است زیرا می دانم از کجا آمده ام و به کجا می روم. اما شما نمی دانید از کجا می آیم و به کجا می روم. » ۱۵ شما چون بشر<sup>y</sup> داوری می کنید. من هیچکس را داوری نمی کنم؛ اما اگر من داوری کنم، ۴۷:۱۲ ۲۸:۱۴ داوری من راست است<sup>a</sup> زیرا من تنها نیستم بلکه من هستم و آن کس که مرا فرستاده است<sup>b</sup>. » ۱۷ و در تورات خود شما نوشته شده<sup>c</sup> که شهادت دو شخص راست است. » ۱۸ من درباره خودم شهادت می دهم و درباره من پدر<sup>d</sup>. » ۳۷ شهادت می دهد که مرا فرستاده است<sup>d</sup>. » ۱۹ آنگاه به او گفتند: « پدرت کجاست؟ »

- از کلمه ای که در اینجا به کار رفته چنین برمی آید که یسوع خطوطی، یکی پس از دیگری رسم می کرده چنانکه گویی چیزهایی را می شمارد (گناهان هریک را؟)؛ ر. ک ایوب ۱۳:۲۶. این کلمه را گاهی ترجمه می کنند: خطوطی ترسیم می کرد. این آیه ممکن است عبارتی را که در ار ۱۷:۳ آمده عیناً و کلمه به کلمه بیاد آورده: آنان که از من دور می شوند بر روی زمین ثبت شده اند.

- یسوع با یادآوری مقررات شرعی (تث ۱۷:۷-۵:۲۳؛ خروج ۷:۶-۷:۲) از دامی که برایش گسترش اند اختراز می کند یا اینکه می خواهد به کسانی که اتهام وارد می کنند وضعیت گناهکار بودن خودشان را یادآوری نمایند (مت ۷:۲-۱).

- یعنی کاتبان و فریسیان که او را متهمن می کردند.

- دعوت پیروی از یسوع علاوه بر نخستین شاگردان (۳۷:۱، ۳۸:۱، ۴۱، ۴۳، ۱۰:۴، ۲۷:۲۷، ۲۶:۱۲، ۳۷:۱۳-۳۶:۱۳؛ ۲۶:۱۲-۲۷:۲۷، ۲۲:۲۱، ۱۹:۲۱) به کلیه ایماندارانی خطاب می شود که از همه جا خواهند آمد؛ این ایمانداران بایستی در شخص یسوع نوری را بشناسند که به وسیلهٔ صلیب در شکوه پدر وارد شده است؛ یعنی آن کسی که راه وصول به زندگی واقعی را به نزد خدا ارائه نموده و وصول به آن را مقدور می سازد (۴:۱، ۵:۹-۲۱-۱۹:۳؛ ۲۱-۱۰:۹-۹:۱؛ ۱۲:۱۱؛ ۵:۹-۴:۶-۳۶-۳۵:۱؛ ۱۰:۸-۲:۱-۵:۱-۷:۵-۱:۱۰-۸:۲؛ ۲۶:۱-۱:۱۴-۷).

- گاهی این کلمه را قابل قبول ترجمه می کنند.

- قاعده کلی (۳۱:۵) در مورد یسوع صدق نمی کند: زیرا فقط او می تواند بگوید که کیست، چون از پدر می آید و به پدر باز می گردد. انسانهای دیگر با وسائل پژوهی قادر نیستند به این روش دسترسی داشته باشند.

- ترجمه تحتاللفظی: بربطیق تن؛ یعنی برابر موازین پژوهی و در نتیجه قضاؤت و داوری بر حسب ظواهر امر می باشد (ر. ک ۱:۱۴-۷؛ ۲:۲۶-۱:۱۶-۸).

- گاهی ترجمه می کنند: داوری من مطابق حقیقت است.

- ر. ک ۲۲:۵؛ ۳:۳۰-۲۰:۳؛ ۹:۳۹-۱۲:۱۲؛ ۴:۴۷-۱۶:۳؛ ۲۱-۲۲:۵.

- ر. ک تث ۱۷:۶؛ ۱۹:۱۵؛ ۱:۱۴-۷.

- اصولی را که قانون تورات مقرر کرده رعایت شده ولی به طوری که شنوندگان برای درک آن آمادگی ندارند.

- مردم مجاز نبودند به ساختمانی که گنجینه معبد در آن حفظ می شد وارد شوند ولی نام گنجینه به محوطه ای که در اطراف

بر روی زمین خطوطی ترسیم می کرد<sup>t</sup>.  
<sup>7</sup> چون در پرسش اصرار می کردند، قد راست کرده به آنان گفت: « آن کس که در مت ۷:۱۷-۵:۱۷ بین شما بی گناه است اول بر او سنگی بیندازد! »<sup>u</sup> و باز خم شده بر روی زمین می نوشت.<sup>v</sup> وقتی که این را شنیدند، از مت ۲۲:۲۲ مسن ترین آنان شروع کرده، یک یک از آنجا رفتند و او با آن زن که در میان بود، تنها ماند.<sup>w</sup> آنگاه یسوع قد راست کرده به او گفت: « ای زن کجا هستند؟ آیا خروج ۶:۳۴ هیچکس ترا محکوم نکرده است؟ »<sup>x</sup> آن مژ ۱:۱۰-۳:۱۳، ۸:۱۴-۱۳:۱ گفت: « خداوندا هیچکس » و یسوع گفت: ۱۴:۵ یو « من نیز ترا محکوم نمی کنم، برو از حالا به بعد دیگر گناه مکن. »

### یسوع نور جهان

<sup>۱۲</sup> پس یسوع باز با ایشان سخن گفت:  
<sup>۱-۱۱</sup> « من نور جهان هستم. آن که به دنبال من

هستم. شما از این جهان هستید، من از این جهان نبیشم.<sup>h</sup> <sup>۲۴</sup> پس من به شما گفته ام که در گناهان خود خواهید مرد زیرا اگر ایمان نیاورید که «من هستم» شما در گناهاتتان <sup>۱۹:۱۳:۱۱</sup> <sup>۶:۱۸</sup> خواهید مرد.<sup>۲۵</sup> <sup>۲۵</sup> پس به او می گفتند: «تو اش <sup>۱۱:۴۳</sup> کیستی؟» یسوع به آنان گفت: «همان که [مکرر] به شما می گویم.<sup>j</sup> <sup>۲۶</sup> درباره شما گفتنی و داوری بسیار دارم، اما آن کس که <sup>۲۸:۷</sup> <sup>۵۰-۴۸:۱۲</sup> مرا فرستاده راست است و من آنچه از او شنیده ام به جهان می گویم.<sup>k</sup> <sup>۲۷</sup> آنان ندانستند که به ایشان از پدر می گفتند.<sup>۲۸</sup> پس یسوع به آنان گفت: «وقتی پسر انسان را بالا ببرید، بدان هنگام خواهید مت <sup>۱۹:۵:۱۴:۳</sup> <sup>۳۲-۳۱:۱۲</sup> دانست که «من هستم» و من از خود هیچ نمی کنم، بلکه برابر آنچه پدر به من آموخته است سخن می گویم<sup>l</sup> <sup>۲۹</sup> و آن کس که مرا <sup>۳۰:۱۰:۱۶:۸</sup> ساخته ام در آینه باشد که در آنجا صندوق های مخصوص یهودیان می گفتند: «آیا می خواهد خود را بکشد؟<sup>m</sup> که می گوید به جائی که من می روم شما نمی توانید ببایدید؟» <sup>۳۱:۱۰:۱</sup> <sup>۱۴:۱۷</sup> او به آنان می گفت: «شما از پائین هستید، من از بالا

یسوع پاسخ داد: «شما نه مرا می شناسید و نه پدرم را. اگر مرا می شناختید، پدرم را نیز می شناختید». <sup>۲۰</sup> این سخنان را در «خرانه»<sup>n</sup> هنگامی که در معبد آموزش می داد <sup>۳۰:۷</sup> <sup>۴۱:۱۲</sup> بر زبان راند. کسی بر او دست دراز نکرد زیرا ساعتش هنوز نرسیده بود.

## عزیمت یسوع و داوری

<sup>۲۱</sup> پس یسوع باز به آنان گفت: «من می روم و شما مرا جستجو خواهید کرد و در گناه خود خواهید مرد. به جائی که من می روم شما نمی توانید ببایدید». <sup>۲۲</sup> پس یهودیان می گفتند: «آیا می خواهد خود را فقط پذیرفتن واقعی یسوع به وسیله ایمان می توانست آنان را از مرگ که نتیجه گناه است بپرون آورد (در مورد کلمه مرگ f- ر. ک ۲۵:۵ توضیح b). بی ایمانی یا عدم ادراک کنونی هلاکت و گمراهی ایشان را قطعی می کند: نجات یعنی ایمان داشتن به یسوع و گذشتن با او به نزد پدر (ر. ک ۳۱:۱۲:۹:۳۳:۹) <sup>۲۳</sup> او به آنان می گفت: «شما از پائین هستید، من از بالا ساخته ام بدلا اینکه در اینجا منظور محلی در میدان زنان باشد که در آنجا صندوق های مخصوص جمع آوری پیش کشها قرار داشت (ر. ک ۴۳:۴۱:۱۲:۴:۲۱:۷).

f- فقط پذیرفتن واقعی یسوع به وسیله ایمان می توانست آنان را از مرگ که نتیجه گناه است بپرون آورد (در مورد کلمه مرگ g- یهودیان تصور می کنند که یسوع خود کشی خواهد کرد و این امر در آینین یهود یکی از گناهان مهم به شمار می رود. چنانکه بارها در انجیل یوحنا آمده این عبارت مهم و دوپهلو است (ر. ک ۳۵:۷)؛ این سخنان را که گویند گان بدون آنکه مفهوم واقعی آنها را بدانند بر زبان می رانند خواننده در کم نماید بدین معنی که یسوع واقعاً زندگی خود را خواهد داد (۱:۱۰-۱۸). ضمناً در اینجا یوحنا با ظرفت از زبان یهودیان درباره یسوع پیشگویی می کند چنانکه بعدها از زبان دیگران نظر قیافa- در مورد دو نوع زندگی ر. ک ۳۱:۳

i- آزاد شدن از گناه و رهایی از مرگ منحصر استه به آن است که در ایمان یسوع را پذیرفته و بشناسند. در اینجا یسوع خود را با جمله مرموز: من هستم توصیف و معرفی می کند. شاید می خواهد عبارات قبلی را یادآوری نماید که در طی آنها عمل خود را نجات آدمیان توصیف کرده است (نان، روشنایی). ولی بیشتر متحمل است که این عبارت، ترکیب کلامی را یادآوری نماید که بیشتر در ترجمه یونانی کتاب مقدس به کار برده شده است (اش ۱:۱۰:۴۳؛ ۴:۴۱؛ ۴:۴۸؛ ۴:۴۶؛ ۱۲:۴۸؛ ۱۲:۴۸:۴:۴۶؛ ۳۹:۳۳:۹؛ تث ۱۰:۴۳). در اش ۱۰:۴۳ عبارت مذکور بدین معنی است: من (تا / اید) همین هستم، ممکن است اشاره به اظهارات مهمی است که در کوه سینا شده است: من هستم که خواهم بود (خروج ۳:۱۶-۱۴)؛ در این صورت این عبارت وجود خدایی یسوع را بیان می کند که در سطح پدر قرار دارد و بنابراین مطلقاً امین و مورد اعتماد است.

j- این جمله را به طرق مختلف ترجمه کرده اند: از همان آغاز مرتباً به شما گفته ام؛ روی هم رفته از چه چیزی سخن بگویی؟؛ بدلو آنچه به شما می گوییم؛ از همان چه به شما گفتم؛ یسوع در مورد هویت و رسالت خود مرتباً همان آموزش را بیان می کند ولی شنوندگان به طور کلی نشان می دهند که قادر به درک و شنیدن سخنان او نیستند.

k- ر. ک ۷:۱۷:۱۲؛ ۱۴:۴۹:۱۲؛ ۱۰:۱۴. ۱- یسوع که بر روی صلیب بالا برده می شود در شکوه و جلال نیز بالا برده می شود (۳۴:۳-۳۲:۱۲؛ ۱۵:۱۴-۱۴:۳) و الوهیت او نظیر حقیقت سخنان او بر همگان آشکار می گردد (ر. ک ۷:۳۹:۷ توضیح l).

به شما می‌گوییم هر کس گناهی مرتکب شود بردگاه نگاه است.<sup>۳۵</sup> باری بردگاه برای ابد در خانه نمی‌ماند، پسر برای ابد [در آنجا] تولد کند.<sup>۳۶</sup> پس اگر پسر شما را آزاد کنند، می‌ماند. شما به راستی آزاد خواهید بود.<sup>۳۷</sup> می‌دانم که شما از تبار ابراهیم می‌باشید<sup>t</sup> اما در جستجوی کشتن من هستید زیرا سخن من در شما نفوذ ندارد.<sup>۳۸</sup> آنچه من نزد پدرم دیده‌ام، همان را می‌گویم و شما آنچه را از پدر خود شنیده‌اید انجام می‌دهید.<sup>۳۹</sup> پاسخش داده گفتند: «پدر ما ابراهیم است.» یسوع به آنان گفت: «اگر فرزندان ابراهیم هستید کارهای ابراهیم را بکنید.

<sup>۴۰</sup> بلکه در عوض در جستجوی کشتن من هستید. من انسانی هستم که راستی را که از

فرستاده با من است<sup>m</sup>، مرا تنها نگذاشته زیرا همواره من چنان می‌کنم که خوشایند او باشد.»<sup>۴۱</sup> چون این مطالب را می‌گفت بسیاری به او ایمان آوردن.<sup>n</sup>

## فرزنдан واقعی ابراهیم

<sup>۴۲</sup> پس یسوع به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند می‌گفت: «اگر شما در سخن من بمانید<sup>o</sup>، شما به راستی شاگردان من هستید.<sup>۴۳</sup> و راستی را خواهید شناخت<sup>p</sup> و راستی شما را آزاد خواهد کرد.<sup>۴۴</sup> به او پاسخ دادند: «ما از تبار ابراهیم هستیم و هرگز بردگ کسی نبوده ایم<sup>۴۵</sup>، تو چگونه می‌توانی بگویی: شما آزاد خواهید شد؟»<sup>۴۶</sup> یسوع به آنان پاسخ داد: «آمين، آمين،

<sup>m</sup>- یسوع عبارتی را که در عهدتیق آمده در مورد خود به کار می‌برد. در آنجا گفته شده که خدا همراه و بیشتران کسانی است که به رسالت مأمور می‌نماید (خروج: ۱۴: ۵؛ عا: ۱۴: ۵؛ ار: ۸: ۵؛ سمو: ۱: ۱) و لی این عبارت مفهوم والای می‌گیرد (ر. ک ۳۲: ۱۶)؛ متقابلاً یسوع به تمامی در خدمت پدر است (۳۴: ۴؛ ۳۰: ۵).

<sup>n</sup>- ر. ک ۴۲: ۱۱؛ ۴: ۳۹؛ ۴: ۳۱؛ ۷: ۴؛ ۲: ۲۳؛ ۲: ۹؛ ۴: ۳۶؛ ۹: ۷؛ ۹: ۳.

<sup>۴۷</sup>- یعنی اگر به کسی که اظهار می‌کند کلام خدا یعنی حقیقت است بیومندن: ر. ک ۳۷: ۸؛ ۳۸: ۵؛ ۵۶: ۶؛ ۷: ۱۵؛ ۲- یو: ۶. <sup>p</sup>- به نظر یوحنا حقیقت یعنی واقعیت خدا زیرا خدا تمامیت زندگی حقیقی است و می‌تواند آدمیان را که آفریده در آن سهیم کند. این حقیقت در یسوع مظاهر می‌شود، بنا براین ایمان به او شناختن و پذیرفتن حقیقت است (۱: ۱۷، ۱۴: ۱۷، ۶: ۱۷؛ ۱۷: ۲۶؛ ۲۶: ۷؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱۳: ۱۷؛ ۱۷: ۱۹- ۱۷: ۱۸؛ ۳۸- ۳۷: ۱۸؛ ۱۹- ۱۷: ۱۷؛ ۷: ۶، ۸: ۲- یو: ۱).

<sup>۴۸</sup>- در اینجا منتظر یوحنا نه آزادی سیاسی و نه استقلال درونی می‌باشد که فرد عاقلی با تفکر درباره وجود بشری خود می‌تواند به این استقلال برسد. آزادی نسبت به دروغ (۴: ۸) و در برابر مرگ (۵۱) قابلیت زندگی کردن به تمامیت (۱۰: ۱۰) در همیستگی با پسر و پدر است (۳: ۱۷). این آزادی که مربوط به سرنوشت نهایی بشر است عطیه‌ای می‌باشد و به حقیقتی که از یسوع دریافت می‌شود وابسته است.

<sup>۴۹</sup>- یهودیان به خوبی درک کرده‌اند منتظر آن آزادی است که در ارتباط با خدا حاصل می‌شود (زیرا از نظر سیاسی اغلب اوقات تحت تسلط دیگران بوده‌اند)؛ ولی این آزادی عطیه‌ای است که با پیش‌گذاری در ایمان به دست آید: فقط به سبب تعلاق داشتن به تبار ابراهیم نمی‌توان خود را برتر از دیگران دانست زیرا آنان که به یسوع ایمان دارند ذریت واقعی ابراهیم را تشکیل می‌دهند (ر. ک مت: ۹؛ روم: ۴: ۲۱- ۲۴؛ غل: ۳۱- ۳۲).

<sup>۵۰</sup>- آزادی یک از جنبه‌های شرایط فرزندی و مخالف بردگی است. گناه که عبارت از عدم شناسایی خدا و جدایی از اوست حالت بردگی یا دیوانگی را می‌رساند. تنها پسر در موقعیت همیستگی با پدر به طور قطعی و مطمئن در خانه است (در مورد اختلاف پسر و خدمتگزار ر. ک پید: ۲۱؛ ار: ۱۰: ۳- ۲: ۲۲؛ غل: ۴: ۱- ۶: ۱؛ ۱: ۵) و می‌آید تا ایمانداران در موقعیت او سهیم شوند.

<sup>t</sup>- تبار/ابراهیم تنها یک واقعیت از نظر زیست شناسی یا جامعه شناسی نیست (یعنی کسانی که فقط فرزندان تنی ابراهیم بوده یا به سبب وابستگی به جامعه یهود از نسل او به شمار آیند) بلکه ایجاب می‌کند که رفشاری برابر رفتار آن پیامبر داشته باشند. این برای بایستی در عمل ابراز شود و اکنون با شناسایی و پذیرفتن فرستاده خدا بیان گردد (ر. ک روم: ۱: ۱۱، ۲: ۵- ۱۱؛ غل: ۶: ۱۶). بالعکس اقداماتی که برای کشتن یسوع انجام می‌دهند نشانه آن است که عوامل این اقدامات فقط از نظر جسمانی از تبار ابراهیم می‌باشند.

نمی آورید.<sup>۴۶</sup> چه کسی از بین شما می تواند درباره گناه مرا سرزنش کند؟<sup>۷</sup> ۱-پطر:۳-۴:۱  
اگر من راستی را می گویم چرا به من ایمان نمی آورید؟<sup>۴۷</sup> آن که از خداست، گفتار خدا را می شنود. شما نمی شنوید زیرا از خدا نیستید.<sup>۴۸</sup> یهودیان در پاسخ به او گفتند: «آیا ما درست نمی گوییم که تو سامری هستی<sup>a</sup> و دیو داری؟»<sup>۴۹</sup> یسوع پاسخ داد: «من دیو ندارم، اما به پدرم احترام می گذارم و شما به من بی حرمتی ملا می کنید.<sup>۵۰</sup> من شکوه خود را نمی جویم. ۱-پطر:۲-۳:۱-۵  
کسی هست که در پی آن است و داوری می کند.<sup>۵۱</sup> آمین، آمین، به شما می گوییم اگر کسی سخن مرا نگاه دارد، هرگز تا به ابد مرگ را نخواهد دید.<sup>c</sup><sup>b</sup> ۵۲ یهودیان به عبر او گفتند: «حال می دانیم که تو دیو داری. ۲۰:۱۰-۲۰:۷  
ابراهیم مرده است، پیامبران هم و تو اع ۲۲:۲-۲۲:۵

خدا شنیده ام به شما گفته ام. این را ابراهیم نکرده است.<sup>۵۳</sup> ۴۱ شما کارهای پدرتان را می کنید.» به او گفتند: «ما روسیبی زاده نیستیم<sup>v</sup>، ما فقط یک پدر داریم که خدا باشد.»<sup>۴۲</sup> یسوع به آنان گفت: «اگر خدا پدرتان می بود، به من محبت می داشتید زیرا من از خدا برون شده و می آیم، زیرا از خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است.

۴۳ چرا گفتار مرا درنمی باید؟ زیرا نمی توانید سخن مرا بشنوید.<sup>w</sup> ۴۴ شما، پدرتان ابلیس است و می خواهید هوی و هوشهای پدرتان را انجام دهید. وی از همان آغاز قاتل بود<sup>x</sup> و در [طريق] راستی نمانده بود زیرا در او راستی نیست، وقتی دروغ می گوید از خودش می گوید زیرا او دروغگو و پدر دروغ است.<sup>۴۵</sup> اما چون من غلا ۱۶:۴ راستی را می گویم، به من ایمان

۱۱-براهیم نمونه کسانی است که به کلام خدا ایمان دارند: ر.ک پید ۱۵:۶؛ بنسی ۴۴:۲۰-۲۱؛ روم ۳:۴؛ ۲۰، ۱۸، ۱۸:۲؛ حب ۱۱:۱۸-۱۹؛ ۱۹:۲؛ بع ۲۴-۲۱:۲

۷-یهودیان که خدا را منشا قوم خود می شمارند، خدا را پدر خود می خوانند و تولدی را که بر اثر عمل فعشای است رد می کنند: معمولاً پرستش بنتها و عدم وفاداری قوم را نسبت به خدا با کلمه فحشا توصیف می کردنند (هو ۳-۴: اش ۴-۱؛ اش ۵:۷-۷:۵؛ اش ۱۳: حز ۱۶:۳): با این همه دین ایشان بت پرستی است زیرا با اینکه تصور می کنند به خدا وفادار می باشند از او جدا شده اند و اکنون شیطان پدر ایشان شده است (ر.ک ۱۵:۹).

۸-این وضعیت که قادر نیستند حقیقت سخنان یسوع را بشناسند نشان می دهد که به دنبای خدا تعلق ندارند (ر.ک ۳۷:۱۸).  
۹-مخالفت با خدا در این نکته ابراز می شود که تصمیم دارند زندگی را که به انسان داده شده از بین برند (ر.ک پید ۳) که در حک ۱۳:۱۶-۱۶:۲۴:۲ تفسیر شده: روم ۵:۱۲؛ ۱۲:۱-۱۵:۸-۸:۳-۱-یو ۳:۱۵). قصد کشتن یسوع از همین میل به از بردن زندگی ناشی می شود.

۱۰-پدر دروغ است، [اصطلاحی مختص زبانهای سامی چنانکه در زبان عربی هم اصطلاحاتی نظیر ابن الوقت، ابن السیل، ابوجهل... به کار می برند و منظور آن است که دروغ گفتن خصیصه ذاتی او می باشد.] گاهی این عبارت را در زبانهای غربی ترجمه می کنند: پدر دروغگو است. ابلیس به وسیله نپدیرفتن حقیقت مشخص می شود زیرا قادر نیست پای بند به حقیقت باشد و دروغ نشانه اعمال او است (مکا ۹:۱۲).

۱۱-در اینجا گناه عبارت از خطأ و دروغ می باشد زیرا نپدیرفتن حقیقت (۲۴:۱۵) و نپدیرفتن خدا است.  
۱۲-ر.ک ۹:۴ توضیح a. در نظر یهودیان فرد سامری نمونه انسانی است که از قوم برگزیده جدا شده و تحت نفوذ فساد و هرگز قرار دارد.

۱۳-اتهام دیو داشتن اتهامی عادی و معمولی است: ر.ک مت ۱۲:۱۲-۲۴:۹؛ ۳۷-۲۴:۹؛ ۳۴:۹؛ ۱۸:۱۱؛ ۱۹-۱۸:۱۱؛ لو ۱۱:۱۵-۱۵:۱؛ و همچنین ر.ک ۷:۲۰؛ ۲۰:۱؛ ۲۰:۱۰.

۱۴-ر.ک ۸:۲۴؛ ۱۱:۳۱، ۲۴:۸.

شود" من هستم.<sup>g</sup>" پس سنگها<sup>۱۰</sup>:<sup>۳۹</sup>،<sup>۳۱</sup>:<sup>۱۰</sup><sup>۱۱:۸</sup> برداشتند تا بر او پرتاب کنند، اما یسوع<sup>۴:۲۹</sup>-<sup>۳۰</sup> خود را پنهان کرده از معبد بیرون رفت.

### شفای کور مادرزاد

چون می گذشت انسان کور<sup>۱۴:۸</sup> اع<sup>۳:۲</sup> مادرزادی را دید.<sup>۲</sup> و شاگردانش از او پرسیدند: «ربی، چه کسی گناه کرده خروج<sup>۵:۲۰</sup> است، خودش یا والدینش تا اینکه کور<sup>۸:۰</sup> حرق<sup>۸:۸</sup> زاده شود؟»<sup>۳</sup> یسوع پاسخ داد: «نه او و نه<sup>۴:۱۱</sup> لور<sup>۵:۵</sup> والدینش، بلکه تا کارهای خدا در او نمایان شود!<sup>۴</sup> تا روز است مازیابید در کارهای آن کس که مرا فرستاده کار کنیم.<sup>۳۴:۴</sup> شب خواهد رسید که کسی نمی تواند کار کند.<sup>k</sup> مدامی که در جهان هستم، من<sup>۱:۱۲</sup> نور جهان.<sup>۱</sup><sup>۱:۱۱</sup> اش<sup>۶:۴۹</sup> مر<sup>۲۳:۸</sup> این را گفت و آب دهان به زمین اندادخته با آن گل ساخت و گل را بر

می گوئی: اگر کسی سخن مرا نگاه دارد، هرگز تا به ابد مرگ را نخواهد چشید.<sup>d</sup> آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرده است مت<sup>۴:۱۲</sup> بزرگتر هستی؟ پیامبران نیز مرده اند. تو خود را که می دانی؟<sup>e</sup><sup>۵:۴</sup> یسوع پاسخ داد: «اگر من خود را شکوه دهم، شکوه من هیچ است، پدرم مرا شکوه می بخشد، همان که شما می گوئید: «این خدای ماست.» و شما او را نمی شناسید، اما من او را می شناسم و اگر می گفتم او را نمی شناسم همچون شما دروغگو بودم. اما من او را می شناسم و سخن او را نگاه می دارم.<sup>f</sup> پدرتان ابراهیم از فکر دیدن روز من<sup>۵:۶</sup> به مت<sup>۱۷:۱۳</sup> وجود آمد و آن را دید و شاد گردید.<sup>f</sup> پس بهودیان به او گفتند: «تو هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده ای؟»<sup>۵:۷</sup> یسوع به آنان گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم پیش از آنکه ابراهیم پدیدار

d- گاهی ترجمه می کنند: هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد (ر. ک عبر ۹:۲).

e- در نوشته های عهد متنق سخن از روز خداوند، روز داوری و استقرار ملکوت مسیحیانی است (اع<sup>۱:۱۳</sup>؛ اش<sup>۶:۶</sup>؛ حرق<sup>۳:۳۰</sup>؛ بول<sup>۱:۱۵</sup> وغیره). این اصطلاح در مورد آمدن یسوع به کار می رود (ر. ک لو<sup>۱:۲۴</sup>-<sup>۲:۲۴</sup>؛ قرن<sup>۱:۵</sup>-<sup>۲:۵</sup>؛ قرن<sup>۱:۲</sup>-<sup>۲:۲</sup>).

f- شاید منظور روایی پیامبرانه است که ابراهیم در انتظار و امید آمدن مسیح آن را تا اندازه ای دریافته باشد (ر. ک ۱:۱۲)؛ در مورد اشعیا که شکوه او را دیده است؛ ولی امکان دارد که ابراهیم اکنون آمدن یسوع را می بیند که امید او را برآورده می کند (ر. ک لو<sup>۱:۱۶</sup>-<sup>۲:۱۷</sup>).

g- ر. ک ۱:۱؛ ۱۹:۲-۳. تأکید روشن و صریح بر وجود قبلی پسر جاودانی نسبت به ابراهیم که یک فرد بشري بود.

h- بنابر عقیده ای که در دنیا کهنه شایع بود ارتباط نزدیکی بین گناه و نقص عضو جسمانی وجود دارد (خرق<sup>۱:۶</sup>-<sup>۶:۲۰</sup>؛ حرق<sup>۱:۱۸</sup>). در مورد کودکانی که ناقص الخلقه بدینی می آمدند بعضی از کاهان این امر را به خطای والدین کودک نسبت می دادند و کاهان دیگری آن را به خطای خود کودک در بططن مادر مربوط می دانستند.

i- یسوع بی آنکه نظریه تازه ای ابراز نماید عقاید معمولی را رد می کند. او فقط نقص عضو را ملاحظه کرده و اقدامی می نماید تا تمامیت سلامت جسمانی این مرد تأمین شود. یسوع با این عمل نشانه ای ارائه می کند که منشا الهی او را نشان داده و از آنان دعوت خواهد کرد نور حقیقت را دریافت کنند. ضمناً تحویل از کور بودن به بینایی اشاره ورمزی از بی ایمانی و مرگ به ایمان و زندگی است. در این معنی مرد کور (که تنها مورد کورد مادرزاد در عهد جدید است) ممکن است به عنوان نمونه کسانی باشد که به ایمان دست می یابند.

j- ضمیر جمع «ما» که در این مورد به کار برده شده کاملاً مورد تأیید می باشد و نشان می دهد که جامعه مسیحیان عمل خود را ادامه عمل مسیح می داشته است: ر. ک ۱:۱۰-۱:۱۱.

k- اغلب اوقات دوران زندگانی و فعالیت انسان با یک روز کاری مقایسه شده است، به همین گونه فعالیت یسوع را که روشنایی جهان است می توان با یک روز مقایسه کرد.

l- فعالیت پدر برای صلاح و نجات آدمیان در یسوع تجلی می کند که تنها وسیله نجات می باشد (۳۵:۱۲؛ ۱۲:۸).

خود را شستم و می بینم.»<sup>۱۶</sup> پس برخی از فریسیان می گفتند: «این مرد سبیت را رعایت نمی کند، پس از نزد خدا نمی آید.» دیگران می گفتند: «چگونه یک مرد گناهکار می تواند چنین نشانه هائی انجام دهد؟» و در بین آنان تفرقه افتاد.<sup>۱۷</sup> باز به کور گفتند: «تو درباره او چه می گوئی از آن که چشمان تو را باز کرد؟» گفت: «او پیامبر است.<sup>۹</sup>»<sup>۱۸</sup> پس یهودیان پیش از آنکه والدین او را بطلبند ایمان نیاوردن که کور بوده و بینائی خود را باز یافته است.<sup>۱۹</sup> از ایشان پرسیده گفتند: «آیا این پسر شماست که خود می گوئید کور به دنیا آمده است؟ پس اکون چگونه می بیند؟»<sup>۲۰</sup> پس والدینش پاسخ داده گفتند: «ما می دانیم که او پسر ما است و کور به دنیا آمده<sup>۲۱</sup> اما اکنون چگونه می بینند، ما نمی دانیم؛ یا چه کسی چشمان او را باز کرده است از آن هم چیزی نمی دانیم. از خودش بپرسید!»<sup>۲۲</sup> والدینش رسیده، از خودش بپرسید!<sup>۲۳</sup> چنین گفتند زیرا از یهودیان می ترسیدند، چونکه یهودیان از پیش مقرر کرده بودند اگر کسی او را مسیح بشناسد از کنیسه

چشمان کور مالید<sup>m</sup> و به او گفت: «برو اش:۸؛ در استخر شیلوحا - یعنی فرستاده<sup>n</sup>- خود را بشوی. پس او رفت و خود را شست و بینا بازگشت.

اع:۳<sup>۱۰</sup> همسایگان و کسانی که او را پیشتر دیده بودند - زیرا او گدا بود- می گفتند: «آیا این همان نیست که نشسته گدائی می کرد؟»<sup>۹</sup> بعضی می گفتند: «همان است!» برخی دیگر می گفتند: «خیر، ولی شبیه است.» خودش می گفت: «من همان هستم.»<sup>۱۰</sup> پس به او می گفتند: «پس چگونه چشمهاش تو باز شد؟»<sup>۱۱</sup> پاسخ داد: «مردی که او را یسوع می نامند گلی ساخت و به چشمانم مالید و به من گفت: "به شیلوحا برو و خود را بشوی" من رفتم، خود را شسته بینائی خود را باز یافتم.»<sup>۱۲</sup> به او گفتند: «او کجاست؟» جواب داد: «نمی دانم.»

آن را که قبلاً کور بود به نزد فریسیان آوردند.<sup>۱۳</sup> آن روز که یسوع گل ساخته و چشمان او را باز کرده بود، روز سبت بود.<sup>۱۴</sup><sup>۱۵</sup> پس مجدداً، فریسیان نیز از او پرسیدند که چگونه بینائی خود را باز یافته بود. به آنان گفت: «به چشمهاش من گل نهاد و من

- در دوران کهن برای آب دهان خواص درمانی قائل بودند: یسوع این عمل متداول را انجام داده که اثری جدید به آن می دهد (ر. ک ۳۳:۷-۲۳:۸).

- استخر شیلوحا در داخل شهر قرار داشته است (۲-پاد ۲۰:۲۰؛ اش ۸:۶؛ نج ۳:۱۵): یوحنا که اهمیت فراوانی برای موضوع رسالت قائل است با همه کار بردن و اژده «فرستاده» چنین تلقین می کند: به همان گونه که آب استخر فرستاده بینایی می دهد فرستاده مسیحی بی نور کلام خدا را می آورد.

[کلمه] سیلوحا که از کتاب مقدس فارسی قدیم گرفته شده غلط فاحش است و بهتر است شیلوحا نوشته شود زیرا: ۱- در زبانهای: آرامی، سریانی و کلدانی و همچنین زبان عبری شیلوحا نوشته و تنظیم می شود. ۲- این کلمه از ریشه ثلاثی مجرد ش لح آمده که به معنی فرستادن است و کلمات شیلوحا و شیحا اسم مفعول و به معنی مرسل، فرستاده و... است.]

- معالجه و درمان بیماران در روز سبت به حز در موارد خطرات شدید ممنوع بود (ر. ک ۹:۵).

ر. ک تث ۱:۱۳-۶.

- ر. ک ۱۹:۴؛ در اینجا نخستین مرحله از تفسیر نشانه ای است که یسوع انجام داده: او را به عنوان مرد خدا می شناسند که نیروی مافق امکانات بشری دارد (لو ۱۹:۲۴). همچنین ر. ک ۳۷:۵ توضیح ۱.

هستیم.<sup>۲۹</sup> ما می‌دانیم که خدا با موسی تکلم کرده اما این یکی را مانمی‌دانیم از کجاست!<sup>۳۰</sup> مرد پاسخشان داد و گفت: «جای تعجب همینجا است که شما نمی‌دانید او از کجا است در حالی که چشمانم را باز کرده است.<sup>۳۱</sup> ما می‌دانیم که خدا گناهکاران را مستحب نمی‌کند<sup>۷</sup> مز ۱۵:۳۴؛  
امث ۱۵:۶۶؛  
اش ۱۵:۱؛  
۲۹:۱۵ مز ۱۸:۶۶؛  
۱۵:۱؛  
۱۵:۱۵ امش ۲:۳  
تو بـ۷ مز ۵:۱؛  
۷:۵-۷ مز ۹:۶؛  
۲:۹

اما اگر کسی پارسا است و اراده اور انجام اش<sup>۳۲</sup> هرگز می‌دهد او را مستحب می‌کند.<sup>۷</sup> هرگز شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزادی را باز کرده باشد!<sup>۳۳</sup> اگر این شخص از جانب خدا نبود، هیچ نمی‌توانست بکند.<sup>۳۴</sup> به او پاسخ داده گفتند: «تو از هنگام تولد در گناه هستی و تو به ما درس می‌دهی!» و او را بیرون راندند.

<sup>۲۳</sup> رانده خواهد شد.<sup>۷</sup> بدین سبب بود که والدینش گفتند: «او به سنی رسیده، از خودش پرسید.»

<sup>۲۴</sup> پس یهودیان یک بار دیگر مردی را که کور بود خواستند و به او گفتند: «خدا مکانی<sup>۱۳:۱۱</sup> می‌دانیم که این مرد گناهکار است.»<sup>۲۵</sup> پس پاسخ داد: «اگر او گناهکار است من نمی‌دانم. فقط یک چیز می‌دانم: من کور بودم و اکنون می‌بینم.»<sup>۲۶</sup> پس به او گفتند: «به توجه کرد؟ چطور چشمان تو را باز کرد؟»<sup>۲۷</sup> به آنان پاسخ داد: «قبلابه شما گفتم و شما گوش ندادید. چرا می‌خواهید دوباره بشنوید؟ مگر شما نیز می‌خواهید شاگردان او بشوید؟»<sup>۲۸</sup> و ایشان دشامش داده گفتند: «تو شاگرد این مردی. ما شاگردان موسی

<sup>۱</sup>- در دوران پسوع یهودیان برای طرد بعضی از مخالفان و مجرمان اقداماتی به عمل می‌آوردند ولی اخراج واقعی مسیحیان فقط در اواخر قرن اول میلادی آغاز شد: محتمل است یوحنا اقداماتی را که یهودیان به تازگی اعمال می‌کردند (ر. ک ۴۲:۱۲؛  
۲:۱۶)

<sup>۲</sup>- عموماً به این ترتیب از کسی دعوت می‌کردند تا در زیر نظر خدا حقیقت را اظهار نماید بدون اینکه از اشکالات شخصی که احیاناً در بی داشته باشد اندیشتگار باشد.

<sup>۳</sup>- ر. ک ۱۹:۱ توضیح: یوحنا در این روایت از شخصیت مرد نایبنا استفاده کرده تا بریشخند و طنز به اختلافات بین یهودیان و مسیحیان اشاره نماید.

<sup>۴</sup>- به عنوان قانوننگذار اعتبار و منزلت زیادی قائل می‌شدند. فریسانی اور استاد و مربی عقاید و نظریات یهود به شمار می‌آورند. چون پسوع حامل مکافته کلی و قطعی می‌باشد بنابراین با موسی اختلاف خواهد داشت (ر. ک ۳۲:۶ توضیح ۱).

<sup>۵</sup>- ر. ک ۳۷:۵ توضیح: این موضوع حقیقتی معمولی و عادی است (اش ۱:۱۵؛ مز ۱۸:۶۶؛ ۱۰:۹؛ ۷:۱؛ امش ۲:۷؛ ایوب ۹:۲۷؛  
۱۳:۳۵ مز ۱۶:۱؛ ۲:۲۷-۲:۲۳-۱:۱-۱:۳-۲:۲۲-۲:۲۷).

<sup>۶</sup>- یوحنا مختصات تقوی و پرهیزکاری را که یونانیان معتقد بودند با آنچه در کتاب مقدس به عنوان کمال مطلوب است و بیشتر در مورد اطاعت از خدا تأکید می‌نماید به هم آمیخته و یکجا آورده است.

<sup>۷</sup>- در طو ۷:۱۱؛ ۱۳:۷-۱۴:۱ سخن درباره کور مادرزاد نیست چنانکه روایات انجیل نظری موضوع کور مادرزاد نمی‌باشد (مر. ا ۸:۲۶-۲۲؛ مت ۲۰:۲۹-۳۴؛ مز ۱:۱۰؛ ۳:۴-۲۰؛ ۵:۲-۴:۶؛ لوق ۱:۱۸-۳:۵). تحول از کوری به بینایی رمز و نشانه ای از گذشتن از بی ایمان و از ظلمات به روشنایی است، بنابراین نشانه ای که پسوع انجام داده تصویری از مجموعه رسالت او می‌باشد (ر. ک ۳۶:۶).

<sup>۸</sup>- در اینجا مرحله تازه ای در طریق ایمان است که نایبنا سایق که قبلای پسوع را به عنوان پیامبر شناخته بود (۱۷:۹) اعلام می‌کند تاکنون هیچکس در اسرائیل به مانند او مرد خدا نبوده است؛ به این ترتیب از عنوانین کهن فراتر می‌رود.

## مثل شبان نیکو

<sup>۱</sup> «آمین، آمین، به شما می‌گویم

<sup>۱۰</sup> آن کس که از در به آغل گوسفندان میک <sup>۱۲:۲</sup> وارد نشود<sup>c</sup> بلکه از جای دیگر بالارود او دزد و راههن است.<sup>d</sup> بر عکس آن که از در وارد شود شبان گوسفندان است.<sup>۳</sup> در بان، برای او در را می‌گشاید و گوسفندان صدایش را می‌شنوند و او هر یک از <sup>۷:۹۵</sup> گوسفندانش را به نام صدا می‌کند<sup>e</sup> و آنها <sup>۱:۴۳</sup> اش را با خود بیرون می‌برد. وقتی همه آنها را بیرون برده، پیشاپیش آنها راه می‌روند و گوسفندان به دنبال او می‌روند زیرا صدای بیگانگان را نمی‌شناسند.<sup>۵</sup> به دنبال بیگانه <sup>۲۷:۱۰</sup> نخواهند رفت، بلکه از او فرار خواهند کرد زیرا صدای بیگانگان را آنان گفت اما <sup>۶</sup> یسوع این مثل<sup>f</sup> را به آنان گفت اما نفهمیدند از چه با آنان حرف می‌زد.<sup>۷</sup> پس <sup>۲۵:۱۶</sup> یسوع بار دیگر گفت: «آمین، آمین، به شما

<sup>۳۵</sup> یسوع چون شنید که او را بیرون

مت:۸ رانده‌اند، او را یافته گفت: «آیا تو به پسر

انسان<sup>۲</sup> ایمان داری؟»<sup>۳۶</sup> او پاسخ داده

گفت: «خداؤندا او کیست تا من به وی

ایمان آورم؟»<sup>۳۷</sup> یسوع به او گفت: «هم تو

<sup>۲۶:۴</sup> او را دیده‌ای و هم آن کس که با تو سخن

مت:۱۰:۸ می‌گوید همان است.»<sup>۳۸</sup> او اعلام کرد:

«خداؤندا ایمان آوردم» و در برابر ش

<sup>۱:۱۷:۳</sup> سجد کرد.<sup>۳۹</sup> یسوع گفت: «برای یک

<sup>۳:۳۰، ۲۷، ۲۲:۵</sup> داوری من به این جهان آمده‌ام، تا آنکه

<sup>۱:۱۵، ۱۲:۸</sup> آنان که نمی‌بینند، بینا شوند و آنان که

<sup>۴:۳۷:۱۲</sup> می‌بینند، کور شوند.<sup>۴۰</sup> فریسیانی که با

<sup>۳:۹:۶</sup> لو او بودند این را شنیده به او گفتند: «آیا ما

هم کور هستیم؟»<sup>۴۱</sup> یسوع به آنان گفت:

<sup>۴:۴۸:۱۲، ۳۶:۳</sup> «اگر کور بودید، گناهی نداشتید اما اکنون

<sup>۱:۲۲:۱۵</sup> چون می‌گوئید ما می‌بینیم گناهتان

<sup>۱:۱۲:۲۶</sup> می‌ماند.<sup>b</sup>

- در مرحلهٔ نهایی این واقعه، کوری که بر اثر معجزه شفا یافته شهادت خود را تا به آخر ادامه می‌دهد و مورد ستم و آزار قرار می‌گیرد، نظیر کلیساپی که یوحنا بنیان می‌گذارد و در آینده سرنوشت مشابهی خواهد داشت (ر. ک ۱:۱۵ - ۴:۶، ۴:۱۵).

بدین معنی که یسوع با او بخورد می‌کند و خود را به عنوان پسر/انسان به او آشکار می‌کند، یعنی کسی که از آسمان می‌آید تا مردمان را گرد آورده به آنان تعالی دهد تا در زندگی خدا شوند (۱:۱۵ - ۱۴:۳، ۱:۵ - ۱:۶ - ۶:۲۶ - ۶:۳۶).

a- رسالت یسوع تغییر واقعی وضعیت‌ها را در این دنیا مشخص می‌کند. این موضوع در دو مورد در سطوح مختلف بیان می‌شود: بدین معنی که تایپیانی که به یسوع ایمان می‌آورند شفا یافته و به درک و شناسایی کلام خدا دست می‌یابند؛ بر عکس آنانی که به خود می‌بالند که دانشمند هستند (ر. ک ۱:۶ - ۹، ۲:۲، ۲:۴، ۲:۹، ۳:۴)، حتی نمی‌توانند بینند (۹:۹) کسی را که نور رستگاری و نجات را می‌آورد (۱:۸ - ۵:۹)؛ این افراد خود را برای ابد در ظلمات و کمراهی زندانی می‌کنند (ر. ک ۱:۷ - ۳:۲، ۱:۱۱ - ۱:۱۲).

b- اگر به مانند تایپیانی که شفا یافته اند کور بودند گناهی نداشتند؛ ولی آنان، پرمدعا برمنای آنچه قبلاً داشتند به یسوع ایمان

نمی‌آورند در صورتی که فقط او می‌تواند ایشان را از ورطه گناه بیرون بکشد (ر. ک ۳:۳ - ۳:۶).

c- به هنگام شب معمولاً گوسفندان را در محوطه‌ای که دور آن بیوار کوتاهی کشیده شده بود می‌گداشتند و نگهبانی از آنها حفاظت می‌کرد.

d- مثل اول (۱:۵ - ۵) در مقابل شبان که به طور معمولی وارد آغل گوسفندان می‌شود زیرا مأموریت یافته است به کسانی اشاره دارد که برخلاف قاعده عمل می‌کنند و می‌خواهند فقط منافع خود را تأمین نمایند و منظور فرسیان متشرعی هستند که در آیه ۳۱:۹ از آنان سخن به میان آمده و در ادامه بخش ۱۱:۱۰ - ۱۸:۱۰ می‌آید که با سخن یسوع: «من شبان نیکو هستم» آغاز می‌شود. در مثل دوم (۱:۷ - ۱:۱۰) اظهارات یسوع بینی براینکه: «من در هستم» بحث و بررسی می‌شود؛ ر. ک ۹:۱ توضیح h.

e- در میان اسرائیل دو نوع انسان وجود دارد: آنان که واقعاً به شبان تعقیل دارند و فقط به صدای او پاسخ می‌دهند و آنانی که پاسخ نمی‌دهند زیرا هر گر به او تعلق نداشته‌اند. ر. ک ۴:۷ - ۱:۱۶ - ۱:۲۰.

f- این سخنان اسرائیل ممیزی نمایدین می‌بهم است. به نظر یوحنا این مثل طرز بیان مختص رسالت یسوع در این دنیا است؛ و آن را واقعاً نمی‌توان درک کرد مگر به وسیله ایمان و در پرتو اظهارات نهایی در هنکام صعود یسوع و عطا‌ی روح القدس.

گوسفندان از آن او نیستند چون ببیند که گرگ می‌آید گوسفندان را گذاشته می‌گریزد و گرگ آنها را گرفته می‌پراکند<sup>۱۳</sup> زیرا مزدور است و در پروای گوسفندان نیست.<sup>۱۴</sup> من شبان نیکو هستم و گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان من مرا می‌شناسند<sup>۱۵</sup> همچنان که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم<sup>۱۶</sup> و من جان خود را به خاطر گوسفندان می‌دهم.<sup>۱۷</sup> گوسفندان دیگر نیز دارم که از این آغل نیستند، آنها را نیز باید راهنمائی کنم. آنها صدای مرا خواهند شنید و آنگاه بطری<sup>۱۸</sup> خروج<sup>۱۹</sup> فقط یک رمه خواهد بود و یک شبان.<sup>۲۰</sup>

مز ۱۴:۶-۲۰:۱۱ می‌گویم من در گوسفندان هستم.<sup>۲۱</sup> تمام کسانی که پیش از من آمده‌اند، دزد و از ۲۱:۱-۲:۲۳ راهزنان هستند<sup>۲۲</sup> اما گوسفندان به آنان حرق ۲۳:۲-۳ گوش نکرده‌اند.<sup>۲۳</sup> من در هستم<sup>۲۴</sup>، اگر کسی از راه من وارد شود نجات خواهد یافت<sup>۲۵</sup> و مز ۱۳:۱-۳:۲۳ اش ۱۰:۹-۱:۱۰:۹ به درون آمده و بیرون خواهد رفت<sup>۲۶</sup> و اش ۱۷:۲۷ چراگاهی خواهد یافت.<sup>۲۷</sup> ۱۰:۱-۲:۲۷ دزد جز برای دزدی و ذبح کردن و هلاک کردن نمی‌آید. اش ۱۱:۴-۱:۱۱:۴:۳۴ من آمده‌ام تا آنکه زندگانی داشته باشد و بنسک ۱۳:۱۸ آن را به فراوانی داشته باشند.<sup>۲۸</sup>  
بیکار ۱۷:۷ کار ۱:۱۵:۱۵ یو ۱۶:۳-۱:۱۷:۱۱ زک ۱:۱۷:۱۱ ۱:۲۹:۲۰ اع ۳-۲:۲۵:۱ پظر ۱:۱۲:۲۵:۱ دهد<sup>۲۹</sup>.<sup>۲۰</sup> ۱۲:۲۵:۱ مزدور که شبان نیست و g- منظور پیامبران عهد عتیق نیستند بلکه مردانی که در دنیا یهودی یا در بین مشرکان مدعی بودند با وسائل خودشان شناخت امور الهی و نجات را برای آدمیان می‌اورند.

h- در روایات یهود موضوع دری که راه وصول به حقایق آسمانی شود فراوان است (پید ۱۷:۲۸-۲۲:۲۳؛ مز ۷۸:۷۲-۷۷:۲۳) چنانکه در انجیل نظری هم آمده است (مت ۷:۲۳-۱۳:۱؛ لو ۱:۲۵-۲:۲۳؛ مز ۷:۱۰-۱:۱۰:۲۵؛ لو ۱:۱۰-۷:۱۰) همین است.

i- مسیح آدمیان را از مرگ نجات می‌دهد (ر.ک ۱:۱۱-۲۶:۱۱ توضیح) و همچنین از هر چیزی که موجب هلاکت آدمی است (۱۷:۳).

j- شاگرد و پیرو یسوع که نجات یافته به آزادی و امنیت می‌رسد (ر.ک ۳:۳۶-۳:۲۸).

k- گاهی ترجمه می‌کنند: و خوراکی خواهد یافت.

l- در صورتی که نجات دهنده‌گان دروغی اصولاً در صدد هلاکت و پراکنده کردن هستند، یسوع مأموریت شاگردانش را در زندگانی پدر سهیم ساخته و بدین وسیله آنان را کاملاً خشنود می‌کند.

m- تصویر شبان که گله را هدایت و محافظت می‌نماید گاهی در نوشته‌های عهد عتیق در مورد خدا بکار رفته است (مز ۲:۲۳-۱:۲۳)؛ اش ۶:۳۱ ار ۹:۶، گاهی در مورد مسیح پادشاه (مز ۷:۷-۷:۸؛ حرق ۷:۰-۷:۲؛ حرق ۳:۷-۳:۸؛ ار ۸:۲-۲:۱؛ ۱:۲-۱:۳؛ ۲:۱-۲:۲؛ حرق ۳:۳-۳:۴) و زمانی در مورد متصدیان امور و مسئول در اسرائیل آمده است (ار ۸:۲-۲:۱؛ ۱:۲-۱:۳؛ ۲:۱-۲:۲؛ حرق ۳:۳-۳:۴؛ مز ۶:۶-۶:۷؛ ۱:۱۴-۱:۱۵؛ ۲:۲۷-۲:۲۸؛ ۳:۶-۳:۷؛ ۱۲:۱۸-۱۲:۳۶؛ ۲:۲۵-۲:۳۲؛ ۲:۲۶-۲:۳۱؛ ۱:۱۵-۱:۱۶؛ ۱:۱۷-۱:۱۸؛ ۱:۱۸-۱:۱۹).<sup>۳۰</sup>

n- ترجمه تحت اللفظی: جان خود را به خاطر گوسفندانش می‌گیرد. این اصطلاح نزدیک به عبارتی است که مرقس در ۴:۱۰-۵:۲-۵:۸ اورده و دادن جان خود نوشته و چنین می‌نماید که اش ۵:۳-۵:۲-۵:۱۰ گرفته شده باشد. در صورتی که مزدور گوسفندان را به خاطر نفع خود فدا می‌کند یسوع وجود خود را تا مرگ تسليم خواهد کرد تا شاگردان و پیروانش زندگی یابند (ر.ک ۵:۱-۱:۱۵؛ ۱:۱۳-۱:۱۵).

o- در روایات کتاب مقدس از شناسایی بین اشخاص متنضم وجود محبت بین آنان است: منع و سرچشمۀ شناسایی که یسوع را با کسانش مربوط می‌کند در محبتی است که پسر را با پدر می‌پیوندد. مرگ بر روی صلیب والاترین ابراز این محبت می‌باشد (۱:۱۳-۱:۱۵).

p- این عبارت اشاره به رسالت جهانی (ر.ک ۴:۳۵-۳:۳۸) و عمل مسیح است همچنان که اشاره به فعالیت او در فلسطین می‌باشد (ر.ک ۱:۱۷-۱:۲۰؛ آنان که در سرتاسر جهان از هم اکنون به طرز اسرآمیزی کسان او بشمار می‌آیند (۵:۱۱) صدای او را در سخنان فرستادگان خواهند شناخت. وحدت آدمیان اعم از یهودی و یونانی به وسیله یسوع تحقق خواهد پذیرفت (ر.ک ۱:۱۰-۱:۱۱؛ کول ۲:۲۸-۲:۳).

در معبد در زیر رواق سلیمان<sup>۱</sup> می‌گشت. اع ۱۱:۳  
 ۲۴ یهودیان او را احاطه کرده به او گفتند: زیرا من جانم را می‌دهم تا آن را بازگیرم.<sup>۲</sup>  
 «تا به کی جان ما را در تردید نگاه فی ۹-۸:۲ به خواست خود آن را می‌دهم.<sup>۳</sup> من اقتدار  
 می‌داری؟ اگر تو مسیح هستی آشکارا به ما دارم که آن را بدهم و اقتدار دارم تا آن را  
 بگو!»<sup>۴</sup> ۲۵ یسوع به آنان پاسخ داد: «این را بازگیرم. این فرمانی است که از پدرم  
 به شما گفته ام و ایمان نمی‌آورید. کارهائی  
 را که من به نام پدرم انجام می‌دهم خود بر  
 من شهادت می‌دهند. ۲۶ اما شما ایمان می‌گفتند: «او دیو دارد و مجذوب است!<sup>۵</sup>  
 نمی‌آورید زیرا شما از گوسفندان من چرا به او گوش می‌دهید؟»<sup>۶</sup> دیگران  
 نیستید.<sup>۷</sup> ۲۷ گوسفندان من صدای مرا مت ۱۸:۱۱  
 می‌شنوند و من، آنها را می‌شناسم و آنها به لعل ۳۳:۷  
 دنبال من می‌آیند<sup>۸</sup> و من به آنها زندگانی اع ۲۴:۲۶  
 جاودان می‌دهم و هرگز تا به ابد هلاک ۳۳-۳۰:۳  
 نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست ۲:۳  
 از دست پدرم که آنها را به  
 من نخواهد ربود.<sup>۹</sup> ۲۹ پدرم که آنها را به  
 من داده از همه بزرگتر است و هیچکس ام ۲۴:۱۷  
 نمی‌تواند [چیزی] از دست پدرم برباید.<sup>۱۰</sup> اش ۱۳:۴۳  
 ۳۰ من و پدر یک هستیم.<sup>۱۱</sup>

۱۷ به همین سبب پدر مرا محبت می‌کند، زیرا من جانم را می‌دهم تا آن را بازگیرم.<sup>۱۲</sup>  
 ۱۸ هیچکس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه فی ۱۰:۱۵ به خواست خود آن را می‌دهم.<sup>۱۳</sup> من اقتدار  
 دارم که آن را بدهم و اقتدار دارم تا آن را بازگیرم. این فرمانی است که از پدرم  
 ۳۱:۱۴:۲۹:۸ یافته ام.»<sup>۱۴</sup>

۱۹ به سبب این سخنان باز در بین ۴۳:۷:۱۱:۳  
 یهودیان تفرقه افتاد. ۲۰ بسیاری از بین آنان ۱۶:۹  
 می‌گفتند: «او دیو دارد و مجذوب است!<sup>۱۵</sup> مر ۴:۸:۲۰:۷  
 چرا به او گوش می‌دهید؟»<sup>۱۶</sup> دیگران مت ۲:۲-۲:۳  
 می‌گفتند: «این سخنان از دیوانه‌ای لعل ۳:۳-۷  
 نیست. آیا دیو می‌تواند چشمان کوران را اع ۲:۳-۴:۲۶  
 باز کند؟»<sup>۱۷</sup>

## اظهارات رسمی و اتهام کفرگویی

۳۶:۴ آنگاه در اورشلیم جشن تقدیس  
 [معبد]<sup>۱۸</sup> فرا رسید. زمستان بود<sup>۱۹</sup> و یسوع

۹- در نظر یسوع، رستاخیز او با جان دادن بر روی صلیب کامل<sup>۲۰</sup> به هم بیوسته است.

۱۰- در روایتی که یوحنا وقایع صلیب و صلیب یسوع را ذکر می‌کند مخصوصاً آزادی مطلق یسوع را تأکید و یادآوری می‌نماید.

۱۱- در اواخر ماه دسامبر یهودیان به یاد بود بازاری و تقاضی معبد جشن می‌گرفتند. توضیح آنکه پس از پیروزی پهلوای مکابی بر آنتیوخوس چهارم، معبد را ترمیم و احیا کرده بودند (ر. ک ۱-۲ مک ۵:۹-۳۶-۳:۲-۱). این عید را چنوكاچ می‌نامیدند که تقليدی از جشن خیمه‌ها بود و در آن چراغانی مقام مهمی داشت. در مورد جشن هایی که در انجیل یوحنا آمده ر. ک ۴:۶ توضیح ر. ک ۶:۴ توضیح ر.

۱۲- مسیحیان اورشلیم اغلب در این محل جمع می‌شدند (ر. ک ۱۱:۳).

۱۳- بار دیگر مقامات یهود، صریح تر از همیشه، از یسوع درخواست می‌کنند آشکارا و در ملاع عام جنبه مسیحیانی رسالت خود را تصدیق نماید (ر. ک ۱۸:۲). مجدداً در اینجا شیوه نگارش طنزآمیز یوحنا مشاهده می‌شود زیرا یسوع از آغاز رسالت خود این موضوع را مرتباً تکرار کرده است. در انجیل نظیر در روایت جریان محاکمه در برابر ساندھرین درخواست مشابهی وجود دارد (ر. ک مت ۲۶:۶-۲۷:۶۱ مک ۱:۶-۲:۲۲). جنین به نظر می‌رسد که در روایات یوحنا در تمام مدت زندگی یسوع محاکمه او جریان داشته و از این لحظه به بعد اتهام کفرگفتگی منتشر شده و تصمیم به کشتن یسوع ابراز گردیده است.

۱۴- یسوع اظهارات خود را به روشنی بیان کرده است ولی بدین سبب جنبه واقعی رسالت او را درک نمی‌کنند که ایمان ندارند یا به عبارت دیگر به گله‌ای که پدر برایش آماده کرده تعلق ندارند (ر. ک ۶:۶-۶:۲۴:۸).<sup>۲۱</sup>

۱۵- هیچ قدرت زمینی نمی‌تواند جایگزین نیروی مسیحیانی شبان بشود و بنا بر این ایمانداران اطمینان کامل دارند.

۱۶- ر. ک اش ۴:۳-۱۳. در نسخ خطی دیگری این عبارت چنین است: پدرم آنچه را به من داده از همه بزرگتر است.

۱۷- یسوع می‌تواند برای طرقداران خود حمایت مطلقی فراهم کند زیرا بدون هیچ گونه حد و حصری در قدرت پدر سهیم است (ر. ک ۱۷:۵-۱۹:۱۷). این سخنان که تعمداً غیرصریح و میهم هستند وحدت و یگانگی عمیق تری را می‌رسانند (ر. ک ۱۱:۱۷-۲۲): شنوندگان این نکته را درک کرده‌اند.

به من ایمان نیاورید.<sup>۸</sup> اما اگر آنها را به جا می آورم، حتی اگر به من ایمان نمی آورید به کارها ایمان آورید تا بدانید<sup>:۱۱-۱۰:۱۴</sup> و بشناسید که پدر<sup>e</sup> در من است و من در پدر.<sup>۹</sup> باز در جستجوی دستگیری او برآمدند و او از دست آنها بدر شد.<sup>۱۰</sup> باز به آن سوی اردن به جائی که یوحنا قبلًا<sup>:۳۰:۷</sup> در آنجا تعیید می داد رفت و در آنجا ماند.<sup>۱۱</sup> و بسیاری نزدش آمده می گفتند:<sup>۱۲</sup> مر<sup>:۱۰:۱۹</sup> «یوحنا هیچ نشانه ای انجام نداده است، اما یوحنا هر چه درباره این یکی گفته بود راست بود.<sup>f</sup>»<sup>۱۲</sup> و در آنجا بسیاری به او ایمان آوردن.<sup>۱۳</sup>

### یسوع مرده ای را زنده می کند

**۱۱** <sup>۱</sup>بیماری بود به نام ایلیعازر<sup>g</sup>، اهل بیت عنیا<sup>h</sup> که روستای مریم و لو<sup>:۳۸-۳۹:۱۰</sup> خواهرش مرتا<sup>i</sup> بود.<sup>۱۲</sup> این مریم همان بود که ۸-۱:۱۲

<sup>۱۳</sup> بار دیگر یهودیان برای سنگسار کردند، سنگها آوردند<sup>۱۴</sup> یسوع به آنان پاسخ داد: «بسیار کارهای نیکو از سوی پدر به شما نشان داده ام. برای کدام یک از این کارها مرا سنگسار می کنید؟»<sup>۱۵</sup> یهودیان به او پاسخ دادند: «برای کار نیکونی، بلکه به سبب کفر تو را سنگسار می کنیم، زیرا تو که انسانی خود را خدا می کنی<sup>j</sup>.»<sup>۱۶</sup> یسوع به آنان پاسخ داد: «آیا در تورات<sup>k</sup> شما نوشته نشده است: «من گفته ام: شما خدا بایند!»<sup>۱۷</sup> اگر [تورات] کسانی را که سخن خدا خطاب به آنان بوده، خدایان نامیده است - و نوشته مقدس البته ممکن نیست نقض شود!<sup>۱۸</sup> -<sup>۱۹</sup> کسی را که پدر تقدیس کرده و به جهان فرستاده، شما می گوئید: "تو کفر می گوئی"<sup>۲۰</sup> زیرا گفته ام من پسرخدا هستم.<sup>d</sup> <sup>۲۱</sup> اگر من کارهای پدرم را به جا نمی آورم،

Z- اگر مقررات احکام شرعی در نظر گرفته شود کفر گفتن در صورتی است که نام خدا ذکر شود (سانه‌های بین ۵:۷). ولی در اینجا علت چنین اتهام مهمی آن است که یسوع در اظهارات خود به طور ضمنی ادعای موقعیت خدایی کرده و سپس صریحاً اعلام شده است (ر.ک مر<sup>:۶۱:۶۳-۶۴</sup> و متون متواری).

a- کلمه ای که «تورات» ترجمه شده در اینجا به مفهوم مجموعه نوشته های مقدس است (ر.ک ۲۵:۱۵؛ ۳۴:۱۲؛ ۴۹:۷). در مورد کلمه «شما» که درباره آن بحث می شود ر.ک ۱:۱۹ توضیح <sup>c</sup> و ۲:۶ توضیح <sup>i</sup>.

b- مز<sup>:۸:۶</sup>. مفسران یهودی معتقد بودند که این سخن نه تنها به داوران بلکه به عموم اسرائیلیان خطاب شده است لذا به دلیل بالاتر در مورد والاترین فرستاده صدق می کنند. بتا براین دلیلی وجود ندارد که سخن از کفر گفتن در میان باشد.

c- فرستاده منتخب خدا به طریق ممتازی در قدوسیت خدا سهیم است: ر.ک ار<sup>۱:۵</sup>؛ بنسی<sup>۷:۴</sup>؛ یو<sup>۶:۶</sup>؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۹-۱۷:۱۷.

d- یسوع بدون درنگ اظهار می کند که عنوان پسر خدا دارد. ضمناً با توجه به طرز عمل یسوع و عباراتی که وحدت او را با پدر بیان می نماید این عنوان اهیت جدیدی خواهد داشت (۳۰:۱-۳).

e- ر.ک ۱:۱۰-۱۱؛ ۱۱-۱۷؛ ۲۱:۱-۱۵:۳؛ ۲۴:۳-۴؛ ۱۵:۱.

f- ر.ک ۳:۲۶ توضیح f. یسوع به پره عزیمت می نماید (ر.ک ۲۸:۱). یوحنا در اینجا یعنی روز قبیل از مرحله قطعی رسالت یسوع لازم می بیند گواهی یوحنا را یادآوری نماید (ر.ک ۱۹:۱؛ ۳۵:۳-۳۶:۵).

g- نام ایلیعازر که گاهی آن را به صورت مخفف لازار می گویند از نظر لغوی یعنی «خدا یاری می کند» [متراخد نامهای الهیار و خدایار در زبان فارسی]. این نام در قرن اول میلادی نسبتاً شایع بود و در مثل لو<sup>۱۶:۱۹</sup> نام فقیری است که پس از مرگ اجر و پاداش یافته است.

h- منظور قصبه ای در پره نیست بلکه دهکده ای در شرق کوه زیتون در نزدیکی اورشلیم است (مت ۱۷:۲۱؛ ۶:۲۶؛ مر<sup>۱:۱۱</sup>، ۱۱-۱۲؛ لو<sup>۹:۱۹</sup>؛ ۲۴:۱؛ ۵۰:۲۴).

i- لوقا نام این دو خواهر را در ۱۰:۳۸-۴۲ ذکر کرده است. در روایتی که یوحنا بیان می کند مریم زنی است که عیسی را با عطر تدهین کرده بود.

دوازده ساعت نیست؟<sup>m</sup> اگر کسی در روز :۱۲:۸؛۴:۹  
راه ببرود [پایش] نمی‌لغزد زیرا نور این مت :۲۳-۲۲:۶؛۳۵:۱۲  
جهان را می‌بیند<sup>n</sup>، اما اگر کسی شب راه :۳۵:۱۲  
برود می‌لغزد زیرا در او نوری نیست<sup>o</sup>。<sup>۱</sup> ۱۱:۲-۱  
این را گفته، بعد به آنان گفت: ۱۱  
ایلعازر دوست ما خفته است<sup>p</sup>. اما من ۱۲  
می‌روم تا او را از خواب برخیزانم»<sup>۱۲</sup> پس مت :۲۴:۹  
شاگردان به او گفتند: «خداوندا اگر خفته ۱۲ پس مت :۵۲-۲۷  
است، نجات خواهد یافت».<sup>۱۳</sup> یسوع از :۳۹:۵-۶  
مردن او گفته بود اما آنان می‌پنداشتند که ۱۳  
وی از آرامش خواب سخن می‌گوید.<sup>۱۴</sup> پس :۵:۸-۹  
آنگاه یسوع آشکارا به ایشان گفت: «ایلعازر ۱۱:۲  
مرده است.<sup>۱۵</sup> به خاطر شما خوشنودم؛ اگر :۳۱:۵-۱۴  
آنجا نبودم برای این بود که ایمان بیاورید. مر :۲۹-۲۴:۲۰  
اما به نزد او برویم.<sup>۱۶</sup> تو ما ملقب به روم :۸:۶  
«دیدیموس» (توام)<sup>q</sup> به شاگردان دیگر ۱۶  
گفت: «ما نیز برویم تا با او بمیریم<sup>r</sup>».<sup>۱۷</sup>

خداوند را به روغن معطر تدهین نموده  
پاهایش را با موهای خود خشک کرده بود.<sup>s</sup>  
همان بود که برادرش ایلعازر بیمار بود.<sup>t</sup>  
<sup>۳</sup> خواهران کسانی نزد او فرستاده تا ۲۶:۱۱  
بگویند: «خداوندا، اینک آن دوست تو  
بیمار است.»<sup>۱۸</sup>  
<sup>۴</sup> چون یسوع شنید گفت: «این بیماری تا ۳۴-۳۳:۱۰  
به مرگ نیست بلکه برای شکوه خداست  
که به وسیله آن پسر خدا شکوه یابد<sup>k</sup>.<sup>۱۹</sup>  
<sup>۵</sup> باری یسوع به مرتا، خواهرش و ایلعازر ۲-۲:۱۰-۱:۱۰  
محبت داشت.<sup>۲۰</sup> پس چون شنید که او بیمار  
است، باز دو روز دیگر در همانجا که بود  
ماند.<sup>۲۱</sup> سپس بعد از آن به شاگردان گفت:  
«باز به یهودیه برویم.»<sup>۲۲</sup> شاگردان به او  
لو ۲۸:۲۲:۱۰-۱:۱۰-۵:۹:۸  
می‌گویند: «ربی به تازگی بیهودیان در  
حستجوی سنگسار تو بودند؛ و تو دوباره به  
آنجا می‌روی!»<sup>۲۳</sup> یسوع پاسخ داد: «آیا روز

۷- موضوع تدهین در بیت عنیا را که طبق روایات قبل از هفته مصائب و صلیب روی داد یوحنا بعداً روایت خواهد کرد (۱۲-۱:۱۲)

(۱۸) و خوانندگان کاملاً از این موضوع اطلاع داشته اند (مت ۱۳-۶:۲۶؛ مر ۹:۱۳؛ لو ۹:۳-۶:۲۶؛ مرت ۵۰-۳۶:۷).

- چون بیماری ایلعازر خطرناک است و چون یسوع در این مورد بهترین نشانه عرف خود را انجام می‌دهد موقعیتی خواهد بود تا k شکوه خدا را که شکوه خود او است نیز ظاهر سارد: برخاستن ایلعازر از مرگ آشکار می‌کند که یسوع پسر خدا است (ر. ک ۱۱:۲). ضمناً این بیماری نقطه‌آغاز جربانی است که یسوع را به سوی مرگ رهبری می‌کند (۱۱:۱۱) (۵۴-۴۵:۱۱) یعنی به سوی شکوهمندی بر روی صلیب و به وسیله صلیب. بدین گونه به کلیه ایمانداران امکان شرکت در رستاخیز عطا خواهد شد زیرا به وسیله صلیب کاملاً تجلی شکوه در پایان روزگار تحقق خواهد یافت (ر. ک ۱۶:۱۲، ۲۳؛ ۲۸:۱۳؛ ۳۲-۳۱:۱۳؛ ۳۲-۳۱:۱۷؛ ۵:۱-۵:۵).

۱- ر. ک ۳۱:۱۰؛ ۱۸:۵:۱؛ ۱۷:۸؛ ۲۵، ۲۰-۱۹:۸؛ ۲۵-۳۷:۸؛ ۲۵. رفتاری که یسوع در نظر دارد متناسب خطر مرگ است و یسوع آن را عالیاً و در کمال آزادی می‌پذیرد (۱۰:۱۸-۱۰).

- مدت کار روزانه از طلوع آفتاب تا غروب دوازده ساعت است: یسوع بایستی انجام رسالت خود را به پایانی که پدر معین کرده ادامه دهد، تا ساعتی که شب با ظلمات فرامی‌رسد (۷:۸؛ ۳:۲۳؛ ۱۷:۱؛ لو ۲:۲۲؛ ۵:۳).

- یسوع برای آدمیان نوری می‌آورد تا بتوانند در کمال امانت گام بردارند. خطر واقعی آن نیست که شاگردان تصور می‌کنند بلکه آن است که نتوانند نوری را که اکنون می‌درخشند بینند یا اینکه مانع از اجرای عمل او تا به پایان باشند.

- روشنایی خارجی که یسوع می‌آورد با روشنایی باطنی و درونی مکمل یکدیگرند (ر. ک مت ۲۳:۶؛ لو ۱:۲۳؛ ۳۵:۱؛ کلام خدا را فقط فرزندان روشنایی درمی‌یابند (ر. ک ۱۹:۳؛ ۲۱:۳).

- آرمیدن: در زبانهای یونانی و عبری به جای کلمه مردن که زننده است واژه آرمیدن بکار برده می‌شود. یوحنا که از خواب سخن می‌گوید در صورتی که ایلعازر مرده است یادآوری می‌نماید که سوءتفاهمی وجود دارد. ضمناً این نکته را تذکر می‌دهد که

یسوع برای مردن مفهوم جدیدی می‌آورد (ر. ک ۲۶:۱۱؛ مت ۲۴:۹؛ ۳۹:۵؛ لو ۵:۲).

- کلمه یونانی didyme به معنی تؤام است. این شاگرد که فقط نام او در فهرست اسامی دوازده رسول آمده (مت ۱:۱۰؛ ۳:۱۰؛ لو ۱۸:۳؛ اع ۱۳:۱؛ ۱۵:۶؛ نقش مهمی در انجیل یوحنا دارد (۴:۵؛ ۱۴:۵؛ ۲۹-۲۴:۰؛ ۲:۲۱).

- در اینجا یوحنا نمی‌خواهد سرنوشت اینده شاگردان را اعلام کند بلکه اشتباہ تومرا را یادآوری می‌کند که متوجه نیست برخاستن ایلعازر از مرگ موقعیتی برای شکوهمندی یسوع خواهد بود.

ایمان دارم که تو مسیح، پسر خدا هستی که مرتا این را گفته باید به جهان بباید<sup>۷</sup> ». ۲۸ مرتا این را گفته رفت تا خواهرش را فرا خواند و در نهان به او گفت: «استاد اینجاست و تورا می خواند». ۲۹ همین که شنید فوراً قیام کرد و نزد او آمد. ۳۰ زیرا یسوع هنوز به روستا نیاماً بود بلکه همچنان در همان جائی بود که مرتا او را دیدار کرده بود. ۳۱ یهودیانی که با او در خانه بودند تا او را تسلي دهد مریم را دیدند که به سرعت بلند شده بیرون رفت. پس چون پنداشتند که به سوی قبر می رود تا در آنجا بگردید به دنبال او روان شدند. ۳۲ وقتی مریم به جای آمد که یسوع در آنجا بود، با دیدن او به پاهایش افتاد و به او گفت: «خداوندا! ۳۳ اگر اینجا می بودی برادرم نمی مرد!» ۳۴ یسوع وقتی دید که او می گردید و یهودیانی که او را همراهی کرده بودند نیز می گریند روحًا<sup>a</sup> مرتتعش شد و به هم برآمده<sup>b</sup> گفت: «او را کجا نهاده اید؟» به او گفتند: «خداوندا بیا و بین». ۳۵ یسوع لعله<sup>c</sup> ۳۶

<sup>۱۷</sup> پس چون یسوع آمد، او را که از چهار مت ۱۷:۲۱ روز پیش در قبر بود، یافت. ۱۸ بیت عنيا: ۴۵:۱۱، ۱۱:۹:۱۲ نزدیک اورشلیم و در پانزده استادی<sup>d</sup> آن ۱۹-۱۷ بود. ۱۹ یهودیان بسیاری نزد مرتا و مریم آمده بودند تا درباره برادرشان آنها را تسلى لو ۲۰:۱۰ ۴۰-۳۹:۶ دهنند. ۲۰ پس وقتی مرتا شنید که یسوع می آید، به پیشواز او رفت، در حالی که مریم همچنان در خانه نشسته ماند. ۲۱ پس مرتا به یسوع گفت: «خداوندا اگر این جا می بودی برادرم نمی مرد!» و اکنون می دانم آنچه از خدا بخواهی، خدا آن را به تو خواهد داد. ۲۳ یسوع به او گفت: «برادرت برخواهد خاست.» ۲۴ مرتا به او گفت: «می دانم که به وقت رستاخیز در روز ۲۹:۵ ۴:۰-۳۹:۶ یوپسین برخواهد خاست.<sup>e</sup> ۲۵ یسوع به او ۱۵:۲۲ گفت: «من هستم آن رستاخیز و زندگانی و هر که به من ایمان دارد، حتی اگر بمیرد ۵۱:۸:۴۴:۵ زندگانی خواهد کرد.<sup>f</sup> ۲۶ و هر که زنده است و به من ایمان آورد، هرگز تا به ابد نخواهد مرد.<sup>g</sup> آیا به این ایمان داری؟» ۲۷ مرتا به او می گوید: «آری خداوندا،

۸- [استاد واحد طول که در حدود سه کیلومتری اورشلیم بوده است.

۹- در محافلی که تحت تأثیر فریسیان بودند عقیده و امید به رستاخیز در پایان روزگار توسعه یافته بود (دان ۱۲:۳-۲:۲-۲:۲-۲:۲-۲:۷).

۱۰- عیسی از پدر این قدرت را دریافت می کند تا کسانی را که به او ایمان می آورند به زندگی کامل و بنابراین به رستاخیز در پایان روزگار برساند (۵:۲۶-۶:۳۹-۶:۲۹-۴:۳۹-۴:۴۰-۴:۴۴).

۱۱- فعل مردن در آیه ۲۵ به معنی درگذشتن و پایان زندگی زمینی آدمی است در صورتی که در اینجا اشاره به زندگانی بدون ایمان است که از خدا قطع رابطه شده و مرگ واقعی باشد. ر. ک. ۵:۵-۳:۹ مرت ۱۹:۹-۱۹:۹-۲۷:۱۲ ۲۱:۱۳:۲۷:۱۲ ۴:۱۹:۱۱

۱۲- مرتا با اعتراف و گواهی براین که عیسی، مسیح و پسر خدا است می پذیرد که او منشأ هر رستاخیزی است. آن کسی است که باید به جهان بباید: ر. ک. ۱:۶:۱۴:۶-۹:۱:۹:۹-۱:۱۱:۱۰:۷:۱۹:۹

۱۳- مریم در هنگام رسیدن به عیسی همان سخنانی را بربازان می آورد که مرتا گفته بود. ضمناً افتادن به پاهای عیسی و تعظیم در برابر او نوعی پذیرایی دیگر است.

۱۴- گاهی ترجمه می کنند: باطنًا مرتتعش شده... این کلمه ممکن است به مفهوم خشمگین شدن در برابر ناله های کسانی که ایمان نداشته یا نویید هستند تعبیر شود یا اینکه به معنی تأثر شدید در برابر اندوه باشد. ر. ک. ۳۸:۱۱

«ایلعازر بیرون! اینجا بیا!»<sup>۴۴</sup> مرده بیرون ۲۷:۵ ۲۹-۲۷:۵  
آمد، دستها و پاهایش نوارپیچ بود و صورتش را دستمالی پوشانده بود. یسوع به آنان گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.»

(متی ۱:۲۶-۵؛ مرقس ۱:۱۴؛  
لوقا ۲-۱:۲۲)

<sup>۴۵</sup> بسیاری از یهودیان که به نزد مریم آمده و آنچه را یسوع کرده بود، دیده بودند به او ایمان آوردند.<sup>۴۶</sup> اما برخی از میان ایشان نزد فریسیان رفته آنچه را یسوع کرده بود به آنان گفتند.<sup>۴۷</sup> پس کاهنان اعظم و فریسیان شورائی<sup>d</sup> گرد آورده گفتند: «چه مت ۵-۳:۲۶ می داشتند که این مرد نشانه های زیبادی انجام می دهد.<sup>۴۸</sup> اگر این گونه رهایش کنیم، اع ۱۳-۱۴:۶ همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان خواهند آمد و مکان مقدس<sup>e</sup> و ملت ما را از بین خواهند برد.»<sup>۴۹</sup> یکی از میان آنان، «قیافا» که در آن سال کاهن اعظم بود<sup>f</sup> به

اشک ریخت. <sup>۳۶</sup> آنگاه یهودیان می گفتند:

«بیینید چقدر او را دوست می داشت.»

<sup>۳۷</sup> اما برخی از آن میان گفتند: «او که

چشمان کور را باز کرد آیا نمی توانست

[کاری کند] که این هم نمیرد؟»<sup>۳۸</sup> پس

یسوع بار دیگر در درون خود مرتعش شده

مت ۶:۲۷ به سر قبر آمد و این غاری بود که سنگی بر

آن گذاشته بودند.<sup>۳۹</sup> یسوع گفت: «سنگ

را بردارید!» مرتا خواهر متوفی به او گفت:

«خداؤندا، چون روز چهارم است دیگر بو

گرفته است.»<sup>۴۰</sup> یسوع به او گفت: «آیا به

تو نگفتم اگر ایمان بیاوری شکوه خدا را

خواهی دید؟»<sup>۴۱</sup> پس سنگ را برداشتند.

یسوع چشمان خود را بلند کرده<sup>a</sup> گفت: «ای

پدر تو را شکر می کنم که مرا مستجاب

کرده ای.<sup>۴۲</sup> من می دانستم که همواره مرا

مستجاب می کنم<sup>b</sup>. اما به خاطر این

جمعیت اطراف من سخن گفته ام تا آنان

ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده ای.»<sup>۴۳</sup> و

این را گفته با صدای بلند فریاد برآورد:

z- قبر ایلعازر ظاهرآ حفره یا غار کوچکی است که در دیواره صخره ای کوه قرار دارد (ر. ک ۱:۲۰).

a- یهودیان بیشتر روی خود را به طرف معبد می کردند؛ بلند کردن چشمان به سوی آسمان، تا اندازه ای جزو آداب مذهبی مسیحیان خواهد بود (۱:۱۷). مر ۴۱:۶؛ لو ۱۳:۱۸؛ اع ۴۵:۷؛ ۵۵:۷). [کلمه مستجاب کردن در ترجمه تحتاللفظی شنیدن است.]

b- چون همیستگی پدر با پسر دائمی و مستمر است بنابراین پدر در هر لحظه درخواست یسوع را شنیده و مستجاب می کند؛ و به همان گونه که به اطرافیان خود اعلام کرده در او امکان تعیین سرنوشت نهایی جهان تحقق می یابد (ر. ک ۱:۱۶؛ ۷:۱۵؛ ۳:۱۴؛ ۱۶:۲-۲۳:۱۶-یو ۲۱:۳-۲۲:۵؛ ۱۵-۱۴:۵). این نیایش نشان می دهد که با برخاستن ایلعازر از مرگ، ارتباط فرزندی یسوع

نسبت به خدا را می توان دریافت. [ترجمه تحتاللفظی مستجاب کردن: شنیدن.]

c- نشانه هایی که یسوع انجام می دهد و اکشن های مختلفی ایجاد می کنند: کسانی ایمان می آورند و کسان دیگری شدیداً مخالفت می نمایند (ر. ک ۳:۷-۹؛ ۱۶:۹-۱۰؛ ۱۹:۱۰). آخرین نشانه موجب خواهد شد در اورشلیم تصمیم به کشتن یسوع گرفته شود.

d- این کلمه را می توان سانه دارین ترجمه کرد. در اینکه آیا اجتماع کاهنان اعظم و تعدادی از فریسیان بوده و آیا این مجمع جنبه رسمی داشته است یا خیر؛ باید توجه داشت که پس از انهدام معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی فریسیان رهبری یهودیان را

به دست گرفتند. ر. ک ۲۲:۹ توضیح.<sup>r</sup>

e- ترجمه تحتاللفظی: محل، که ممکن است منظور مجموعه شهر اورشلیم و یا منحصراً معبد باشد (۲-مک ۳:۱۸، ۱۲:۳؛ ع ۷:۷؛ ۱۴-۱۳:۶).

## تدهین در بیت عنیا

(متی:۲۶:۱۳-۶؛ مرقس:۱۴:۹-۳)

(ر.ک لوقا:۷:۳۸-۳۶)

[جشن]<sup>k</sup> گذر یهودیان نزدیک بود و

بسیاری از مردم از روستاهای پیش از گذر: ۱۲:۲-۱۳:۲

برای تطهیر خود به اورشلیم فراز آمدند.<sup>l</sup> اعد: ۹:۶-۱۳:۶

در جستجوی یسوع بودند و در معبد: ۲۱:۷-۲۶:۲

ایستاده به یکدیگر می‌گفتند: «چه

می‌پنداشد؟ آیا اصلاً به جشن نخواهد

آمد؟»<sup>m</sup> اما کاهنان اعظم و فریسان دستور

داده بودند: اگر کسی بداند که او کجاست

باید خبر دهد تا او را دستگیر کنند.

<sup>۱</sup> پس شش روز پیش از جشن گذر،

۱۲

یسوع به بیت عنیا آمد، جائی که

ایلعازر بود و یسوع او را از میان مردگان مت: ۱۱:۱-۴؛ ۲۳:۶-۶

۹:۳-۱۴:۲۶

قیام بخشیده بود.<sup>n</sup> در آنجا برایش شامی

تهیه کردند و مرتا خدمت می‌کرد و ایلعازر: ۱۱:۱۰-۴۰:۱۰

یکی از کسانی بود که بر سر سفره با او

آنان گفت: «شما هیچ نمی‌دانید،<sup>o</sup> مگر

فکر نمی‌کنید که برای شما مفیدتر است

۱۵:۵ قرن یک انسان در راه قوم بمیرد، تا همه

هلاک شوند؟»<sup>p</sup> این را از خود نگفت

خویج: ۳:۲۸-۲:۲۱؛ نبوت: ۲:۲۷-۲:۲۱

اما چون در آن سال کاهن اعظم بود، نبوت: ۲:۲۶-۲:۲۰؛ پید: ۵:۲۰-۴:۲۰

کرد<sup>h</sup> که یسوع باید برای ملت بمیرد. ۵:۲

۱- ۲: ۲:۴-۲:۴؛ ۶:۲-۶:۲؛ اش: ۴:۵-۵:۵

نه تنها برای ملت، بلکه همچنین تا

فرزندان خدا که پراکنده اند در یگانگی

گرد هم آیند.<sup>۱</sup> ۵:۳ از همان روز تصمیم بهکشتن او گرفتند.<sup>۴</sup> ۵:۴ یسوع دیگر در میان

يهودیان آشکارا رفت و آمد نمی‌کرد بلکه

از آنجا به ناحیه‌ای نزدیک بیابان به

شهری به نام افرائیم<sup>j</sup> رفت و باشاگردانش در آنجا ماند.<sup>۱</sup> ۲:۲۲-۳:۱۲:۲

۱:۷

f- قیافا از سال ۱۸ ق میلادی ریاست عالیه سانهدرین را بر عهده داشت (لو:۳:۲؛ اع:۶:۴؛ ر.ک تاریخ کهن فلاویوس ژوفز: ۳۵:۱۸)

که اوی در آن سال کاهن اعظم بود شاید می‌خواهد اهمیت بی نظر سالی را که نجات انعام خواهد شد بی‌آوری نماید.

g- قیافا به بحث در این باره جنبه سیاسی می‌دهد: به هرسورت دلایل هرچه باشد چون یسوع موجب بروز اختلالاتی است شایسته است او را از بین ببرند تا آرامش و نظم عمومی تأمین گردد.

h- این سخنان با توجه به وقایعی که بعداً روی می‌دهد در نظر شاگرد یسوع کاملاً معنی و مفهوم دیگری دارند بدین معنی که یسوع با مرگ خود نجات اسرائیل را تأمین می‌کند و تمام کسانی را که در سراسر دنیا در تابعیت پدر هستند به صورت یک ملت جمع می‌کند.

i- منظور قیافا آن بود که برای یهودیان اشکلاتی پیش نیاید. وی بدون اینکه بداند اعلام می‌کند که مرگ یسوع چه معنایی برای اینانداران در برخواهد داشت. در مورد مرگ به خاطر وحدت ر.ک: ۱۰:۱۰؛ ۱۹:۲۳-۱۹:۱۷؛ ۱۶:۱۰؛ ۲۰:۱۹-۲۱:۱۱

j- افزاییم را اکثر با دهی به نام / الطیبه یکی دانسته اند که در حدود ۲۰ کیلومتری شمال شرقی اورشلیم در منتهی الیه سرزمین صحرایی قرار دارد.

k- ر.ک: ۱۳:۲؛ ۴:۶. چنین به نظر می‌رسد که یوحنا جشن یهودیان را که از به دوران و نظم کهن تعلق دارد در برابر یگانه جشن گذر واقعی مسیح قرار می‌دهد (۱:۱۳).

l- شرکت در جشن مستلزم آن بود که از نظر شرعی پاک باشند و این پاکی با اجرای اعمال مذهبی مختلفی حاصل می‌شد (خروج: ۹:۱۰-۱۵:۱۵؛ اعد: ۹:۱۴-۲:۲؛ ۲:۱۷-۳:۱؛ تو: ۱:۲۰-۲:۲۶؛ اع: ۲:۲۴-۲:۲۶؛ ۲:۲۸؛ ۱:۱۸).

m- ر.ک مت: ۱۳:۲۶؛ مر: ۱:۳-۳:۹؛ لو: ۷:۷-۳:۴۰

به خاطر یسوع بلکه همچنین برای دیدن  
ایلعازر که از میان مردگان او را قیام  
بخشیده بود.<sup>۱۰</sup> اکاهنان اعظم تصمیم به  
کشتن ایلعازر نیز گرفتند.<sup>۱۱</sup> زیرا بسیاری  
از یهودیان به خاطر وی می‌رفتند و به یسوع<sup>۱۲</sup>  
ایمان می‌آوردن.<sup>۱۱:۷-۳۱:۷</sup>

### ورود پیروزمندانه یسوع به اورشلیم (متی ۱۱:۲۱-۱۱:۲۱؛ مرقس ۱۱:۱۱-۱۱:۲۱؛ لوقا ۱۹:۲۸-۴۰)

<sup>۱۲</sup> روز بعد جمعیت زیادی که برای جشن  
آمده بودند، وقتی دانستند که یسوع به  
اورشلیم می‌آید<sup>۱۳</sup> شاخه‌های نخل  
برداشته<sup>۷</sup> به استقبال او ببرون شدند و فریاد<sup>۱۴</sup>  
برمی‌آوردند: «هوشیاعنا!» «مبارک باد<sup>۱۵</sup> من!<sup>۱۶</sup>  
آنکه به نام خداوند می‌آید»<sup>۱۷</sup> و «پادشاه<sup>۱۸</sup> مکا-<sup>۱۹</sup>  
مکا-<sup>۲۰</sup>»

لو ۳۷:۷-۳۸:۷ بود.<sup>۳</sup> پس مریم رطلى<sup>n</sup> از عطر سنبل  
واقعی<sup>۰</sup> گرانبها برداشته پاهای یسوع را  
تدھین نمود و با گیسوانش پاهای او را  
۷۱:۶ خشک کرد<sup>p</sup> و خانه را بوی عطر فرا  
گرفت.<sup>۹</sup> یهودای اسخربوطی<sup>t</sup>، یکی از  
شاگردانش، آن کس که او را تسليم می‌کرد  
گفت:<sup>۵</sup> «چرا این عطر را به سیصد دینار<sup>s</sup>  
۲۱:۱۹ نفروختند تا به بیان داده شود؟»<sup>۶</sup> این  
مرگ<sup>۲۱:۱۰</sup> را نه از آن رو گفت که در غم بیان بود،  
۲۲:۱۸ بلکه چون او دزد بود و کیسه پول را در  
۱۳:۱۰ ۲۹:۱۳ دست داشت آنچه را در آن می‌انداختند  
لو ۸:۸ می‌ربود.<sup>۷</sup> پس یسوع گفت: «او را بگذار،  
این عطر را برای روز تدفین من نگاه  
۴۰:۱۹ داشته<sup>۸</sup> زیرا بیان را همیشه با خود  
۱۱:۱۵ دارید اما مرا برای همیشه ندارید<sup>۹</sup>.»  
۴۴-۴۳:۱۲ پس بسیاری از یهودیان دانستند که  
[یسوع] در آنجاست. پس آمدند نه تنها

n- کلمه یونانی که رطل ترجمه شده واحد رومی و برابر ۴۵/۴۷/۳۲۷ گرم است.  
۰- این کلمه که فقط در مر ۳:۳ و در اینجا بکار برده شده گاهی ناب و خالص ترجمه می‌کند و در مورد مفهوم آن مفسران توافق  
ندارند. ظاهراً در زبان یونانی این کلمه از همان ریشه ایمان می‌آید و لذا می‌توان واقعی با حقیقی ترجمه نمود ولی ممکن  
است نام گیاهی باشد که از آن عطر گرفته‌اند.

P- طبق انجیل متی و مرقس، مریم عطر را بر سر یسوع می‌ریزد در صورتی که در اینجا بر روی پاهای یسوع ریخته و با خشک کردن  
با موہایش فروتنی و محبت کامل خود را ابراز می‌کند.

q- در ادبیات یهود عطر فضای خانه را که رایجه اش منتشر می‌شود با پرتو و درخشندگی زندگی عادلانه تشییه و مقایسه کرده‌اند. ذکر این  
نکته که رایجه عطر فضای خانه را پر می‌کند ممکن است با مت ۲۶:۲۶ و مر ۱۴:۹ مقایسه شود که در آنجا گفته شده در هر  
جایی که انجیل موعظه شود این عمل مریم شناخته خواهد شد.

r- ر.ک ۷۱:۶. یوحنا توجه را به یهودای اسخربوطی جلب کرده و این اظهارات را به او نسبت می‌دهد در صورتی که مرقس  
گوینده این سخنان را بعضی‌ها و حتی شاگردان ذکر کرده است.

s- کلمه ای که دیبار ترجمه شده واحد پول و احتمالاً برابر مزد روزانه یک کارگر بوده است. ر.ک ۷:۶ توضیح t و مر ۱۴:۵.

t- ترجمه دیگر: اورا به حال خود بگذارید! این رسم را به خاطر تدفین من کنید. ولی معنی دقیق این عبارت مشخص  
نیست. به نظر بعضی از مفسران یوحنا که شکستن شبیه عطر را ذکر نکرده در نظر داشته عطر برای تدفین خواهد شد. به نظر  
بعضی دیگر منظور بیاد نگهداشت خاطره این عمل است که پیشایش مراسم تدفین را نشان می‌دهد. متی و مرقس در این مورد  
اهمیت حضور یسوع و فوریت شناختن او را در ایمان تذکر و یادآوری می‌کنند. ر.ک ۱:۱۲ توضیح m.

u- ر.ک مت ۱۱:۲۶؛ مر ۷:۱۴. ۷:۷-۱۱:۲۶. این روش ورود پیروزمندانه سلاطین است، ر.ک ۱-۲:۱۳-۱۳:۵؛ مک ۲:۱۰-۱۰:۱؛ مک ۹:۹.

w- ر.ک مز ۲۶-۲۵:۱۱۸. هوشیاعنا به مت ۹:۲۱ توضیح c توجه نمایید. این کلمات را که از مزمور ۱۱۸ گرفته شده برای  
تقدیس رؤسایی که در رأس ملت‌میں خود به معبد فراز می‌آمدند بکار می‌بردند. همین عبارت در مورد یسوع بکار برده شده که  
کاملاً والاترین کسی است که می‌آید (۶:۱۱-۱۱:۲۷) و با داشتن قدرت خدایی مأمور رسالت می‌باشد.

گفتند: «می بینید که هیچ فایده‌ای نمی برد، همه دنیا به دنبال او می‌رود!»<sup>c</sup>

## شکوه و صلیب

در آنجا چند یونانی بودند، از آنانی که به هنگام جشن برای پرستش<sup>d</sup> فراز می‌آمدند.<sup>e</sup> پس اینان به سوی فیلیپس که از بیت صیدای جلیل<sup>e</sup> بود پیش رفتند و از او درخواست کردند گفتند: «ای سرور می‌خواهیم یسوع را ببینیم.»<sup>f</sup> فیلیپس آمده آن را به اندربیاس گفت. اندربیاس و فیلیپس آمده آن را به یسوع گفتند. یسوع در پاسخ ایشان گفت: « ساعتی که پسر انسان باید شکوه یابد فرا رسیده است!<sup>f</sup>

آمین، آمین به شما می‌گوییم: اگر دانه

اسرائیل<sup>x!</sup><sup>g</sup> اما یسوع کره الاغی یافته برا آن نشست، برابر آنچه نوشته شده است:  
 ای دختر صهیون مترس: اینک پادشاه تو، سوار بر کره الاغی می‌آید.<sup>h</sup> اول شاگردانش این چیزها را نفهمیدند، اما وقتی یسوع شکوه یافت<sup>i</sup> بدان هنگام به یاد آوردند<sup>j</sup> که این درباره وی نوشته شده بود و این چیزها را برای او کرده بودند.<sup>b</sup> پس جمعیتی که با او بودند به هنگامی که ایلعازر را از قبر به بیرون خوانده و او را از میان مردگان قیام بخشیده بود شهادت می‌دادند.<sup>k</sup> همچنین جمعیتی نیز بدین سبب به استقبال او می‌آمدند: زیرا شنیده بودند که او این نشانه را انجام داده است.<sup>l</sup> پس فریسان درین یکدیگر

X- موضوع عنوان پادشاه اسرائیل در سرتاسر انجیل آمده است مخصوصاً در قسمتی که راجع به مصائب یسوع و مصلوب شدن او است (۱:۴۹؛ ۶:۱۵؛ ۱۸:۳۳؛ ۱۸:۱۵، ۱۹، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۳:۱۹؛ ۳۹، ۳۷، ۳:۱۹).

Y- یوحنا نظیر انجیل نگاران دیگر که این روایت را آورده اند خلاصه پیام سروش مسیحی<sup>m</sup> زک ۹:۹ را ذکر کرده و بدین وسیله روایت را مفهوم و روشن می‌کند. [ترجمه تحت الفظی: کره خریک خرماده].

Z- یسوع به وسیله صلیب و صعود به آسمان شکوهمند شده است (ر. ک ۷:۳۹؛ ۷:۱۷).

a- یوحنا به مانند انجیل نگاران دیگر (مر. ۱:۴؛ ۷:۲؛ ۷:۲۵؛ ۲:۲۶؛ ۷:۲۵؛ ۲:۶؛ ۶:۴؛ ۶:۶) متوجه است که بیشتر گفتارها و اعمال یسوع در مدت زندگی زمینی او درک نشده با بهخوبی آنها را درنیافته بودند. پس از مصلوب شدن یسوع و صعود او توانستند این وقایع را درک نموده و به معنی واقعی آنها بی بیزند و نبوت هایی را که در نوشته های مقدس آمده است به طرز جدیدی دریابند. این تذکر و یادآوری یوحنا بر اثر عمل روح القدس انجام می شود (۲:۲؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۱۲؛ ۱۶:۱۵).

b- فاعل این جمله یا شاگردان است که قسمتی از این وقایع را آمده کرده بودند (ر. ک مت ۱:۷-۷) یا منظور جمعیت است که برای یسوع احتراماتی بجا می‌آوردند.

c- روش نگارش یوحنا آمیخته با طنز و استهزا است بدین معنی که خود فریسان متوجه جنبه جهانی عمل یسوع می‌باشد (ر. ک ۱:۱۲؛ ۱:۳۷؛ مر ۱:۱۲).

d- این اشخاص که فرهنگ یونانی داشتند و نسبت به تزاد یهود بیگانه بودند جدیداً به آینین یهود گرویده یا اینکه فقط به آن علاقمند بودند و به اورشلم می‌آمدند تا در مراسم زیارت جشن گذر شرکت نمایند (۱۰: ۲۱، ۲۲؛ ۲: ۱۶؛ ۱۳: ۳۵). تمایل به پرستش خدای حقیقی (ر. ک ۴: ۲۱-۲۳) آنان را هدایت می‌کرد که یسوع را ملاقات کنند (یا به عبارت بهتر او را ببینند).

e- ر. ک ۱: ۶ و ۸. فیلیپس و اندربیاس تنها شاگردانی هستند که نام یونانی دارند. ر. ک ۴: ۳۸-۲۷؛ ۴: ۴۲؛ ۴: ۳۸-۲۷ توضیح h.

f- منظور لحظه‌ای قطعی است که یسوع در شکوه وارد می‌شود و شاگردانش را در آن سهیم خواهد کرد (۱: ۱۷؛ ۵: ۱-۱۷؛ ۲: ۲۰، ۲۲، ۲۴؛ ۱۴: ۱۶). شکوهی که پدر تعیین کرده و فرا رسیدن آن در پایان فعالیت زمینی یسوع است (۴: ۲؛ ۷: ۶؛ ۸: ۳۰، ۸: ۲۰؛ ۱: ۱۷؛ ۱۳: ۹؛ ۱: ۱۷)، همچنین قبل از هر چیز ساعت خدمت تا مرگ بر روی صلیب است (قبل‌اً در مر ۱: ۳، ۳۵؛ ۱: ۴، ۴۱).

بده! اما به سبب همین تا این ساعت آمده‌ام.<sup>k</sup> ای پدر، نام خود را شکوهمند گرداي.<sup>۱</sup> پس ندایی از آسمان رسید: «[او را] شکوه داده ام و باز شکوه

خواهم داد.»<sup>۲۹</sup> پس جمعیتی که آنجا ایستاده بودند، شنیده گفتند که غرش<sup>m</sup> لو:

تدیری بود. دیگران گفتند: «فرشته‌ای با او حرف زده است.»<sup>۳۰</sup> یسوع پاسخ داده اع

گفت: «این ندا نه به خاطر من، بلکه به خاطر شما رسیده است.<sup>n</sup> اکنون

داوری<sup>۰</sup> این جهان<sup>p</sup> است. اکنون رئیس

این جهان بیرون افکنده خواهد شد.<sup>۹</sup><sup>۳۱</sup> و من چون از زمین از بالا برده

۴۲:۱۱ اکنون است.<sup>۱۴:۳</sup>

گندم که به زمین افتاده نمیرد، تنها می‌ماند اما اگر بمیرد، میوه بسیار

می‌آورده.<sup>۲۵</sup> هر که جان خود را دوست دارد آن را از بین می‌برد و هر که از جان

خود در این جهان نفرت دارد آن را برای زندگانی جاودان نگاه خواهد داشت.<sup>۲۶</sup>

اگر کسی به من خدمت می‌کند، پس مرا هم پیروی کند و در آنجا که من هستم خادم

من نیز همانجا خواهد بود.<sup>۷</sup> اگر کسی به من خدمت کند پدر او را محترم خواهد

داشت.<sup>۱۱:۱۶</sup>

۱۲۷ اکنون جان من مضطرب است و چه بگوییم؟ ای پدر، مرا از آن ساعت نجات

۴۶-۴۰:۲۲

لوبن

۸-۷:۵ عبر

- تصویر دانه بذری که می‌میرد برای آن که محصول فراوانی بدست آید در موقعه‌های انجلی تصویری معمولی است (مر:۴-

۴:۳۰-۲۹:۳۰). علمای مذهبی یهود و پولس رسول (۱-قرن ۳۵:۱۵) این تصویر را در مورد صعود و شکوه یافتن بکار برده‌اند. مصلوب شدن و مصابانی که یسوع متتحمل خواهد شد منجر به باروری رستاخیز او می‌شود تا کاملاً یهودیان و یونانیان در جامعه‌ای مسیحی‌ای گرد هم آیند.

h- ترجمه تحت الفظی: نفرت داشتن. فعلی که در آنجا آمده برابر روشی که در زبانهای سامی بکار می‌رود در مقابل دوست داشتن است و آکثراً به مفهوم کمتر دوست/داشتن و به عنوان ارزشی والا بشمار نیاوردن است. [بنابراین می‌توان ترجمه کرد: هر کس در این جهان از جان خود دست بشوید] (پید:۲۹:۳۳-۳۱:۲۱؛ تث:۱۵:۲۱؛ مت:۶:۲۴؛ لو:۱۶:۲۶؛ لوب:۱۴:۲۶).

i- ر. ک مر:۸:۳۵؛ مت:۱۶:۲۵؛ لو:۹:۲۵؛ شاگرد باستی زندگانی خود را برطبق زندگی جدیدی که استاد بر او آشکار و به او عطا کرده است یکی کند و هماهنگ سازد.

j- رابطه بین خدمت کردن و به دنبال یسوع رفتن نکته اساسی در روایات انجلی است (ر. ک مر:۸:۳۴؛ مت:۱۰:۳۸؛ لو:۱۴:۲۷).

خدمت یسوع متناسب آن است که شاگرد به روش خود در مرگ و رستاخیز او سهیم خواهد بود (ر. ک مر:۱۰:۴۵-۳۵:۳۰).

k- در آنجا یوحنا احساس اضطراب یسوع را در برابر مرگی که فرامی‌رسد ذکر می‌کند (ر. ک ۱۱:۱۳؛ ۳۸:۳۳-۳۳:۲۱) ولی اختصار اورا در جتسيمانی روایت نخواهد کرد (مر:۱۴:۳۲-۳۲:۲۶؛ مت:۱۴:۳۶-۳۶:۴۶؛ لو:۲۲:۲۲-۲۳:۴۶) با اینکه به آن اشاره می‌نماید (۱۱:۱۸). یوحنا مخصوصاً علامه است اطاعت کامل یسوع را یادآوری کند که با شکوهمند کردن پدر، در کمال آزادی دوران مصائب و مصلوب شدن خود را آغاز می‌کند (ر. ک ۱۰:۱۰-۱۸:۱۰) توضیح (r).

l- نام مظهر و بیان تجلي شخص می‌باشد. یسوع که درخواست می‌کند نام پدر شکوهمند باشد می‌خواهد که خدا به عنوان پدر تجلی نماید (۳:۱۶؛ ۲۶، ۱۲:۱۷)، خدایی که به وسیله مرگ و رستاخیز پسرش عمل محبت خود را نسبت به آدمیان کامل می‌کند.

m- پس از تظاهر شکوه که با فعالیت زمینی یسوع و نشانه‌ها انجام می‌شود (۱۱:۱۲؛ ۳۸:۵:۱۰؛ ۴:۱۱؛ ۲۱:۱۰-۳۲:۲۱) تجلی کامل به وسیله مرگ و رستاخیز (۱۳:۲۱-۳۱:۳۲؛ ۱۱:۱۷) و اعطای روح القدس خواهد رسید.

n- جمعیت بلاfaceله ارزش و اهمیت دخالت خدا را درنیابت، با این همه قاعدتاً بايستی بدین وسیله معنی وقایع نجات را تشخیص می‌دادند و گرنه یسوع که با پدر یکی است نیازی به توضیح ندارد.

o- در آنجا داوری به معنی محاکومیت است (ر. ک ۲۱:۳:۱۹:۳؛ ۲۱:۳:۱۹:۳ توضیح ۵:۲۹).

p- در روایات مکائشه‌ای/ین جهان در مقابل جهان آینده است که در آن خدا حکمرانی خواهد کرد. این اصطلاح همچنین به مفهوم دنیای کنونی است که در آن قدرتهای مخالف فرمانروایی خدا تسليط دارند و در انجیل یوحنا به نامهای مختلف مجسم شده‌اند: مثلاً ابلیس (۶:۸؛ ۴۴:۱۳؛ ۲۷:۱۳)، شیطان (۲۷:۱۳)، سلطان این دنیا (۱۰:۳۰؛ ۱۴:۱۱؛ ۱۶:۱۱).

q- برابر بعضی نسخ خطی پایین افکنده خواهد شد. البته یسوع نه برای داوری بلکه برای نجات آمده است (۱۷:۲۱-۲۱:۲۱-۲۱:۱۷)؛ با این همه پیروزی او به وسیله صلیب و بروی صلیب به معنی شکست شیطان و انصصال از سلطط بر جهان است.

## خاتمه کتاب نشانه‌ها. شرایط ایمان حقیقی

<sup>۳۷</sup> هر چند آن همه نشانه‌ها را در برابر شان <sup>۱۱:۲</sup> کرده بود، به او ایمان نمی‌آوردند <sup>۳۸</sup> تا گفتار مت <sup>۲۰:۱۱</sup> اشعيای پیامبر به تحقق رسد که گفت: <sup>۲۰:۱۶</sup> عير <sup>۲:۴</sup>

«خداؤندا چه کسی به پیام ما ایمان آورده و بازوی خداوند به چه کسی الهام گردیده است؟» <sup>۳۹</sup> به همین جهت نمی‌توانستند ایمان بیاورند زیرا باز اشعیا گفته است:

<sup>۴۰</sup> «چشمانشان را کور کرده و دلشان را سنگ گردانیده تا با چشم ان خود نبینند و با دلهايشان فهمند و باز نگردنند تا من آنان را <sup>۱۸:۸</sup> شفا دهم.» <sup>۴۱</sup> اشعیا این را گفته است زیرا شکوه او را دیده و از او سخن گفته است.<sup>a</sup>

<sup>۴۲</sup> با وجود این حتی در بین رؤسا بسیاری به او ایمان آوردندا اما به سبب فریسیان بروز <sup>۴:۲۳-۲</sup> نمی‌دادند مبادا از کنیسه رانده شوند.<sup>b</sup> <sup>۱۱:۱۲</sup>

شوم<sup>c</sup>، همه را به سوی خود خواهم کشید.<sup>d</sup>

<sup>۳۳</sup> این را گفت تا نشان دهد به چه مرگی می‌باشد بمیرد.<sup>e</sup> <sup>۳۴</sup> پس جمعیت پاسخ دادند: «از تورات<sup>f</sup> شنیده ایم که مسیح جاودان می‌ماند<sup>g</sup>، پس تو چگونه می‌گویی که: «پسر انسان باید بالا برده شود؟» این پسر انسان کیست؟» <sup>۳۵</sup> پس یسوع به آنان گفت: «اندک زمانی نور در بین شماست<sup>h</sup>، تا وقتی نور را دارید راه بروید مبادا تاریکی ها شما را دربر گیرند. و آن که در تاریکی ها راه می‌رود نمی‌داند به اش <sup>۱۰:۵</sup>؛ ارج <sup>۱۶:۱۳</sup> کجا می‌رود. <sup>۳۶</sup> تا وقتی نور را دارید، به نور ایمان بیاورید تا شما پسران نور شوید.<sup>i</sup> یسوع چنین گفت و از آنجا رفت و از ایشان پنهان شد.

- ر. ک ۱۴:۳ و ۲۸:۸؛ بالارفتن بر روی صلیب را ایمانداران باید به عنوان بالارفتن در شکوه به نزد پدر درک کنند. به طوری که اکثر مشاهده می‌شود یوحنا اصطلاحاتی بکار می‌برد که معنی دو پهلو دارند.

- ر. ک ۴۴:۶ که در آنجا پدر به سوی پسر می‌کشد.  
- ر. ک ۸:۳۲:۷

<sup>۱۱</sup>- کلمه یونانی قانون که در اینجا تورات ترجمه شده به مفهوم مجموعه نوشته های مقدس و روایات است.

- در تأیید این سخنان می‌توان اش <sup>۹:۶</sup>؛ مز <sup>۱۱:۷</sup> را ذکر کرد ولی بر طبق عقیده عمومی یهودیان تحقیر و سرسختگی بر روی صلیب قابل تصویر نبود.

- ر. ک ۱۲:۸؛ ۱۲:۹؛ ۴:۹؛ ۵:۴؛ ۳:۳؛ ۳:۳:۷؛ ۹:۱

- منظور از پسران نور کسانی هستند که به وسیله ایمان در قلمرو نور وارد شده و زندگی می‌کنند (افس <sup>۸:۵</sup>؛ ۱-تسا <sup>۵:۵</sup>). این عنوان در نوشته های فرقه انسیان که در قمران کشف شده فراوان است و در آنجا منظور برگزیدگانی هستند که تورات را دقیقاً بررسی کرده و عمل می‌نمایند.

- این عبارت که در ابتدای وحی درباره خدمتگزار رنجور است (اش <sup>۱:۱</sup>) یادآوری و تأکید می‌نماید کلام و عمل خدا که اشعیا بیان خواهد کرد نشینیده و بی مانند است. یوحنا این عبارت را در ستایش مسیحیت بکار می‌برد (ر. ک روم <sup>۱۰:۱۰</sup>).  
- یوحنا سخنان اشعیا <sup>۱۰:۹-۶</sup> را که نخستین الهیانان مسیحی اکثراً بکار برده اند (مر <sup>۴:۱۲-۱۱</sup>؛ مز <sup>۱۰:۸</sup>؛ لوس <sup>۱۰:۱۰</sup>؛ اع <sup>۱۸:۲۶-۲۷</sup>) به روش مخصوص خود گرفته و مفهوم آن را تشدید کرده است. اشعیای پیامبر در پیام خود اعلام می‌کند که کوری مانع از آن است دل خود را به عمل خدا بگشایند و مسیحیان بر مبنای این پیام ایمان نیاوردن اسرائیل را تفسیر می‌کرند (ر. ک ۳۹:۹-۱۹:۳؛ ۴۱-۲۱:۹؛ ۱:۹-۱۱).

- به نظر یوحنا شکوه الهی که به اشعیا آشکار می‌شد همان است که از این پس در یسوع خواهد درخشید (ر. ک ۸:۱-۵؛ ۶:۵).  
- قرن <sup>۴:۱۰</sup>.

- ایمان ارزش ندارد مگر در صورتی که بدون هیچ ملاحظه و پرواپی باشد تا به جایی که در ملاعیم بیان و اظهار شود که ممکن است منجر به اخراج از جامعه اسرائیل گردد (ر. ک ۹:۲۲؛ ۱:۱۶).

سخنی که من گفته ام در واپسین روز بر او داوری خواهد کرد.<sup>g</sup> زیرا من از طرف خودم سخن نمی‌گویم بلکه پدری که مرا فرستاده است او مرا به من آنچه باید بگوییم و بیان کنم، فرمان داده است.<sup>h</sup> و می‌دانم که فرمان او زندگانی جاودان است. پس آنچه من می‌گوییم همان است. پطر که پدر به من گفته است و من به همان طور می‌گویم.

### شام آخر و شستشوی پاها<sup>i</sup>

<sup>۱۳</sup> پیش از جشن گذر<sup>j</sup> یسوع که می‌دانست ساعت او برای مت ۴۵:۱۷-۲۶ می‌دانست ۴۱:۱۴؛ غلام ۲۰:۲؛ یو ۱۶:۳

<sup>۱۴:۵</sup> زیرا شکوه آدمیان را بیشتر از شکوه خدا دوست داشتند.<sup>c</sup> <sup>۱۴:۵</sup> یسوع ندا داده<sup>d</sup> گفت: «هر که به من ایمان آورد، نه به من بلکه به فرستنده من ایمان آورده است<sup>e</sup> و هر که مرا می‌بیند، فرستنده مرا می‌بیند.<sup>f</sup> من، آن نور، به جهان آمده ام تا همه کسانی که به من ایمان آورند، در تاریکی نمایند.<sup>۱۴:۶</sup> و اگر کسی سخنان مرا می‌شنود و آنها را رعایت نمی‌کند، اورا داوری نمی‌کنم زیرا من برای داوری جهان نیامده ام، بلکه برای نجات دادن جهان.<sup>۱۴:۷</sup> هر که مرا طرد کند تث ۲۹-۲۶:۳۱ و سخنان مرا نپذیرد داوری کننده ای دارد:

- ر. ک ۴۴:۵.

d- این مجموعه کوچک سخنان که مخصوصاً از گفتارهای یسوع است ظاهراً نتیجه‌گیری نخستین بخش انجیل است و به اظهارات یسوع در میان مردم خاتمه می‌دهد.

e- یسوع به خودی خود و به تنهای چیزی نیست؛ ارتباط او با پدر براین مینما است که کسی که به او ایمان می‌آورد ضمناً ایمان خود را به پدر می‌دهد؛ یا به همین گونه می‌توان گفت کسی که او را می‌بیند در او پدر را می‌بیند (ر. ک ۱۰:۳۸؛ ۱۳:۳۸؛ ۱۰:۱۶-۱۷:۱۱).

f- کلام مستلزم توجه و اطاعت مستمر و مداوم است (ر. ک مت ۷:۲۷-۲۴؛ لو ۶:۴۷-۴۶). رسالت یسوع منحصراً به خاطر نجات است (۱۷:۳؛ ۱۵:۸) ولی کسی که این رسالت را نمی‌پذیرد خود را به گمراهی محکوم می‌نماید؛ زیرا واقعاً راه دیگری برای رسیدن به خدا وجود ندارد (۵:۲۶، ۸:۲۷).

g- آنچه را یهودیان درباره قانون تورات گفته و اظهار می‌کردند که قانون تورات در روز داوری میزان محکومیت خواهد بود یوحنا در مورد کلام یسوع می‌گوید (ر. ک مر ۸:۳۸).

h- باهای ۱۲ الی ۱۷ انجیل یوحنا مجموعه ادبی گسترده‌ای است که در آن مطالب مختلفی گردآوری شده است. در ابتداء روایت آخرین شامی که یسوع با شاگردانش صرف نمود و ارتباطی که با موضوع شستن پاها دارد (۳۰-۱:۱۳)، سپس مذاکره طولانی یسوع با اطرافیانش آمده است (۲۶:۱۷-۳۱:۱۳). در این بخش موضوعات متنوعی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند؛ مثلاً به خوبی روشن است که آیات ۱۴-۳۱ در ابتداء پایان گفتار وداع بوده و پس از آن بایستی موضوع آمدن اشخاصی که مأمور دستگیری یسوع هستند ذکر شود (۱۱-۱۸:۱۱). یوحنا باهای ۱۷-۱۵ را در این بخش وارد کرده تا نخستین مذاکره وداع را تشریح نماید (۳۱:۱۴-۳۱:۱۳). در باهای ۱۳ الی ۱۷ یسوع به شاگردان خود و از ورای ایشان به ایمانداران همه دورانها خطاب می‌نماید. برای ایشان توضیح می‌هدد در دورانی که با صعود شکوهمند او آغاز می‌شود وضعیت و شرایط آنان چگونه خواهد بود. بنابراین یوحنا بعضی از نگرانیهای مهم مخاطبان را دقیقاً تشریح خواهد کرد و لذا تعجبی ندارد اگر در تعدادی از نکات این باهای تقدیم و تأخیر تاریخی تطبیق نمی‌کند. مثلاً یوحنا از زبان یسوع نظریک فرد ایماندار را پس از رستاخیز بیان می‌نماید که چگونه در پایان قرن اول میلادی با مشکلات کلیسا مواجه است.

i- در مورد جشن‌های یهودیان که در انجیل یوحنا ذکر شده به ۴:۶ توضیح مراجعت نمایید. عموماً این شام را که یوحنا روایت می‌کند برابر آخرین شامی بشمار می‌آورند که در انجیل نظیر آمده است. با این همه در اینجا موضوع غذای جشن گذر یا برقراری دعای سپاسگزاری صریحاً ذکر نشده است. دلیل اینکه چرا یوحنا این نکته را ذکر نکرده، نمی‌دانیم. چنین می‌نماید که مخصوصاً ترجیح داده در این باره در باب ششم به تفصیل توضیح دهد.

<sup>۶</sup> پس چون به سوی شمعون پطرس آمد،  
وی به او گفت: «خداؤندا، تو پاهای مرا  
می شوی!»<sup>۷</sup> یسوع در پاسخ او گفت:  
«آنچه من می کنم اکنون در ک نمی کنی اما  
۲۶:۱۴؛۱۲:۱۳  
بعداً خواهی دانست». <sup>۸</sup> پطرس به او گفت:  
«نه، هرگز تا به ابد پاهای مرا نخواهی  
شست!» یسوع به او پاسخ داد: «اگر تورا  
نشویم با من سهمی نخواهی داشت». <sup>۹</sup> سمو<sup>۱۰</sup>  
شمعون پطرس به او گفت: «خداؤندا،  
پس نه تنها پاهایم بلکه همچنین دست‌ها و  
سر را!»<sup>۱۱</sup> یسوع به او گفت: «آن که  
شستشو کرده نیازی به شستن خود ندارد<sup>۱۲</sup>  
بلکه کاملاً پاک است». شما نیز پاک  
۳:۱۵  
هستید اما نه همه.»<sup>۱۳</sup> چون می دانست  
۴:۸:۱  
۷۱-۷۰، ۶۴:۶

گذشتن<sup>k</sup> از این جهان به سوی پدر  
فرارسیده است.<sup>۱</sup> چون به خاصان خود که  
در این جهانند محبت داشت تا پایان  
محبت نمود!<sup>۲</sup> و در طی شام، چون قبلًا  
مت:۲۶:۲۰؛  
۱- یو:۳:۱۶؛  
۲- ۲۷:۱۳  
ابليس به دل یهودای اسخريوطی [پسر]  
شمعون انداخته بود که او را تسليم کند  
۳ مر:۱۴، ۳:۲۲  
و [یسوع] می دانست که پدر همه چيز را  
لو:۱۴، ۳:۱۷؛  
به دست او داده<sup>n</sup> و او از خدا می آید<sup>۱۴</sup> و  
مت:۲۷:۱۱  
به سوی خدا می رود<sup>p</sup>،<sup>۱۵</sup> از سر شام قیام  
لو:۲۲:۱۰  
کرده، لباسش را به کناری گذاشت و  
حواله ای برگرفته، آن را به کمرش گره زد.  
<sup>۱۶</sup> سپس در طشتی آب ریخنه شروع به شستن  
پاهای شاگردان کرد<sup>۹</sup> و آنها را با حواله ای  
که به کمرش گره زده بود خشک کرد.

ز- یسوع کاملاً<sup>a</sup> آگاه است که ساعت او فرامی رسد (۴:۲؛ ۲۳:۱۲؛ ۶:۷؛ ۲۷) و اهمیت و دامنه وقایعی را که آغاز می شود به خوبی  
می داند و آنها را در کمال آزادی خواهد بذریغت (۱۸:۱۰).

-k- کلمه عربی که در زبانهای غربی «عید پاک» ترجمه می کنند به معنی عبور و گذر است (خروج:۱۲:۱۲؛ ۱۳-۱۴). چنین به نظر  
می رسد وقایعی که یسوع را از وضع حاضر به وسیله گذشتن از مرگ به سهیم شدن در شکوه پدر می رساند در نظر یوحنا (و در  
نظر اطراقیانش) گذر واقعی است و غیر از عید گذر یهودیان می باشد (۱۳:۲؛ ۴:۶؛ ۱۱:۱؛ ۵:۵).

-l- از اینجا به بعد یوحنا تأکید خواهد کرد که معنی و مفهوم عمل یسوع و مخصوصاً مصائب و صلیب او محبت است (۳:۱۳).  
۱- ۹:۹؛ ۱۷:۱۷-۱۶:۳-۱:۲-۲:۱۶؛ ر. ک غلا:۲؛ ۲-۲:۱۵؛ روم:۵:۸؛ ۳:۵:۸؛ ۱۹:۳؛ افس:۱۴؛ ۴:۵-۲:۱-۱:۵). و قاعی عید گذر آخرین  
صحنه و نشانه والا این محبت است که نجات می دهد. [جمله «تا پایان محبت نمود» را می توان «به حد کمال محبت  
نمود» ترجمه کرد.]

m- یوحنا در پشت صحنه تاریخ، حضور قارت فعل شیطانی را نشان می دهد (ر. ک: ۶؛ ۷:۲۱؛ ۳:۱؛ ۱۲:۴؛ ۸:۷؛ ۲۷:۱۳؛ ۲:۲۷؛ ۱۳:۱؛ ۱۱:۱۶؛ ۱:۱؛ ۲:۲۲).

n- ر. ک: ۳:۲۵؛ ۴:۵؛ ۲۰-۱۹:۵؛ ۳۶:۲؛ ۳۷:۶؛ ۲۹:۱۷؛ ۱۱:۱۱؛ مت:۱۱:۲؛ ۲:۲۷؛ ۱۰:۲۲.

o- ر. ک: ۲:۸؛ ۴:۲؛ ۱۶:۲۷؛ ۲:۲۸-۲۷؛ ۸:۱۷.

p- ر. ک: ۷:۳-۳۳؛ ۳:۲۸؛ ۱۶:۳؛ ۱۵-۱۳:۳؛ ۶:۶-۳:۳۴.

q- شستن پاهای کسی عملی پست و موهنج شمار می آمد به طوری که حتی این عمل را به برده ای یهودی تحمیل نمی کردند ولی  
همین عمل در مورد پدر یا نسبت به استاد به عنوان ابراز منتهای تقوی می رفت. رفتار یسوع را در این مورد می توان با  
طرز عمل نموده پیامبران مقایسه و تشییه نمود و در اینجا نشانه محبت یسوع است و مرگ او را اعلام می نماید (ر. ک آیه ۷).

r- پطرس که برطبق موازین بشتری قضاویت می کند (۲:۷؛ ۱۵:۸) اجرای این عمل را نسبت به خود نمی پذیرد زیرا برخلاف  
تصویری است که از مسیح موعود دارد (ر. ک مت:۱۶).

s- پطرس اکنون با پذیرفتن عمل محبت آمیز و فروتنی یسوع خود را در خدمت او می گذارد (چنانکه جان خود را در این راه  
خواهد داد) و به این ترتیب زندگی جدید را در ک کرده و در آن سهیم خواهد شد.

t- در نسخه خطی آمده است: هیچکس نیازی به شستن ندارد به جز پاها: هرچند این متن کوتاه تأیید نشده ولی بیشتر با روش  
نگارش و افکار یوحنا تطبیق می کند. در این مورد ممکن است که پطرس جنبه مادی عمل یسوع را در نظر می گیرد در صورتی  
که هدف این عمل پاک شدن نیست بلکه مفهوم آن را به وسیله ایمان باشی دریافت. ضمناً امکان دارد در اینجا اشاره ای به  
تعیید وجود داشته باشد.

u- کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته هم به معنی «پاک» و هم به معنی «خالص» است.



پنداشتند که یسوع به او گفته بود: «آنچه برای جشن لازم داریم بخر یا چیزی به بینوایان بده». <sup>۳۰</sup> همین که لقمه را خورد، خارج شد. شب بود.<sup>h</sup>

لو ۵۳:۲۲؛ ۱۲:۸

**آخرین گفتگو**

<sup>۳۱</sup> پس وقتی که او خارج شد، یسوع گفت: «اکنون پسر انسان شکوه یافته و خدا در او شکوه یافته است<sup>i</sup>; <sup>۳۲</sup> اگر خدا مت در او شکوه یافته است، خدا نیز او را در خود شکوه خواهد داد<sup>j</sup> و به زودی او را شکوه خواهد داد<sup>k</sup>. <sup>۳۳</sup> ای فرزندان کوچک، اندک زمانی<sup>l</sup> باز با شما هستم. <sup>۳۴-۳۳:۷</sup> مرا جستجو خواهید کرد و همچنان که به

<sup>f</sup> به یسوع تکیه دارد. <sup>۲۰</sup> پس شمعون پطرس به او اشاره می کند تا بداند آن کیست که درباره اش حرف می زند.<sup>m</sup> <sup>۲۵</sup> او بر سینه یسوع خم شده می گوید: «خداؤندا او کیست؟» <sup>۲۶</sup> پس یاسخ می دهد: «همان که برایش لقمه را خیسانده و به او خواهم داد<sup>g</sup>.» پس لقمه را خیسانده آن را به یهودا [پسر] شمعون اسخربوطی <sup>۲۷</sup> می دهد. <sup>۲۸</sup> و بعد از لقمه، شیطان در او <sup>۳:۲۲</sup> داخل شد. پس یسوع به او گفت: «آنچه می کنی هر چه زودتر بکن.» <sup>۲۸</sup> اما هیچ یک از آنانی که سر سفره نشسته بودند نفهمیدند چرا این را به او گفت. <sup>۲۹</sup> چون <sup>۱۲</sup> یهودا کیسه پول را با خود داشت برخی

- این شاگرد که نام او هرگز ذکر نشده ظاهراً مورد محبت یسوع بوده و بنابراین به نیات او وارد است. این شاگرد بی نام در چندین جای انجیل یوحنا در ذکر و قابع مهم و اساسی دیده می شود (<sup>۲۰:۲۰؛ ۲۷-۲۶:۹؛ ۱۰-۲:۲۰؛ ۲۷-۲۶:۹؛ ۱۰-۲:۲۰؛ ۱۵:۱-۱۵:۱؛ ر.ک ۲:۲۱؛ ۷، ۷:۲۰). در روایات اکثراً اورا با یوحنا رسول که در انجیل نظری ذکر شده یکی می دانند (ر.ک مر ۱:۱۹-۲۹؛ ۳:۳۷:۵؛ ۲:۹؛ ۳:۳۸، ۳:۳۵:۱۰؛ ۴:۱، ۳۵:۱۰؛ ۴:۱؛ ۳:۳۳:۱۴؛ ۱:۱۳:۱۳؛ ۱:۱۳:۱۳؛ ۱:۱۳:۱۴؛ ۱:۱۳:۱۱، ۱:۱۳:۴؛ ۱:۱۹؛ ۱:۱۷:۵؛ ۱:۲۷:۵) چهره او مرموز و معتمای است: نمونه فرد ایماندار (تنها شاگردی که در لحظه مرگ یسوع پایی صلیب است) و اکثراً او را در ارتباط با پطرس یا در همچشمی با او ذکر کرده اند (ر.ک ۲:۲۰-۱۰). معلوم نیست آیا انجیل نگار چهره ای نمونه و ممتاز بوجود آورده یا به وسیله او شخصیتی را ارائه می نماید که نقش مهم تاریخی ایفا کرده است.</sup>

- ترجمه تحت الفظی: در کنار یسوع دراز کشیده بود. بنا به رسوم رومیان و یونانیان مهمانان بر روی شکچه های تزئینی دراز کشیده و بر روی بازوی چپ تکیه می کردند. بنابراین شاگردی که در سمت راست یسوع موقعي که به طرف او خم می شود نزدیک به سینه او قرار می گیرد. این عارت همچینین به مفهوم سادگی و صداقت در روابط دوستانه است (ر.ک ۱:۱۸).

- ر.ک ۱:۱۰ توپیح <sup>n</sup> و ۲۷:۱۲ توپیح <sup>W</sup>. مجددًا یوحنا با این تذکر یادآوری و تأکید می کند که یسوع ابتکار پذیرفتن مصائب و مصروف شدن را دارد. منظور از لقمه قطعه ای از غذا است و معلوم نیست که نان باشد. با این همه برخی از مفسران تصور می کنند که منظور نانی است که در دعای سپاسگزاری داده می شود. (کلمه یونانی *psomion* که در این مورد لقمه ترجمه شده بعدها در کلیساهای مشرق در مورد نان مقدس بکار برده شده است).

- این تذکر «شب بود» مخصوصاً جنبه رمز و اشاره دارد. ساعت قدرت ظلمات است (لو ۵:۲۲؛ ۳:۳۵؛ ۱:۱۲؛ ۲:۳؛ ۴:۹؛ ۱:۱۰؛ ۱۹:۳۹).

- ر.ک ۱:۱۴ توپیح <sup>u</sup> و ۱:۱۱ توپیح <sup>k</sup>. در نوشته های مقدس شکوه عارت از تجلی و تظاهر خدا است. یسوع با دادن جان خود عملی را که پدر به او محول کرده است انجام داده و به پایان می رساند و این عمل در نهایت فرمانبرداری است که گواه وحدت او با پدر و نشانه الوهیت او است، ضمناً پدر را ظاهر ساخته و اورا شکوهمند می کند.

- جمله «اگر خدا در او شکوه یافته است» در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد.

- در کلمه اکنون که در آیه ۳۱ آمده و مربوط به سرنوشت نهایی بشریت است موضوع دوچانبه ای وجود دارد؛ بدین معنی که یسوع با اطاعت کامل در خدمت نا مرحله مرگ که با فروتنی انجام می دهد خدا را شکوهمند می سازد و خدا با سهیم کردن او با خود یعنی شرکت دادن او در شکوه جاودانی خود و تجلیل او پاسخ می دهد (ر.ک ۱:۱۷، ۵، ۲۲، ۲۳:۱۲؛ ۲:۲۸، ۲:۲۸؛ ۱:۱۳:۱۴).

- ترجمه تحت الفظی: برای اندکی. ر.ک ۷:۳۳ توپیح <sup>d</sup>.

به کجا می روی؟» یسوع پاسخ داد: «به جایی که می روم تو اکنون نمی توانی به دنبال من بیایی اما بعداً به دنبال من خواهی آمد.»<sup>۳۷</sup> پطرس به او گفت: «خداؤندا مکانی که می روم تو اکنون نمی توان به دنبال تو بیایم؟ من لو ۳۵-۳۳:۲۶ می ۳۱-۲۹:۱۴ می ۳۴-۳۱:۲۲ می ۳۴:۸.»<sup>۳۸</sup> یسوع جانم را به خاطر تو خواهم داد.»<sup>۳۹</sup> یسوع پاسخ داد: «تو جانت را به خاطر من خواهی داد؟ آمین، آمین، به تو می گویم خروس بانگ خواهد زد پیش از آن که تو سه بار مرا انکار کرده باشی.»<sup>۴۰</sup>

:۴۷:۱۴  
:۳۰-۲۸:۱۰  
:۳۳:۱۶  
:۲۰:۱۷ قرن  
۱۴ خدا ایمان آورید، به من نیز ایمان می خروج ۳۱:۱۴ می ۲۲:۲۱ می ۳۵:۸

### یسوع ، راه بسوی پدر

<sup>۱</sup> دیگر دل شما مضطرب نشود؛<sup>۲</sup> به ۲۰، ۱۷ می ۲۰:۱۶-۱۶:۲۰ می ۲۲:۲۱ می ۳۱:۱۴ می ۳۵:۸

یهودیان گفته ام به جائی که من می روم، شما نمی توانید بیایید.<sup>m</sup> به شما نیز اکنون همان را می گویم.

<sup>۳۴</sup> به شما فرمانی نوین می دهم<sup>n</sup> که یکدیگر را محبت نمایید. همچنان که من شما را محبت نموده ام<sup>o</sup>، شما نیز یکدیگر را محبت نمایید.<sup>p</sup> ۳۵ بدین طریق همه خواهند دانست که شما شاگردان من هستید<sup>q</sup> از اینکه به یکدیگر محبت داشته باشید.»

لو ۱۷، ۱۲:۱۵  
:۲۷-۲۶:۱۰  
:۱-۲ یو ۲:۱۰، ۸-۷  
:۲۳، ۱۱:۳  
:۱۹، ۱۰:۴  
:۳، ۱:۵  
:۵ یو ۲:۲۳-۹  
:۲۶ غلا ۲:۳۲:۴  
:۱-۲ یو ۱۴:۳

(متی ۳۱:۲۶؛ ۳۵-۳۱:۲۶؛ مرقس ۱۴:۲۷-۲۷:۱)

لو ۲۲:۲۱؛ ۳۴-۳۱:۲۶؛ ۳۶-۳۵:۷  
:۱۹-۱۸:۲۱  
لو ۳۴-۳۱:۲۲ می ۳۱:۱۴-۱۳

- شکوهمندی یسوع با عزیمت او یعنی با مرگ او (صعود او به آسمان) به نقطه اوج می رسد، توضیح آیه ۲۸:۸ را ملاحظه کنید. این عزیمت که به یهودیان اعلام شده (۲۱:۷ و ۲۱:۸) اورا از شاگردان جدا خواهد کرد: بایستی ارزش و اهمیت این غیبت را در ک نمود (۱:۱۴، ۱۶:۱۶؛ ۲۸:۲۲-۱۹، ۲۰:۲۲-۱۹-۱۶-۱۶:۲۰). ولی یسوع به وسیله عزیمت و بازگشت به نزد پدر واقعاً در نزد شاگردان حضور خواهد داشت (۲۹-۳۰:۱۴).

n- در دنیای مشرکان نیز نظریه دنیای اسرائیل (۱۸:۱۹-۲۰) به دلایل مختلف دوستی و خدمت متقابل را بین افراد سوده و توصیه می کردند. فرمان یسوع تاریکی دارد، بدوانه این دلیل که برای ورود به جمعیتی که معتقد به واپسین روز داوری نهایی است شرط ضروری و اساسی می باشد. همچنین بدن سب که مستلزم ابراز فروتنی و اراده به خدمت می باشد به طوری که افراد پایین ترین مقام را گرفته و برای دیگران جان خود را فدا کنند. از این پس این محبت نشانه حضور خدا در جهان خواهد بود (ر.ک ۲۳-۲۱:۱۷).

o- طرز زندگی یسوع نه تنها شیوه و قواعدی را ارائه می کند بلکه امکان زندگی کامل با محبت برادرانه و تهذیب متقابل را پایه گذاری می کند. یوحنای برخلاف انجیل نظیر از محبت نسبت به همنوع سخن نمی گوید بلکه سخن او درباره محبت متقابل بین شاگردان است.

p- محبت در جامعه ای به منتهای شکوفایی می رسد که در آن جامعه مبالغه بخشن و پذیرش وجود داشته باشد.

q- وقتی که محبت برادرانه وجود داشته باشد والترین نشانه حضور محبت خدا در زندگی آدمیان است (ر.ک ۲۱:۱۷، ۱۷-۱۵:۲۳).

r- پطرس سختان یسوع را درست در ک نکرده و به همان معنی می گیرد که یهودیان در ۳۵:۷ و ۲۲:۸ در ک می کردند (ر.ک ۲۲:۸ توضیح g): او متوجه بود که عزیمت یسوع بازگشت او به سوی پدر است. چنین به نظر می رسد دستوری را که در مورد فعالیت شاگردان پس از عزیمت یسوع است نشنبده و مجدداً به اظهاراتی که در ۳۳:۱۳ مطرح شده برمی گردد (ر.ک مت ۳۵-۳۳:۲۶؛ مر ۱۴:۲۹-۲۹:۳۱-۲۹:۲۲ ل ۳۴-۳۳:۲۲).

s- زیرا یسوع پس از شکوهمندی خواهد آمد تا او را بازیابد (۱:۱۴). پطرس در ایمان با همبستگی با یسوع خواهد زیست. ممکن است یسوع در اینجا اشاره به مرگ پطرس می نماید (۲۰-۱۸:۲۱) ولی کلمه «بعداً» به مطالب آیات ۳-۲:۱۴ می ۲۷:۱۶، ۶:۲۰ یسوع به آنان دلگرمی داده و نشان می دهد که عزیمت او موجب خواهد

t- عزیمت یسوع و دورنمای تنها ماندن در وسط دنیایی از دشمنان در روحیه شاگردان اضطراب عمیقی ایجاد می کند که ممکن است به کلی آنان را فرآگیرد (۲۷:۱۴). یسوع به آنان دلگرمی داده و نشان می دهد که عزیمت او موجب خواهد شد ارتباط و همبستگی نزدیکتری با او و با پدر داشته باشند در حالی که روح القدس از ایشان حمایت خواهد کرد.

کجا می روی، پس راه را چگونه <sup>۱۶:۱۱</sup>  
می دانیم! »<sup>۱۳:۳۶</sup> یسوع به او گفت: «من هستم  
راه <sup>۷</sup> و راستی و زندگانی <sup>۲</sup> و هیچ کس  
به سوی پدر نمی آید مگر از طریق من. <sup>۲۰:۱۰</sup>  
اگر مرآ می شناختید، پدر مرآ نیز <sup>۲۱:۲۷</sup>  
می شناختید. از هم اکنون او را  
می شناسید و اورا دیده اید.<sup>۴</sup> <sup>۵</sup> فیلیپس  
به او گفت: «خداوندا، پدر را به ما نشان خروج <sup>۳۳:۱۸</sup>

آورید.<sup>۱۱</sup> در خانه پدرم <sup>۷</sup> مسکن های  
بسیار است و گرنه آیا به شما می گفتم  
می روم تا جائی برایتان تهیه کنم؟<sup>۱۲</sup> <sup>۱۳</sup> و  
اگر بروم جائی برایتان تهیه کنم، باز آمده  
شما را به نزد خود خواهم برد تا آنجا که  
من هستم، شما نیز باشید.<sup>۱۴</sup> <sup>۱۵</sup> و به جایی  
که من می روم شما راه آن را می دانید.»  
<sup>۱۶</sup> توما به او گفت: «خداوندا نمی دانیم به

<sup>۱۱</sup>- این عبارت را می توان به طریق دیگری ترجمه کرد: به خدا / ایمان داشته باشید یا اینکه: شما  
به خدا / ایمان دارید و به من ایمان دارید. ایمان عبارت از اطمینان داشتن به خدا است که با کمکی که می دهد خود را آشکار  
می کند. به وسیله ایمان حتماً بر اضطراب فایق می آیند. ضمناً از این پس اطمینان نسبت به یسوع خواهد بود که پسر مجسم  
خدا است و تظاهر نهایی در او آشکار شده است (ر. ک <sup>۳۸:۵</sup>).

<sup>۷</sup>- چون خانه جایی است که به طور ثابت اقامت می کنند این کلمه در مورد معبد اورشلیم بکار برده می شد که محل حضور خدا در  
میان قوم خود بود (خروج <sup>۳۳:۷</sup>؛ اعد <sup>۳۸:۴۰</sup>؛ اعد <sup>۳۸:۱۲</sup>؛ سمو <sup>۷:۲</sup>؛ مز <sup>۱۳:۱۴</sup>؛ مز <sup>۶:۹</sup>؛ مز <sup>۱۰:۱</sup> که در <sup>۱۷:۲</sup> نقل شده است)؛ بعداً  
این تصویر برای نشان دادن کبریایی وجود الهی بکار برده شده است: مثلاً خواهند گفت که خانه خدا در آسمانها مستقر شده  
است.

<sup>۸</sup>- مفهوم این عبارت را می توان چنین استنباط کرد: و گرنه آیا به شما می گفتم می روم تا جایی را که شما در آنجا خواهید بود  
آمده کنم، یا اینکه و گرنه به شما می گفتم می روم... یسوع با گذشت در شکوه تضیین می نماید که تمام ایمانداران جاودانه در  
همبستگی با پدر، در زندگی جدید باشند (ر. ک <sup>۳:۳</sup> توضیح <sup>n</sup>: <sup>۱:۱</sup>، <sup>۵:۱</sup>؛ <sup>۲۱:۴</sup>؛ <sup>۲۳:۸</sup>؛ <sup>۳۵:۸</sup>). در این متن تقاضی بین  
جایگاه ها منظور نشده است.

<sup>۹</sup>- بازگشت یسوع برای اینکه کسان و نزدیکان خود را در وضعیت شکوهمندی سهیم کند به نظر یوحنا منحصر به پایان روزگار  
خواهد بود (ر. ک مت <sup>۱۶:۲۷</sup>؛ <sup>۲۷:۳۱</sup>؛ <sup>۲۵:۳</sup>؛ <sup>۱۶:۱۷</sup>؛ <sup>۱:۱</sup>-<sup>۱:۱۱</sup>-<sup>۱:۱۶</sup>-<sup>۱:۱۷</sup>-<sup>۲:۲۶</sup>؛ <sup>۲۶:۲۶</sup>؛ <sup>۱:۱۶</sup>؛ <sup>۱:۱۳</sup>-<sup>۱:۱۴</sup>-<sup>۱:۱۵</sup>؛ <sup>۲:۲۸</sup>؛ <sup>۲:۲۰</sup>، بلکه  
از زمان تشکیل کلیسا است (۱۸:۱۴). افعالی که در این عبارت به طرز  
شگفت آوری به زمان حال و آینده به طوری که یسوع می گوید (یعنی واقعی که پس از مرگ او برای جمعیت ایمانداران روی  
خواهد داد) برای یوحنا و خواندگان او از هم اکنون زمان حال می باشد. ر. ک <sup>۱:۱۳</sup> توضیح <sup>h</sup>.

<sup>۱۰</sup>- تصویر راه دراز و دشواری که اسرائیل یموده و در این باره با ایمان به خدا و به پشتیبانی او به سرزمین موعود بر سرده تصویری  
کهن و اشاره به دوران خروج از مصر است (اث <sup>۱:۱</sup>-<sup>۳۰</sup>؛ <sup>۲:۲</sup>-<sup>۲:۳</sup>؛ <sup>۲:۲</sup>-<sup>۲:۱</sup>؛ <sup>۲:۸</sup>-<sup>۲:۱۰</sup>؛ <sup>۲:۲۰</sup>-<sup>۲:۲۱</sup>؛ <sup>۲:۲۷</sup>-<sup>۲:۲۸</sup>) . بعد این تصویر در مورد  
قوانین تورات بکار برده شده و نشان می دهد چه طریقی را خداوند تعیین نموده است تا قوم خود را به پاداش جاودانی برساند  
(اث <sup>۴:۳۲</sup>؛ مز <sup>۲:۲۵</sup>؛ <sup>۱:۱۰</sup>-<sup>۱:۱۹</sup>-<sup>۱:۱۴</sup>-<sup>۱:۱۴</sup>-<sup>۱:۳۷</sup>؛ باروخ <sup>۳:۲۰</sup>، <sup>۱۴:۱۳</sup>-<sup>۱۳:۱۴</sup>-<sup>۱:۱۰</sup>-<sup>۱:۱۲</sup>؛ <sup>۱:۱۰</sup>-<sup>۱:۱۹</sup>-<sup>۱:۱۴</sup>-<sup>۱:۱۳</sup>-<sup>۱:۱۲</sup>) در نوشته های عهد جدید باز هم همین تصویر  
بکار برده شده ولی تغییر یافته است. بدین معنی که یسوع برای گام برداشتن برطبق دستور خدا و برای ملاقات با خدا روش  
جدیدی می آورد (مر <sup>۸:۳۴</sup>؛ مت <sup>۱۶:۱۶</sup>؛ لوق <sup>۳:۳</sup>-<sup>۲:۲۴</sup>؛ عبر <sup>۹:۶</sup>؛ عبر <sup>۱:۱۰</sup>-<sup>۱:۲۰</sup> به طوری که مسیحیت را در آغاز طریق یا راه می نامیدند  
(اع <sup>۲:۹</sup>؛ <sup>۱:۲۵</sup>-<sup>۱:۲۴</sup>؛ <sup>۲:۲۲</sup>-<sup>۲:۲۱</sup>) ولی این اصطلاح در انگل یوحنا معنی عمیق تری می گیرد، بدین معنی که یسوع فقط راهی نیست  
که به وسیله آموختش او به زندگی هدایت می شوند بلکه راهی است که به پدر هدایت می کند زیرا خود او حقیقت و زندگی  
است (ر. ک <sup>۹:۱۰</sup>).

<sup>۱۱</sup>- عیسی حقیقت است زیرا به عنوان پسر مجسم خدا براز کامل پدر می باشد و او را <sup>۱۷:۱</sup>؛ <sup>۱۴:۱</sup>؛ <sup>۸:۱۸</sup> به وسیله  
فعالیت خود و گفتار خود به آدمیان می نمایند. بدین گونه ایمانداران را در همبستگی با پدر وارد می کند که کمال و تحقق  
زندگی واقعی است (۳:۱۷؛ <sup>۴:۱</sup>-<sup>۴:۳</sup>؛ <sup>۱۶:۳</sup>، <sup>۴:۶</sup>-<sup>۶:۳</sup>، <sup>۴:۷</sup>؛ <sup>۲۵:۱۱</sup>).

<sup>۱۲</sup>- در بعضی از نسخه های خطی چنین آمده است: اگر شما مرآ می شناسید پدر مرآ هم می شناسید. در یسوع که بر روی زمین است  
و خود را در واقعی عید گذر کاملاً می شناساند کاملاً خدا را می توان شناخت.

می‌گوییم آن کس که به من ایمان دارد، همان کارهایی را خواهد کرد که من می‌کنم و از آن بزرگتر نیز خواهد کرد زیرا مت ۱۰:۷-۱۳:۲۸:۱۴ من به سوی پدر می‌روم<sup>f</sup> و آنچه به نام لو ۱۳:۶-۲۱:۲۱ من درخواست کنید انجام خواهم داد<sup>g</sup> تا پدر در پسر شکوه یابد.<sup>h</sup> آگر شما ۱۴:۳-۲۲:۱۳ چیزی از من به نام من بخواهید آن را انجام خواهم داد.

### نوید روح القدس

۱۵ آگر مرا محبت می‌کنید، فرمانهایم را تث ۶:۴-۹:۱۱:۱۷ رعایت خواهید کرد<sup>i</sup> و من از پدر ۱۶:۱۰-۱۸:۶ و درخواست خواهم کرد و او مدافعت دیگری<sup>j</sup> ۱۰:۱۵-۱۱:۱۷ یو ۲:۳-۳:۵:۲ بیاورید. آمین، آمین، به شما

۱۶:۱۴-۲۱:۱۷:۲۰:۱۴ ده و همین برای ما کافی است.<sup>b</sup> ۹ یسوع به او گفت: «مدت زمان درازی است که با شما هستم و تو مرا نمی‌شناسی ای فیلیپس؟ آن که مرا دیده است، پدر را دیده است. چرا می‌گویی: پدر را به ما نشان ده؟<sup>c</sup> آیا ایمان نداری که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی را که من به شما می‌گویم از خودم نیست<sup>d</sup> که آنها را بر زبان می‌آورم. پدر که در من می‌ماند، کارهای خود را انجام می‌دهد.<sup>e</sup>

۱۰:۱۰-۱۲:۳۸:۱۰ ۱۱ به من ایمان آورید که من در پدر و پدر درمن است و گرنه به خاطر این کارها ایمان بیاورید. آمین، آمین، به شما

**b**- در مورد دیدن و ایمان ر. ک ۳:۹ توضیح<sup>i</sup>. فیلیپس عمیق ترین اشتیاق آدمی را اظهار می‌کند (۴:۱۲-۲۲:۱۲)، اشتیاقی که فقط یسوع می‌تواند اجابت و تأمین نماید (۱:۱۶-۴۶:۶)... ولی فیلیپس هنوز این نکته را در ک نکرده است. وی همانند پطرس (۳۶:۱۲-۳۸:۱۰) و توما (۱۴:۵-۱۱:۱۶ توضیح<sup>j</sup>) واقعاً یسوع را نشناخته است و با آنکه با آنان تفاوت دارد در مورد شخصیت یسوع در اشتیاه است.

**c**- سرتاسر زندگی یسوع، گفтар و عمل او موقعیتی برای تحلی و تظاهر کامل پدر است زیرا به وسیله همیستگی توصیف نابذیری با او یکی است (۵:۱۰-۱۷:۵). البته در اینجا گفته نشده است که از این پس به جای خدا یسوع بشر می‌باشد.

**d**- ر. ک ۱۷:۷-۱۸:۸:۲۶:۸:۱۲:۱۸-۴۹:۵-۵۰.

**e**- در اینجا منظور مجموعه اعمال نجات است که حساس ترین آنها ارائه نشانه ها می‌باشد (۴:۲-۸:۲۸).

**f**- آنچه شاگردان انجام خواهد داد کارهای شگفت انگیز و حیرت آور نیست بلکه از روح القدس که مسیح اعطای می‌کند به فعالیت درمی‌آید و به دنیا گواهی خواهند داد تا ایمان بیاورد (۲۱:۲۳-۲۳:۱۷). عمل مهم و بزرگی که در رسالت یسوع انجام می‌شود ایجاد جمعیتی از ایمانداران یعنی کلیسا است که در دنیا حضور داشته و بر او گواهی دهنده. «زیرا من به سوی پدر می‌روم» بدان معنی است که عمل خداوند از طریق شاگردان یسوع و به وسیله آنان گسترش خواهد شد (۱۷:۱۷-۱۸:۱۷).

**g**- کلمه نام در اینجا معرف شخصیت مسیح در موقعیت شکوهمندی او است و قدرتی که باید زندگی آدمیان را تغییر دهد. شاگردان اعمال مهی را که بتوانند انجام خواهند داد یا با انکا به او از او درخواست خواهند کرد انجام دهد (ر. ک ۱۶:۱۵:۱۶-۲۳:۲۳-۲۴:۲۶) که در آنجا سخن از نیایش به پدر با یاد کردن نام یسوع است: ۱- یو ۱۴:۱-۵:۱۰-۱۷:۱۶ که درخواست کردن برطبق مشیت او است).

**h**- عمل مسیح که به نیایش پاسخ می‌دهد نشانه شکوهی است (یا قدرت روحی است) که پدر به پسر عطا نموده و بنابراین نشانه شکوه پدر است (۱۷:۱-۵:۱۴:۱۶).

**i**- کلمه یونانی که در اینجا «تسلی بخش» ترجمه شده اصلاً واژه‌ای قضایی و به معنی کسی است که برای کمک به متهم و دفاع از او در دادگاه تعیین می‌شود. بنابراین نخستین مفهوم این کلمه و کل مدافع است و با توجه به این معنی مفاهیم تسلی بخش یا واسطه و میانجی پیدا می‌شود. این کلمه در عهد جدید فقط در نوشته های یوحنا آمده که گاهی به مفهوم روح القدس (۱۴:۱۶-۱۶:۱۵:۲۶-۲۶:۷) و زمانی به معنی مسیح است (۱- یو ۱:۲-۶:۷). بعضی از مفسران این کلمه را نزدیک به کلمه دیگری که در اع ۴۰:۴ و ۱-قرن ۳:۱ آمده دانسته اند که در مورد تشویق افراد مسیحی به پایداری در میان دشوارهها است. در انجیل یوحنا بیشتر جنبه قضایی مفهوم کلمه مطرح است بدین معنی که در محاکمه گستره ای که دنیا علیه شاگردان بربرا کرده و بیرونی می‌کند روح القدس شاگردان را یاری می نماید (۱۶:۴-۱۵) ولی در هر مورد که این کلمه بکار برده شده ممکن است اثری از مفاهیم دیگر که در بالا ذکر شده کمابیش وجود داشته باشد.

پدرم خواهد بود و من به او محبت خواهم کرد و خود را به او نمایان خواهم ساخت.» اع ۴۱-۴۰:۱۰

<sup>۹</sup> یهودا، نه آن اسخربوطی، به او گفت: «خداوندا چه شده است که تو خود را به ما خواهی نمایاند و نه به جهان؟»<sup>۱۰</sup> <sup>۱۱</sup> پاسخ داد و به او گفت: «اگر کسی به یسوع من محبت دارد سخن مرا رعایت خواهد کرد و مکا:۳

پدرم به او محبت خواهد کرد و ما به سوی قرن:۶:۱۶؛ افس:۳:۱۷؛

<sup>۱۲</sup> او خواهیم آمد و نزد او خواهیم ماند.<sup>۱۳</sup>

<sup>۱۴</sup> آن که به من محبت نمی کند، سخنان مرا رعایت نمی نماید و سخنی که شما می شنوید از من نیست، بلکه از پدر که مرا فرستاده است. <sup>۱۵</sup> این را به شما گفته ام در حالی که نزد شما می ماندم <sup>۱۶</sup> اما آن مدافعان

به شما خواهد داد تا جاودانه با شما باشد.<sup>۱۷</sup> روح حقیقت که جهان نمی تواند بپذیرد زیرا اورانه می بیند و نه می شناسد<sup>k</sup>، اما شما او را می شناسید زیرا نزد شما می ماند و در شما خواهد بود.<sup>۱۸</sup> <sup>۱۹</sup> من شما را یتیم خواهیم گذاشت. به سوی شما می آیم.

<sup>۲۰</sup> بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا خواهد دید. اما شما مرا خواهید دید زیرا من زنده ام و شما نبایز زنده خواهید بود.<sup>m</sup>

<sup>۲۱</sup> در آن روز<sup>n</sup> خواهید شناخت که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.<sup>۲۲</sup> آن که فرمانهای مرا دارد و رعایت می کند<sup>p</sup> کسی است که مرا محبت می کند و آن که مرا محبت می کند مورد محبت بنسی:۴:۱۴؛ ۱۷:۲۶؛ ۱۶:۲۷

ز- اعطای روح القدس بدون محدودیت زمانی است، این موهبت همبستگی با مسیح را که روح القدس را عطا می کند تأمین می نماید (ر.ک مت:۲۰:۲۸).

<sup>k</sup>- روح القدس به وسیله کسی که حقیقت است عطا شده و شاگردان را یاری می کند تا در امر معرفت پیشرفت کنند (۱۳:۱۶) و درباره او گواهی دهند (۲۷:۱۵؛ ر.ک ۱-یو:۶:۵). روح حقیقت برخلاف روح خطا (۱-یو:۵) و دروغ است (۴۴:۸).

<sup>۱</sup>- در بعضی از نسخ خطی این عبارت چنین است: زیرا نزد شما جای دارد و در شما است.

<sup>m</sup>- در حالی که جهان فقط با وسائل دانش خود قادر نخواهد بود یسوع را در ماورای مرگ او درک نماید (۳۴:۷؛ ۲۱:۸:۲۱) شاگردان حضور مسیح برخاسته از مرگ را تجربه خواهد کرد (گاهی ترجمه می کنند: شما مرا زنده خواهید دید) و در زندگی جدید او سهیم خواهند شد: همچنین کسانی که بر مبنای گواهی ایمان خواهند آورد. این شناخت و این شرکت در زندگی مسیح برخاسته از مرگ در نظر یوحنا زندگی جاویدان بشمار می آید.

<sup>n</sup>- «در آن روز» عبارت و اصطلاح معمولی در نوشته های عتیق برای بیان فرارسیدن پایان روزگار و داوری نهایی است (اش:۲:۲-۱:۴؛ زک:۲-۱:۴). پایان روزگار با صعود یسوع و رستاخیز یسوع آغاز می شود و ایمانداران در آن شرکت دارند. آنچه مهم و اساسی است از هم اکنون داده شده ولی دورنمای پایان آن هنوز گشوده باقی می ماند.

<sup>۰</sup>- فقط به وسیله روابطی که شاگردان را با یسوع پیوند می دهد می توان حقیقت رابطه ای را که یسوع را با پدر متحد می کند درک و کشف نمود.

<sup>p</sup>- در اینجا عباراتی را که بکار رفته و به معنی مضاعف شناختن و پایداری رعایت کردن فرمانها است می توان با کلمات مضاعف گوش دادن و به خاطر نگهداشتن (۴۷:۱۲) و گوش دادن و ایمان آوردن (۴:۵) مقایسه نمود. این اطاعت بیان محبت و ایمان است. بدین وسیله می توان عملآمحبت پدر را از ورای تظاهرات مسیح درک نمود. گاهی کلمه رعایت می کند را ترجمه می کنند: نگه می دارد.

<sup>q</sup>- ر.ک لو:۶ توضیح h: اع ۱۳:۱؛ شاید منظور تدی است که در مت ۱۰:۳؛ مر:۳:۱۸ آمده است.

<sup>r</sup>- پیش از وقایع عید گذر شاگرد یسوع هنوز درک نمی کند که نوع دیگری از وجود هم امکان دارد که شناخت دیگری به همراه داشته باشد.

<sup>s</sup>- یسوع به طور غیرمستقیم به سؤال پاسخ داده و اظهار می کند که او و پدرش جای خود را به نزد کسانی برقرار خواهند کرد که با رعایت سخن او محبت خود را واقعاً اظهار نمایند. بدین گونه آنچه ایمانداران عهد عتیق اشتیاق داشتند تحقق خواهد پذیرفت (ر.ک ۱-پاد:۸؛ ۲۷:۲۶؛ حرق:۳۷:۲۶؛ زک:۲:۱۴).

به شما گفته ام تا وقتی روی دهد ایمان  
بیاورید.<sup>x</sup> ۳۰ دیگر با شما زیاد سخن

نحوه‌گفت زیرا رئیس این جهان<sup>۱۰:۱۸؛ ۱۳:۲۱؛ ۲:۲۱</sup>  
می‌آید.<sup>y</sup> البته علیه من هیچ [قدرت]<sup>z</sup>[۱۶:۱۱]

ندارد<sup>۳۱</sup> اما برای اینکه جهان بشناسد که<sup>۹:۴؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۵:۱۰</sup>  
من پدر را محبت می‌کنم و برابر هر آنچه به

من فرمان داده است عمل می‌کنم.<sup>a</sup> مت ۲۶:۴۶؛  
مر ۱۴:۴۲

برخیزید! از اینجا برویم.<sup>b</sup>

### یسوع ، تاک راستین

۱۵ از ۲:۱۲؛  
من تاک<sup>c</sup> راستین هستم و پدرم<sup>۱</sup> مز ۸۰:۲۰-۹:۲۰؛  
بغایان<sup>d</sup> است.<sup>۲</sup> هر شاخه‌ای در من<sup>۲</sup> مکانی ۱۷:۲۴؛  
مکانی ۱:۲۹

يعنى روح القدس، که پدر به نام من خواهد  
فرستاد<sup>a</sup> وی همه چیز را به شما خواهد  
آموخت و آنچه را به شما گفته ام به شما  
یادآوری خواهد کرد.<sup>b</sup> آرامش به شما  
می‌دهم، آرامش<sup>c</sup> خود را به شما می‌بخشم.  
چنان که جهان می‌دهد من به شما  
نمی‌دهم.. دلتان مضطرب و هراسان نشود.  
۲۸ شنیده اید که به شما گفته ام: من می‌روم  
و به سوی شما می‌آیم. اگر به من محبت

می‌کردید شادی می‌کردید که نزد پدر  
می‌روم، زیرا پدر از من بزرگتر است.<sup>w</sup>

۲۹ اکنون [این را] پیش از آن که روی دهد

۴- فرستادن روح القدس به وسیله پدر پاسخ به درخواست یسوع (یا به وسیله او) است (۱۴:۱۳-۱۶؛ ۱۵:۱۶؛ ۲۳:۲۶-۲۶:۲۳) و  
این ارتباط کامل با رسالت او دارد. به نظر یوحنا روح القدس را گاهی پدر می‌فرستد (۱۴:۱۶، ۲۶)، و گاهی مستقیماً به وسیله

خود یسوع فرستاده می‌شود (۱۵:۲۶).

۱۱- شاگردانی که در زندگی زمینی یسوع شرکت داشته اند (۲۷:۱۵؛ ۲۱:۱۵) آنچه را که گفته و انجام داده است به یاد دارند.  
روح مسیح برخاسته از مرگ آنان را هدایت خواهد کرد تا معنی عیق اعمال اورا دریابند (۲۲:۲). بدین گونه با  
راهنمایی به درک حقیقت یسوع و مفهوم چیزهایی که مربوط به او است، روح القدس همه چیز را می‌آموزد (ر.ک ۲۶:۱۵؛  
۱۳:۱۶).

۷- درمورد مفهوم کلمه‌ای که آرامش ترجمه شده ر.ک لو ۱:۷۹ توضیح و روم ۵:۱ توضیح . در انجیل یوحنا آرامش همواره با  
شخص یسوع و حضور او پیوسته است (۱۴:۲۷؛ ۱۶:۳۳؛ ۲۰:۱۹؛ ۲۱:۲۱).

۸- این عبارت را نمی‌توان از محتوای مطلب دیگر و از مجموعه اندیشه‌های یوحنا جدا کرد؛ منظور روابطی نیست که پدر را با  
پسر در ارتباط کامل پیوند می‌دهند (۵:۳۰-۳۰:۱۰)، بلکه اطاعت پسر که موجب شکوهمندی او به وسیله پدر خواهد  
شد و منبع زندگی برای شاگردان است (ر.ک ۱۶:۷).

۹- مقایسه و سنجه سخنان یسوع و وقایعی که روی می‌دهد شاگردان را رهبری خواهد کرد درک جدیدی از حقیقت بیابند  
(۲۱:۲-۲۲:۴).

۱۰- ر.ک ۶:۲۱-۷۰:۶؛ ۸:۷۱-۱۲:۳؛ ۱۳:۴؛ ۲۷:۱۳.

۱۱- جهان و کسی که آن را اداره می‌کند هیچ حقیقی بر یسوع ندارند زیرا بی‌گناه است (۸:۸-۱۷:۱۴). مصائب و مصلوب شدن  
نتیجه اراده آزادانه یسوع است که بدین گونه اطاعت کامل و محبت خود را نسبت به پدر ابراز می‌نماید (۴:۳۴؛ ۵:۳۰؛ ۶:۳۸).

۱۲- ر.ک ۱۳:۲۱ توضیح.

۱۳- b در این بند تخصیص گفتوگوی یسوع با شاگردانش به پایان رسیده و قاعده‌تا روایت مصائب و مصلوب شدن (باهاي ۱۸:۱۹-۱۹)

بايستی آغاز شود، ر.ک ۱۳:۱۱ توضیح ۱ و مر ۱۴:۲۲.

۱۴- تصویر درخت رز (مو، تاک) اکثراً به قوم اسرائیل اطلاق می‌شده تا نشان داده شود که مورد محبت و قوم برگزیده است: این  
درخت که به وسیله خدا کاشته شده و محافظت می‌گردد باستی ثمرة عدالت و تقدس به بار آورد ولی اگر به انتظار الهی پاسخ  
ندهد در داوری پایان روزگار تهدید به نابودی خواهد شد (اش ۵:۷-۷:۲؛ ار ۲:۲-۲:۲۱؛ ۱۶:۱-۱:۶؛ مت ۹:۱۶-۹:۲۰؛  
مر ۲:۲۱-۳:۴؛ لو ۹:۶-۹:۲۰؛ ۲۱:۱-۱:۲۰؛ ۲۸:۲۱-۳۲:۲۸؛ لوم ۱۳:۶-۶:۱۳). در انجیل یوحنا این تصویر مشروحًا توضیح داده  
شده و بسط یافته بدین معنی که درخت رز حقیقی (که برخلاف اسرائیل کهن است) یسوع است و شاگردان که به وسیله ایمان  
اساساً به او وابسته اند بايستی ثمراتی بیار آورند.

۱۵- d ر.ک ۱:۶-۶:۳-۳ قرن ۱-۱.

خشک می شود، و آنها را جمع کرده در آتش می اندازند و می سوزند.<sup>k</sup> اگر در

من بمانید و سخنان من در شما بماند آنچه:  
۲۳:۱۶؛ ۱۳:۱۴  
۲۴:۱۱ مز ۱۴:۵ یو ۱۴:۵

می خواهید، بطلیید و به شما خواهد رسید.<sup>l</sup> ۱- یو ۱-۱.

این پدرم را شکوهمند می سازد که شما

میوہ بسیار بیاورید و شاگردان من خواهید فی ۱۱:۱۵ روم ۱۱:۱۷-۱۸  
۵:۳ قرن ۲ همان گونه که شاخه به خودی خود، اگر بر

بود.<sup>m</sup> همچنان که پدر مرا محبت کرده،  
۱۵-۱۴:۱۰ ۲۳:۱۷-۱۸ ۱:۱۳

من نیز شما را محبت کرده ام<sup>n</sup> در محبت

من بمانید.<sup>o</sup> اگر فرمانهای مرا رعایت

کنید در محبت من خواهید ماند همچنان:  
۲۹:۸؛ ۳۸:۶ ۱۵:۱۴ ۱:۱۴

که من فرمانهای پدرم را رعایت کرده ام و ۱- یو ۵:۲ ۳:۵

در محبت او می مانم.<sup>p</sup>

- عبارت «در من» را می توان به دو نوع تعبیر و درک نمود: یا هر شاخه ای که در من شمره نمی آورد... در اینجا ثمره با اشاره به ایمان واقعی (ر. ک ۱۴:۲۱ p) و شهادتی است که ادا می کند (درمورد اهمیت رسالتی ثمره ها ر. ک ۳۸:۳-۴ و ۲۲:۱۲).

- به همان گونه که شاخه درخت رز در زندگی تنہ درختی که به آن متصل است سهیم می باشد فرد ایماندار با پیوستن به مسیح در زندگی واقعی یعنی زندگی خدا شرکت دارد: این مشارکت او را ملزم می کند بطرق روش تازه ای که یسوع ابراز کرده است زندگی نماید.

- واژه یونانی که «هریس کردن» ترجمه شده می توان پاک کردن یا تصفیه کردن ترجمه نمود. پاک کردن اساساً به وسیله ایمان به کلام یا آموزش یسوع انجام می شود که مشیت خدا را در مورد نجات عرضه می کرد (۱۰:۱۳).

- مانند برای آدمی عبارت از آن است که به آنچه در گذشته داده علاقمند بوده، در زمان حال به آن علاوه داشته و آینده را به اقتضای آن در نظر بگیرد. فرد ایماندار نیز به همین معنی در کلام می ماند (۸:۳۱) چنانکه در محبت (۱۰-۹:۱۵)، در روشنایی (۱-۱۰: ۱۰) و در خدا می ماند (۱-۱۳: ۴-۱۰). بالعکس از نظر خدا و یسوع، مانند به مفهوم ادامه موهیت های نجات است که به ایمانداران عطا شده است (۱- یو ۷:۲؛ ۲۷:۳؛ ۱۵-۹: ۳؛ ۱۵-۱۲: ۴). فرد ایماندار به وسیله وفاداری زندگی خود را بلاعوض به مسیح می پیوندد که در او موبیت های خدا جاودانه عطا شده است، این وفاداری متضمن قدم برداشتن در راه ایمان است.

- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده و رز ترجمه کرده ایم هم به معنی درخت مو و هم تنہ/ین درخت است. ز- البته نمی توان ارزش خاص اقدامات بشری را نفی کرد و نادیده گرفت، با این همه بایستی اذعان کنیم که این اقدامات به خلاء و پوچی می انجامد اگر کسانی که آنها را انجام می دهند در همبستگی با مسیح نباشد زیرا فقط مسیح می تواند به زندگی ایشان ارزش جاودانی بدهد (ر. ک ۳:۱). ر. ک ۶:۶ توضیح f.

- همانطور که شاخه بی حاصل را بزیده و از بین می بزند به همان گونه شاگرد و پیرو بی وفا از جامعه مسیح برکنده می شود و از مشارکت در حقیقت دنیای فرامیان محروم خواهد شد.

- فرد ایماندار به سبب پیروی ثابت از یسوع و فرمابنبرداری از او هیچ ترسی از آینده احساس نمی کند زیرا می داند که نیایش او بر مبنای معنویات الهی است مسلمان شیوه شده و پشتیبانی خواهد شد، ر. ک ۱۴: ۱۳ توضیح g.

- شکوه پدر که در بسیع تجلی می کند همجنین در کسانی که به سبب واستنگی به او شمره های بیار می آورند تجلی می نماید.

- محبت عیسی نسبت به پدر که توان با اطاعت است با محبت پدر که او را شکوهمند می کند تطبیق می نماید. این محبت پایه و والاترین نمونه زندگی مسیحی است که از این پس با محبت ابراز خواهد شد.

- محبتی که پاسخ به محبت مسیح است عملاً به وسیله رعایت دستورات او اظهار می شود (۲۱، ۱۵:۱۴)، یعنی اجرای فرمانی که درباره محبت متقابل است (۱۵: ۱۳؛ ۳۴: ۱؛ ۲۲: ۳؛ ۸-۳: ۱- یو ۲: ۲-۲۳).

من شما را برگزیده‌ام<sup>۱۰</sup> و شما را گمارده‌ام<sup>۷</sup> تا بروید و میوه بیاورید و میوه<sup>۱۴-۱۳:۱۴</sup>:  
شما بماند<sup>۸</sup>. بدین طریق آنچه از پدر به تث<sup>۶:۷</sup>:  
نام من بخواهد آن را به شما خواهد داد<sup>۹</sup>. روم<sup>۲:۳-۲:۶</sup>:  
فرمان من به شما این است که یکدیگر<sup>۱۰</sup>:  
را محبت کنید.<sup>۱-۲:۳-۲:۳</sup>

### نفرت جهان

اگر جهان از شما نفرت دارد، بدانید مت<sup>۹:۲۴</sup>:  
که پیش از شما از من نفرت داشته است<sup>۱۱</sup>.<sup>۱-۲:۱۷-۱:۲:۳</sup>  
اگر شما از جهان بودید، جهان آنچه از آن او است<sup>۱۲</sup> دوست می‌داشت اما چون از جهان نیستید و من که شما را برگزیده‌ام،<sup>۱-۲:۴-۱:۱۶</sup>

<sup>۱۱</sup> این را به شما گفته‌ام تا شادی من در شما باشد و شادی شما به کمال برسد.<sup>۱-۲:۱:۱۳-۱:۱۶</sup>  
<sup>۱۲</sup> این است فرمان من: یکدیگر را محبت کنید، همچنان که من شما را محبت کرده‌ام<sup>۹</sup>. هیچ کس محبتی بزرگتر از این ندارد که جانش را به خاطر دوستانش بدهد.<sup>۱۳</sup> این دوستان من هستید، اگر همان بکنید که به شما فرمان می‌دهم.<sup>۱۴</sup>  
<sup>۱۵</sup> دیگر شما را خادمان<sup>۸</sup> نمی‌خوانم، زیرا خادم نمی‌داند خداوندش چه می‌کند، بلکه شما را دوستان خوانده‌ام زیرا هر آنچه از پدرم شنیده‌ام، آنها را به شما شناساندم.<sup>۱۶</sup> شما مرا بر نگزیده‌اید، بلکه

P- شادی نشانه زندگی شکوفا می‌باشد و در عهد عتیق از مختصات دوران نجات و آرامش پایان روزگار بشمار آمد است (اش<sup>۴:۹</sup>:<sup>۱۰:۳۵</sup>:<sup>۱۲:۵۵</sup>:<sup>۱۰:۶۵</sup>:<sup>۱۸:۶۵</sup>:<sup>۴:۳</sup>:<sup>صف:۳</sup>:<sup>۲۶:۱</sup>). همین موضوع مجدد در انجیل‌ها پیدا شده است (مت<sup>۲:۲۵</sup>,<sup>۲:۲۳</sup>:<sup>لو:۱۰:۲</sup>:<sup>۱۰:۲</sup>): به نظر یوحنا شاگردان از مرگ برخاسته است سهیم هستند زیرا زندگی جدیدی را می‌گذرانند: این شادی بایستی کونه به نوعی تمایت برسد (ر.ک<sup>۱:۱۳:۱۷</sup>:<sup>۱-۲:۴:۲</sup>:<sup>۱۰:۱۶</sup>) حتی در زمان تحمل رنجها می‌توان این شادی را داشت (۲۰:۱۶-۲:۳-۱:۱۴).<sup>۲۸:۱۴</sup>

۹- ر.ک<sup>۳:۱۳</sup>.

۱- اگر مرگ مسیح بر روی صلیب آخرین اظهار محبت او نسبت به پدر بوده (۳۰:۱۴)، ضمناً اوج محبت او نسبت به کسانی است که به دوستی خود پذیرفته است (۱:۱۳). این نکته پایه و مبنای قواعد محبت برادرانه است.

۸- برده مجری دستوراتی است که اهمیت و معنی آنها را درک دوست با اطلاع کامل از دستورات اطاعت می‌نماید؛ یسوع با شاگردان خود همچون دوست رفتار کرده و تمام منویات پدر یعنی محبت بی پایان اورا بر آنان آشکار کرده است. بنابراین اطاعت ایشان که عمل محبت است عملی آزادانه بشمار می‌آید (ر.ک<sup>۳:۳۶-۳:۳۱</sup> با توجه به اختلاف خدمتگزار - پسر و ارتباط آزادی - شناخت حقیقت).

t- گرچه اظهارات یسوع به تمامی و کامل است ولی فقط به وسیلهٔ موہب روح القدس درک خواهد شد (ر.ک<sup>۱:۱۶</sup>:<sup>۱۳:۱۶</sup>).

۱۱- گرچه وجود هر محبتی مستلزم انتخاب آزادانه متقابل است با این همه یوحنا امتیاز مطلق انتخاب یسوع را پایادآوری و تأکید نموده و بدین گونه نکته مهمی از عهد عتیق را پایادآوری می‌کند (تث<sup>۷:۶-۸:۷</sup>:<sup>عا:۲:۳</sup>:<sup>۱۵</sup>:<sup>۱:۱۵</sup>:<sup>۲:۴:۴</sup>:<sup>۲:۴:۳</sup>:<sup>۸:۴:۱</sup>:<sup>۲:۴:۴</sup>:<sup>۲:۴:۵</sup>:<sup>۹:۶:۵</sup>:<sup>۴:۴:۵</sup>:<sup>۲:۲</sup>) که انجیل نظیر به خوبی می‌شناستند (مر<sup>۳:۳</sup>:<sup>لو:۱۳:۱۳</sup>). در انجیل یوحنا انتخاب یسوع بیان انتخاب پدر است (۴:۶-۷:۲). انتخاب جاودائی در اینجا که به ندای آسمانی پاسخ داده شده بارز می‌گردد.

۷- فعلی که در اینجا بکار برده شده و «گماردن» ترجمه گردیده نظیر واژه برابر عربی به معنی «قبرار دادن کسی در ماموریتی» است در حالی که وسائل اجرای مؤثر آن را در اختیارش بگذارند (ر.ک<sup>۲:۲-۲:۴</sup>:<sup>۱:۱۳-۱:۱۳</sup>:<sup>۲:۲۰-۲:۲۰</sup>:<sup>۴:۷-۴:۷</sup>:<sup>۱:۲۸-۱:۲۸</sup>:<sup>۱:۱۱</sup>). بنابراین شاگردان به وسیلهٔ موہبیتی از سوی خداوند مأموریتی دریافت کرده‌اند (۳۲:۱۵).

W- هدف این رسالت شرکت دادن آدمیان در زندگی جاودان است که در یسوع عطا می‌شود (ر.ک<sup>۳:۶</sup>:<sup>۳:۶</sup>).

X- نیایشی که با اعتماد و توکل یسوع را به کمک می‌طلبد جنبه اساسی دوستی و رسالت است. مؤثر بودن مأموریت رسولان اصولاً و استه به این موضوع است (ر.ک<sup>۱:۱۶-۲:۲۶</sup>).

Y- شاگردان که پیوند حیاتی با یسوع دارند ستم‌هایی را که کیه و خصومت مردم جهان علیه او می‌انگیزند با مشقت تحمل می‌کنند: دشمنی دنیا در برابر خدا منظره اصلی تاریخ نجات بشمار می‌رود و هیچکس را از آن گریزی نیست (ر.ک<sup>۴:۵</sup>:<sup>۷:۷</sup>).

z- ر.ک<sup>۷:۷</sup>.

آنان<sup>f</sup> کارهای نکرده بودم که هیچکس مز:۱۹:۳؛۳۶:۶؛۴۱:۹؛۱۳:۱۱؛۱۳:۲۵:۱۰؛۲۵:۱۰؛۲۴:۲۸-۲۴:۱۲ دیگر نکرده، گناهی نمی‌داشتند، اما اکنون مت:۱۰:۲۵؛۲۴:۱۰؛۲۸-۲۴:۱۲ دیده‌اند و از ما نفرت دارند، هم از من و هم از پدرم.<sup>۲۵</sup> اما این به خاطر تحقیق یافتن سخنی است که در تورات<sup>g</sup> آنان نوشته شده است: آنان بیهوده از من نفرت مز:۳۵:۴؛۳۶:۹؛۱۹:۳؛۱۹:۳ روم دارند.<sup>h</sup>

<sup>۲۶</sup> چون آن مدافع که من از سوی پدر مز:۱۹:۱۰-۱۹:۱۹؛۲۰:۵؛۳۲:۵ برایتان خواهم فرستاد بباید، روح راستی که از پدر می‌آید<sup>i</sup> برای من شهادت خواهد داد.<sup>j</sup> <sup>۲۷</sup> و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا از آغاز با من هستید.<sup>k</sup>

از جهان برداشته ام، بدین سبب جهان از مت:۲۴:۱۰؛۲۵:۱۱؛۱۶:۱۳ شما نفرا دارد.<sup>a</sup> سخنی را که به شما گفته‌ام ببیاد آورید: خادم بزرگتر از خداوند نیست. اگر مرا آزار داده‌اند، شما را نیز آزار خواهند داد<sup>b</sup>، اگر سخن مرا رعایت کرده‌اند<sup>c</sup> سخن شما را نیز رعایت خواهند کرد.<sup>d</sup> اما همه اینها را به سبب نام من با شما خواهند کرد زیرا کسی را که اع<sup>e</sup> مرا فرستاده است، نمی‌شناسند<sup>f</sup> اگر نیامده بودم و با آنان حرف نزده بودم، گناهی نمی‌داشتند اما اکنون عذری بر گناه خود ندارند.<sup>۲۳</sup> هر که از من نفرت دارد، از لو:۲۳:۳؛۲۰:۱۰؛۱۶:۱۰؛۱-۲۳:۵ یو:۲۳:۲ پدر من نیز نفرت دارد.<sup>۲۴</sup> اگر در بین

- ر. ک ۱۷:۱۴.

<sup>b</sup> ر. ک ۱۳:۱۶؛ مز:۱۰:۲۵-۲۴:۲۵. ستم و شکنجه‌هایی را که شاگردان متحمل می‌شوند نشانه واقعی تعلق ایشان به مسیح است که در سرنوشت او سهیم شده‌اند. این وقایع آنان را به هیچ وجه دلسربند نکرده بلکه پابرجا و استوارشان می‌نماید (ر. ک ۱-۱۶:۱۰-۱۲:۴).

<sup>c</sup> ترجمه دیگر: اگر مواظب سخن من بوده‌اند مواظب سخن شما هم خواهند بود.  
<sup>d</sup> شاگردان یسوع به وسیله وابستگی به او که آنان را برگزیده است با ذکر نام او سخن گفته و عمل می‌کنند، بنابراین وقتی که شاگردان را تعقیب و شکنجه می‌کنند می‌خواهند بر او صدمه وارد کنند (ر. ک مر:۱۳:۱۳؛ مز:۱۰:۲۰؛ ۱۷:۲۱؛ ۴۱:۵؛ ۳:۲؛ ۱۳:۸؛ ۸:۳).

<sup>e</sup> بالآخرین گناه عبارت از نفی خدا است که در یسوع تجلی می‌نماید (به وسیله سخنان و به وسیله اعمال خود؛ ر. ک ۸:۲۱، ۲۴:۲۱؛ ۹:۱۶؛ ۴:۱:۹؛ ۹:۱۶؛ مز:۱۲:۱؛ ۳۲-۳۱:۱۲؛ مز:۳:۲-۲۸:۹؛ ۱۰:۱؛ ۱۲:۹-۲۸:۹؛ ۱۰:۱) زیرا گفتار یسوع که زندگی شاگردان بر آن گواهی می‌دهد آدمی و جهان را به طوری که در برابر خدا هستند نشان می‌دهد (ر. ک ۲۱:۳ توضیح:۵؛ ۱۶:۵-۵:۱۱). کسانی که ایمان ندارند با کیهنه توزی واکنش کرده و اظهار خواهند کرد.

<sup>f</sup> ترجمه دیگری که می‌توان تصویر کرد: در میان آنان، ر. ک ۱۴:۱۰-۱۲:۸.

<sup>g</sup> منظور از این کلمه به مفهوم کلی مجموعه نوشته‌های مقدس است (ر. ک ۱۰:۳۴؛ ۸:۱۰-۱۷:۸).

<sup>h</sup> متنی که در اینجا تقل شده از دو منبع گرفته شده است: مز:۳۵:۶؛ ۱۹:۱۶؛ ۵:۶۹ شکایت و ناله بینوایانی را که به وسیله قدرتمندان و شریران ستم کشیده و رنج می‌برند یسوع در مورد خود بکار می‌برد (در بعضی محافل مزمور ۶۹ را با مفهوم مسیحی‌ای تفسیر می‌کردنند).

<sup>i</sup> روح القدس که منعیث از پدر است به وسیله مسیح شکوه یافته که بدان کاملاً پیوند دارد فرستاده شده است (ر. ک ۱۶:۵-۵:۱۵؛ ۱۷-۱۵:۱۴؛ ۲۶-۲۵؛ ۱۷:۱۵؛ ۱-۲۶:۳؛ ۲۴:۳؛ ۱۳:۴؛ ۲۶:۶-۷؛ ۱۰:۳؛ ۲۴:۳؛ ۱۳:۴؛ ۲۶:۳ توضیح:۶).

<sup>j</sup> روح القدس در برابر شاگردان بر یسوع گواهی می‌دهد و به وسیله ایشان در برابر جهانیان گواه است (۱۵:۵-۵:۱۵).

<sup>k</sup> گواهی این فرستادگان عمل کسانی است که از آغاز رسالت یسوع در زندگی او شرکت داشته‌اند (ر. ک ۲۱:۱؛ ۲۱:۲۱)، ولی این گواهی در عین حال عمل روح القدس حققت است که برای ایشان دکاوت عمیق مسیح را فراهم می‌کند و به گفتار این مردان نیزی واقعی و حقیقت را می‌دهد (ر. ک ۵:۳۲).

نمی پرسد: « به کجا میروی؟ »<sup>۶</sup> اما چون این را به شما گفتم، اندوه، قلبیتان را پر کرد.<sup>۷</sup> با این وجود من راستی را به شما می گویم: به نفع شماست که من بروم، زیرا اگر نروم، آن مدافعت به سوی شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را برایتان خواهم فرستاد.<sup>۸</sup> همین که او بباید، جهان را درباره گناه و عدالت و داوری سرزنش اع خواهد کرد.<sup>۹</sup> درباره گناه: زیرا به من ایمان ندارند.<sup>۱۰</sup> درباره عدالت: زیرا به سوی پدر می روم و شما دیگر مرا نخواهید دید.<sup>۱۱</sup> درباره داوری: زیرا رئیس این جهان داوری شده است.<sup>۱۲</sup> باز [سخنان] بسیار دارم که به شما

<sup>۱</sup> این را به شما گفتم تا دچار لغزش نشوید.<sup>۲</sup> شما را از کنیسه ها بیرون خواهند کرد<sup>m</sup> و حتی ساعتی فرا می رسد که هر کس شما را بکشد خواهد پنداشت که خدا را پرستش می کند.<sup>۳</sup> و این را خواهند کرد زیرا نه پدر را شناخته اند و نه مرا.<sup>۴</sup> اما این را به شما گفتم تا وقتی که ساعت آنها فرا برسد<sup>۵</sup>، به یاد آورید که من آن را به شما گفته ام.<sup>P</sup>

## عمل روح القدس

از آغاز این را به شما نگفتم زیرا باشما بودم.<sup>۵</sup> اکنون به سوی آن کسی می روم که مرا فرستاده است و هیچ یک از شما از من

- گاهی ترجمه می کنند: تا در آزمایش از پا در نیاید (ر. ک مر ۶:۴-۶:۹). کلمه یونانی skandalon که در اینجا بکار رفته به معنی دام، تله و به طور کلی هر مانع است که موجب سقوط شود. این کلمه در زبان کتاب مقدس به مفهوم چیزی است که ایمان را در معرض آزمایش قرار دهد. کینه توzi جهان ایمان علیه یسوع و نزدیکان او مشکلاتی بر می انگیرد که ممکن است ایمان شاگردان را به معرض آزمایش درآورند. یسوع پیشایش در گفتار خود معنی این آزمایش را در شیخ خدا بیان کرده و بنابراین خواهند توانست پیروزمند از این آزمایش بدر آیند (ر. ک ۶:۶).  
m- ر. ک ۶:۹-۱۲

- در روایتی که شاید مربوط به فرقه غوران باشد گفته می شود: هر کس خون کافری را بریزد همچون کسی است که قربانی تقدیم نماید (لومری رایا ۴:۲۱)؛ به همین گونه ستم و شکنجه هایی که اعمال می شد شکل و صورت مذهبی می گرفت.

- در اینجا یوحنا اشاره به وقایعی می کند که خوانندگان او به خوبی با آنها آشنا هستند زیرا در معرض شکنجه و تعقیب قرار دارند (ر. ک ۱۲:۹-۱۲:۲۲).

- p- ر. ک ۲۲:۲ توضیح h و ۲۹:۱۴ توضیح x.

- دورنمای عزیزیت یسوع در بین شاگردان اندوهی ایجاد می کند (ر. ک ۲۰:۱۶-۲۲:۲۰) که هر اندیشه دیگری را تحت الشاعر قرار می دهد ولی هنگامی که بتوانند معنی و مفهوم این عزیمت را در ک ر نمایند بر اندوهه فائق خواهند آمد.

- بهتر آن است که یسوع بروز زیرا با عزیمت او و بلند شدن بر روی صليب باز می گردد تا به وسیله روح القدس شاگردانش را همراهی کرده و به آنان زندگی بیخشد (ر. ک ۱۴:۲۱ توضیح w).

- محکومیت و اعدام فجیع و ننگین یسوع قاعدتاً به نظر مردم باشیست دلیل شیادی و گناه او بشمار آمده باشد و در نتیجه حقانیت جهانیان باشد ولی مداخله روح القدس (که مخصوصاً گواهی شاگردان مشخص می نماید: ۱۵:۲۶) وضعیت را درگردن خواهد کرد بدین معنی که نشان می دهد یسوع پس از مرگ شکوه یافته و بدینسان حققت دعوی و حقانیت یسوع آشکار گردیده است و به طرز سالم و قاطع گناه جهان و محکومیت اداره کننده جهان را ثابت خواهد کرد.

- t- گناه جهان قبل از هر چیز نپذیرفتن ایمان به یسوع و در نپذیرفتن روشنایی است (ر. ک ۳:۱۹-۱:۲۱، ۸:۲۱-۲:۲۱، ۹:۴۱).

- u- واقعه گذر یسوع به نزد پدر به وسیله صليب (۱۳:۱۱-۲۰:۲۰-۳:۲-۲:۱۴) پایان دورانی است که در آن مدت شاگردان از دیدن بهره می برند (۱۴:۱۶-۱۶:۱۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹:۱۶). این واقعه گواه قاطعی بر بی گناهی و حقانیت یسوع (ر. ک ۸:۴۶).

- v- پیروزی یسوع الزاماً متضمن شکست و محکومیت قاطع کسی است که جهان را اداره می کرد (ر. ک ۱۲:۱۲-۳۱:۳۲).

مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی مرا خواهید دید؟ و نیز من به سوی پدر می روم؟<sup>۱۸</sup> پس آنان گفتند: «این اندک که می گوید چیست؟ نمی دانیم درباره چه می گوید.»<sup>۱۹</sup> یسوع که فهمید می خواهند از او بپرسند به آنان گفت: «در بین هم درباره آنچه به شما گفتم جستجو می کنید.»<sup>۲۰</sup> اندکی بعد از این گفته ام: بعد از اندک [زمانی] دیگر مرا مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی مرا خواهید دید. <sup>۲۱</sup> آمین، آمین، به شما می گویم: شما خواهید گریست و نوحه گری خواهید کرد و جهان شادمانی خواهد نمود. مر ۱۰:۱۶  
شما اندوهگین خواهید بود اما اندوه شما مکا ۱۰:۱۱  
زادن، اندوه دارد زیرا ساعتش فرارسیده اش ۸:۱۳  
است اما وقتی کودک تولد یافت دیگر رنج ۱۸-۱۷:۲۶  
خود را به یاد نخواهد داشت از شادی اینکه ۱-تس ۵:۴  
روم ۲۲:۸

بگویم<sup>w</sup> اما اکنون نمی توانید آن را تحمل کنید.<sup>۲۲</sup> پس وقتی بباید، آن روح راستی،<sup>۲۳</sup> شما را به سوی راستی<sup>x</sup> کامل رهنمون خواهد شد<sup>y</sup>. زیرا از خود نخواهد گفت بلکه آنچه را شنیده همان را خواهد گفت و آینده را به شما نوید خواهد داد.<sup>۲۵</sup> او مرا اش ۱۳:۵<sup>۲</sup> شکوه خواهد بخشید، زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما نوید خواهد داد.<sup>۲۶</sup> آنچه پدر دارد، از آن من است. به همین سبب به شما گفتم آنچه از آن من است می گیرد و به شما نوید خواهد داد.

### از اندوه به شادمانی

<sup>۱۶</sup> «باز اندکی و مرا مشاهده خواهید کرد<sup>b</sup>.»<sup>۲۷</sup> پس برخی از شاگردانش به یکدیگر گفتند: «منظورش از این چیست که به ما می گوید: بعد از اندکی<sup>c</sup> دیگر مرا

<sup>w</sup>- با آنکه یسوع همه چیز را به شاگردان اظهار کرده بود (۱۵:۱۵) روح القدس ایشان را در دورانی که فرامی رسد همراهی خواهد کرد و در مشکلاتی که پیش آید با توجه به سخنان یسوع راهنمایی خواهد کرد. فعل تاب آوردن اکثراً در اوضاع و احوال مصائب و مصلوب شدن یسوع بکار برد شده است (۱۹: لو ۱۷:۱۹؛ ۲۷:۱۴؛ ۲۷:۱۳؛ ۲۷:۱۲؛ ۴۶: ۲۵؛ غل ۶:۶). و در اینجا بدان معنی است که شاگردان باستی برطبق موهبت روح القدس مرگ و شکوهمند شدن یسوع را در ک نموده و در آن شرکت داشته باشد (ر. ک ۳۳، ۷:۱۳).

<sup>x</sup>- در عهد عتیق این کلمه در مورد قانون تورات بکار برد شده است: ر. ک ۵:۲۵<sup>d</sup>  
<sup>y</sup>- موهبت روح القدس شاگردان را به درک کامل حقیقت که در پسر تجلی می کند خواهد رساند. به همان گونه مسیح پیوسته به پدر مراجعه کرده و از پدر سخن می گوید که او را فرستاده است (۱۸-۱۷:۷؛ ۲۰:۱۰؛ ۱۴:۴؛ ۱۲:۱۰؛ ۴۹:۱۲؛ ۲۰:۱۹:۵؛ ۱۰:۱۱؛ ۲۰:۸؛ ۲۸:۸).

<sup>z</sup>- منظور این است که خواهد گفت با توجه به آنچه در یسوع تحقق می یابد پایان روزگار چگونه صورت خواهد گرفت.

<sup>a</sup>- روح القدس مسیح را شکوهمند می کند زیرا شاگردان را به شناختن حقیقت که در او تجلی می کند هدایت خواهد کرد و در عین حال با شکوهمند ساختن و متجلی کردن پدر عمل خود را به پایان می رساند. وحدت الهام کلام خدا بدین گونه پذیدار می شود.

<sup>b</sup>- در این عبارت دو فعل بکار برد شده است اولی دیدن و دومی مشاهده کردن: چنانکه گویی یوحنای آواری می کند طرز دیدن یسوع در این دوران که به پایان می رسد (ر. ک ۱۹:۱۴) غیر از منظره ای است که پس از شکوهمند شدن به شاگردان ارائه خواهد شد. دوران جدید دارای این مختصات خواهد بود که به طرز عمیق تر و نافذتری پسر تن یافته و شکوه یافته را خواهد شناخت. ر. ک ۲۲:۲ توضیح h.

<sup>c</sup>- در مورد کلمه/اندکی ر. ک ۷:۸، ۳۳:۸، ۲۱:۸، ۳۳:۱۳: یسوع با این عبارت نزدیک شدن پایان عمل خود بر روی زمین و بازگشت به سوی پدر را اعلام می کرد. در مورد عدم تفاهم شاگردان ر. ک ۱۳: ۳۶ توضیح r.

<sup>d</sup>- ناپدید شدن یسوع موجب اندوه شدید شاگردان خواهد شد در صورتی که گسانی که عليه او هم پیمان شده بودند شادی و پیروزی را خواهد شناخت، ولی در پرتو روشنایی رستاخیز شاگردان متوجه خواهد شد که شکست ظاهری یسوع و مرگ او در حقیقت شکوه یافتن و پیروزی او است همچنان که داوری کسانی است که او را محکوم کرده بودند. بر اثر این وقایع وضعیت جدیدی برای یسوع و طرفداران او ایجاد خواهد شد که آنان را سرشار از شادی خواهد کرد.

آشکارا از پدر به شما نوید خواهم داد.<sup>۱</sup>  
 ۲۶ در آن روز به نام من سؤال خواهید کرد و  
 به شما نمی‌گوییم که من از پدر برای شما  
 ۲۳:۱۶ سؤال خواهم کرد.<sup>۷</sup> زیرا خود پدر شما را  
 محبت می‌کند چون که شما مرا محبت  
 می‌کنید و ایمان دارید که من از نزد خدا  
 ۲۳-۱۲:۱۴ بیرون آمده‌ام.<sup>۸</sup> من از پدر بیرون شده و  
 ۲۴:۸-۱۳:۲۳ به جهان آمده‌ام. باز جهان را ترک می‌کنم  
 ۱۷-۱۵:۲۱ ۳:۱۳:۱:۱ و به سوی پدر می‌روم.<sup>۹</sup> شاگردانش به او  
 گفتند: «اینک حال آشکارا صحبت می‌کنی  
 و دیگر هیچ مثل نمی‌گویی!»<sup>۱۰</sup> اکنون  
 می‌دانیم که تو همه چیز را می‌دانی و نیازی  
 نداری که از تو سؤال کنند.<sup>۱۱</sup> از این رو  
 ۲۵-۲۴:۲ ایمان داریم که تو از خدا بیرون آمده‌ای.<sup>۱۲</sup>  
 ۱۹:۱۶ ۳۱ یسوع به ایشان پاسخ داد: «اکنون ایمان

انسانی در جهان تولد یافت.<sup>۱۳</sup> پس شما  
 اش ۱۴:۶-۱۳:۱۴ نیز اکنون اندوه دارید اما باز شما را خواهیم  
 ۱۱:۱۴ دید و قلبتان شاد خواهد شد و هیچکس  
 ۱۱:۱۵ ۲۰:۲۰ شادی شما را از شما نخواهد گرفت<sup>۱۴</sup> و در  
 ۱۷:۴-۲ اع ۴:۶-۲ آن روز<sup>۱۵</sup> دیگر هیچ چیزی از من درخواست  
 ۱۴:۱۴-۱۳:۱۴ نخواهید کرد.<sup>۱۶</sup> آمین، به شما می‌گوییم  
 ۱۶:۱۵ ۱۵-۱۴:۵ آنچه از پدر سؤال کنید آن را به نام من به  
 ۱- ۱۵:۱۵ شما خواهد داد.<sup>۱۷</sup> تاکنون هیچ چیزی به نام  
 من سؤال نکرده‌اید.<sup>۱۸</sup> سؤال کنید و دریافت  
 ۱- ۱۱:۱۵ ۴:۱ خواهید کرد تا شادی شما کامل شود.<sup>۱۹</sup>

## پیروزی بر جهان

۲۵ همه اینها را با امثال به شما گفته ام،  
 ۴:۱۶ ساعتی فرامی‌رسد که دیگر با امثال با شما  
 ۳:۳۵-۳۴:۱۳ سخن خواهیم گفت بلکه در آن وقت  
 ۲۴-۳۳:۴ مر

- e- دردهای شدید زایمان (اش ۴:۳-۲:۱؛ ار. ۳۰:۶؛ هو ۱۳:۱؛ میک ۹:۴) یا بدنبال آمدن انسان جدیدی به شادی تبدیل خواهد شد: این تصویر در نوشته‌های عهد عتیق در مورد وقایع در دنیاکی بکار برده شده که مقدمه دوران مسیحیاتی هستند (اش ۱۶:۲۶-۱:۲۰؛ ۲۰:۶-۷:۶۶؛ ر. ک مر ۱۳:۸:۱-۱-تس ۵:۳؛ روم ۸:۷؛ مکا ۱۲:۲). یوحناین این تصویر را در مورد وقایع مصائب و مصلوب شدن و شکوهمند شدن یسوع بکار می‌برد که شاگردان جریان آنها را طی خواهند کرد.  
 f- شناختن مسیح برخاسته از مرگ که به شاگردان عطا خواهد شد موجب می‌سرت آنان خواهد شد (۲۰:۲۰؛ ۲:۲۰؛ ۱:۱۳-۱۷؛ ۴:۱-۱۰-۸:۲۸؛ مت ۲:۲-۹؛ لول ۴۱:۲۳) و این شادی بدان سبب بی‌آلایش خواهد بود که پیروزی قطعی یسوع وجود هرگونه تهدید واقعی را برای همیشه دور می‌کند.  
 g- «یدان روز» آغاز دوران پایان روزگار است (ر. ک مر ۱۳:۱۱؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۶:۱۶؛ ۱۵:۱۴؛ ۱۴:۱-۱۳:۲؛ اع ۲:۲۵؛ ۱:۱۴؛ ۱:۲۵-۱:۲-تیمو ۱:۱۲، ۱:۱۸ وغیره).  
 h- این پرسش نشانه عدم ادراک است. ترجمه دیگر: شما دیگر از من نیایش نخواهید کرد.  
 i- ر. ک ۲:۳-۱۳:۱؛ ۱۴:۱۵؛ ۱۶:۱۵. در تعادی از نسخه‌های خطی آمده است: آن را به نام من به شما خواهد داد.  
 j- تا به این روز شاگردان درخواستی به نام او نکرده‌اند زیرا یسوع پس از گذشتن در شکوهمندی در نزد آنان حاضر خواهد بود و قدرت وساطت خود را اعمال خواهد کرد (۱۳:۱۴).  
 k- ر. ک ۱:۱۵ توضیح p. این عبارت را می‌توان با مت ۷:۸-۸، ۱:۱۱؛ ۱۹:۱۸؛ ۱:۱۱؛ لو ۱:۱۱؛ ۱:۹-۶ مقایسه کرد.  
 l- در انجیل نظریت اهمیت آموزش به وسیله مثل های آداؤری و تأکید شده است. این مثل ها که برای همگان گفته و ارائه می شد ایجاد می کرد که بعداً برای شاگردان توضیح داده شود تا به تدریج در ک نمایند (ر. ک مر ۱۲-۱۱:۴، ۱۱-۱۳:۳-۳؛ ۳۴-۳۳:۲-۱، ۱۳-۱۱:۳-۳۵؛ لول ۱:۱۰؛ ۶:۱۰؛ ۶:۱۰-۱:۱۰) ولی در اینجا گفته می شود که مجموعه آموزش‌های یسوع در مدت رسالت در فلسطین تا اندازه‌ای غیرقابل درک هستند تا لحظه‌ای که به وسیله پرتو روشنایی و قایع عیید گذر و موہبত روح القدس واقعاً به آنها پی ببرند (۱۳:۱۳-۷:۴-۱۳:۱۶؛ ۱۴:۱۲؛ ۲:۲۲، ۱:۱۶؛ ۱:۱۳:۲-۱:۱۹).
- m- شفاعت مسیح به کلی فراتر از وساطت معقولی است. این شفاعت بدان سبب در مورد شاگردان تحقق می‌یابد که با ایمان گسترشده و وسیع خود و به وسیله محبت به اندازه‌ای با یسوع بیوند دارند که مستقیماً در همبستگی او با پدر شرکت دارند (ر. ک ۳:۳۵-۵:۲۰) مؤثر بودن نیایش به نام یسوع در چنین منظره‌ای روش می‌شود (ر. ک ۱:۱۳-۱۲).
- n- کسانی که شروع کرده بودند ایمان بیاورند (۶:۶-۶:۶۹) با توجه به تحولاتی که در عیید گذر رخ داد می‌توانستند یسوع را عییناً درک کرده و بشناسند: زیرا متوجه می‌شدند که یسوع از حوادث و درون دلها اطلاع کامل دارد و بدون اینکه منتظر سوالات ایشان باشد سخنانی اظهار می‌کند که پاسخ انتظار آنان است. کسانی که این نکته را درمی‌یابند قادرانباشی باشند و صراحت بیشتری از او پیروی کنند ولی یوحناین در مورد شاگردان نوعی طنز بکار می‌برد زیرا بالافصله کمی پس از ایمان قاطع، فرار ایشان روی می‌دهد.



ایشان شکوه یافته ام<sup>۱۱</sup> و من دیگر در جهان نیستم و ایشان در جهانند و من به سوی تو می آیم. ای پدر قدوس<sup>d</sup> در نام خود که به من داده ای<sup>e</sup> آنان را نگه دار تا همچون ما یکی گردند.<sup>f</sup> وقتی با آنان<sup>۱۲</sup> می بودم آنان را در نام خود که به من داده ای، نگه می داشتم<sup>g</sup> و مراقبت کرده ام مز<sup>۹:۴۱</sup> و هیچ یک از آنان هلاک نشده<sup>h</sup> مگر پسر اع<sup>۱۶:۱</sup> هلاکت<sup>i</sup> تا نوشته مقدس به تحقق برسد.<sup>j</sup>

اما اکنون به سوی تو می آیم و این چنین در جهان سخن می گویم تا آنان در خود شادی مرا به کمال داشته باشند.<sup>k</sup> من یو<sup>۱:۱۵</sup> سخن تورا به آنان داده ام و جهان از آنان نفرت کرده است، زیرا از این جهان<sup>۲:۲۳-۸</sup> ۱۹-۱۸:۱۵

<sup>۶</sup> نام<sup>z</sup> تورا به مردمانی که از جهان خروج<sup>۱۳:۳</sup> عیز<sup>۱۲:۲</sup> برگرفتی تا به من دهی نمایاندم، آنان از آن تو بودند که تو به من داده ای و آنان سخن تو را رعایت کرده اند.<sup>a</sup> اکنون می دانند که هر آنچه به من داده ای از نزد تو می آید.<sup>b</sup> زیرا کلامی را که به من داده ای، به ایشان داده ام و ایشان آن را پذیرفته اند و به راستی دانستند که من از نزد تو آمده ام و ایمان آوردند که تو مرا فرستاده ای.<sup>c</sup> من برای آنان درخواست می کنم، بلکه برای آنان که تو درخواست نمی کنم، به من داده ای زیرا از آن تو هستند.<sup>d</sup> و آنچه از آن من است از آن تو است و آنچه لول<sup>۳:۱۵</sup> از آن تو است از آن من است و من در<sup>۱۰:۱</sup> ۲-تسا<sup>۳:۱۵</sup>

- رسالت یسوع اصولاً آن نیست که گفتار و سخنان تازه ای بیان نماید بلکه به وسیله سخنانی که می گوید و اعمالی که انجام می دهد و به وسیله وجود خود حقیقت پدر را بفهماند (ر. ک ۲۸:۱۲؛ ۳۸:۱۰؛ ۲۸:۷-۱۴؛ ۳۸:۱؛ ۱۱:۷-۱۲).

-a آدمی فقط به وسیله استعداد های فطری قادر نیست آنچه را در یسوع تجلی می نماید در ک کند؛ بلکه با یستمی قبل<sup>۱۰</sup> تحت نفوذ پدر باشد: (ر. ک ۳:۳۹، ۶:۳۷؛ ۱۲، ۹، ۲:۱۷؛ ۱۰:۴۴)؛ این وضعیت برابر با خدمتگزاری صادقانه حقیقت می باشد.

-b کلمه جهان در اینجا به مفهوم مجموعه آدمیانی است که به سبب خودبینی خدا را نمی پذیرند؛ نیایش یسوع در اینجا فقط درباره کسانی است که از جهان گرفته شده اند تا جمعیت شاگردان یسوع را تشکیل دهند، (ر. ک ۱:۱۰ توضیح ۱: ۱۹:۱۵).

-c با اینکه موهیت های معنوی که یسوع آورده است حقیقت همیستگی او را بادر نشان می دهد با این همه شکوه واقعی ارائه قدرت نیست بلکه تظاهر وحدت و اشتراک محیط پدر و پسر است که شاگردان در آن سهیم بوده و بر آن گواهی می دهند.

-d قدوسیت پدر پایه و مبنای قدوسیت یسوع و تقدس شاگردان است که در آیات ۱۷، ۱۹، ۲۴ ذکر خواهد شد (ر. ک لاو<sup>۴:۱۱</sup>؛ ۹:۲؛ ۱-پطر<sup>۱:۱۶</sup>)؛ این طرز دعا کردن خیلی زود جزو آینین پرستش مسیحیان معمول گشت (دیداک<sup>۲:۱۰</sup>).

-e شاگردان با پذیرفتن یسوع و بیوستن به او که مظہر نام پدر است چنان در همیستگی او هستند که هیچ اقدام نیروهای این جهان قادر نخواهد بود آنان را از او جدا کند.

-f اتحاد و ایگانگی در محیط مقابل نتیجه همیستگی و بیوتدی است که پدر و پسر را متحد می کند (آیات ۲۱-۲۳).

-g اضافه بر حیاتی که شاگردان در واقعی رنجها و مصلوب شدن یسوع خواهند داشت (ر. ک ۹:۱۸؛ ۶:۹) منظور از این گفتار تأیین و محافظت آنان در آزمایش های پایان روزگار است که امکان دارد گناهکاران را در وضعیت مخالف زندگی واقعی محصور نمایند.

-h در اینجا یوحنا اصطلاحی مرسوم بکار برده (۱۶:۳؛ ۳۹:۶؛ ۱۰:۲۸؛ ۲۵:۱۲؛ ۲۸:۱؛ ۱۳:۷؛ مت<sup>۱:۱۳</sup>؛ روم<sup>۹:۲</sup>؛ فی<sup>۳:۱۹</sup>) که آن را تصریح نمی کند.

-i پسر هلاکت [طرز بیان و اصطلاحی مخصوص زبانهای سامی است و در مورد کسی واجد صفتی و یا وابسته به چیزی است او را با عنوان پسر آن صفت با پدر آن می نامند مثل ابن این الوقت، ابن السیل، ابوالهول، ابوجهل و غیره]. در اینجا منظور یهودای اسخريوطی است که تمام رفشار او به سوی هلاکت و نیستی متمایل است. ضمناً این اصطلاح جنبه مکاشفه ای دارد (ر. ک ۶:۷؛ ۲-تسا<sup>۳:۲</sup>؛ ۱-یو<sup>۲:۲</sup>، ۱۸:۲؛ ۲:۳؛ ۲۲، ۱۸:۲).

-j ر. ک ۱۳:۱۸ که مز<sup>۱۰:۴۱</sup> را نقل می کند.

-k شادی و سروری که از شنیدن گفتار یسوع حاصل می شود (۲۹:۳) به هیچ وجه به سبب عزیمت او به سوی پدر تهدید نمی شود زیرا انجیل همواره این شادی را در جمعیت ایمانداران تأمین می کند و روح القدس این جمعیت را هدایت کرده و از آن حمایت می نماید.

۲۰ من فقط برای اینان درخواست نمی‌کنم، بلکه همچنین برای کسانی که روم ۱۷:۱۰-۱۷:۱۱ بود: سخن ایشان به من ایمان ۱۷:۱۷-۱۸:۱۰ می‌آورند<sup>۱۵</sup> تا همگی یکی گردند اع ۲۸:۴-۲۸:۳ علا ۲۱:۲۱ همچنان که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو، آنان نیز در ما باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای<sup>۱۶</sup>. و شکوهی ۱۷:۱۷-۱۴:۱ را که به من داده‌ای، به آنان دادم تا آنان یکی باشند همچنان که ما یکی هستیم.<sup>۱۷</sup>

۱۵:۱۵-۱۷:۶ قرن ۱-۲۰:۲-۱۰:۵ افس ۵-۴:۱ شوند، تا جهان بشناسد که تو مرا

نیستند<sup>۱۸</sup> همچنان که من از این جهان مت ۶:۶؛ نیستم.<sup>۱۹</sup> برای آن درخواست نمی‌کنم که ۳:۲-۲:۲۲ آنان را از جهان برگیری، بلکه از شریر m ۲:۳-۳:۲ آنان از این جهان نیستند، ۱۸:۵ نگه داری.<sup>۲۰</sup> آنان از این جهان نیستند، ۲:۸-۲:۹ آنان همچنان که من از این جهان نیستم.<sup>۲۱</sup> آنان ۲۲:۱ پطر ۲۱:۲۰ را در راستی تقدیس<sup>n</sup> فرمای سخن تو راستی<sup>۲۲</sup> است.<sup>۲۳</sup> همچنان که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستادم<sup>۲۴</sup> و به خاطر ایشان خود را ۱۸:۱-۲۳:۴ قرن ۱-۱۱:۲ تقدیس می‌کنم<sup>۲۵</sup> تا آنان نیز در راستی عبر ۱۱:۲ تقدیس گردند.<sup>۲۶</sup>

۱- این گفتار عکس العملی علیه انتظار غیرعادی ایمانداران است و یادآوری و تأکید می‌نماید وظیفه جمعیت شاگردان آن است که در بین مردمان مظہر دنیاًی فرجامین باشند. این وظیفه مسلمان منجر به برخورد و مقابله با نیروی شرارت و کینه می‌شود و فقط با پاری بد را آن فاقع خواهد شد (۱۶:۱۵-۴:۱۶).

m- ر.ک ۱۱:۱۶ کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده می‌توان به صورت تحت‌اللفظی «بد» یا «شریر» ترجمه کرد. [گاهی این کلمه را سلطان/این جهان ترجمه کرده‌اند.] یوحنان نیروی بدی که آدمیان را تهدید می‌کند به صورت مجسم ذکر می‌نماید ر.ک ۳:۱۲-۱۴:۳۰؛ ۱۱:۱۶-۱۳:۳۸؛ ۱۹:۱۳-۱۳:۶ م- تقدیس کردن یا متبرک کردن کسی عبارت از آن است که او را از دنیاًی کفر و بی‌دینی خارج کرده و در دایره و قلمرو خدا وارد نمایند. تقدیس کردن عمل پدر قفوی است (۱۷:۱۷).

۰- وسیله و ابزار تقدیس کردن شاگردان، حقیقت خداست که در کلام مجسم او تجلی کرده است و با ایمان به او پیوسته‌اند.

p- تقدیس و متبرک شدن شاگردان را قادر می‌سازد رسالت خود را به انجام رسانند (ر.ک ۳:۶-۱۰؛ ار ۵:۱؛ بنسی ۴:۴-۵)، زیرا کسانی که برای بردن کلام اعزام می‌شوند از بین مردان دنیا انتخاب می‌شوند بدون اینکه به کلی از آنان مجزا باشند (روح القدس آنان را قادر خواهد کرد گواهی دهنده). ر.ک ۱۵:۱-۲۷-۲۶:۲۰؛ ۲۲:۲-۲۱:۰؛ ۲۲:۱۰-۱۷:۱۷).

۹- با توجه به اینکه کسی را به خدا تخصیص دادن و نذر کردن شامل تمام وجود او و اعمال و رفتار او می‌شود تغفیض مرگ را نیز در بر می‌گیرد. در اینجا موضوع قربانی شدن به سبب تزدیک بودن تاریخ مصلوب شدن و با بکار بردن کلمات «به خاطر ایشان» یادآوری و تشید شده است. یسوع با این گفتار اراده خود را بیان می‌کند که آزادانه زندگی خود را تقدیم می‌نماید (۱۰:۱۵-۱۸:۱۰) تا شاگردان خود را تقدیس کند (ر.ک ۵:۱۶-۱-۱۱:۱۱؛ قرن ۲:۲۴-۲:۲۳؛ مر ۱:۱۵-۱:۱۴؛ لو ۲:۲۲؛ عبر ۹:۲؛ ۲۰:۲۲؛ ۱:۵-۱:۷؛ ۷:۹؛ ۱:۵).

۱۰- تقدیس شاگردان سرانجام براساس قربانی بر روی صلیب و موهبت روح القدس به وسیله مسیح شکوهمند انجام می‌شود؛ بعضی از مفسران در مورد تقدیس پیشتر به مسئله تصفیه از گناه تأکید می‌کنند (۳:۱۵)؛ مفسران دیگر برای موهبت روحانی که به شاگردان عطا می‌شود اهمیت قائل می‌شوند زیرا آنان را به انجام رسالت خود قادر می‌سازند (۲۰-۱۷).

۱۱- یسوع در نبایش خود کسانی را منظور می‌کند که در انجام رسالت او شرکت دارند، همچین کسانی را که به وسیله گفتار خود در طی زمانهای مختلف و در سراسر جاهای دیگر جمیعت ایمانداران کلیسا را تشکیل خواهند داد (ر.ک ۴:۳-۳۵:۴؛ ۱۰:۱۱-۱۱:۱۶؛ ۱۲:۱۱-۱۲:۵؛ ۲۰:۱۲-۲۰:۳۲؛ ۳:۲۲؛ ۱۷:۱۷؛ ۷:۲) این نکته متضمن نظریه انجیل است.

t- ایمانداران با پیوستن به یسوع در همیستگی محبت که پدر و پسر را پیوند می‌دهد شرکت دارند (۱۵:۱۰-۱۹:۵؛ ۳۰:۱-۳:۲)، از این پس ایمانداران به یکدیگر پیوسته اند که در نظر مردمان دنیا والاترین نشانه مداخله فرجامین خدا و نشانه صحت و واقعیت رسالت یسوع پیشمار می‌رود.

۱۲- شکوهی که یسوع از ورای صلیب از پدر دریافت می‌کند (آیات ۱-۵) همیستگی و پیوند او را با پدر به مردمان نشان می‌دهد. ایمانداران که این نکته را دریافته و احساس می‌کنند خودشان در آن سهیم هستند و به نوبه خود مظہر و تجلی شکوه مسیح می‌شوند؛ این امر عملاً با اتحادی که در محبت به یکدیگر دارند انجام می‌گردد.

## دستگیری یسوع

(متی:۲۶:۴۷؛ ۵۶-۴۷؛ مرقس:۱۴:۴۳-۵۰؛  
لوقا:۲۲:۵۳-۴۷)

**۱۸** <sup>۱</sup> یسوع این را گفته با شاگردانش مرت:۳۰:۲۶-۳۰:۲۶  
لوقا:۲۲:۲۶-۲۶:۱۴  
۲-سمو:۲۳:۱۵-۲

به سوی دیگر مسیل قدردن <sup>۲</sup> ز

رفت. در آنجا باغی بود که با شاگردانش  
وارد آن شد.<sup>۳</sup> یهودا که او را تسلیم  
می کرد نیز آنجا را می شناخت، زیرا یسوع  
اغلب با شاگردانش در آنجا گرد هم  
می آمدند. <sup>۴</sup> پس یهودا دسته ای <sup>b</sup> با خود  
برداشت و به همراه نگاهبانان کاهنان  
اعظم و فریسان، با فانوسها و مشعل ها و  
اسلحة به آنجا آمد. <sup>۵</sup> پس یسوع که  
می دانست بر او چه خواهد آمد<sup>۶</sup>، بیرون  
آمده به آنان گفت: «که را می جوئید؟»  
<sup>۵</sup> به او جواب دادند: «یسوع ناصری.» به

فرستاده ای و به آنان محبت کرده ای  
همچنان که به من محبت کرده ای. <sup>۷</sup> ای  
پدر آنچه به من داده ای، می خواهم در  
آنجایی که من هستم، اینان نیز با من  
باشند<sup>۸</sup> ت شکوه مرا ببینند که تو به من  
داده ای<sup>۹</sup> زیرا تو پیش از پی افکنی جهان<sup>۱۰</sup>  
به من محبت داشته ای. <sup>۱۱</sup> ای پدر عادل<sup>۱۲</sup>  
اگر جهان تورا نشناخته، من تورا  
شناخته ام و اینان شناخته اند که تو مرا  
فرستاده ای.<sup>۱۳</sup> من نام تورا به آنان  
شناسانده ام و به آنان خواهم شناساند تا  
خروج<sup>۱۴</sup> روم:۸:۳-۶:۱۷  
محبتی که مرا به آن محبت کرده ای در آنان  
باشد و من هم در آنان.»

<sup>۷</sup>- شاگرد در وضعیت خداوند سهیم می باشد بدین معنی که در پذیرفتن تحکیر و سرافکنندگی اطاعت می کند (۳۳:۱۳) و در شکوه و جلال شور و هیجان دارد (۲۶:۱۲؛ ۳:۱۴).

<sup>۸</sup>- تأمل و تعمق در شکوه مسیح (ر. ک ۲-قرن:۳-۶) ضمناً شناختن (شرکت در) محبتی است که پدر را با پسر می پیوندد: این امر پایه و انتهای هر وجود بشری است.

<sup>۹</sup>- ر. ک ۱-۱:۵-۵:۱۷  
y- اطلاق کلمه «عادل» در مورد خدا بیان راستی و اصالت داوری او است (مز:۱۱۹:۱۳۷؛ تث:۴:۳۲) ضمناً مسکن است به مفهوم درستی و رحمت او باشد (مز:۷:۱۸؛ ۵:۹؛ ۱۳:۹۶؛ ۵:۱۱۶؛ ۴:۱۲۹؛ ۵:۱۴۵؛ ۱۷:۱۴۵). ظاهراً در اینجا به معنی اخیر است (ر. ک روم:۳:۲۶؛ مکا:۱۶:۵).

<sup>۱۰</sup>- در ای که مسیل قدرtron، شهر اورشلیم را از باغ زیتون جدا می کند (۲-سمو:۲۳:۱۵-۲۶؛ مت:۳۰:۲۶؛ مر:۱۴:۲؛ لو:۲۲:۲۹).

<sup>a</sup>- در مت:۳۶:۲۶ و مر:۱۴:۳۲ سخن از ملکی به نام جنسیمانی است. یوحنا از این که یسوع در آنجا نیایش کرده چیزی نمی گوید (با این همه ر. ک ۲:۲۷؛ ۱۸:۱۱).

<sup>b</sup>- کلمه یونانی speira که در متن اصلی آمده و دسته ترجمه شده معمولاً در مورد یک فسمت از سربازان رومی (۱۰۰ نفر) بکار می رود و چنین می نماید که به نظر یوحنا سربازان رومی در دستگیری یسوع شرکت داشته اند: ولی از همین عبارت می توان استنباط کرد که منظور دستجات یهودی و مخصوصاً افراد چریک وابسته به معبد است (یهودیه:۸:۱۱؛ ۱۴:۲-۲:۲۳؛ ۲:۲۰-۲۲؛ با توجه به نشانه های مختلفی می توان گفت که ابتکار عمل از جانب بعضی مقامات یهودی بوده است. به هر صورت یوحنا به طرز استهزا آمیزی یادآوری می کند برای دستگیری یسوع که خودش را شخصاً تسلیم می کند چه نیرویی تجهیز شده است: ضمناً تظاهر شگفت انگیز نیروی الهی یسوع را که در آیه ۶ ذکر شده آمده می کند.

<sup>c</sup>- یسوع به هیچ وجه غافلگیر نشده بلکه از اهیت و قریب الوقوع بودن رنجها و مصلوب شدن خود آگاه است و بر این وقایع مسلط می باشد (ر. ک ۱:۱۳؛ ۳:۱۲؛ ۲۰-۲۶؛ ۱۰:۲؛ ۱۷:۱۸).

غلاف کن. آیا جامی را که پدر به من داده است نوشم؟<sup>g</sup> آنگاه دسته، فرمانده و نگاهبانان یهودیان، یسوع را گرفتند و بستند.

مت:۲۰:۲۲؛ مرت:۱۰:۳۸؛ مرت:۱۳:۳۶؛ مرت:۱۴:۴۲؛ مرت:۱۵:۲۷؛ مرت:۱۶:۵۷؛ مرت:۱۷:۵۲؛ مرت:۱۸:۵۴؛ مرت:۱۹:۲۲

### در کاخ کاهن اعظم حنّا (متی:۲۶:۵۸-۵۷؛ مرقس:۱۴:۵۳-۵۴؛ ۵۴:۲۲ لوقا)

و نخست او را نزد حنا<sup>h</sup>، پدر زن<sup>۱۳</sup> لوقا که در آن سال کاهن اعظم بود<sup>i</sup> هدایت کردند.<sup>j</sup> قیافا همان کسی بود که این نصیحت را به یهودیان کرده بود که برای شما مفیدتر است که تنها یک انسان در راه قوم بمیرد.<sup>k</sup>

آنان گفت: «من هستم<sup>d</sup>.» یهودا نیز که او را تسلیم می کرد با آنان ایستاده بود.<sup>e</sup> پس وقتی به آنان گفت: «من هستم» آنان عقب رفته به زمین افتادند.<sup>f</sup> سپس باز از آنان پرسید: «که را می جوئید؟» گفتند: «یسوع ۲۴:۸:۴۶:۷ ناصری.»<sup>g</sup> یسوع پاسخ داد: «به شما گفتم که «من هستم»، پس اگر در جستجوی من ۱۲:۱۷:۳۹:۶ هستید اینان را بگذارید بروند»<sup>h</sup> تا سخنی که گفته بود تحقق یابد: «از آنان که به من ۳۸:۳۶:۲۲ داده ای هیچ یک را از دست نداده ام.<sup>i</sup>» ۱۰ پس شمعون پطرس که دشنه ای داشت، آن را کشید و به برده کاهن اعظم زده گوش راستش را برید. این برده نامش ملوک<sup>j</sup> بود. ۱۱ یسوع به پطرس گفت: «دشنه را در

d- در مورد وسعت و دامنه معنی این جمله ر. ک ۲۴:۸، یسوع با این پاسخ هویت حقیقی خود را آشکار می کند و برای کسانی که مظہر نیروی اهربینی هستند تزدیک شدن به او امری هولناک می شود. به همان گونه که در کوه مقدس خدا خود را به اسرائیل ظاهر می کرد (خروج:۱۹) یا در مورد صندوقجه پیمان که مقر او بشمار می رفت (۲- ۷:۶-۷). یوحنا به همان گونه که در روایت یسوع ذکر می کند در اینجا قدرت، مقام والا و الوهیت یسوع را ظاهر ساخته و درخشان می نماید. در هر دو مورد قدوسیت از هرگونه کفر و پلیدی به دور است. اگر شاگردان می توانند در خلوص و صیمیت یسوع وارد شوند بدان سبب است که به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند (۱۷:۱۷).

e- ر. ک ۱۲:۱۷؛ ۳۹:۶؛ ۲۸:۱۰؛ ۳۲:۱۶. f- ر. ک مر:۱۴:۳۶؛ لوقا:۴۲:۲۲. یوحنا نظری آنچه در مت ۳۹:۲۶ ذکر شده یادآوری می کند یسوع پطرس را به سبب این عمل سرزنش کرده است: زیرا یسوع نه با خشنونت بلکه با اختیار کامل در اطاعت عمل خود را به پایان خواهد رساند.

g- در مهمانی یهودیان به هنگام صرف غذا، پدر خانواده جام مهمانان را پُرمی کرد. بدین سبب کسی که الهام خدا را دریافت می کند به مانند جامی تصویر شده است (مز ۱۱:۱۶؛ اش ۵:۱؛ ۱۷:۵۱). در نوشته های عهد عتیق اکثراً برای نشان دادن آزمونهای نهایی از جام تلحیخ یاد می شود (اش ۱۷:۱۲؛ ۱۷:۲۲؛ ار ۲۲:۱۷، ۱۵:۲۵؛ ۲۸:۴۹؛ مرا ۲۱:۴۹؛ حزق ۲۳:۳۱-۳۲). این اصطلاح را یسوع در مورد رنجها و مصلوب شدن خود بکار می برد (مت ۲۳:۲۰-۲۲؛ مرت ۳۹:۳۸-۳۹؛ مر ۱۰:۱۰؛ ۳۶:۱۴؛ لوقا ۴۲:۲۲؛ ۳۶:۱۴؛ مرت ۳۹:۲۶)؛ یوحنا این نیایش را راویت نکرده ولی مخصوصاً درباره اراده و تصمیم آزادانه یسوع تأکید می نماید (۲۷:۱۲ توضیح k).

h- یوحنا نظری متن و مرقس دادرسی یهودیان را در دو مرحله مشخص کرده است که جلسه اولی بدون اینکه صریحاً نام ساندھرین را ذکر کند به ریاست حتا برگزار شده (۱۳:۱۸) و سپس از شورایی سخن می گوید که به ریاست قیافا تشکیل گردید (۲۴:۲۸-۲۴:۱۸) و انگهی جلسات این دادرسی منحصر به بازپرسی های سریع بوده است. به نظر یوحنا دادرسی واقعی در سرتاسر دوران رسالت یسوع انجام گردیده و تصمیم قبل اتخاذ شده بود (۱۴:۱۸) که یادآوری ۱۱:۵۷، ۵۳-۴۹:۱۱ است.

i- حتا که به خانواده ای از صدو قیان تعلق داشته مقام کاهن اعظم را بین سالهای ۶ الی ۱۵ میلادی عهده دار بوده و پس از اینکه مقامات رومی او را برکنار کردند با این همه نفوذ مهمی بر امور داشته و کسانی که پس از او سمت کاهن اعظم را عهده دار شدند از خانواده او بودند. یوحنا قیافا را به عنوان داماد او معرفی می کند که محتمل و ظاهراً مقرر به حقیقت است.

j- ر. ک ۱۱:۴۹-۵۱.

او پاسخ داد: «من آشکارا به جهان سخن <sup>۷:۲۶؛ ۷:۴۵؛ ۷:۱۹؛ ۷:۱۶؛ ۷:۴۸؛ ۷:۲۳؛ ۷:۵۵؛ ۷:۵۴؛ ۷:۲۲؛ ۷:۲۶؛ ۷:۲۶</sup> گفته‌ام<sup>n</sup>، من همواره در کنیسه و معبد در <sup>۷:۲۳؛ ۷:۵۵؛ ۷:۵۴؛ ۷:۲۲؛ ۷:۲۶</sup> جائی که همه یهودیان گرد می‌آیند آموزش <sup>۷:۲۳؛ ۷:۵۵؛ ۷:۵۴؛ ۷:۲۲؛ ۷:۲۶</sup> داده ام و هیچ چیزی در نهان نگفته‌ام.<sup>۲۱</sup> پس اع <sup>۷:۲۳؛ ۷:۵۵؛ ۷:۵۴؛ ۷:۲۲؛ ۷:۲۶</sup> چرا از من پرس و جو می‌کنی؟ از آنان بپرس که شنیده‌اند چه گفته‌ام، اینک ایشان آنچه من گفته‌ام می‌دانند.<sup>۲۲</sup> چون این را گفت، یکی از نگاهبانان که در آنجا ایستاده بود به یسوع سیلی زده<sup>p</sup> گفت: «این طور به اع <sup>۷:۲۳؛ ۷:۵۵؛ ۷:۵۴؛ ۷:۲۲؛ ۷:۲۶</sup> کاهن اعظم جواب می‌دهی؟»<sup>۲۳</sup> یسوع به او پاسخ داد: «اگر بد گفته‌ام، شهادت بد چه بدی گفتم، اما اگر درست گفته‌ام برای چه مرا می‌زنی؟»<sup>۲۴</sup> سپس حنا اورا بسته نزد <sup>۱۸:۱۳؛ ۱۸:۲۳</sup> قیافا کاهن اعظم فرستاد.

(متی ۲۶:۷۵-۷۱:۲۶؛ مرقس ۱۴:۶۹-۷۲)

(لوقا ۲۲:۵۸-۶۲)

<sup>۲۵</sup> شمعون پطرس در آنجا ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد.<sup>r</sup> پس به او گفتند: «آیا تو نیز از شاگردان او نیستی؟» او

(متی ۲۶:۶۹-۷۰؛ مرقس ۱۴:۶۸-۶۹)

(لوقا ۲۲:۵۷-۵۵)

<sup>۱۵</sup> شمعون پطرس همراه با شاگرد <sup>۷:۵۸؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴</sup> مت <sup>۷:۵۸؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴؛ ۷:۵۴</sup> دیگری<sup>k</sup> به دنبال یسوع رفت. این شاگرد با کاهن اعظم آشنا بود و با یسوع وارد حیاط کاهن اعظم شد.<sup>۱۶</sup> در حالی که پطرس در خارج نزدیک در ایستاده بود، شاگرد دیگر که با کاهن اعظم آشنا بود خارج شد و به دربان زن سخنی گفت و پطرس را به درون آورد.<sup>۱۷</sup> پس آن کنیز دربان به پطرس گفت: «آیا تو نیز از شاگردان این مرد نیستی؟» او گفت: «از آنان نیستم.<sup>۱</sup>

<sup>۱۸</sup> برگان و نگاهبانان که در آنجا بودند به خاطر سرما زغال افروخته بودند و خود را گرم می‌کردند. پطرس نیز در کنار آنان بود و خود را گرم می‌کرد.

(متی ۲۶:۵۹-۶۶؛ مرقس ۱۴:۵۵-۶۴)

(لوقا ۲۲:۶۶-۷۱)

<sup>۱۹</sup> پس کاهن اعظم از یسوع درباره شاگردان و آموزش او پرسید.<sup>m</sup> یسوع به

- چندان اسان نیست که بتوان هویت این شاگرد را تعیین نمود که می‌تواند به کاخ حنا وارد شود. بعضی از مفسران او را رفیق و همنشین پطرس می‌دانند، شاگردی که یسوع به او محبت داشت.  
۱- چنین به نظر می‌رسد که انکارهای سه گانه پطرس (آیات ۱، ۲۶ و ۲۷) که در ۱۳:۳۸-۳۶:۳۶ به اعلام شده در برابر سه بار اظهار ایسوس است که گفته من هستم (آیات ۵، ۷ و ۸)، همچنین به سه بار گواهی یوحنا تعمیده شده (من نیستم ۲۱-۲۰:۱) و اظهارات سه گانه پطرس (۱۷-۱۵:۲۱) مراجعه کنند.

- در انجیل نظیر که حضور یسوع در برابر ساندربین روایت شده جنبه مسیحایی فعالیت‌های یسوع و موضوع کفر گفتن مورد توجه است (ر. ک مت ۲۶:۵۷-۶۶؛ مر ۱۴:۵۲-۵۳؛ لوق ۶:۶۶-۶۷؛ ۲۶:۲۶-۲۷)، یوحنا حضور او را در برابر حنا یاد کرده و در آنجا سوال‌ها درباره آموزش یسوع است و اینکه شاگردان را به دور خود جمع می‌کند (ر. ک ۱۴:۳۸-۴۸:۴۹). اتهام کفر گفتن در طی دوران زندگی در میان مردم بر او وارد شده است (۴۲-۲۲:۲۶).

- آموزش یسوع که در ملاعه عام بدون تمایز به تمام آدمیان خطاب شده شامل عقاید و نظریات مخفی و باطنی نیست (۷:۲۶)، گرچه فقط به وسیله موهبت روح القدس می‌توان واقعاً به اعماق آنها بی برد (ر. ک ۱۶:۲۵).

- یسوع که پیشنهاد می‌کند به کسانی مراجعه کنند که سخنان اورا شنیده اند تقاضا دارد داوری واقعی انجام گردد (ر. ک ۵۱:۵-۵۲). مخصوصاً تأکید می‌نماید که تصمیم گرفته شده و اکنون فقط با یک داوری ساختگی صحنه سازی می‌کنند. ممکن است در این مورد یوحنا می‌خواهد به خوانندگان مسئولیت شان را در «داوری یسوع» که در سرتاسر تاریخ ادامه خواهد داشت یادآوری نماید.

- ر. ک مت ۲۷:۲۶؛ مر ۱۴:۶۵.

- ر. ک ۴۶:۸؛ وسائل خشونت به هیچ وجه ارتباطی با شناسایی حقیقت ندارد.

- مت ۲۶:۷۱-۷۵؛ مر ۱۴:۶۹-۷۲؛ لوق ۲۲:۵۸-۶۲.

بخارند.<sup>۷</sup> پس پیلاطس<sup>W</sup> به سوی آنان بیرون آمده گفت: «چه اتهامی به این مرد وارد می کنید؟»<sup>۸</sup> در پاسخ به او گفتند: «اگر بدکار نبود او را به تو تسلیم نمی کردیم.»<sup>۹</sup> آنگاه پیلاطس به آنان گفت: «شما او را بگیرید و بربطق تورات خود او را داوری کنید.»<sup>۱۰</sup> پس یهودیان به خود او را داوری کنید.<sup>۱۱</sup>

او گفتند: «ما اجازه نداریم کسی را بکشیم.<sup>۱۲</sup>» تا سخن یسوع که گفته بود به تحقق بر سر تاشان دهد به چه نوع مرگی می بايست بمیرد.<sup>۱۳</sup>

باز پیلاطس به دیوان خانه داخل شد.

یسوع را فراخوانده به او گفت: «آیا تو پادشاه یهویان هستی؟»<sup>۱۴</sup> یسوع پاسخ

مت:۵۱:۲۶؛ ۴۷:۱۴؛ ۵:۴۹-۴۹:۲۲؛ ۱۰:۱۸  
یکی از بردگان کاهن اعظم، خویشان آن کسی که پطرس گوش او را بریده بود گفت: «آیا من تو را با او در باغ ندیدم؟»<sup>۱۵</sup> باز پطرس انکار کرد و در دم خروسی یو ۳۸:۱۳ بانگ زد.<sup>۱۶</sup>

### یسوع در برابر پیلاطس<sup>t</sup>

(متی ۲۷:۱۱-۲-۱؛ ۱۴-۱؛ ۲۷:۲-۱)

مرقس ۱۵:۵-۱؛ لوقا ۲۳:۱-۵)

<sup>۲۸</sup> پس یسوع را از نزد قیافا به دیوان خانه<sup>u</sup> هدایت کردند. صحیح بود اما آنان به دیوان خانه داخل نشدند مبادا نجس شوند بلکه بتوانند [بره] جشن گذر را

ر. ک: ۱۳:۳۶-۳۶-۳۸-۳۸

<sup>t</sup>- یوحنا در مورد حاضر شدن یسوع در برابر پیلاطس خیلی بیشتر از انجیل نظیر اهمیت قائل می شود (۱۶:۱۸-۲۸:۱۸) بدین معنی که پیلاطس می آید و می رود (خارج می شود: ۲۹:۱۸، ۳۸:۴؛ ۹:۱۹؛ ۳۳:۱۸) در میان جمعیتی که رفته رفته خشن تر شده یسوع با آرامش کامل بر اوضاع مسلط است. در حقیقت یسوع سرتاسر این داوری را با سخنان و با سکوت خود رهبری می کند. یوحنا نشان می دهد که یسوع گرچه متهم است ولی کسانی را که ظاهراً متهم کننده هستند داوری می نماید؛ ر. ک: ۱۹:۱۳ توضیح p.

<sup>u</sup>- دیوان خانه محل اقامات رسمی حکمران رومی بوده است. در اینکه دیوان خانه در کجا قرار داشته نظریات مختلفی وجود دارد. بعضی از مفسران معتقدند دیوان خانه در دژ آتنوبیا در نزدیکی معبد اورشلیم می دانند.

<sup>v</sup>- به نظر یهودیان محل سکونت مشرکان نجس بشمار می آمد (۱۱:۳؛ مت:۸:۸)؛ یهودیان که می خواستند از هرگونه آلودگی برطبق شرع یهود برکنار باشند، مخصوصاً در وقتی که عید گذر یهود را جشن می گرفتند به محل اقامات حکمران وارد نمی شدند. یوحنا این موضوع را به طنز بادآوری می کند.

<sup>W</sup>- پنهانیوس پیلاطس از سال ۲۶ تا ۳۶ میلادی حکمران یهودی بود. تاریخ نویسان قرن اول میلادی اورا همچون کارمند عالی رتبه ای توصیف کرده اند که نسبت به ملت یهود نظر مساعدی نداشته است (ر. ک همچنین لو:۱:۱۳).

<sup>X</sup>- با توجه به قرائت و امارات بسیاری می توان تصور کرد که یهودیان در زمان یسوع در بعضی موارد حق اجرای حکم اعدام (سنکسوار کردن) را حفظ کرده بودند (۸:۱-۱۱) ولی به طوری که از آیه ۲۲:۱۸ بر می آید مصلوب کردن فقط در اختیار مقامات رومی بوده است.

<sup>y</sup>- ر. ک: ۱۲:۳-۳۲؛ ۱۴:۳ توضیح W:۸:۸. یوحنا در روایت رنجها و مصلوب شدن یسوع بارها بادآوری می کند که سرنوشت یسوع مطابق مطالبی است که در نوشته مقدس آمده است. قانون تورات که به استناد آن یهودیان یسوع را رد می کردن در حقیقت به نفع او شهادت می داد.

<sup>Z</sup>- شاه، این عنوان را یسوع در مورد خود بکار برده ولی در آیات ۶:۱ و ۱۵:۶ به او نسبت داده شده است. برابر آنچه در انجیل نظیر ذکر شده (مر:۲:۱۵؛ مت:۱۱:۲۷؛ لوقا ۳:۲۳) این عنوان خلاصه اتهامی است که مقامات یهود بر او وارد می کردنند (۳۰:۱۸، ۳۵:۳) پیلاطس قاعده‌ای باشیست این عنوان را به مفهوم سیاسی درک و تعبیر نماید؛ بدین معنی که محتمل است یسوع آشوبی بریا کرده و طرفدارانی جمع نماید تا رهبران یهودیان را که طرفدار رومیان هستند براندازند. به نظر یوحنا در رنجها و مصائب یسوع (بازگشت او به سوی پدر) و بر روی صلیب به طرز شکفت انجیزی سلطنت یسوع تأیید می شود، سلطنتی که مفهوم آن دیگر ابهامی ندارد (ر. ک ۱۵:۶ توضیح W:۱۸:۱۸، ۳۳:۳۷، ۳۶، ۳۷، ۳۸:۱۹، ۱۵، ۱۶:۳۹).

(متی ۲۷:۲۷-۳۱؛ مرقس ۱۵:۶-۲۰؛  
لوقا ۲۳:۲۵-۲۵)

این را گفته باز به سوی یهودیان بیرون رفت و به آنان گفت: «من هیچ تقصیری نمی‌یابم: اما شما رسمی دارید که برای جشن گذر کسی را رها کنم. آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برای شما رها کنم؟»<sup>۴۰</sup> از سر نو فرباد برآورده گفتند: «نه او را، بلکه بربا را!» باری بربا راهزن بود.<sup>f</sup>

۱۹ <sup>۱</sup>پس پیلاطس یسوع را گرفته [دستور داد] او را شلاقش بزنند. مت ۱۹:۲۰  
۲ سربازان تاجی از خار بافته آن را بر لون ۲۳:۱۱-۱۲

سرش نهادند و ردائی ارغوانی بر تنش کردند.<sup>۳</sup> و به سویش آمده می‌گفتند: «سلام ای پادشاه یهودیان!<sup>g</sup>!» و سبیلی هائی بر او می‌زدند.<sup>۴</sup> پیلاطس باز خارج شد و به ایشان گفت: «اینک اور را نزد شما ببرون می‌آورم تا بدانید که در او هیچ تقصیری نمی‌یابم.»<sup>۵</sup> پس یسوع بیرون آمد در حالی که تاج خار و ردائی ارغوانی دربرداشت و

داد: «این را از خودت می‌گوئی یا دیگران درباره من به تو این را گفته‌اند؟»<sup>a</sup>

<sup>۵</sup>پیلاطس پاسخ داد: «مگر من یهودی هستم؟ ملت تو و کاهنان اعظم تو را به من تسلیم کرده‌اند. چه کرده‌ای؟»<sup>b</sup> یسوع پاسخ داد: «ملکوت من از این جهان نیست، اگر ملکوت من از این جهان بود، برای آنکه به یهودیان تسلیم نگردم،<sup>b</sup>

نگهبانان من می‌جنگیدند، ولی درواقع ملکوت من از این دنیا نیست.»<sup>c</sup> <sup>۷</sup> پس

پیلاطس به او گفت: «پس تو پادشاه هستی؟» یسوع پاسخ داد: «این را تو می‌گوئی که من پادشاه هستم، من برای همین زاده شده‌ام و برای همین به جهان آمده‌ام تا بر راستی شاهد دهم.<sup>c</sup> هر که از راستی است صدای مرا گوش می‌کند.<sup>d</sup>»<sup>d</sup> <sup>۸</sup> پیلاطس به او گفت: «راستی چیست؟»<sup>e</sup>

a- پیلاطس که قبول می‌کند فقط طبق اطلاعاتی که مقامات یهودی داده‌اند عمل نماید در وضعیت نادرستی قرار دارد و نخواهد توانست از این وضع خارج شود.

b- سلطنتی را که یسوع به طور غیرمستقیم به خود نسبت داده و ادعا می‌کند کاملاً غیر از سلطنتی است که هدفها و وسائل آن مربوط به این دنیا است. سلطنت او را نیازی به نیرو و روش‌های معمولی در اقدام سیاسی نیست، بلکه این سلطنت را از خدا می‌گیرد. این پادشاهی را می‌توان ملکوت یا فرمانروایی ترجمه کرد.

c- برابر نظریاتی که در کتاب مقدس ابراز شده بین پادشاهی و حکمت ارتباطهای وجود دارد (ر.ک ۲-سمو ۱۷:۲۰-۲۰) سلطنت پایان روزگار را که در این ساعت یسوع در دنیا افتتاح می‌کند خشونت بکار نخواهد برد؛ بلکه برابر مشت پدر که به او رسالت داده است با یزدیرقتن حقیقت خدا تحقق خواهد بخشید، حقیقت خدا که در او یعنی در کلام مجسم تجلی می‌نماید (ر.ک ۱۴:۶-۱۱:۳؛ ۳۲، ۱۱:۳-۱۳:۸؛ ۱۴-۴۶). در مورد کلمه حقیقت ر.ک ۱۴:۶ توضیح Z.

d- کسانی که به فرستاده خدا می‌پیوندند از هم اکنون در حیطه نفوذ او هستند زیرا برابر حقیقت عمل می‌نمایند (ر.ک ۲۱:۳؛ ۲:۱۷؛ ۲:۱۷؛ ۶:۲؛ ۱:۲۷).

e- این سوال که پاسخی نمی‌طلبید نشان می‌دهد که کارمند رومی شخصاً فردی در دل شکاک است از سوی دیگر نیروی سیاسی قادر نیست نظریه یسوع را درباره حقیقت درک نماید. به همان گونه که در ۱:۶، ۱۴، ۲۲، ۲۳:۴ و لون ۱:۱۹ مذکور می‌گذارد، این پاسخ را تشخیص داده و با عباراتی که در ۳:۳۳-۱۸:۱۸ توضیح C ذکر شده بیان خواهد کرد.

f- ر.ک مت ۱:۱۵-۲:۲۶؛ مرقس ۱:۱۵-۶:۲۶؛ لون ۱:۱۵-۲:۲۳. یوحنا این قسمت را خیلی به اختصار ذکر کرده و بادآوری می‌نماید که یهودیان دزد راهزنی را بریسون که او را شورشی معرفی می‌کردند ترجیح داده‌اند زیرا دنیا طرفداران خود را می‌شناسد. ضمناً لازم به بادآوری است کلمه *پوتانی* lestès که در اینجا راهزن ترجمه شده اکثرأ در مورد فرقه غیوران بکار می‌رفته که اقدامات سیاسی و مذهبی خشونت‌آمیز بکار می‌برندند (ر.ک ۱۰:۸).

g- ر.ک مت ۲:۲۷-۳:۲۱؛ مرقس ۱:۱۵-۲:۲۷ و همچنین توضیح Z مربوط به ۳۳:۱۸ را ملاحظه کنید.

...مگر نمی‌دانی که اقتدار دارم تو را رها  
کنم و اقتدار دارم تو را مصلوب کنم؟»<sup>a</sup>

<sup>۱۱</sup> یسوع به او پاسخ داد: «تو هیچ اقتداری  
بر من نمی‌داشتی اگر از بالا<sup>m</sup> به تو داده<sup>n</sup> روم<sup>۱۰:۲۷-۱۳:۱۰</sup>  
نشده بود. به همین جهت آن که مرآ به تو  
تسليیم کرده گناهی بس بزرگتر دارد<sup>n</sup>.»<sup>۱۲</sup>  
<sup>۱۲</sup> از این به بعد پیلاطس در جستجوی  
رهایی او برآمد اما یهودیان فریاد کرد<sup>۱۸:۱۸-۲۳:۲۳</sup>  
می‌گفتند: «اگر این را رها کنی دوست<sup>۱۷:۱۷</sup>  
قیصر نیستی<sup>۰</sup>، هر که خود را پادشاه کند با  
قیصر ضدیت می‌کند.»

<sup>۱۳</sup> پس چون پیلاطس این سخنان را  
شنید، یسوع را بیرون آورد و او را بر مسند  
داوری که لیتوستروتوس<sup>۹</sup> و به عبری گباتا

<sup>۲۶، ۲۹:۱</sup> [پیلاطس] به آنان گفت: «اینک این  
انسان<sup>h</sup>!»<sup>۶</sup> پس همین که او را دیدند،  
کاهنان اعظم و نگاهبانان فریاد برآورده  
گفتند: «بر صلیب! بر صلیب!» پیلاطس به  
۱- قرن<sup>۲۳:۱۸</sup> آنان گفت: «خودتان او را گرفته مصلوبش  
کنید، زیرا من در او تقصیری نمی‌یابم.»<sup>۷</sup>

<sup>۷</sup> یهودیان به او پاسخ دادند: «ما قانونی  
داریم و برابر این قانون او باید بمیرد زیرا  
۳۶:۳۱-۳۵:۱۰ خود را پسر خدا کرده است<sup>i</sup>.»<sup>۸</sup> پس همین  
که پیلاطس این سخن را شنید ترسان  
گردید.<sup>j</sup> و مجدداً به دیوان خانه وارد شد  
<sup>۶:۶-۶۲:۲۶</sup> و به یسوع گفت: «تو از کجا هستی؟»<sup>k</sup> اما  
<sup>۱۴:۱۲-۲۷</sup> یسوع به او پاسخی نداد.<sup>۱۰</sup> پس پیلاطس  
به او گفت: «با من حرف نمی‌زنی؟

- در انجیل متی و مرقس موضوع تازیانه زدن و ناسرا گفتن به یسوع پس از محکومیت او ذکر شده است. در لو<sup>۲۳:۱۶-۲۲</sup>  
پیلاطس پیش از محکومیت یسوع پیشنهاد می‌کند او را گوشمالی دهد. به طوری که یوحنا روایت می‌کند چنین می‌نماید  
پیلاطس امیدوار بوده است این عمل وسیله‌ای برای منصرف کردن یهودیان شود: بدین معنی که متنظره مردی با وضعیت  
رقت انگیز و مسخره کافی خواهد بود که پیچ بودن ادعاهای احتمالی سلطنت او را نشان دهد. ولی مسلمان یوحنا به این وقایع با  
چشم دیگری نگریسته و تلقین می‌کند در وجود یسوع انسان واقعی را تشخیص دهنده که در عین همین تحقیر شدن سلطنت  
مسیحیایی را آغاز می‌نماید.

- در اینجا موضوع اتهام جنبه مذهبی می‌گیرد و به مسئله اصلی یعنی اظهار پسر خدا/ بودن پرداخته می‌شود (ر.ک ۵:۱۸-۲۰:<sup>۱۶-۲۲</sup>).  
<sup>۱۰</sup> پیلاطس با شنیدن آخرین سخنان یسوع (۱۸:۱) بیشتر احساس می‌کند که در برابر پدیده‌های فوق بشری قرار گرفته که

تهدید کننده و خطرناک می‌باشد.

- k- یعنی اصلاً اهل کجا هستی؟ از اصل و نسب می‌توان سرشت کسی را شناخت (۹:۲؛ ۱۱:۴؛ ۲۸-۲۷:۷؛ ۱۴:۸؛ ۳۰-۲۹:۹).  
<sup>۱۱</sup> سکوت یسوع را بدین گونه می‌توان توضیح داد که شرایط ایمان واقعی و شناخت حقیقت وجود ندارد (ر.ک مت ۱۴:۲۷-۱۵:۴؛  
لو<sup>۹:۲۳</sup>) و هیچ کلام و عبارتی جای آنها را نمی‌گیرد. ملاحظه کنید ۲۸:۱۸ توضیح<sup>v</sup>.

- m- پیلاطس درباره آنچه در بالا/ است چیزی نمی‌داند، در مورد دامنه قدرتی که به گمان او قدرت مطلق است نیز اشتباه می‌کند  
زیرا این قدرت به وسیله اراده بالاتری به او تفویض شده است (ر.ک ۱۰:۱۷-۱۸؛ ۱:۱۰). در اینجا نیایستی به جستجوی نظریه  
منشأ قدرت‌ها برآمد.

- n- یهودا و رهبران یهودی مسلمان امکان بیشتری داشتند که حقیقت یسوع را دریابند (۶:۴؛ ۱۲:۷؛ ۲۱:۲؛ ۲۱:۳؛ ۴:۱؛ ۱۲:۷؛  
۳۰:۱۸)، در مورد گناه به عنوان شناختن ر.ک ۲۱:۸-۲۴-۲۱:۹؛ ۱۵:۲۲-۲۴:۹؛ ۱۶:۸-۹؛ ۱۵:۱۵-۲۴:۹-۸-۱۶؛ ۱:۹-۲۴-۲۱:۸-۲۱:۹-۸-۱۶؛ ۳۶:۳-۹).

- o- ممکن است دشمنان یسوع عنوان رسی دوست/ امپراطور را یادآوری می‌کنند که پیلاطس احتمالاً به سبب دوستی و نزدیکی با  
سزان (Sejan) وزیر فیصر دریافت کرده بود. یهودیان با پیش آوردن جنبه سیاسی موقعیت پیلاطس را مطرح ساخته و اورا  
محبوب می‌کنند راه خود را انتخاب کنند. به این ترتیب با آنکه بی‌گناهی یسوع بارها شناخته شده است (۶:۱۸؛ ۳:۱۹؛ ۱۸:۱-۱۷:۱۰).

- p- ترجمۀ دیگر: بر مسند داوری نشست (ولی این واقعی در خارج از کاخ روی می‌دهد چنانکه گویی قضایت و رأی داوری وجود  
ندارد). ممکن است در اینجا انجیل نگار مجدداً اصطلاحی دوبلو بکار می‌برد. در نظر مردمان دنیا پیلاطس داوری می‌کند:  
در صورتی که ایمان مفهوم عمیق تری درک می‌کند بدین معنی که پیلاطس بدون اینکه متوجه باشد یسوع را که داور واقعی  
است بر مسند می‌نشاند؛ بدینسان دنیا در اشتباه وحیرت است (۱۶:۸-۱۱) و اکنون نوبت داوری دنیا است (۱۲:۱-۳؛ ۳۱:۱۲).

ر.ک ۱۰:۱۷ توضیح<sup>x</sup>؛ ۱۹:۵ توضیح<sup>y</sup>؛ ۱۹:۲۲ توضیح<sup>z</sup>.

«جلجتا»<sup>۱۱</sup> نامیده می شد بیرون رفت<sup>۱۸</sup> و خروج ۵:۱۲

در آنجا مصلوبش کردند. همچنین دو تن دیگر را با او، هر کدام در یک طرف و یسوع در میان.<sup>۱۹</sup> پیلاطس اعلامیه ای نوشته بود که آن را بالای صلیب بگذارند. [برآن] نوشته شده بود: «یسوع ناصری<sup>۷</sup> پادشاه یهود»<sup>۲۰</sup> پس این اعلامیه را بسیاری از یهودیان خواندند زیرا محلی که یسوع در آنجا مصلوب شده بود نزدیک عبر ۱۲:۱۳-۱۳

شهر بود و به عبری، لاتین و یونانی نوشته شده بود.<sup>۲۱</sup> پس کاهنان اعظم یهودیان به پیلاطس می گفتند: «نباید بتویسی پادشاه یهودیان، بلکه این مرد گفته بود: من پادشاه یهودیان هستم.»<sup>۲۲</sup> پیلاطس پاسخ داد: «آنچه نوشتمن نوشتمن.<sup>X</sup>

<sup>۲۳</sup> پس وقتی سربازان یسوع را مصلوب کردند، لباسهایش را گرفته چهار بخش

می نامند، نشاند.<sup>P</sup> <sup>۱۴</sup> هنگام تهیه [جشن]  
گذر و نزدیک به ساعت ششم بود.<sup>T</sup> او به ۳۳:۳۳-۳۷:۳۷ یهودیان گفت: «اینک پادشاه شما.»<sup>۱۵</sup> پس فرباد برآوردن: «مرگ!<sup>۱۶</sup> مرگ! مصلوبش کن.» پیلاطس به آنان گفت: «آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟» کاهنان اعظم پاسخ دادند: «پادشاهی جز قیصر نداریم!»<sup>۱۷</sup> پس او را به ایشان تسليم کرد تا مصلوب شود.

### مصلوب شدن و مرگ یسوع

(متی ۲۱:۲۷-۳۲:۴۴؛ مرقس ۱۵:۲۱-۲۲:۲۷؛  
لوقا ۲۲:۲۳-۲۶:۴۳)

پس یسوع را با خود بردن.<sup>۱۸</sup> و او که خود صلیب را حمل می کرد<sup>t</sup> به سوی محلی مسمی به «جمجمه» که به عبری

۹- ترجمه تحتاللفظی: سکگفرش؛ احتمالاً جایی است که با قطعات سنگی مفروش شده و یا موزائیک می باشد. کلمه جباتا (جباتا) که بعد آمدۀ نشان می دهد که محلی بلندتر از سطح زمین است.

۱۰- تصمیم در موقع ظهر به هنگام تهیه جشن گذر یهودیان گرفته شده است: چنین می نماید که از این لحظه به بعد بره ها برای تهیه جشن در معبد ذبح می کردند؛ تطبیق این تاریخها در نظر یوحنا ارزش نمادین دارد (ر.ک: ۱۹:۳۶-۱:۲۹).

۱۱- [ فعل یونانی که در این مورد بکار رفته و به مرگ ترجمه شده کلمه ای است که به معنی تحتاللفظی باید ترجمه کرد: بردار، ناید کن، از بین بین، از میان بردار].

۱۲- نپدیرفتن یسوع توان با شناسایی قدرت عالیه و انحصاری امپراتور روم است: در این لحظه قطعی مقامات یهودی فرمانروایی مطلق خدا را بر اسرائیل انکار می کنند (داور ۸:۲۳؛ سمو ۷:۱).

۱۳- برابر قوانین جاری محاکوم بایستی شخصاً وسیله شکنجه را حمل می کرد. انجیل نظری روایت کرده اند که شخصی به نام شمعون قیروانی را وادار کرده بودند مدتی صلیب را حمل نماید (مت ۲۷:۲۲؛ مر ۱۵:۲۱؛ لو ۲۳:۳۲)؛ یوحنا این موضوع را عمداً حذف نموده است. آیا روایت یوحنا عکس العملی علیه نظریه ای است که در قرن اول میلادی پیدا شده بود و کسانی تصور می کردند یسوع مصلوب نشده و شمعون قیروانی را به جای او به صلیب کشیده اند؟

۱۴- این نقطه بلندی کوچکی است که به فاصله کوتاهی از دیوار شهر قرار دارد (مت ۲۷:۲۳؛ مر ۱۵:۲۰؛ عبر ۱۲:۱۳-۱۳:۱۳). نام جلتا (جمجمه) بدان سبب به این محل داده شده بود که این بلندی مخرب ای به شکل جمجمه است.

۱۵- مر ۱:۲۷؛ مت ۲۷:۲۳؛ لو ۲۳:۳۲ تصریح می کنند که این دو نفر راهزن بوده اند در صورتی که بنا بر نوشته یوحنا مردان بینوایی هستند که یسوع در سرنوشت آنان سهیم شده است. کلمه «در میان» نشان می دهد جایی است که پادشاه در آنجا قرار می گیرد (ر.ک ۱۸:۳۳ توضیح Z).

۱۶- یوحنا املای کلمه ناصری را که بر روی لوحه نوشته شده nazorean روایت می کند (ر.ک مت ۲۷:۳۷؛ مر ۱۵:۲۶؛ عبر ۱۳:۲۷؛ لو ۲۳:۳۸) در مورد این کلمه به مت ۲۳:۲ توضیح b مراجعه نمایید.

۱۷- معمولاً نوشته ای علت محاکومیت را تعیین می کرده است. یوحنا با بادآوری و با اصرار در مورد این نوشته جنبه اشاره ای آن را تأکید می کند: یسوع به وسیله صلیب پادشاه مسیحیایی می شود و این واقعه باید به تمام زبانهای جهان اعلام گردد (ر.ک ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۳۲؛ ۱۰:۱۴؛ ۵۰:۵۲).

۱۸- مجدداً پیلاطس بدون اینکه بداند نبوت می کند.

می کرد به مادرش گفت: «ای زن اینک پسر تو<sup>d</sup>.»<sup>۲۷</sup> سپس به شاگرد گفت: «اینک مادر تو» و از آن ساعت به بعد، آن<sup>e</sup> اع<sup>۶:۲۱</sup> شاگرد او را نزد خویش برد.<sup>e</sup>

(متی ۲۷:۵۶-۴۵؛ مرقس ۱۵:۳۳-۴۱؛  
لوقا ۲۳:۴۹-۴۴)

پس از آن یسوع که می دانست همه<sup>f</sup>  
چیز تحقق یافته است<sup>f</sup> برای آنکه نوشته  
[مقدس] به تحقق رسید<sup>g</sup> گفت:  
«تشنه ام<sup>h</sup>.»<sup>۲۹</sup> در آنجا ظرفی پر از سرکه  
بود. پس بر سر شاخه ای از زوفا<sup>i</sup>، اسفنجی  
پر از سرکه به نزدیک دهانش بردند.<sup>j</sup> در  
لحظه ای که یسوع سرکه را چشید گفت:

کردند. هر بخش برای یک سرباز<sup>a</sup>،  
همچنین پیراهن<sup>b</sup> را، اما پیراهن دوخت  
نداشت و یک تکه از بالا به پائین بافته  
شده بود.<sup>۲۴</sup> پس به یکدیگر گفتند:  
من ۱۹:۲۲ «پاره اش نکنیم بلکه برای این قرعه

بیندازیم تا از آن که بشود.» تا نوشته  
مقدس به تحقق رسد: «لباسهای مرا بین  
خود بخش کرده بر جامه من قرعه  
افکندند<sup>k</sup>»، درست همان که سربازان  
کردند.

۲۵ نزدیک صلیب یسوع ، مادرش، خواهر  
مادرش، مریم [زن]<sup>l</sup> کلویا و مریم مجلدیه  
ایستاده بودند.<sup>b</sup> ۲۶ یسوع با دیدن مادرش<sup>c</sup>  
و به همراه او شاگردی که او را محبت

۲۷- بربطی قانون رومیان.

۲۸- یوحنا لباسهای رویی را از پیراهن زیر متمایز کرده است. پیراهن زیر یک پارچه است و پاره کردن آن مسخره و نامعقول خواهد  
بود. بعضی از مفسران این پیراهن را اشاره ای به لباس یسوع به عنوان کاهن اعظم تصور کرده اند زیرا وی از این پس کهانت  
جدید را عهده دار خواهد بود ولی این تفسیر چندان حقیقی به نظر نمی رسد. بلکه یوحنا این موضوع را روایت کرده تا نقل قول  
از نوشته مقدس را در آیه ۲۵ ذکر نماید. در این مورد ر.ک ۳۲:۱۸ توضیح <sup>۲۵</sup> ا.

۲۹- مز ۲:۲۲

۳۰- a- انجیل نظری حضور زنان و از جمله مریم مجلدیه را ذکر کرده اند که در فاصله ای از صلیب بر روی تیه جلجتا ایستاده بودند.  
(مت ۲۷:۴۵-۵۵؛ مر ۵:۴۰-۴۱؛ لو ۲۳:۴۹)

۳۱- b- وی سه یا چهار زن را نام می برد، بسته به اینکه خواهر مادر یسوع و مریم زن کلویا یک نفر یا دو نفر به حساب آورده شود.

۳۲- c- ترجمه تحتاللفظی: مادر. از آیه ۲۶ به بعد یوحنا دیگر نامی از زنان نیاورده و فقط از مریم و شاگرد مورد محبت یسوع سخن  
می گوید ر. ک ۲۳:۱۳ توضیح <sup>۲۶</sup>.

۳۳- d- ر. ک ۴:۲

۳۴- e- یسوع مریم و شاگرد محبوب خود را به یکدیگر می سپارد. برای این آیه تفسیرهای مختلفی قائل شده اند: ۱- یسوع به مریم مقام  
مادر ایمانداران داده است. روایات کاتولیک و ارتدکس از مریم به عنوان مادر روحانی سخن می گویند که در اینجا شاگرد  
یسوع نماینده آنان است. ۲- به طوری که بعضی از مفسران تصور می کنند این شاگرد فرد مشرک بوده که به مسیحیت گرویده  
است و یسوع بدین وسیله مسیحیانی را که قبلًا مشرک بوده اند با مسیحیانی که یهودی بوده اند آشتنی می دهد. ۳- ایمان واقعی  
که در پای صلیب پدید آمده آغاز روابط جدیدی می باشد.

۳۵- f- یعنی عملی را که پدر به او مأموریت رسالت داده بود تا تحقیق بخشد (۴:۳۸؛ ۶:۱۷؛ ۱۳:۴؛ ۱۷:۳) و بنا بر این تحقیق نوشته  
مقدس در جایی که اعلام شده بود.

۳۶- g- ترجمه تحتاللفظی: برای آنکه نوشته [مقدس] به پایان برسد...

۳۷- h- ر. ک ۲:۶۹

۳۸- i- این گیاه [که به عربی زوفا و در فارسی مرزگوش نامیده می شود] دارای برگهای پر زدار است و در مراسم مذهبی برای  
افشاندن آب بکار می رفته است (لاو ۴:۱۴؛ مز ۹:۵). ارتفاع آن از یک متر تجاوز نمی کند. بکار بردن آن در این موارد  
عجبی نیست و مسلمان<sup>j</sup> به عنوان نشانه و رمزی از مراسم مذهبی عید گذر آمده است (خروج ۱۲:۲۲). کلمه یونانی javelot  
در این مورد بکار رفته با تغییر جزئی می توان نیزه خواند. در مورد سرکه ر. ک مت ۴:۲۷ توضیح <sup>۲۷</sup> b و مر ۱۵:۳۶ توضیح <sup>۲۸</sup> x.

وقتی دیدند که قبلاً مرده است ساق پاهای او را نشکستند. اما یکی از سربازان نیزه اش را به پهلوی او فرو برد که در دم از آن خون و آب بیرون آمد.<sup>n</sup> و آن کس که دیده است شهادت می‌دهد و شهادت او راست<sup>o</sup> است، وانگهی وی می‌داند که راست می‌گوید<sup>p</sup> تا شما هم ایمان بیاورید. زیرا برای آنکه نوشته مقدس به تحقق رسید این روی داده است: هیچ یک از استخوان هایش شکسته نخواهد شد.<sup>q</sup> و باز نوشته مقدس دیگری می‌گوید: آن کس را که نیزه زده اند خواهند نگریست.<sup>r</sup>

ایوب:۲۶-۲۷؛ لوط:۱۲؛ تیمو:۴؛ اع:۱۵؛ ۳۴:۴  
سرش را خم می‌کرد، روح را تسليم نمود.<sup>k</sup>

## خون و آب

چون روز تهیه عید بود، برای آنکه در روز سیست بدنشا روی صلیب باقی نماند - زیرا این سیست روز بزرگی بود<sup>۱</sup> - یهودیان از پیلاطس درخواست کردند که ساق پاهای آنها را بشکنند<sup>m</sup> و آنها را بردارند. پس سربازان آمدند و ساقهای پای اولی را بشکستند، بعد دیگری را که با او مصلوب کرده بودند. <sup>۲</sup> چون به یسوع رسیدند،

**ج**- فعلی که به صورت معلوم آمده (فاعل یسوع است) نشان می‌دهد که یسوع تا آخرین لحظه بر اجرای رسالت خود تسلط کامل دارد (ر.ک ۱۸:۱۰).

**k**- یوحنا با آنکه اعطای روح القدس را به کلیسا در طی ظاهر شدن یسوع و در وقایع عید گذر تعیین می‌کند (۲۲:۲۰)، در اینجا شاید خواسته الفا کند که یسوع با مرگ خود می‌تواند روح القدس را به جهان منتقل سازد (۳۹:۷-۵:۱۶).

**l**- در انتظاق با تث ۲۳-۲۲:۲۱.

**m**- برای اینکه مرگ تسریع شود.

**n**- مطالibi که در آیات ۳۱-۳۳ آمده نقطه اوج گواهی و تأیید نوشته مقدس است که در آیه ۳۶ ذکر شده است (۸:۳۲ توضیح <sup>y</sup> را ملاحظه کنید). چنین به نظر می‌رسد که آیات ۳۴-۳۵ بعدها در این انجیل وارد شده است. از آنجا خون و آب بیرون آمد: این پدیده را می‌توان به طریق طبیعی توضیح داد بدین معنی که بلا فاصله پس از مرگ ممکن است هنوز خون جاری شود و آب نتیجه ترشح غشاء داخلی سینه باشد. بنابر یکی از روایات کاهنان بدن انسان از آب و خون تشکیل شده است: و جاری شدن این دو ماده نشانه واقعیت مرگ می‌باشد: بنابراین نظریه ای که در قرن اول میلادی به وجود آمده و کسانی معتقد بودند یسوع فقط ظاهر یک انسان را داشته و مصلوب نشده و نمرده است منتفی خواهد بود (ر.ک ۶:۵۱ توضیح <sup>y</sup>). یوحنا این پدیده را نشانه ای از موهبت روح القدس می‌شمارد: ر.ک آب در برابر روح القدس (۳:۳۹-۳۸:۷؛ ۱۴:۴؛ ۵:۳؛ ۵:۶؛ ۶:۵-۵). در همین معنی همچنین ۱- یوه:۸-۶ را ملاحظه کنید. مفسران متعددی قلم فراتر نهاده و آن را رمز و نشانه تقدیس می‌شمارند: آب - تعمید و خون - آیین سپاسگزاری؛ مفسران دیگری در اینجا پیدایش کلیسا را می‌بینند که حوای جدید از پهلوی آدم جدید بوجود می‌آید.

**o**- شاهد درباره واقعه ای که از آن سخن می‌گوید باید آشنایی مستقیم و بلا واسطه داشته باشد و در عین حال عمیق آن را درک کرده باشد (ر.ک ۱:۷؛ ۱۵:۱؛ ۲۶:۱۳؛ ۲۷:۲۶-۲۷). در اینجا ظاهراً همان شاگرد محبوب یسوع است (۱۹:۲۶-۲۷) که گواهی او مبنای روایات انجیل یوحنا است (۲۱:۲۴).

**p**- بنابر عادت یهودیان (۱۳:۸) یوحنا شاهد دیگری در نظر دارد که حقیقت مطلق شهادت اولیه را تصدیق و تأیید کند. و در اینجا مسلمان شکوهمند است (که یوحنا اکنtra درباره او ضمیر مجلل ekeinos را بکار می‌برد: ۲۸:۹؛ ۱۱:۷؛ ۳۰، ۲۸:۳؛ ۱۱:۳؛ ۳:۳-۶؛ ۶:۱۶، ۵:۱۶؛ ۱۷:۴؛ ۱۷:۶ و در اینجا «وی» ترجمه شده است)، به همان گونه که یسوع گواهی را که پدر درباره او داده است دارد، شاگردی که گواهی می‌دهد به خوبی می‌داند مسیح که اورا فرستاده سخن اورا تصدیق می‌نماید (ر.ک ۳۱:۵-۳۲:۸؛ ۱۳:۸-۱۴:۱). بعضی از مفسران این گواهی را تأیید پدر تصور کرده اند: مفسران دیگری آن را تفسیر و توضیحی از جانب کاتب انجیل پنداشته اند که واقعیت گواهی را که ذکر می‌کند تأیید می‌نماید.

**q**- چنین می‌نماید که این عبارت نقل قول ترکیبی از مز ۳:۴ (درباره اینکه دادگر رنجور حفاظت می‌شود) و خروج ۴:۶ و اعد ۱:۲۹ (درباره بره عید گذر) است: ر.ک ۱:۲۹.

**r**- ر.ک زک ۱:۱۰؛ کسی را که دوران مسیحیان را پایه گذاری می‌کند در خدمتگذاری بینوا و نیزه زده تشخیص می‌دهند (ر.ک ۱:۱۵-۱۴:۳؛ ۲:۱۲؛ ۲۸:۸؛ ۱۵:۱۴-۱۳:۳)؛ و این وضع منظره سعادت ایسانداران و داوری گناهکاران خواهد بود (ر.ک ۱:۷).

## شاگردان بر سر قبر

(متی ۱:۲۸؛ مرقس ۱:۱۶؛ ۸-۱:۱۰؛ لوقا ۱۲-۱:۲۴)

<sup>۱</sup> نخستین روز هفته، بامدادان <sup>۱۹:۲۰</sup> <sup>۷:۲۰</sup> وقتی که هنوز هوا تاریک بود، <sup>۱۰-۱:۲۸</sup> مرتی <sup>۸-۱:۱۶</sup> مریم مجده<sup>۱۱</sup>، به سر قبر آمد و دید که <sup>۱۲-۱:۲۴</sup> سنگ قبر برداشته شده است. <sup>۲</sup> پس دویده نزد شمعون پطرس و شاگرد دیگری <sup>۲۳:۱۳</sup> <sup>۱۵:۱۸</sup> که یسوع او را محبت می کرد <sup>۷:۱۷</sup> آمد و به آنان گفت: «خداؤند را از قبر برداشته اند و نمی دانیم<sup>۱۲</sup> اورا کجا گذاشته اند.» <sup>۳</sup> پس پطرس خارج شد، همچنین آن شاگرد دیگر و بر سر قبر آمدند. <sup>۴</sup> هردو با هم می دویدند اما آن شاگرد دیگر در جلو تندر از پطرس می دوید و نخست بر سر <sup>۲۴:۲۴</sup> <sup>۱۵:۱۸</sup> قبر آمد. <sup>۵</sup> خم شده نظر کرد که نوارها<sup>۱۳</sup> در آنجا مانده بود. با وجود این داخل نشد. <sup>۶</sup> سپس شمعون پطرس نیز که به دنبال او بود آمد و به درون قبر وارد شده دید که نوارها در آنجا صاف گذاشته شده است، <sup>۷</sup> همچنین دستمالی که بر سرش بود، نه با نوارها، بلکه جداگانه در جای دیگر پیچیده شده بود. <sup>۸</sup> پس آنگاه شاگرد دیگر

## خاکسپاری

(متی ۲۷:۶۱-۵۷؛ مرقس ۱۵:۴۲-۴۷؛ لوقا ۲۲:۵۶-۵۰)

<sup>۳۸</sup> پس از آن، یوسف اهل رامه که به سبب ترس از یهودیان، در پنهان شاگرد یسوع بود، از پیلاطس درخواست کرد بدن یسوع را بردارد. و پیلاطس اجازه داد، پس <sup>۶۱-۵۷:۲۷</sup> <sup>۴۷-۴۲:۱۵</sup> آمده بدنش را برداشت. <sup>۳۹</sup> نیقدیموس - همان کسی که در آغاز شبانه نزد یسوع آمده <sup>۵۵-۵۰:۲۳</sup> <sup>۱۳:۷</sup> <sup>۱۹:۲۰:۲۲:۹</sup> <sup>۹:۴۵</sup> <sup>۱۱:۲</sup> بود<sup>۴۰</sup> - نیز آمد، با خود مخلوطی از مر و عود آورده بود که قریب صد رطل بود<sup>۴۱</sup>. <sup>۴۰</sup> پس بدن یسوع را برداشته آن را به رسم خاکسپاری یهودیان با مواد خوشبو با پارچه بستند. <sup>۴۱</sup> در جایی که او مصلوب شده بود، باعی بود و در آن باع قیری تازه که هرگز کسی درون آن گذاشته نشده بود. <sup>۴۲</sup> به علت تهیه [عید] یهودیان، چون قبر نزدیک بود یسوع را همانجا گذاشتند.

۸- ر. ک ۱:۳؛ ۵۰:۷.

t- مر ماده صمعی خوشبوی است که برای معطر کردن مردگان بکار می رود (ر. ک مت ۱۱:۲)؛ ماده دیگری که ذکر شده عود است (امت ۷:۷؛ مر ۹:۴۵)؛ وزن مواد معطر که صد رطل تعیین شده برابر <sup>۳۲/۷۰۰</sup> کیلوگرم بوده است.

۱۱- ر. ک ۲۵:۱۹؛ در انجیل نظیر سخن از چندین زن است که در بین آنان همواره نام مریم مجده<sup>۱۱</sup> ذکر شده است (این زن اهل دهی در ساحل دریاچه طبریه بوده است، ر. ک مت ۱:۲۸؛ مر ۱:۱۶؛ لو ۱:۲۴؛ ۹:۱۰) او در جلیست حضور داشته (مت ۱۷:۵۶، ۱:۲۸؛ مر ۱۵:۴۰؛ ۴۷)؛ لوقا شاید اورا همان زن گناهکاری می داند که در خانه شمعون یسوع را با عطر تدهین کرده بود (لو ۲:۸).

۷- ر. ک ۱۳:۲۳ توضیح.

W- فعلی که در اینجا به صورت جمع آمده ممکن است اثرب از روایت قدیمی تری باشد که بر طبق آن چندین زن بر سر گور آمده بودند (ر. ک ۱۳:۲۰). مریم درباره خالی بودن گور توضیحی می دهد و شاید این توضیح در محاذف فلسطینیان تا اندازه ای مورد استقبال قرار گرفته بوده است.

X- کلمه یونانی othonia که در اینجا بکار برده شده ممکن است به معنی نوارها یا یک تکه کتان نسبتاً گرانبها باشد که برای کفن مردگان بکار می برند.

گذاشته‌اند.»<sup>۱۴</sup> این را گفت و چون روی برگرداند یسوع را دید که در آنجا ایستاده است. اما نمی‌دانست که او یسوع است.  
 ۱۵ یسوع به او گفت: «ای زن چرا گریه می‌کنی؟ که را می‌جوئی؟» چون<sup>۲</sup> قرن<sup>۳</sup> بـلو<sup>۴</sup> فـن<sup>۵</sup> پـس شـاگـرـدـان اـز آـنـجـا رـفـتـه به مـنـبـداـشت او باـغـبـان اـسـتـ بهـوـیـ گـفـتـ:  
 «خـداـونـدـا، اـگـرـ توـ اوـ رـاـ بـرـدهـ اـیـ بهـ منـ بـگـوـ وـیـ رـاـ کـجاـ گـذاـشـتـهـ اـیـ تـاـ اوـ رـاـ بـرـدـارـمـ.»  
 ۱۶ یـسـوعـ بـهـ اوـ گـفـتـ: «مـرـیـمـ!» وـ اوـ روـیـ برـگـرـدـانـدـهـ بـهـ عـبـرـیـ بـهـ وـیـ گـفـتـ: «رـبـوـنـیـ» مرـ۱۰:۵  
 (یـعنـیـ اـیـ اـسـتـادـ).<sup>۱۷</sup> یـسـوعـ بـهـ اوـ گـفـتـ:  
 «دـیـگـرـ مـرـاـ لـمـکـنـ<sup>d</sup> زـیرـاـ هـنـوزـ نـزـدـ پـدرـ  
 بالـاـ نـرـفـتـهـ اـمـ اـمـاـ نـزـدـ بـرـادـرـانـ بـرـوـ وـ بـهـ اـیـشـانـ مـزـ۲۲:۲۳؛  
 بـگـوـ: بـهـ سـوـیـ پـدرـ مـنـ وـ پـدرـ شـمـاـ، بـهـ سـوـیـ مـتـ۱۲:۴۹؛  
 خـدـایـ مـنـ وـ خـدـایـ شـمـاـ بـالـاـ مـیـ رـومـ.<sup>e</sup>» عـبرـ۱۱:۱۲؛  
 ۱۸ مـرـیـمـ مـجـدـلـیـهـ آـمـدـهـ بـهـ شـاـگـرـدـانـ نـوـیدـ دـادـ:  
 «مـنـ خـداـونـدـ رـاـ دـیدـمـ وـ بـهـ مـنـ چـنـینـ گـفـتـهـ  
 اـسـتـ.»

کـهـ نـخـسـتـ بـرـ سـرـ قـبـرـ آـمـدـهـ بـودـ بـهـ درـونـ  
 آـمـدـ وـ دـیدـ وـ اـیـمـانـ آـورـدـ.<sup>a</sup> زـیرـاـ هـنـوزـ  
 نـوـشـتـهـ مـقـدـسـ<sup>Z</sup> رـاـ درـکـ نـکـرـدـ بـودـنـدـ کـهـ  
 بـرـبـارـ آـنـ مـیـ بـایـسـتـ اـزـ مـیـانـ مـرـدـگـانـ  
 بـرـخـیـزـدـ.<sup>b</sup> ۱۰ پـسـ شـاـگـرـدـانـ اـزـ آـنـجـاـ رـفـتـهـ بـهـ  
 خـانـهـ خـودـ باـزـ گـشـتـنـدـ.

### مریم مجده خداوند را می‌بیند (مرقس ۱۶:۹-۱۱)

۱۱ مـرـیـمـ بـیـرونـ، نـزـدـیـکـ قـبـرـ اـیـسـتـادـهـ  
 مـیـ گـرـیـسـتـ. پـسـ هـمـانـ طـورـ گـرـیـانـ بـهـ سـوـیـ  
 عـبرـ۱۰:۱۴ قـبـرـ خـمـ شـدـ.<sup>c</sup> وـ دـیدـ کـهـ دـوـ فـرـشـتـهـ  
 سـپـیدـ پـوـشـ، درـجـایـیـ کـهـ بـدـنـ یـسـوعـ گـذاـشـتـهـ  
 شـدـهـ بـودـ نـشـسـتـهـ اـنـدـ، يـکـیـ نـزـدـیـکـ سـرـ وـ  
 دـیـگـرـیـ نـزـدـیـکـ پـاهـاـ.<sup>b</sup>

۱۳ وـ آـنـانـ بـهـ اوـ گـفـتـنـدـ: «ای زـنـ چـراـ گـرـیـهـ  
 مـیـ کـنـیـ؟» بـهـ آـنـانـ گـفـتـ: «خـداـونـدـ رـاـ  
 بـرـداـشـتـهـ اـنـدـ وـ نـمـیـ دـانـمـ اوـ رـاـ کـجاـ

y- این شـاـگـرـدـ بـرـخـالـفـ مـرـیـمـ مشـاهـدـهـ مـیـ کـنـدـ کـهـ درـ دـاخـلـ گـورـ خـالـیـ، بـارـجـهـ هـاـ باـ دـقـتـ تـاـ شـدـهـ اـسـتـ وـ مـتـوجهـ مـیـ شـوـدـ کـهـ بـدـنـ یـسـوعـ  
 رـاـ نـهـ دـزـدـیدـهـ وـ نـهـ بـهـ جـایـ دـیـگـرـ بـرـدهـ اـنـدـ بـلـکـهـ بـهـ وـسـیـلـهـ اـیـمـانـ دـوـبـارـهـ زـنـدـ شـدـنـ اوـ رـاـ درـمـیـ یـابـدـ.  
 z- باـ توـسلـ بـهـ نـوـشـتـهـ هـایـ مـقـدـسـ مـیـ تـوـانـ وـاقـعـهـ رـسـتـاخـیـزـ یـسـوعـ رـاـ دـرـکـ نـمـوـهـ وـ تـقـسـیـمـ کـرـدـ (رـ.کـ ۱- قـرنـ۱۵:۴؛ اـعـ۱۴:۲-۳؛  
 ۳۱-۲۴:۳؛ لـوـ۲۴:۳۷-۳۲؛ ۲۷:۲۴) .

a- تـرـجـمـهـ تـحـتـ الـفـظـیـ: بـرـیـاـ مـیـ اـیـسـتـادـ: آـنـکـهـ درـ خـوـابـ مـرـگـ دـرـازـ کـشـیدـ بـودـ بـرـیـاـ مـیـ اـیـسـتـدـ (آـدمـ زـنـدـ بـهـ حـالـ اـیـسـتـادـ اـسـتـ).  
 b- دـوـ فـرـشـتـهـ درـ دـوـ اـنـتـهـیـ سـکـوـیـ کـهـ جـسـدـ رـاـ بـرـ روـیـ آـنـ گـذاـشـتـهـ بـودـنـدـ نـشـسـتـهـ اـنـدـ. بـوـحـنـاـ اـیـنـ مـوـضـوـعـ رـاـ کـهـ جـزوـ رـوـایـاتـ اـنـاجـیـلـ  
 نـظـیرـ اـسـتـ حـفـظـ کـرـدـ بـدـونـ آـنـکـهـ دـرـبـارـهـ آـنـ تـوـضـیـحـ بـیـشـتـرـیـ بـدـهدـ (رـ.کـ مـتـ۲۸:۲؛ ۲۴:۵؛ لـوـ۱۶:۵؛ مـرـ۱۶:۵؛ دـرـبـارـهـ مـرـدـ جـوـانـیـ  
 سـخـنـ مـیـ گـوـیدـ).

c- رـ.کـ ۱۰:۵؛ چـونـ یـسـوعـ اوـ رـاـ بـهـ نـامـ مـیـ خـوانـدـ، مـرـیـمـ اوـ رـاـ مـیـ شـنـاسـدـ.  
 d- گـاهـیـ تـرـجـمـهـ مـیـ کـنـنـدـ: مـرـاـ نـگـهـ مـدـارـ. بـهـ هـرـصـورـتـ یـسـوعـ مـیـ خـواـهـدـ بـهـ مـرـیـمـ یـادـآـورـیـ کـنـدـ تـغـیـیرـاتـیـ کـهـ درـ اوـ اـیـجادـ مـیـ شـوـدـ بـهـ  
 منـظـورـ اـیـنـکـهـ بـهـ نـزـدـ پـدرـ بـرـودـ مـوـجـبـ اـیـجادـ نـوـعـ جـدـیدـ رـوـابـطـ خـواـهـدـ شـدـ (رـ.کـ ۱۶:۵؛ ۲۰:۲۳-۲۷؛ ۱۹:۲۸؛ ۱۴:۲۸).  
 e- تـاـ اـینـجـاـ هـرـوـقـتـ یـسـوعـ اـزـ خـدـاـ سـخـنـ مـیـ گـفـتـ کـلـمـهـ بـدـرـ رـاـ بـکـارـ مـیـ بـرـدـ وـلـیـ اـکـنـونـ درـ عـینـ اـیـنـکـهـ تـقاـوـتـ قـائـلـ مـیـ شـوـدـ بـرـایـ  
 نـخـسـتـیـنـ بـارـ اـزـ اـرـتـبـاطـ پـدرـ فـرـزـنـدـ خـدـاـ نـسـبـتـ بـهـ شـاـگـرـدـانـ سـخـنـ گـفـتـهـ وـ آـنـانـ رـاـ بـرـادـرـانـ خـوـدـ مـیـ نـاـمـدـ (مـتـ۱۰:۲۸؛  
 اـیـنـ عـبـارـاتـ کـهـ مـورـدـ پـذـيرـتـنـ بـهـ فـرـزـنـدـ بـیـانـ مـیـ شـوـدـ اـزـ عـهـدـ وـ بـیـمـانـ جـدـیدـ بـیـادـ شـدـهـ کـهـ شـاـگـرـدـانـ بـهـ سـبـبـ پـیـوـسـتـگـیـ بـاـ یـسـوعـ  
 کـهـ درـ شـکـوـهـ پـدرـ وـارـدـ شـدـهـ درـ عـهـدـ جـدـیدـ سـهـیـمـ هـسـتـدـ (۱۲:۱- یـوـ۳:۲).

## شهادت شاگردان و ایمان

<sup>۱۴:۱۶؛ ۱۴:۱۱؛ ۵:۵؛ ۲:۲۱</sup> توما یکی از دوازده تن، مشهور به

<sup>m</sup> وقتی یسوع آمد با آنان

<sup>۱۹:۳۴؛ ۱۹:۲۰</sup> دیگر شاگردان به او می گفتند:

<sup>۱۹:۲۰؛ ۱۹:۲۱</sup> «ما خداوند را دیده‌ایم!» اما به آنان

<sup>۱:۹؛ ۱:۱</sup> گفت: «اگر در دستهای او جای میخهارا

نبینم، اگر انگشت خود را در جای میخهارا

فرو نیرم و اگر دست خود را پهلویش

نگذارم، یقین نخواهم کرد.» <sup>n</sup> ۲۶ هشت روز

بعد باز شاگردان در درون بودند و توما با

آنان درها بسته بود که یسوع وارد شد و در

میان آنان قرار گرفت و گفت: «آرامش بر

شما باد!» <sup>۲۷</sup> سپس به توما گفت:

<sup>۱۹:۲۰؛ ۲۰:۲۰</sup> «انگشت خود را اینجا جلو ببایور، این

<sup>۱۹:۱۶؛ ۲۵:۲۰</sup> دستهای من است. دست خود را جلو ببایور

<sup>۲۵:۲۴</sup> و در پهلوی من بگذار. بی ایمان مباش، بل

## شاگردان خداوند را می‌بینند

(متی ۲۸:۱۶-۲۰ - مرقس ۱۶:۱۴-۱۸)

لوقا ۴۹-۳۶: ۲۴

<sup>۱۹:۲۷؛ ۱۹:۱۴</sup> شامگاه همان روز که نخستین روز

<sup>۱۹:۱۸-۱۹:۱۶</sup> هفته بود <sup>f</sup> از ترس یهودیان، شاگردان در

<sup>۱۹:۳۶؛ ۲۴</sup> مکانی در بسته بودند که یسوع آمد <sup>g</sup> و در

<sup>۱:۱۱؛ ۱:۱۵</sup> میان ایستاده به آنان گفت: «آرامش بر شما

<sup>۲:۲۲؛ ۱:۱۶</sup> باد!» <sup>۲۰</sup> و این را گفته، دستها و پهلویش را

<sup>۳:۳۴؛ ۱:۱۹</sup> به آنان نشان داد. <sup>h</sup> پس شاگردان به دیدن

<sup>۲:۲۷؛ ۲:۲۵؛ ۲:۰</sup> خداوند شاد شدند. <sup>i</sup> <sup>۲۱</sup> پس باز به آنان

<sup>۱:۱۶؛ ۱:۲۴</sup> گفت: «آرامش بر شما باد! همچنان که

<sup>۱:۱۷؛ ۱:۲۸</sup> پدر مرا فرستاد من نیز شما را می فرستم. <sup>j</sup>

<sup>۱:۱۵؛ ۱:۱۶</sup> <sup>۱:۲۴-۴۷؛ ۲:۴</sup> <sup>۲۲</sup> این را گفته، دمید <sup>k</sup> و به آنان گفت:

<sup>۱:۳۹؛ ۱:۳۹؛ ۷</sup> <sup>۷:۱؛ ۷:۲</sup> «روح القدس را دریافت دارید. <sup>۲۳</sup> گناهان

<sup>۹:۳۷</sup> حکم <sup>۹:۱؛ ۱:۱۵</sup> کسانی را که بخشید بر ایشان بخشیده

<sup>۱:۴۵؛ ۱:۱۵</sup> خواهد شد و بر کسانی که باقی بگذارید

<sup>۱:۱۶؛ ۱:۱۶</sup> مت <sup>۱:۱۷</sup> باقی خواهد ماند! <sup>۱:۱۸</sup>

- وقتی شاگردان در شب نخستین روز هفته به دور هم گرد آمده اند احساس می شود که مسیح در میان آنان حاضر است (شاید در اینجا منتظر اشاره ای به جلسات روز یکشنبه مسیحیان است).

<sup>g</sup> - در مورد علت ترس از یهودیان ر. ک ۴:۲۲؛ ۹:۱؛ ۱۹:۱؛ ۲:۲؛ ۲:۱۶ مسیح برخاسته از مرگ می آید و در میان کسان خود جای می گیرد و آنان را دادم همراهی کرده و راهنمایی خواهد نمود (ر. ک ۳:۳؛ ۱:۱۴؛ ۱:۱۸؛ ۱:۱۶).

<sup>h</sup> - آنچه لوقا در ۳۹:۲۴ ذکر کرده جنبه ستایشی دارد: در صورتی که در اینجا یادآوری و تأکید می شود که بین یسوع که مصائب را تحمل کرده و آن که همواره با ایشان خواهد بود تداوم وجود دارد (ر. ک عبر ۱۸:۲)، خداوند شکوهمند کلیسا کسی جز یسوع مصلوب نیست.

<sup>i</sup> - دیدار با مسیح برخاسته از مرگ سرجشمه شادی است (ر. ک ۱:۱۵؛ ۱:۱۷؛ ۲:۲۰؛ ۲:۲۴-۲:۲۰؛ ۱:۱۳؛ ۱:۱۷؛ ۲:۸؛ ۲:۸؛ ۱:۱۷؛ ۲:۲۴؛ ۱:۲۰-۲:۲۰؛ ۵:۲؛ ۴:۱؛ ۲:۲۴).

<sup>j</sup> - رسالت شاگردان پس از صعود پسر به آسمان آغاز می شود: ر. ک ۱:۱۴؛ ۱:۱۲؛ ۱:۱۰ و لی میانا و سرجشمه آن مجموعه رسالت یسوع است (۷:۹-۱۷:۱۷).

<sup>k</sup> - فعل یونانی که در اینجا آمده یادآوری و تأکید نماید (ر. ک ۴:۳۸-۳:۴؛ ۲:۳) و چنین القا می کند که خلفت جدید و رستاخیزی واقعی می باشد (خرق ۹:۹؛ روم ۱۷:۴؛ ۱۷:۹). روح القدس نیروی نجات بخشی خواهد بود که شاگردان در همیستگی با

یسوع متجلی خواهد کرد (ر. ک ۱:۱۵؛ ۲:۷-۲:۶؛ ۱:۱۷؛ ۱:۱۷-۱:۱۷).

<sup>l</sup> - یوحنا عبارتی را که در روایات دیگر آمده است (ر. ک مت ۱:۱۶ و ۱:۱۸) در روایت خود می آورد و بایستی مفهوم آن را تا حد آمکان با توجه به نظریات خداشناسی خود او درک کرد: بدین معنی که شاگردان در تداوم و انتشار رسالت یسوع در جهان گناهان را بخشیده با باقی خواهند گذاشت. بنابر روایات کاتولیک و ارتدکس، قدرت بخشایش گناهان به اعضای گروه رسولان داده شده است که در همیستگی با یسوع مأموریت رسالت دارند (۱۷-۱۵:۲۱). بنابر روایات پروتستان این قدرت و مأموریت رسالت به تمام شاگردان یعنی به همه ایمانداران در همه دورانها اعطای گردیده است (ر. ک ۲:۱۷؛ ۲:۲۰ توضیح ۵) و تنها به پطرس (مت ۱:۱۶) یا هر انجمن کهانی دیگری داده نشده است (لو ۴:۲۴؛ ۳:۶)؛ مردمان با شنیدن گواهی آنان ایمان خواهند اورد (گناهانشان بخشیده خواهد شد) یا دچار لغزش می شوند (خودشان درباره خود داوری خواهند کرد و گناهانشان باقی خواهد ماند).

<sup>m</sup> - ر. ک ۱:۱۱؛ ۱:۱۶؛ ۵:۱؛ ۲:۲۱.

<sup>n</sup> - ر. ک ۱:۱۴؛ ۲:۷؛ ۲۷:۱۴ توضیح ۱:۱۹؛ ۲:۰.

جلیل، پسران زبدی و دو تن دیگر از شاگردانش با هم بودند.<sup>۳</sup> شمعون پطرس به آنان گفت: «برای صید [ماهی] می‌روم.» به او گفتند: «ما نیز به همراه تو می‌آئیم.» به راه افتاده سوار قایق شدند و در آن شب لو<sup>۵</sup>:۵ چیزی نگرفتند.<sup>۴</sup> چون صبح شد، یسوع در ساحل ایستاده بود. با وجود این شاگردان نمی‌دانستند که او یسوع است.<sup>۵</sup> پس یسوع به آنان گفت: «بچه‌ها آیا چیزی برای خوردن دارید؟» به او پاسخ دادند: «خیر!»<sup>۶</sup> به آنان گفت: «تور را به طرف لو<sup>۷</sup>:۲۴ راست قایق بیندازید و خواهید یافت.»<sup>۷</sup> لو<sup>۷</sup>:۵ پس انداختند و به سبب زیادی ماهی‌ها، دیگر توان کشیدن آن را نداشتند. آن شاگردی که یسوع او را محبت می‌کرد به پطرس می‌گوید: «این خداوند است!»<sup>۸</sup> پس شمعون که شنید او خداوند است،<sup>۹</sup> لنگی به کمر بست - زیرا برهنه بود - و به مت<sup>۱۰</sup>:۲۰ دریا پرید.<sup>۷</sup> شاگردان دیگر با قایق آمدند زیرا از خشکی زیاد دور نبودند، مگر قریب

ایمان آور.»<sup>۱۱</sup> توما به وی پاسخ داد: «ای خداوند من و ای خدای من!<sup>۱۰</sup>»<sup>۱۲</sup> یسوع به وی گفت: «چون مرا می‌بینی ایمان می‌آوری، خوش آن کسانی که ندیده‌اند و ۱-پطر<sup>۱۳</sup>:۴ آیمان آورده‌اند.»<sup>۱۴</sup>

## هدف نویسنده انجیل

<sup>۱۵</sup>:۲۱ یسوع در برابر شاگردانش بسیار نشانه‌های دیگر به انجام آورد<sup>۹</sup> که در این کتاب نوشته نشده است،<sup>۱۳</sup> اما آنها که نوشته شدند برای آن است تا ایمان آورید<sup>۱۴</sup> که یسوع، مسیح و پسر خداست و ایمان ۱-یو<sup>۱۵</sup>:۳ آورده در نام<sup>۵</sup> او زندگانی داشته باشد.

## پیوست.

### ظاهر شدن در کنار دریاچه

<sup>۱۶</sup>:۱۴ ۲۱ پس از آن<sup>۱</sup> یسوع باز در ساحل دریای طبریه خود را به شاگردان چنین نمایان کرد.<sup>۱۰</sup> شمعون پطرس، توما مشهور به «دیدیموس»، ننتائیل از قنانی مت<sup>۱۷</sup>:۲۶-۲۷ می‌گفت: «دیدیموس، ننتائیل از قنانی

۰- در این بیان ایمان که آخرین بیان ایمان در انجیل است عنوانین خداوند و خدا در یک جا آمده است (ر. ک<sup>۱</sup>:۱۸، ر. ک<sup>۱</sup>:۱)،<sup>۱۸</sup> شاید انعکاس هلهله و فریادی است که در تبیاش اظهار می‌شده است.  
۱- از این پس ایمان برمنای دیدن نیست بلکه برمنای گواهی ایمان، مسیحیان با مسیح برخاسته از مرگ در همبستگی عمیق هستند (۲۰:۱۷).

۲- شکی نیست که این قسمت (آیات ۳۲، ۳۱) پایان و نتیجه گیری انجیل بوده و یوحنا اظهار می‌کند منظور و هدف او از نوشت

۳- منظور پیشرفت در امر ایمان است در مورد کسانی که به جمیعت ایمانداران تعلق دارند؛ ولی ممکن است قصد و منظور پیشرفت در امر رسالت باشد.

۴- ایمان، اساساً درباره شناختن یسوع به عنوان پسر خدا و رسالت مسیحایی او است، به کسانی که به او ایمان می‌آورند در همبستگی با او زندگی جاودایی می‌دهد (ر. ک<sup>۱۶</sup>:۱۶-۱۷ و غیره).

۵- آخرین باب انجیل که پس از آیات ۲۰-۳۰ قرار گرفته به صورت ضمیمه‌ای بشمار می‌رود، در مورد منبع و منشأ این ضمیمه بحث و تردید وجود دارد زیرا در کنار قرائین ادبی که مختص یوحنا است عبارات و نظریات نسبتاً خاصی آمده است. می‌توان تصور کرد این ضمیمه را شاگردان انجیل نگار انشاء کرده‌اند و شاید همان شاگردانی که دو آیه قبلی را نوشته‌اند و به هر صورت آیات مذکور مسلماً به انجیل ضمیمه شده‌اند.

۶- این قسمت را می‌توان با روایت صید معجزه آمیز لو<sup>۱۱</sup>:۱ در آغاز رسالت در جلیل مقایسه کرد.

۷- نظری آیات ۱۰-۱۱ شاگردی که یسوع به او محبت داشته (و نمونه شاگردان واقعی است) اولین کسی است که خداوند را شناخته و به پطرس اطلاع می‌دهد که به عجله می‌آید.

## وظیفه شبانی پطرس

<sup>۱۵</sup> پس از خوردن غذا، یسوع به شمعون پطرس گفت<sup>Z</sup>: «شمعون [پسر] یوحنا، آیا مرا بیش از اینها محبت می کنی؟» به او گفت: «آری خداوندا، می دانی که تو را دوست دارم.<sup>a</sup>» به او گفت: «بره های مرا بچران.<sup>b</sup>» <sup>۱۶</sup> باز بار دوم به او گفت: «شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا محبت می کنی؟» به او گفت: «آری خداوندا، می دانی که تو را دوست دارم.» [یسوع] به او گفت: «گوسفندان مرا شبانی کن.<sup>c</sup>» <sup>۱۷</sup> بار سوم به او گفت: «شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا دوست داری؟» پطرس غمگین شد از اینکه بار سوم پرسیده بود آیا مرا دوست داری، و به او گفت: «خداوندا تو از همه چیز آگاهی. می دانی که تو را دوست دارم.» یسوع به او گفت: «گوسفندان مرا بچران. <sup>۱۸</sup> آمین، آمین، به

به دویست زراع<sup>w</sup> و تور ماهیان را می کشیدند. <sup>۹</sup> پس چون به خشکی پیاده شدند نگاه کردند در آنجا آتشی افروخته بود و بر آن ماهی ها، و نان. <sup>۱۰</sup> یسوع به آنان گفت: «از آن ماهی ها که هم اکنون گرفته اید بیاورید.» <sup>۱۱</sup> پس شمعون پطرس سوار قایق شده تور پر از ماهیان بزرگ را لوح<sup>x</sup> به خشکی کشید: صد و پنجاه و سه! و با وجود آن همه تور شکافته نشد.<sup>y</sup> <sup>۱۲</sup> یسوع به آنان گفت: «بیائید غذائی بخورید.» هیچ یک از شاگردان جرأت نمی کرد از او بپرسد: «تو کیستی؟» درحالی که می دانستند او خداوند است. <sup>۱۳</sup> یسوع نزدیک آمده نان را گرفته به آنان داد و همچنین ماهی را.<sup>۱۴</sup> این بار سوم بود که یسوع قیام کرده از میان مردگان، خود را به شاگردان نمایان کرد.

<sup>w</sup>- اندکی کمتر از یکصد مت.

<sup>x</sup>- ممکن است منظور یوحنا از این نکته اشاره به کلیسا باشد بدین معنی که شاگردان به دستور مسیح برخاسته از مرگ عمل کرده و دست بکار می شوند و برخلاف انتظار از هر طرف جمعیتی واحد و متحده گرد هم می آورند (یوحنا برخلاف لوقا یادآوری و تأکید می کند که تور ماهیگیری پاره نشد [و شاید پاره شدن تور هم اشاره ای به جدایی و تفرقه باشد]). در مورد عدد ۱۵۳ منظور و جنبه اشاره ای این رقم روشن نیست. به نظر زروم قویس، علمای علوم طبیعی دنیا مسیح ماهیان را به ۱۵۳ نوع تقسیم می کرند: بدین ترتیب تور ماهیگیری رسولان بایستی تمام خانواده های بشریت را در کلیسای واحدی گرد آورند (ر. ک مت ۴۷:۱۳-۵۰).

<sup>y</sup>- ممکن است اشاره ای به صرف غذای سپاسگزاری باشد (ر. ک ۱۳:۱-۶): شاگردان دعوت شده اند و در غذایی که خداوند برپایخاسته از مرگ به آنان می دهد شرکت می کنند.

<sup>z</sup>- شکی نیست که تکرار این سخنان یادآور اطهارات تند پطرس (۳۷:۱۳؛ متر ۳۵-۳۰؛ مر ۱۴:۲۶؛ لوح ۳۱:۲۲؛ ۳۴-۳۱) و سه بار انکار کردن او است (۳۸:۱۲؛ ۱۷:۱۸؛ ۳۷:۱۳).

<sup>a</sup>- پطرس محبت خود را اعتراف می کند بدون اینکه ادعا داشته باشد که در این امر بیش از دیگران است، ضمناً یادآوری می نماید که مسیح از دلها آگاه است.

<sup>b</sup>- یسوع در عین حال فرستاده پدر و شبان منحصر به فرد است (ر. ک ۱۶:۱۰؛ لوح ۳۲:۱۶-۱۴ توضیح a)، بر مبنای محبت واقعی که پطرس اظهار و اعتراف کرده است وظیفه شبانی گله خود را به او وگزار می کند (ر. ک ۱۰:۱؛ ۱۶:۱). به همان گونه که مأموریت رسالت مفهومی ندارد مگر اینکه در پیوستگی با رسالت «پسر» مجسم باشد (۲۱:۲۰؛ ۱۷:۱۷)، به همان گونه وظیفه شبانی به وظیفه شبانی یسوع پیوستگی دارد (مت ۶:۱؛ اع ۲۰:۲۸؛ ۱-۴ پطر ۵:۱-۴) در اینجا چنین می نماید که محبت به مسیح شرط چنین وظیفه ای است و روح این وظیفه خواهد بود و در روایات کاتولیک با توجه و اتكاء به این متن به تدریج نظریه وظیفه رسالت مجمع رسولان و پاپ که رئیس این مجمع است ایجاد شده است (ر. ک مت ۱۶:۱۶-۱۷؛ لوح ۳۲:۲۲-۳۱).

<sup>c</sup>- تفاوتی که در واژه ها وجود دارد چندان اهمیتی نداشته و فقط به منظور زیبایی انشاء و نگارش است.

یسوع گفت: «خداوندا برای او چه [خواهد شد]؟»<sup>۲۲</sup> یسوع به او گفت: «اگر می خواهم تازمانی که می آیم<sup>e</sup> او بماند تو را چه؟ تو به دنبال من بیا.<sup>f</sup>»<sup>۲۳</sup> پس این حرف بین برادران شایع شد که: «این شاگرد نمی میرد.» اما یسوع به پطرس نگفته بود: «او نمی میرد.» بلکه: «اگر می خواهم تازمانی که بیایم او بماند تو را چه؟»<sup>g</sup>

<sup>۲۴</sup> این همان شاگردی است که درباره اینها شهادت می دهد و آنها را نوشته است<sup>۲۷:۱۵</sup> یو<sup>۳:۱۶</sup> و ما می دانیم که شهادت او حقیقی است.<sup>h</sup>  
<sup>۲۵</sup> همچنین بسیاری چیزهای دیگر یسوع کرده است که اگر یکایک آنها را می نوشتند به گمانم کتابهایی که از آنها نوشته می شد جهان گنجایش آنها را نداشت.<sup>i</sup>

تو می گویم وقتی جوان تر بودی، خودت کمر مت<sup>۱۴:۱۱:۲۱</sup> خود را می بستی و به هر جا که می خواستی قدم بر می داشتی. اما وقتی پیر شدی، دستها را دراز خواهی کرد و دیگری کمر تو را خواهد بست و تو را به جایی خواهد برد که نمی خواهی.<sup>j</sup><sup>۱۹</sup> این را گفت تا نشان بدهد [پطرس] خدا را با چه مرگی شکوه خواهد داد.<sup>k</sup> این را گفته به او گفت: «به دنبال من بیا.»

**شاگرد محبوب یسوع و گواهی او**  
<sup>۲۰</sup> پطرس سر برگردانده آن شاگرد دیگر را که یسوع وی را محبت می کرد دید که به دنبال ایشان می آید - همانی که در سر شام به سینه اش تکیه داشت و گفته بود: «خداوندا کیست آن کس که تو را تسلیم می کند؟» - <sup>۲۱</sup> پس پطرس با دیدن او به

d- به خوبی روش است که نویسنده، این باب را پس از مرگ پطرس نوشته است. او می داند که زندگانی پطرس با شکنجه ای به پایان رسیده که در اینجا یسوع اعلام می کند. به نظر نویسنده این باب، و حتی اگر یوحنا نویسنده این باب باشد (ر.ک ۳۶:۱۳ توضیح<sup>s</sup>) آیه ۱۳ هستمَا اشاره به مرگ پطرس است: و بدین گونه خواهد توانست خدا را شکوهمند سازد. دراز کردن دستها ممکن است اشاره به مصلوب شدن باشد.

e- یعنی تا بازآمدن مسیح؛ ر.ک به عبارتی که در پایان مراسم سپاسگزاری است (۱-قرن ۱۱:۲۶) و کتاب مکافه هم با این عبارت پایان می باید (مکا ۲۲:۷، ۱۲، ۱۷).

f- این عبارت مبهم و مرמז است و مفهوم آن به دشواری درک می شود. می توان چنین دریافت که پطرس باید بدون اینکه به آنچه تصریح نشده توجه نماید رسالت خود را تعقیب کند. همچنین می توان تصور کرد که شاگرد محبوب یسوع که بهتر از هر کس دیگر به راز یسوع آشنا است همچنان حضور خود را در کلیسا ادامه خواهد داد به وسیله گواهی که در این کتاب ثبت شده است.

g- در تعدادی از نسخه های خطی کلمات «تورا چه؟» وجود ندارد.

h- جمعیت مسیحیان که این نوشته را جمع آوری کرده به خوبی می داند که گواهی دائمی و واقعی شاگرد محبوب یسوع است. لازم به یادآوری است تنها در باب ۲۱ ذکر شده که شاگرد محبوب همان گواهی است که جمعیت مسیحیان وابسته به یوحنا به او وابسته است؛ با وجود این به ۳۵:۱۹ توضیح<sup>q</sup> مراجعت نمایید.

i- این آیه در تعداد زیادی از نسخه های خطی حذف شده است. مدرک نوشته موجود نمی تواند تمام فعالیت های یسوع را ذکر کرده و روشن نماید و بنابراین ما را به خود مسیح احواله می کند.